

جزوه حقوق تجارت ۲ (شرکت های تجاری)

پدید آورنده: دکتر مهدی رحمانی منشادی

مدرس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری



حقوق تجارت چهارگانه دوره کارشناسی حقوق

حقوق تجارت ۱ - (اشخاص)

کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری

حقوق تجارت ۲ - (شرکت ها)

شرکتهای تجاری : شرکتهای سهامی عام و خاص، مسئولیت محدود، تضامنی

حقوق تجارت ۳ - (اسناد تجاری)

برات، سفته، قبض انبار، اسناد رد وجه حامل و چک

حقوق تجارت ۴ - (ورشکستگی)

ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته



فصل اول : تاجر

مبحث اول : تاجر (تعریف و شرایط)

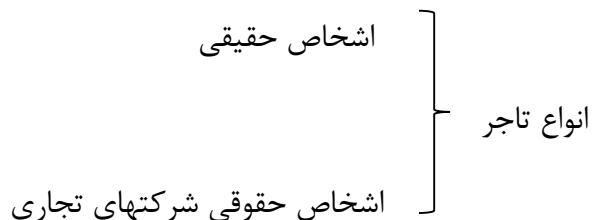
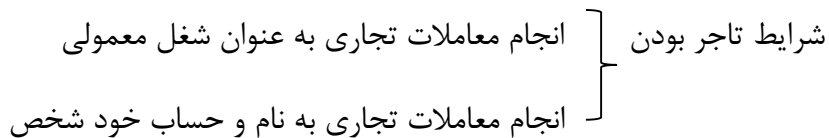
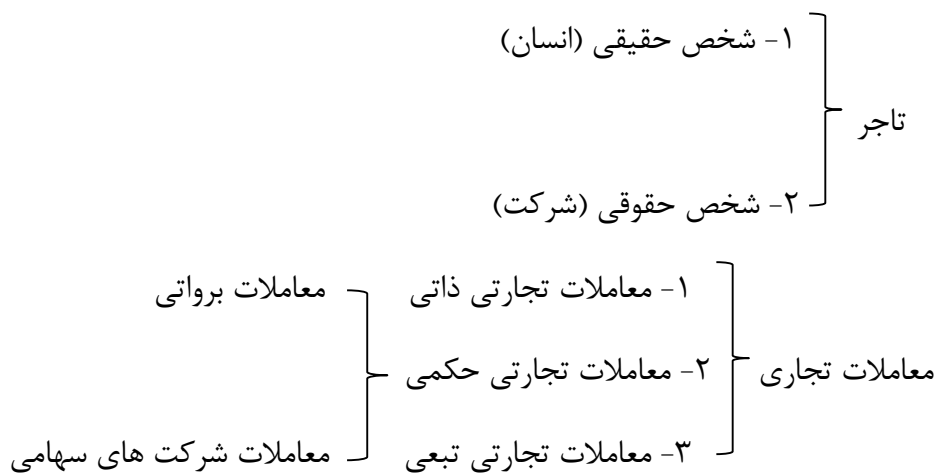
تاجر کیست؟ تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

نکته : منظور از شغل معمولی تکرار عمل نیست و صرف تکرار عمل سبب تاجر تلقی شدن شخص نمی شود بلکه منظور از شغل معمولی این است که هدف از آن شغل و فعالیت امرار معاش باشد.

از قانون تجارت

باب اول - تاجر و معاملات تجاری

ماده ۱ قانون تجارت - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.



- اشخاص حقوقی شرکتهای تجاری
- ۱- شکلاً تجاری^۱ - شرکت سهامی
- ۲- موضوعاً تجاری^۲ - شرکتهای با مسئولیت محدود، شرکتهای تضامنی، شرکتهای نسبی، شرکتهای تعاونی، شرکتهای مختلط

توضیحات مواد قانونی

ماده ۱ قانون تجارت: تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

توضیحات ماده ۱ قانون تجارت:

۱- معامله تجاری: در تعریف معامله‌ی تجاری، چنین مطرح شده است که: «هر معامله که به قصد استریاح (= سود بردن) باشد ولو آنکه معامله کننده تاجر نباشد». [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد پنجم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸] و [محمدجعفر جعفری لنگرودی. وسیط در ترمینولوژی حقوق. چاپ ۳. گنج دانش، ۱۳۸۹]

۲- به نظر برخی حقوقدانان، تعریف تاجر در ماده ۱ قانون تجارت، فقط ناظر به اشخاص حقیقی بوده و شخصیت‌های حقوقی را دربر نمی‌گیرد. [ناصر کاتوزیان. مجموعه مقالات تحولات حقوق خصوصی. چاپ ۴. دانشگاه تهران، ۱۳۸۱]. نکته‌ی دیگر آن که شغل موضوع این ماده ۱ قانون تجارت را، باید عبارت از پیشه، حرفه و صنعتی دانست که اشخاص، به‌طور روزانه انجام داده؛ تا از این طریق درآمدی به دست آورده و امور معیشتی خود را تأمین نمایند. بنابراین، کار تفریحی و تفریحی را نمی‌توان شغل محسوب نمود، حتی اگر زمان زیادی را به خود اختصاص دهد. در شغل، شخص خود را موظف به ادامه آن می‌داند. اما در صورت عدم انجام، زیان و خسارتی به وی وارد نمی‌گردد. اگر هم متحمل زیان شود؛ انتظار آن را نداشته؛ و از ابتدا، نسبت به کسب درآمد امیدوار بوده‌است. شغل تداوم داشته و امری است معلوم و معین. شایان ذکر است که تجارت، شغل انحصاری یک تاجر محسوب نمی‌گردد و او می‌تواند علاوه بر فعالیت‌های تجاری، از طریق اشتغال به امور غیربازرگانی نیز، درآمد کسب نماید. مانند کارمندان دولت، که در غیر ساعات اداری، می‌توانند مبادرت به تجارت نمایند. [اسیدجلال الدین مدنی. حقوق تجارت (جلد اول) (تجارت سنتی، تجارت

۱. شرکت‌های شکلاً تجاری: شرکت‌های که صرفنظر از نوع فعالیت آنها، همین که در قالب معین شده در قانون، تشکیل شوند تجاری هستند چه عملیاتشان تجاری باشد و چه نباشد (ماده ۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت) که فقط شرکت‌های سهامی جزء این دسته‌اند.

ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب میشود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.
۲. شرکت‌های موضوعاً تجاری: شرکتهایی که شرط تجاری بودن آنها، انجام عملیات تجاری است. شرکت‌های تضامنی، نسبی، با مسئولیت محدود، مختلط و شرکت‌های تعاونی جزء این دسته‌اند.



الکترونیکی، سوابق حقوق تجارت و جایگاه آن، شرایط اشتغال به تجارت، اشخاص حقیقی و حقوقی در تجارت و مشخصات آنان، معاملات و قراردادهای تجاری، دفاتر و اسناد تجاری، اسم و علائم تجاری). چاپ ۱. پایدار، ۱۳۹۱]. در نهایت، ذکر این نکته ضرورت دارد که از آنجایی که ماده ۸۵ و ۸۶ قانون امور حسبی اجازه اشتغال مشروط محجورین را صادر کرده است، محجورین هم در شرایطی می‌توانند تاجر قلمداد شوند. [دکتر ربیعا اسکینی، حقوق تجارت: کلیات، ص ۱۱۰]. اما نظر نزدیکتر به روح قانون تجارت، عدم اهلیت تجاری مطلق محجورین است.

۳- نکات توصیفی ماده ۱ قانون تجارت

- ۱) تعریف "تاجر" بر اساس شغل معمولی او که شامل معاملات تجاری می‌شود.
 - ۲) تاجر بودن وابسته به انجام معاملات تجاری به صورت حرفه‌ای است.
 - ۳) انجام معاملات تجاری باید به عنوان شغل اصلی و معمولی شخص در نظر گرفته شود.
 - ۴) تمرکز بر روی معاملات تجاری برای تعریف تاجر اهمیت دارد.
 - ۵) شغل معمولی نقش کلیدی در تعیین طبقه‌بندی یک فرد به عنوان تاجر دارد.
 - ۶) قانون به طور ضمنی به تداوم و حرفه‌ای بودن در معاملات تجاری اشاره می‌کند.
- ۴- به موجب رأی اصراری شماره ۲۸۷۳ مورخه ۹/۱۲/۱۳۳۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور محجورین، به دلیل فقدان اهلیت جهت تجارت، حتی در صورت مباشرت در امور تجاری، تاجر محسوب نمی‌گردند. [فرشید فرحناکیان. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. چاپ ۲. میزان، ۱۳۸۸].

۵- به موجب نظریه مشورتی شماره ۲۱۴ مورخه ۵/۲/۱۳۶۳ اداره حقوقی قوه قضاییه، «نظر به ماده ۱ قانون تجارت، و صدر بند ۷ ماده ۲ آن قانون، دایره بر تاجر بودن هر بانکی، که عملیات تجاری انجام می‌دهد؛ و تجاری بودن عملیات بانکی، و توجه به فصل سوم از قانون پولی و بانکی کشور، که نحوه تأسیس و اداره بانک‌ها را، به صورت شرکت سهامی تعیین کرده؛ و همچنین راجع به ورشکستگی بانک‌ها، که از اوصاف خاصه شرکت‌های تجاری می‌باشد؛ مقرراتی پیش بینی نموده است؛ لذا چنانچه بر علیه بانک، وفق مقررات مؤجر و مستأجر، دعوای تخلیه طرح شود؛ بانک حق مطالبه حق کسب و پیشه مورد اجاره خود را، برای محل بانک خواهد داشت».

۶- برخی محاکم مدیران و مدیران عامل شرکت را به مناسبت فعالیتی که در شرکت دارند، تاجر تلقی می‌کنند. برای مثال شعب ۵۲ و ۲۹ دادگاه تجدیدنظر تهران در دادنامه‌های شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۷۰۵ [عنوان: طرح دعوای اعسار از سوی مدیرعامل

شرکت تجاری - پیام: مدیرعامل شرکت تجاری به واسطه فعالیت خود به عنوان مدیرعامل، تاجر محسوب می‌شود بنابراین



دادخواست اعسار از وی پذیرفته نمی‌شود. سامانه ملی آرای قضائی [و ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۰۸۸۹ [عنوان: میزان تبعیت دادگاه تجدیدنظر از دیوان عالی کشور در موضوع صلاحیت - پیام: طرح دعوای اعسار از سوی مدیرعامل شرکت که تاجر محسوب می‌شود، فاقد وجهت قانونی است. سامانه ملی آرای قضائی] بر این نظر بوده‌اند. درحالی‌که دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۰۷۷۶ [عنوان: درخواست ورشکستگی مدیران شرکت‌های تجاری - پیام: مدیران شرکت‌های تجاری به اعتبار مدیریت آن‌ها در شرکت تاجر محسوب نمی‌شوند و نمی‌توان حکم ورشکستگی آنها را صادر نمود. سامانه ملی آرای قضائی] مدیران شرکت را به علت اینکه فعالیت تجاری آن‌ها از جانب شرکت بوده، تاجر تلقی نکرده‌است. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بر این نظر که انطباق بیشتری با حقوق تجارت دارد است. [نظریه شماره ۴۸۶۹/۸ مورخ ۸۶/۷/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه.]



مبحث دوم : اعمال تجارتي

اعمال تجاري ذاتي

ماده ۲ قانون تجارت - معاملات تجارتي از قرار ذيل است :

(۱) خريد يا تحصيل هر نوع مال منقول به قصد فروش يا اجاره اعم از اينکه تصرفاتي در آن شده يا نشده باشد.

(۲) تصدي به حمل و نقل از راه خشكي يا آب يا هوا به هر نحوي که باشد.

(۳) هر قسم عمليات دلالي يا حق العمل کاري کميسيون) و يا عاملي و همچنين تصدي به هر نوع تاسيساتي که براي انجام بعضي امور ايجاد ميشود از قبيل تسهيل معاملات ملکي يا پيدا کردن خدمه يا تهيه و رسانيدن ملزومات و غيره

(۴) تاسيس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اينکه براي رفع حوائج شخصي نباشد.

(۵) تصدي به عمليات حراجي

(۶) تصدي به هر قسم نمايشگاه هاي عمومي

(۷) هر قسم عمليات صرافي و بانکي

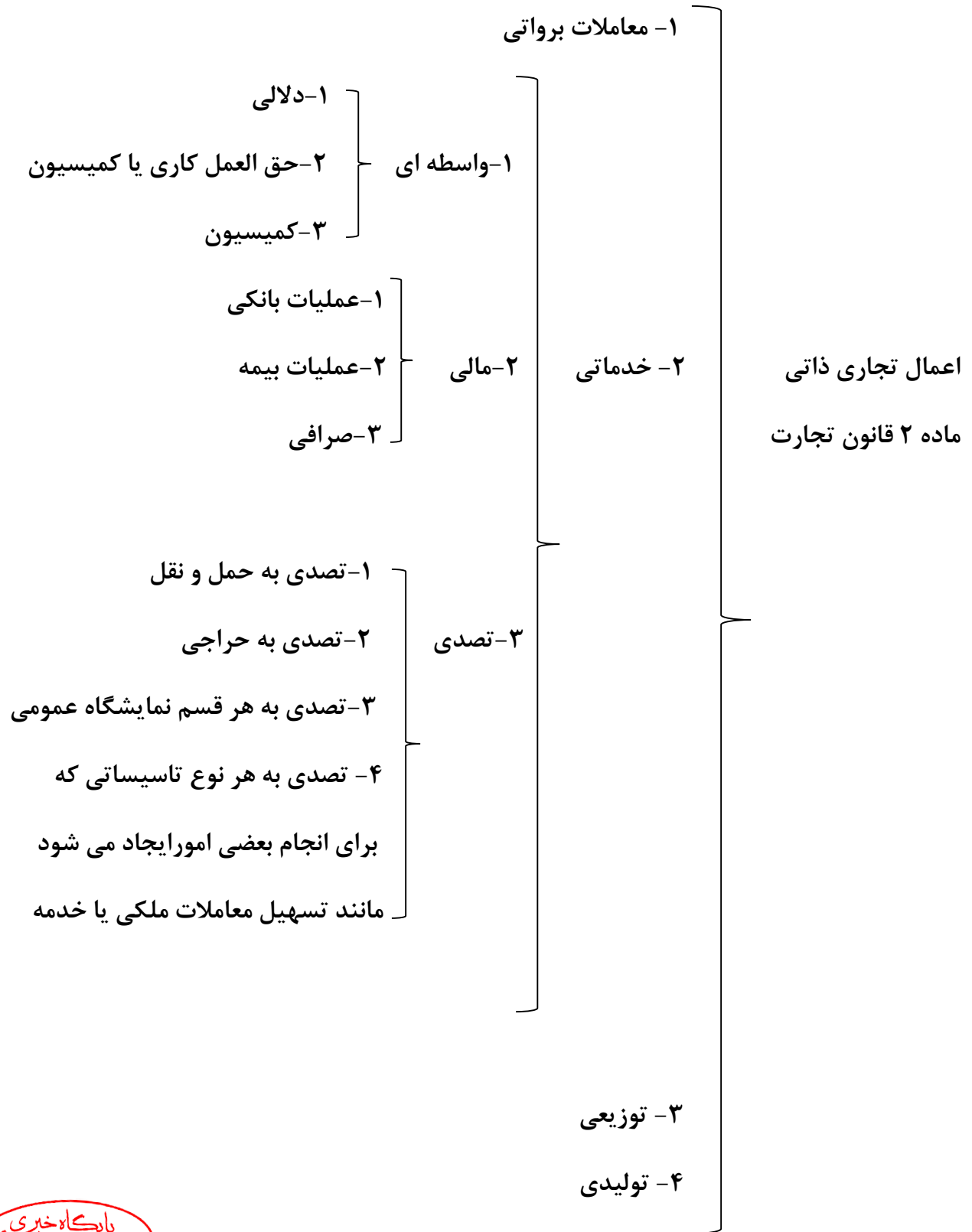
معاملات برواتي اعم از اينکه بين تاجر يا غير تاجر باشد.

(۹) عمليات بيمه بحري و غير بحري

(۱۰) کشتي سازي و خريد و فروش کشتي و کشتيراني داخلي يا خارجي و معاملات راجعه به آنها.



اعمال تجاری ذاتی ماده ۲ قانون تجارت



ماده ۳ قانون تجارت - معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می شود.

(۱) کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها

(۲) کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتي خود مینماید.

کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود مینماید.

(۴) کلیه معاملات شرکتهای تجارتي

ماده ۴ قانون تجارت - معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمیشود.

ماده ۵ قانون تجارت - کلیه معاملات تاجر تجارتي محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور

تجارتي نیست.

نکته ۱- معاملات غیر منقول نه ذاتا تجاری هستند نه تبعا حتی اگر تاجر یا شرکت سهامی آنها را انجام دهد.

نکته ۲ - لکن دلالتی معاملات غیر منقول یا حق العمل کاری در این معاملات و همینطور بیمه اموال غیر منقول

و تسهیل معاملات غیر منقول بنگاه معاملات ملکی عمل تجاری است.

نکته ۳ - به معاملات برواتی معاملات تجاری حکمی هم گفته می شود.

نکته ۴- در صورتی که بخش عمده مالی که فروخته میشود هنر و خدمات فروشنده باشد آن عمل دیگر تجاری

محسوب نمیشود مانند نقاشی مجسمه سازی و فروش آنها که این اعمال در قالب پیشوه وری می گنجد.

نکته ۵ - قصد فروش یا اجاره باید در زمان تحصیل باشد بنابراین اگر شخصی مالی را به قصد استفاده شخصی

بخرد عمل او تجاری نیست حتی اگر بعدا آن را بفروشد و بالعکس.

۱- در قالب موسسه یا بنگاه باشد

۲- تکرار شود

۳- تشکیلات و ابزاری داشته باشد.

ویژگی های تصدی



توضیحات مواد قانونی

ماده ۲ قانون تجارت - معاملات تجاری از قرار ذیل است :

(۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

(۲) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

(۳) هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری کمیسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن

خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره

(۴) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

(۵) تصدی به عملیات حراجی

(۶) تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی

(۷) هر قسم عملیات صرافی و بانکی

معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

(۹) عملیات بیمه بحری و غیر بحری

(۱۰) کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

توضیحات ماده ۲ قانون تجارت :

۱- معامله تجاری: در تعریف معامله تجاری، چنین مطرح شده است که: «هر معامله که به قصد استرباح (= سود بردن) باشد ولو

آنکه معامله کننده تاجر نباشد». همچنین، اینطور بیان شده است که هر معامله‌ای که تجاری نباشد، معامله‌ی مدنی نام دارد که در

قلمرو عقود معوض مالی بوده و مشمول قوانین مدنی است. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد

پنجم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸.] [محمدجعفر جعفری لنگرودی. وسیط در ترمینولوژی حقوق. چاپ ۳. گنج دانش، ۱۳۸۹]

عامل: به شخصی که برای تاجر معامله نموده؛ اما میزان مداخله و حدود مسئولیت او مشخص نباشد؛ عامل گویند. [حسین خزاعی.

مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی (تجار و معاملات تجاری، سازماندهی تجاری، حق اختراع، علائم تجاری، مالکیت

تجاری...). چاپ ۲. جنگل، ۱۳۹۱]



۳- قسمت اخیر بند ۱ ماده ۲ قانون تجارت، ناظر به خرید کالایی است که پس از تغییرات، به فروش می‌رسد. بدین ترتیب که صنعتگری، مواد اولیه را تبدیل به کالا نموده و سپس کالای ساخته شده را، به بهایی که با ملاحظه هزینه‌های تولید و حق الزحمه وی، تعیین گردیده‌است؛ به فروش می‌رساند. بنابراین، صنعتگر همانند بازرگان، از مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش کالای معین، نفع می‌برد. [حسین خزاعی. مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی (تجار و معاملات تجاری، سازماندهی تجاری، حق اختراع، علائم تجاری، مالکیت تجاری...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۹۱]

۴- نکات توصیفی ماده ۲ قانون تجارت

(۱) خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره شامل معاملات تجاری است، حتی اگر تصرفاتی در آن انجام نشده باشد.

(۲) تصدی به حمل و نقل در تمام حوزه‌های خشکی، آبی و هوایی به عنوان معامله تجاری شناخته می‌شود.

(۳) دلالی، حق‌العمل‌کاری و تصدی به تأسیسات مختلف برای تسهیل معاملات یا خدمات به عنوان معاملات تجاری محسوب می‌شوند.

(۴) ایجاد و بهره‌برداری از کارخانه به شرطی که برای مصارف شخصی نباشد، به عنوان فعالیت تجاری به حساب می‌آید.

(۵) انجام عملیات حراجی و تصدی به نمایشگاه‌های عمومی از جمله فعالیت‌های تجاری است.

(۶) عملیات صرافی و بانکی نیز به عنوان معاملات تجاری در نظر گرفته می‌شود.

(۷) معاملات برواتی، چه بین‌تجار و چه بین غیرتجار باشند، جزء معاملات تجاری محسوب می‌شوند.

(۸) عملیات بیمه، چه بیمه‌ی بحری و چه غیر بحری، در زمره‌ی معاملات تجاری قرار دارند.

(۹) کشتی‌سازی، خرید و فروش کشتی، کشتیرانی و معاملات مرتبط به عنوان فعالیت‌های تجاری شناخته می‌شوند.

۵- سینما، ورزشگاه‌ها، سالن‌های موسیقی، سیرک و شهر بازی، که به صورت مستمر و مکرر و در قالبی سازمان‌دهی شده و به قصد انتفاع و کسب سود تأسیس می‌گردند؛ نمایشگاه عمومی محسوب گردیده و فعالیت‌های آنان را، باید در دسته عملیات تجاری جای داد. بنابراین، محافل تئاتر و موسیقی در مدارس، از این مقوله خارج هستند. [احشمت اله سماواتی. حقوق تجارت (جلد اول) (تاجر- اعمال تجاری-مایه تجاری)]. چاپ ۱. میزان، ۱۳۷۸.]

۶- انتقادات

در قانون تجارت ایران (مصوب ۱۳۲۱/۲/۱۳۱۱)، اگرچه وفق بند (۳) ماده ۲ قانون تجارت، از عاملیت به عنوان معامله تجاری نام برده شده است، اما علاوه بر مشخص نبودن وضعیت حقوقی عامل، تعریفی از آن نیز ارائه نشده است. [صفایی، سید حسین؛ فلاحی شهاب



الدینی، علی (۱۴۰۲). "عقود اذنی تجاری: مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس". پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۱۰ (۴): ۷۳-۹۶

ماده ۳ قانون تجارت - معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتنی محسوب می شود.

۱) (کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها

۲) (کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتنی خود مینماید .

کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتنی ارباب خود مینماید.

توضیحات ماده ۳ قانون تجارت :

۱- اعمال تجاری تبعی: اعمالی هستند که صفت تجاری بودن را، نه حسب طبع و ذات خود، بلکه به اعتبار تاجر بودن کسی که به اینگونه اعمال اشتغال دارد؛ به دست می‌آورند. [حشمت اله سماواتی. حقوق تجارت (جلد اول) (تاجر-اعمال تجاری-مایه تجاری). چاپ ۱. میزان، ۱۳۷۸.]

۲- معاملات شرکت‌های تجاری، معاملات تجاری تبعی محسوب می‌گردد. اما نمی‌توان شرکا و مدیران این شرکت‌ها را تاجر دانست. همچنین، شایان ذکر است که اصل ورشکستگی شخصی مدیران و شرکای شرکت‌های بازرگانی، در قانون تجارت ایران پیش‌بینی نشده‌است. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد چهارم) (ورشکستگی و تصفیه اموال، افلاس در اسلام و سپر قانونی آن در ایران، ورشکستگی در حقوق تجارت بین‌المللی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸.]

۳- خرید زمین یا ساختمان، جهت احداث بنای جدید، عملی است تجاری. در حالی که خرید ساختمان موجود به قصد فروش را، نمی‌توان عمل تجاری دانست. حتی اگر این امر، توسط شرکت سهامی صورت پذیرد؛ که می‌تواند برای امور غیر تجاری نیز، تشکیل گردد. [فرشید فرحناکیان. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. چاپ ۲. میزان، ۱۳۸۸.]

۴- نکات توصیفی ماده ۳ قانون تجارت

۱) معاملات بین تاجر، کسبه، صرافان و بانک‌ها به عنوان معاملات تجاری شناخته می‌شوند.

۲) معاملاتی که تاجر یا غیرتاجر برای نیازهای تجاری خود انجام می‌دهد، جزو معاملات تجاری محسوب می‌شوند.

۳) معاملاتی که اجزاء، خدمه یا شاگرد تاجر جهت امور تجاری ارباب خود انجام می‌دهند، تجاری تلقی می‌گردند.

۴) تمامی معاملات شرکت‌های تجارتنی به عنوان معاملات تجاری محسوب می‌شوند.

۵- رأی وحدت رویه شماره ۵۷۶-۷۱/۷/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، منحصراً ناظر به مطب پزشکان بوده و سایر مشاغل

پزشکی را در بر نمی‌گیرد. بنابراین اگر محل مورد اجاره به منظور خدمات پزشکی و بیمارستانی اجاره داده شده باشد، رابطه



طرفین مشمول قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ خواهد بود. [رای دادگاه درباره قلمرو موضوعی قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ نسبت به خدمات پزشکی و بیمارستانی (دادنامه شماره ۱۲۹۵/۲۲۱۲۰۲۲۱۲۰۹۹۷۰۹۲۰)]

۶- به موجب رأی اصراری شماره ۲۷۸۳ مورخه ۱۳۳۹/۹/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، صدور چک، در صورتی تجاری محسوب می‌گردد که بین تجار، یا برای امور تجاری باشد. [عبداله خدابخشی. حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی. چاپ ۱. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱]

۷- چنانچه سفته‌های مستند دعوی از سوی دارنده آن‌ها در مهلت قانونی وخواست نشده باشد این سفته‌ها در حد یک سند عادی تعهدآور تلقی می‌شود و فاقد امتیازات و ویژگی‌ها و خواص اسناد تجاری است و به همین علت دو اثر مهم اسناد تجاری که عبارت‌اند از ۱- مسئولیت تضامنی صاحبان امضاء و ۲- امکان صدور قرار تأمین خواسته بدون ایداع خسارت احتمالی از آن‌ها زایل می‌گردد. [رای دادگاه درباره آثار وخواست سفته (دادنامه شماره ۱۶۷۰/۲۲۲۵۰۱۶۷۰۹۹۷۰۹۲۰)]

۸- هر چند هدف از خرید مبیل، صندلی، میز، تأسیسات سرمایشی و گرمایشی برای دفتر تاجر و یا خرید خودرو برای حمل پرسنل او، مصرف اینگونه اموال است؛ نه مبادله و فروش آن‌ها در بازار، اما به تبع تاجر بودن خریدار اقلام مزبور، باید معاملات یاد شده را تجاری دانست. [حشمت‌اله سماواتی. حقوق تجارت (جلد اول) (تاجر-اعمال تجاری-مایه تجاری). چاپ ۱. میزان، ۱۳۷۸].

ماده ۴ قانون تجارت - معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی‌شود.

توضیحات ماده ۴ قانون تجارت :

۱- معامله: در اصطلاح رایج امروزی به عقد معوض و مالی که در آن دو مال مورد مبادله قرار می‌گیرند، معامله گفته می‌شود. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد پنجم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸].

۲- غیرمنقول: به مالی که حمل و نقل آن، توأم با تلف یا کمبود آن باشد؛ غیرمنقول گویند. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد سوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶]. به مالی که حمل و نقل آن، بدون خرابی مال ممکن نبوده؛ یا اینکه اصلاً قابل جابجایی نباشد؛ غیرمنقول گویند. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد چهارم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸].

۳- نکات توصیفی ماده ۴ قانون تجارت

(۱) معاملات غیرمنقول به تجارت ارتباطی ندارند.

(۲) معاملات غیرمنقول در دسته فعالیت‌های تجاری قرار نمی‌گیرند.

(۳) ماهیت غیرتجاری معاملات غیرمنقول.



۴) قانون تجارت معاملات غیرمنقول را به عنوان فعالیت تجاری به رسمیت نمی‌شناسد.

۴- نظریه شماره ۱۲۷۶/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره شمول شرکت های تعاونی مسکن تولیدی و توزیعی در عداد شرکت های تجاری

۵- انتقادات

ماده ۴ قانون تجارت، مانع استفاده مطلوب از مقررات شرکت‌های نسبی و تضامنی می‌گردد. همچنین، با توجه به صنعتی شدن جوامع در عصر جدید و تأسیس کارخانه‌های بسیاری که غیرمنقول هستند، به نظر می‌رسد که تجدیدنظر و بازنگری این ماده ضرورت دارد.

[مجله علمی انتقادی حقوقی کانون وکلا سال بیست و هفتم شماره ۱۳۲ پاییز ۱۳۵۴. کانون وکلای دادگستری مرکز، ۱۳۵۴.]

۶- زید که اشتغال به فعالیت‌های تجاری دارد؛ قصد خرید یا اجاره دفتر کاری را، جهت انجام امور بازرگانی خود دارد. به هیچ وجه نمی‌توان به تبع تاجر بودن وی، معاملات غیرمنقول مزبور را نیز، تجاری محسوب نمود.

[محمدکاظم عمادزاده. حقوق بازرگانی (جلد اول). چاپ ۳. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، ۱۳۸۷. شماره فیش در پژوهشکده حقوق و قانون ایران]

ماده ۵ قانون تجارت - کلیه معاملات تجار تجارتی محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست.

توضیحات ماده ۵ قانون تجارت :

۱- معامله: در اصطلاح رایج امروزی به عقد معوض و مالی که در آن دو مال مورد مبادله قرار می‌گیرند، معامله گفته می‌شود.

[محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد پنجم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸.]

۲- تاجر: مطابق ماده ۱ قانون تجارت، تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار بدهد.

[ماده ۱ قانون تجارت]

۳- در حقوق فرانسه، عملیاتی را که بین تاجر و غیرتاجر صورت می‌پذیرد؛ نسبت به تاجر تجاری دانسته؛ و نسبت به غیر بازرگانان، مدنی محسوب می‌نمایند؛ که البته آثار این تقسیم‌بندی، در نحوه رسیدگی دادگاه و اقامه دلیل، نمایان می‌گردد. [حسین خزاعی.

مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی (تجار و معاملات تجاری، سازماندهی تجاری، حق اختراع، علائم تجاری، مالکیت تجاری...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۹۱.]

۴- در مواردی که نسبت به تجاری بودن معاملات تاجر و قصد سودبری او از اعمال مزبور تردید به وجود آید؛ باید اصل را بر تجاری

بودن معاملات مزبور نهاد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام. چاپ ۳. گنج دانش.



۵- مفاد ماده ۵ قانون تجارت، اماره‌ای است قانونی، که کلیه عملیات تاجر، اعم از صدور چک و سفته را، تجاری محسوب نموده؛ مگر در صورت احراز خلاف آن. [محمد صقری. حقوق بازرگانی ورشکستگی (جلد اول) (توقف، ابطال معاملات، قرارداد ارفاقی) (جلد دوم) بازسازی بنگاه‌های اقتصادی بحران زده) (جلد سوم) (ورشکستگی فرامرزی). چاپ ۲. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸].

۶- نکات توصیفی ماده ۵ قانون تجارت

- (۱) معاملات تاجر به‌طور کلی تجاری محسوب می‌شود.
 - (۲) اثبات عدم تجاری بودن معامله به عهده مطرح کننده است.
 - (۳) فرض بر تجاری بودن معاملات تاجر است مگر خلاف آن اثبات شود.
 - (۴) امور تجاری باید به‌طور مشخص از غیر تجاری تفکیک شوند.
 - (۵) وضعیت حقوقی معامله تاجر بر اساس ماهیت تجاری یا غیر تجاری آن تعیین می‌شود.
- ۷- به موجب دادنامه شماره ۳۷۷-۱۶۹ مورخ ۱۳۰۷/۳/۱ دیوان عالی کشور، هر گاه بازرگانی، مالی را نزد تاجر دیگری به امانت گذارده و در این رابطه نیز، اقدام به تنظیم سند نموده باشد؛ در اینصورت نمی‌توان عملیات مزبور را، به اعتبار تاجر بودن طرفین آن، تجاری دانست. [توفیق عرفانی. اسناد و دعاوی تجاری در آرای دیوانعالی کشور ۱۳۷۹-۱۳۹۲ (جلد اول). چاپ ۱. ققنوس، ۱۳۸۰].

۸- انتقادات

تجاری محسوب نشدن پاره‌ای از معاملات تاجر، که در برخی از مواد قانون تجارت بیان گردیده، با تئوری شخصی حقوق تجارت، در تعارض است. [حسین خزاعی. مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی (تجار و معاملات تجاری، سازماندهی تجاری، حق اختراع، علائم تجاری، مالکیت تجاری...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۹۱].



مبحث سوم : تمییز واژه تاجر از واژه های مشابه

پیشه ور صنعت گر = شخصی که با کار دستی (یدی) خود برای تولید و ایجاد آثار امرار معاش می کند.

زارع = کسی که با کشت محصولات کشاورزی امرار معاش میکند اعم از باغدار یا کشاورز

کسبه جزء = اشخاصی هستند که تاجر محسوب می شوند و لیکن

۱- مکلف به ثبت نام در دفتر ثبت تجاری نیستند.

۲- مکلف به داشتن دفاتر تجاری نیستند.

۳- مشمول قوانین ورشکستگی نمی شوند.

ویژگی ها

معیار تشخیص تاجر از کسبه جزء

۱- کسبه، پیشه وران، تولید کنندگان و نظایر آنها که میزان فروش سالانه آنان از مبلغ چهار میلیارد ریال تجاوز نکند.

۲- ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه ای که مبلغ دریافتی آنها در قبال خدمات در سال از مبلغ دو میلیارد ریال تجاوز نکند. ۳

۳. ماده ۱۹ قانون تجارت - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.

اصلاحیه نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت مصوبه ۱۰۰/۳۸۲۴۸/۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۳ رئیس قوه قضاییه

ماده واحده-افراد حقیقی داخل در طبقات زیر به استثنای صاحبان مشاغل موضوع بند الف ماده ۹۵ قانون مالیات های مستقیم اصلاحی ۲۷/۱۱/۱۳۸۰ از مصادیق کسبه جزء محسوب و از داشتن دفتر تجاری معاف خواهند بود:

کسبه، پیشه وران، تولیدکنندگان و نظایر آنها که فروش سالیانه آن از ۴ میلیارد ریال تجاوز نمی کند.

ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه ای که عایدی غیر خالص آنها متجاوز از دو میلیارد ریال نباشد.

غلامحسین محسنی اژه ای

متن پیشین نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت (مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۹)

ماده واحده: افراد حقیقی زیر که از مصادیق اشخاص مذکور در ماده ۹۶ قانون مالیات های مستقیم نباشند با دارا بودن شرایط زیر کسبه جزء محسوب می شوند:

کسبه، پیشه وران، تولید کنندگان و نظایر آن ها که میزان فروش سالانه آنان از مبلغ یک صد میلیون ریال تجاوز نکند.

ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه ای که مبلغ دریافتی آن ها در قبال خدمات ارائه شده در سال از مبلغ پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند.

مبحث چهارم : تکالیف تاجر

- تکالیف تاجر
- ۱- ثبت در دفاتر ثبت تجاری
 - ۲- داشتن دفاتر تجاری : دفتر روزنامه، دفتر کل، دفتر دارایی، دفتر کپیه
 - ۳- پرداخت مالیات و تامین اجتماعی

نکته : ثبت اسم تاجر در دفاتر ثبت تجاری با ثبت اسم تجاری (چی توز) متفاوت است در حقوق ایران ثبت اسم تجاری اختیاری است.^۴

- اثر حقوقی ثبت
- نسبت به شخص حقیقی - تنها اماره قضایی بر تاجر بودنش است.
 - ۱- ثبت شرکت الزامی است.
 - نسبت به شخص حقوقی
 - ۲- اما از شرایط تشکیل شرکت نیست.^۵

نکته : در شرکتها و موسسات غیر تجاری زمان تشکیل شرکت تاریخ ثبت در دفتر ثبت شرکت ها می باشد.
ماده ۶ قانون تجارت - هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت

^۴ . فصل دوم - دفتر ثبت تجاری

ماده ۱۶ قانون تجارت - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۱۷ قانون تجارت - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۸ قانون تجارت - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم می شود.

^۵ . نتیجه عدم ثبت شرکت و ادامه فعالیت آن در علم حقوق، بحث از شخصیت حقوقی، مختص شرکت های تجاری که از جمله ی اشخاص خصوصی هستند، نیست، بلکه درباره ی کلیه ی اشخاص حقوقی اعم از خصوصی و عمومی صدق می کند. قانون تجارت ایران، برای شرکت های تجاری شخصیت حقوقی قایل شده است (ماده ی ۵۸۳). دارا بودن شخصیت حقوقی به این معناست که شرکت صلاحیت داشتن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آن ها را دارد. همانطور که در مطالب پیشین نیز گفتیم، پس از تشکیل مجمع عمومی مؤسس و احراز مراتب مندرج در ماده ی ۱۷ لایحه ی قانونی ۱۳۴۷، شرکت ایجاد می شود و شخصیت حقوقی پیدا می کند. قاعدتاً، نتیجه ی این شخصیت حقوقی این است که مدیران شرکت بتوانند تمام حقوق شرکت را تحصیل کرده، به تعهدات آن عمل کنند. مع ذلک، با توجه به مواد مختلف لایحه ی قانونی ۱۳۴۷ می توان گفت تشکیل شرکت سهامی در واقع بدان معنا نیست که شرکت تمام حقوقی را که هر شخص حقوقی از آن بهره مند است تحصیل می کند، بلکه قانونگذار ما اگرچه مانند قانونگذار فرانسه، تحصیل شخصیت حقوقی شرکت را به امضای کلیه اعضا بست و ثبت آن نزد مرجع ثبت شرکت ها نکرده، ثبت شرکت در مرجع ثبت شرکت ها را شرط ادامه ی حیات آن قرار داده است.

عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد .

(۱) دفتر روزنامه (۲) دفتر کل

(۳) دفتر دارایی (۴) دفتر کپیه^۶

نکته ۱ : تمامی دفاتر تجاری باید توسط نماینده اداره ثبت امضاء شود به استثناء دفتر کپیه (اندیکاتور) که نیازی به امضاء ندارد.^۷

نکته ۲ : تاجر باید تمامی دفاتر خود را از ختم هر سالی لااقل تا ۱۰ سال نگاه دارد.^۸

ضمانت اجرای تخلف از داشتن دفاتر تجاری }
۱- تخلف محسوب و متخلف به جزای نقدی محکوم می شود.^۹
۲- امکان ورشکستگی به تقصیر وجود دارد. (ماده ۵۴۲ ق ت)^{۱۰}

۶. ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و دادستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده ۸ - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹ - دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارائی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۱۰ - دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید. تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

۷. ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شود به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضاء مزبور لازم نیست. ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه با کسور آن دو ریال و بعلاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد است.

ماده ۱۲ - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزات عدلیه برای مقصود تهیه می نماید. منگنه کند ، لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

۸. ماده ۱۳ - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن همچنین جای سفیدگذاشتن بیش از آنچه که در دفتر نویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ۱۰ سال نگاه دارد.

۹. ماده ۱۵ قانون تجارت (اصلاحی ۱۴۰۳/۰۳/۳۰) - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم ۳۳/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی است. این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

۱۰. ماده ۵۴۲ قانون تجارت: در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:



- ۱- له تاجر : با وجود شرایط مقابل سندیت دارد.
- ۲- دعوا مربوط به امور تجاری باشد.
- ۳- دفتر مطابق مقررات تنظیم شده باشد.
- سندیت دفاتر تجاری
- ۲- علیه تاجر دفاتر تجاری در هر صورت به ضرر تاجر قابل استناد می باشد زیرا نوشته های تاجر در دفتر تجاری اش اقرار محسوب می شود.^{۱۱}

نکته ۳ : طبق قانون مالیاتهای مستقیم تعیین درآمد و نهایتاً مالیات بر درآمد اشخاصی که مکلف به داشتن دفاتر تجاری هستند از روی دفتر به عمل می آید.

نکته ۴ : هر چند دفاتر تجاری دارای تشریفات جهت تنظیم هستند اما این دفاتر سند رسمی نبوده و سند عادی محسوب می شوند.

(۱) اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.

(۲) اگر عملیات تجاری او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد.

(۳) اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقوقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).

۱۱. ماده ۱۴ قانون تجارت - دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود به کار می برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار - در امور تجاری - سندیت خواهد داشت و غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۲۹۷ قانون مدنی - دفاتر تجاری در موارد دعوای تاجر بر تاجر دیگر، در صورتی که دعوا از محاسبات و مطالبات تجاری حاصل شده باشد، دلیل محسوب می شود، مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشند.

ماده ۱۲۹۸ قانون مدنی - دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد. فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه که بر ضرر او است رد کند مگر آن که بی اعتباری آنچه را که بر ضرر اوست ثابت کند.

ماده ۱۲۹۹ قانون مدنی - دفتر تجاری در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی شود:

۱- در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد.

۲- وقتی که در دفتر بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

۳- وقتی که بی اعتباری دفتر، سابقاً به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد.

ماده ۱۳۰۰ قانون مدنی - در مواردی که دفاتر تجاری بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۶ قانون تجارت - هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب

نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می‌دهد داشته باشد:

دفتر روزنامه.

دفتر کل.

دفتر دارائی.

دفتر کپیه.

توضیحات ماده ۶ قانون تجارت :

۱- تاجر: مطابق ماده ۱ قانون تجارت، تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد. [ماده ۱ قانون تجارت]

۲- دفاتر تجاری: «دفاتری است که هر تاجر، باید به دستور قانون تجارت، نگاه دارد». [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در

ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸].

۳- دلال، بازرگان محسوب می‌گردد و ملزم به نگهداری دفاتر موضوع ماده ۶ قانون تجارت است. علاوه بر آن، به جهت اینکه طرفین

معامله، بتوانند به هنگام حدوث اختلاف، به مدارک دلال مراجعه نمایند؛ قانونگذار وی را به موجب ماده ۱۳ قانون راجع به دلالان و

ماده ۸ آیین‌نامه مربوط به دلالان بازرگانی، و ماده ۱۵ آیین‌نامه مربوط به دلالان معاملات ملکی، مکلف به نگهداری دفتر خاصی،

جهت ثبت عملیات دلالی نموده‌است. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد چهارم) (قراردادهای تجارتي و ورشکستگی و تصفیه).

چاپ ۱۶. دادگستر، ۱۳۹۰].

۴- دفاتر تاجر، وسیله‌ای است جهت حسابداری، و تعیین وضعیت دارایی، دیون و مطالباتی که به نفع یا زیان او است. [۴]

۵- نکات توصیفی ماده ۶ قانون تجارت

(۱) تمامی تجار به جز کسبه جزء موظف به داشتن دفاتر مشخصی هستند.

(۲) دفاتر مورد نیاز شامل دفتر روزنامه، دفتر کل، دفتر دارائی و دفتر کپیه می‌باشد.

(۳) وزارت عدلیه می‌تواند دفاتر دیگری را به موجب نظامنامه به عنوان جایگزین معرفی کند.

(۴) هدف از نگهداری این دفاتر، ثبت و مستندسازی دقیق فعالیت‌های تجاری است.

۶- به موجب دادنامه شماره ۱۳۵۷ مورخ ۱۳۲۸ / ۷ / ۲۴ شعبه ۱ دیوان عالی کشور، با توجه به موجب مقررات قانون تجارت، هر

تاجری، مکلف به داشتن دفاتر بازرگانی بوده؛ و به موجب مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نیز، در صورت استناد طرفین به این دفاتر

تاجر، وی مکلف به ارائه دفاتر مزبور است؛ بنابراین عذر بازرگان به نداشتن دفاتر مزبور پذیرفته نیست. [عباس زراعت. محشای قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوق ایران. چاپ ۳. ققنوس، ۱۳۸۹].

۷- پیرامون مقرراتی که درخصوص تاجری که دفتر تجاری ندارد اجرا می‌گردد باید بیان داشت که چنانچه پرونده به هر جهت در دادگاه عمومی حقوقی مطرح شده باشد و دادگاه در حین رسیدگی متوجه شود که تاجر از مقررات مواد ۶ و ۱۱ قانون تجارت تخلف کرده است، دادگاه بدون نیاز به ارجاع و یا دخالت دادستان می‌تواند علیه متخلف، مجازات موضوع ماده ۱۵ قانون تجارت را اعمال نماید. [نظریه شماره ۵۱۴/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره مقررات مجازات نداشتن دفاتر تجاری تاجر]

ماده ۵۴۲ قانون تجارت - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

(۱) اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق‌العاده باشد.

(۲) اگر عملیات تجاری او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد.

(۳) اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقوقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).

توضیحات ماده ۵۴۲ قانون تجارت :

۱- ماده فوق بیانگر حالاتی است که در صورت تحقق ممکن است منجر به صدور حکم ورشکستگی به تقصیر شود. لذا همانطور که از صدر ماده نیز استنباط می‌شود، در صورت احراز وقوع هر یک از موارد مصرح در بند های سه گانه این ماده، قاضی در صدور حکم ورشکستگی به تقصیر مختار است. [محمد دمیرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴. دادستان، ۱۳۹۰] عده ای علت اجباری نبودن صدور حکم ورشکستگی به تقصیر در این موارد را محرز نبودن سوء نیت و تقصیر تاجر دانسته اند. [محمد دمیرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴. دادستان، ۱۳۹۰] چنانچه تاجری برات یا سفته شخص ثالثی را ضمانت کند، چین اقدامی را باید به دور از احتیاط و ارتکاب آن را از سوی تاجر بعید دانست. لذا می‌توان آن را مشمول بند اول ماده فوق دانست. در این خصوصی لزومی به احراز سوء نیت تاجر نیست. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹]



به موجب بند دوم این ماده اگر عملیات تجاری تاجر متوقف شده و او مطابق با ماده ۴۱۳ قانون تجارت رفتار نکرده و در صورت توقف از پرداخت وجوهی که بر عهده او است، مراتب را ظرف سه روز به دادگاه به وسیله دادخواست تسلیم نکند، [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)، چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹] دادگاه اختیار اعلان ورشکستگی به تقصیر تاجر را دارد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد اول) (کلیات، اعمال تجاری، تجارت، دفاتر تجاری، قراردادهای تجاری و حمل و نقل، بارنامه (دریایی، هوایی، زمینی) تجارت در اسلام، آرای هیات عمومی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸] البته مقصود از توقف عملیات تجاری، توقف ادای دیون است و رها کردن کار تجاری از آن مستفاد نمی شود. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹]. همچنین در فرض اعلان عذر موجه از سوی تاجر نباید قائل به اعمال این بند بود. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹] بر اساس بند سوم این ماده نیز نداشتن دفتر یا بی ترتیبی در دفاتر تجاری یا وجود هرگونه نقصی در آن می تواند از احتمالات صدور حکم ورشکستگی تلقی شود. [عبدالرسول دینانی. ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری. چاپ ۱. تدریس، ۱۳۸۵] بنابراین موردی را که تاجر دفتر داشته اما از ابراز آن خودداری می کند نباید مشمول این ماده پنداشت. [ایرج گلدوزیان. محشای قانون مجازات اسلامی. چاپ ۵. مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۴]

با توجه به این که احراز موارد مندرج در این ماده می تواند منجر به صدور حکم مجازات تاجر شود، لذا نباید دامنه آن را به بیشتر از مواردی که صراحتاً در این ماده ذکر شده است گسترش داد. [ایرج گلدوزیان. محشای قانون مجازات اسلامی. چاپ ۵. مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۴]

۲- نکات توصیفی ماده ۵۴۲ قانون تجارت

- (۱) امکان اعلان ورشکستگی به تقصیر برای تاجری که به حساب دیگری و بدون دریافت عوض متناسب، تعهدات فوق العاده صورت دهد.
 - (۲) ورشکستگی به تقصیر در صورت توقف عملیات تجاری و عدم رعایت الزامات ماده ۴۱۳ قانون تجارت.
 - (۳) عدم داشتن دفتر تجاری یا ناقص و بی نظم بودن آن از زمان اجرای قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۴.
 - (۴) عدم تعیین صحیح وضعیت حقوقی، قروض و مطالبات در صورت دارایی، به شرط عدم ارتکاب تقلب در این مورد.
- ۳- به موجب رأی صادره از شعبه دو دیوان عالی کشور به شماره ۳۳۶۰_۱۵/۸/۱۳۲۰ شق سوم ماده فوق، ناظر به حالتی است که تاجر فاقد دفتر بوده یا این که دفترش ناقص باشد. لذا مواردی که تاجر دفتر دارد اما از ابراز آن خودداری می کند مشمول این ماده

بایگ محاسبات
احتمالاً

نیست. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد چهارم) (ورشکستگی و تصفیه اموال، افلاس در اسلام و سپر قانونی آن در ایران، ورشکستگی در حقوق تجارت بین المللی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸].

۴-رای وحدت رویه شماره ۷۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۸/۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور: هر چند تاجر متقاضی صدور حکم ورشکستگی به حکم ماده ۴۱۳ قانون تجارت باید کلیه دفاتر تجاری و صورت حساب دارائی خود را که متضمن مراتب مذکور در ماده ۴۱۴ آن قانون باشد به دفاتر دادگاه تسلیم نماید، لکن عدم انجام این تکلیف از سوی تاجر مدعی توقف با توجه به ضمانت اجرای تکلیف به شرح مقرر در ماده ۴۳۵ و بند ۲ ماده ۵۴۲ همان قانون مانع رسیدگی به دعوی او نیست. بر این اساس رای شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در حدی که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت قریب به اتفاق آراء صحیح و قانونی تشخیص می شود. این رای طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.



فصل دوم : شرکت های تجاری

مبحث اول : مباحث مشترک شرکت های تجاری

گفتار اول : انواع شرکت های تجاری

از قانون تجارت : باب سوم - شرکت های تجاری

فصل اول - در اقسام مختلفه شرکتها و قواعد راجعه به آنها

ماده ۲۰ قانون تجارت - شرکتهای تجاری بر هفت قسم است.

(۱) شرکت سهامی

(۲) شرکت با مسئولیت محدود

(۳) شرکت تضامنی

(۴) شرکت مختلط غیر سهامی

(۵) شرکت مختلط سهامی

(۶) شرکت نسبی.

(۷) شرکت تعاونی تولید و مصرف

نکته : شماره های ۲ (مالیات بر درآمد شرکت های تجاری) و ۳ (ادغام شرکتهای تجاری و مالیات مربوط به آن)

ذیل ماده ۲۰ قانون تجارت حذف است.

توضیحات مواد قانونی

توضیحات ماده ۲۰ قانون تجارت

۱- شرکت تجاری: در خصوص تعریف شرکت تجاری، هر چند قانون تجارت مسکوت است ولی در دکترین حقوقی تعاریفی ارائه شده

است. از جمله آن که: «شرکتی است عقدی (نه قهری) که برابر قوانین تجارت پدید می آید و شخصیت حقوقی دارد و سرمایه آن

حالت اشاعه ندارد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸].



همچنین در تعریف دیگری آمده است که شرکت تجاری، قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می‌کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده‌های آن‌ها تشکیل می‌شود ایجاد کنند و به موسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می‌گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۲- شرکت‌های مذکور در ماده ۲۰ قانون تجارت، دارای شخصیت حقوقی هستند [علیرضا باریکلو. حقوق مدنی (جلد هفتم) (عقود معین-بخش دوم) (عقود مشارکتی، توثیقی و غیرلازم). چاپ ۱. مجد، ۱۳۸۸] و مشمول مقررات ورشکستگی قرار می‌گیرند. [علیرضا محمدزاده وادقانی. حقوق تجارت (قسمت چهارم) (ورشکستگی و تصفیه). چاپ ۱. مجد، ۱۳۹۱]. مقررات هر یک از این شرکت‌ها حسب مورد متفاوت است. برای مثال، شرکت تعاونی باید دارای اساسنامه باشد. اساسنامه اقسام مختلف شرکت‌های تعاونی، به صورت نمونه و در فرم چاپی مخصوص تنظیم گردیده و در اختیار مؤسسان شرکت قرار می‌گیرد. برای تأسیس هر شرکت تعاونی، باید از سوی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، «موافقت نامه تشکیل» و «مجوز ثبت» صادر گردد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. همچنین، شایان ذکر است سرمایه شرکت‌های تعاونی، به سهام تقسیم گردیده و نوع و بهای هر سهم، توسط قانون معین می‌گردد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۳- نکات توصیفی ماده ۲۰ قانون تجارت

- **انواع شرکت‌های تجاری** : این ماده به هفت نوع مختلف شرکت تجاری اشاره می‌کند که هر کدام ویژگی‌ها و شرایط خاص خود را دارند.
- **شرکت سهامی** : نوعی شرکت است که در آن سرمایه به سهام تقسیم می‌شود و سهامداران مسئولیتی محدود به میزان سرمایه خود دارند.
- **شرکت با مسئولیت محدود** : در این شرکت، مسئولیت شرکا محدود به میزان سرمایه‌ای است که در شرکت وارد کرده‌اند.
- **شرکت تضامنی** : در این نوع شرکت، تمام شرکا مسئولیت تضامنی دارند و برای دیون شرکت به طور مشترک و بی‌قید و شرط مسئول هستند.
- **شرکت مختلط غیر سهامی** : ترکیبی از شرکای ضامن و شریک با مسئولیت محدود است، اما در این نوع شرکت سهام وجود ندارد.



- **شرکت مختلط سهامی** : مشابه به شرکت مختلط غیر سهامی است با این تفاوت که در آن سهام وجود دارد و مسئولیت شرکا به نوع سهامی تقسیم می‌شود.
 - **شرکت نسبی** : در این شرکت، مسئولیت شرکا بر اساس سهمی که در سود و زیان دارند، مشخص می‌شود.
 - **شرکت تعاونی تولید و مصرف** : این شرکت‌ها به منظور کمک به تولید و مصرف کالاها یا خدمات خاص ایجاد می‌شوند و اعضای آن‌ها معمولاً در جهت منافع مشترک همکاری می‌کنند.
 - **دسته‌بندی قانونی شرکت‌ها** : ماده ۲۰ به طور کلی شرکت‌های تجاری را به هفت نوع اصلی تقسیم می‌کند که بر اساس ساختار، مسئولیت و نوع سرمایه‌گذاری متفاوت هستند.
 - **سهم و مسئولیت شرکا** : این ماده به طور غیرمستقیم به نحوه تقسیم مسئولیت‌ها و سهام در انواع مختلف شرکت‌ها اشاره دارد که در تعیین حقوق و تعهدات شرکا موثر است.
- ۴- به موجب نظریه مشورتی شماره ۴۷۷۳ مورخ ۱۰ / ۷ / ۱۳۷۴، ملاک خصوصی یا دولتی بودن شرکت، اساسنامه و نحوه تشکیل آن است. [مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در مسائل قانون تجارت. چاپ - معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۰.]

گفتار دوم: تفاوت شرکتهای تجاری و شرکت مدنی

۱- موضوع و هدف شرکت: در شرکت تجاری هدف جلب منفعت اقتصادی وجود دارد برخلاف شرکت مدنی که

الزاما چنین نیست.^{۱۲}

۲- شرکت تجاری همیشه اختیاری است اما شرکت مدنی ممکن است قهری باشد.^{۱۳}

۳- نمایندگی شرکت: بر اساس مواد متعددی از قانون تجارت، مدیر یا مدیران شرکت های تجاری که منصوب

شرکاء می باشند، نمایندگی یا وکالت شرکت را در زمان مسئولیت بر عهده دارند. در حالی که در شرکت مدنی،

شرکاء مجتماً نمایندگی شرکت را بر عهده دارند و طرز اداره اموال مشترک شرکت به استناد ماده ۵۷۶ قانون

مدنی^{۱۴}، تابع شرایط مقرر بین شرکاء می باشد.

تصمیمات در شرکت تجاری به سبب داشتن شخصیت حقوقی عمدتاً با اکثریت آراء اتخاذ میشود در حالی که

در شرکت مدنی اتفاق نظر ضروری است.

۳- در شرکت تجاری ورود و خروج شرکاء تابع مقررات خاصی است در حالی که شرکت مدنی (اشاعه جایز بوده

و هر مالکی حق فروش سهم خود را دارد.

^{۱۲} به استناد ماده ۵ قانون تجارت، کلیه معاملات تجار - که شرکت های تجاری نیز از زمره تجار به حساب می آیند - تجاری محسوب شده است. همین امر در تعریف های جداگانه ای که در قانون تجارت از انواع شرکت های تجاری بیان شده؛ مورد تصریح قرار گرفته است. به طور مثال در ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مورد شرکت های سهامی تصریح شده است که شرکت سهامی، شرکتی بازرگانی است هر چند عملیات آن امور بازرگانی نباشد. همین امر در مواد ۹۴، ۱۱۶، ۱۴۱ و ۱۸۳ همان قانون به ترتیب در تعریف شرکت های با مسئولیت محدود، شرکت های تضامنی، شرکت های مختلط غیرسهامی و شرکت های نسبی نیز تجاری بودن در هدف شرکت های مذکور، انعکاس دارد. در صورتی که در هیچیک از مواد قانون مدنی که در مورد شرکت های مدنی به بحث پرداخته اند، اشاره ای به هدف و موضوع شرکت های مدنی و یا به خصوص به تجاری بودن شرکت های مذکور به عمل نیامده است. در واقع موضوع و هدف شرکت های مدنی، معاملات و انتفاع غیر تجاری است.

^{۱۳} انواع شرکت مدنی:

شرکت مدنی به دو نوع تقسیم می شود: ۱- شرکت قهری یا طبیعی ۲- شرکت اختیاری

شرکت قهری: شرکت قهری شرکتی است که خواست و اراده افراد در تشکیل آن نقشی ندارد و به صورت طبیعی و قهری به وجود می آید. شرکت قهری به دو شکل ایجاد می شود:

الف) از طریق میراث که در این صورت به عنوان مثال فوت پدر موجب به ارث رسیدن اموال به فرزندان خواهد شد.

ب) از طریق مخلوط کردن یا امتزاج مال داران که اراده آنها دخیل نمی باشد.

شرکت اختیاری: در شرکت های مدنی اختیاری اراده افراد نقش مهمی دارد و افراد به صورت کاملاً آگاهانه سرمایه ای را برای راه اندازی یک کسب و کار به کار می گیرند و سود و زیان حاصل از آن سرمایه را با یکدیگر شریک می شوند. شرکت اختیاری از سه طریق می تواند تشکیل شود. این راه ها عبارتند از: در نتیجه عقد، امتزاج اختیاری و یا در نتیجه قبول مال می باشند.

^{۱۴} ماده ۵۷۶ قانون مدنی - طرز اداره کردن اموال مشترک، تابع شرایط مقرر بین شرکا خواهد بود.



۴- در شرکت تجاری دارایی شرکت و شرکاء از یکدیگر مجزا است بر خلاف شرکت مدنی.

۵- ورشکستگی : ورشکستگی شرکت تجاری مشمول مقررات ورشکستگی است برخلاف شرکت مدنی.^{۱۵}

۶- انحلال : انحلال شرکت تجاری تابع مقررات انحلال و تصفیه است بر خلاف مدنی.^{۱۶}

۷- اقامتگاه و تابعیت : شرکت‌های تجاری قادر هستند دارای اقامتگاه و تابعیت باشند.^{۱۷}

۸- ثبت : شرکت‌های تجاری مکلفند، در مرجع ثبت شرکت‌ها ثبت شوند. شماره ثبت دریافت دارند و شماره ثبت شرکت را در کلیه مکاتبات خود درج نمایند. در صورتی که شرکت‌های مدنی هیچ اجباری به ثبت شرکت ندارند.

۹- شخصیت حقوقی : کلیه شرکت‌های تجاری به استناد ماده ۵۸۳ قانون تجارت^{۱۸} دارای شخصیت حقوقی هستند.^{۱۹} لیکن در قانون مدنی ذکری از شخصیت حقوقی شرکت‌های مدنی به میان نیامده است.

۱۰- معاملات تجاری تلقی شدن : داد و ستد و معاملاتی که در شرکت مدنی صورت می‌گیرد تجاری نمی‌باشند زیرا در قانون تجارت بیان شده است که تنها معاملاتی تجاری محسوب می‌شوند که در شرکت تجاری صورت گیرند.

۱۱- وجود قوانین و ضمانت‌اجراهای خاص و متعدد : در شرکت تجاری تنظیم روابط بین شرکت و شرکا اهمیت ویژه‌ای دارد و به همین دلیل ضمانت‌اجراهای متعددی تعریف شده است. قوانین شرکت‌های تجاری برای

^{۱۵}. طبق قانون تجارت، ماده ۴۱۲ ورشکستگی به تاجر یا شرکت تجاری تعلق دارد. در حالی که طبق قانون مدنی شرکت‌های مدنی با از دست دادن سرمایه و ایجاد بدهی به اشخاص ثالث مشمول عسر و حرج می‌گردند.

^{۱۶}. انحلال شرکت‌های تجاری بر اساس مواد متعددی از قانون تجارت و ناشی از اراده جمعی شرکاء صورت می‌پذیرد. در صورتی که شرکت مدنی با تقاضای افراز و تقسیم اموال از طرف هر یک از شرکاء منحل می‌گردد.

^{۱۷}. در مواد ۵۹۰ و ۵۹۱ قانون تجارت و به ترتیب شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی را دارای اقامتگاه قانونی و تابعیت مملکتی شناخته شده‌اند. در صورتی که در قانون مدنی در مورد اقامتگاه قانونی و تابعیت مملکتی شرکت‌های مدنی ذکری به میان نیامده است.

ماده ۵۹۰ قانون تجارت: اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده ۵۹۱ قانون تجارت : «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.»

البته شرکت مدنی دارای تابعیت و اقامتگاه نمی‌باشد زیرا شرکت مدنی دارای شخصیت حقوقی نمی‌باشد و شخص حقوقی دارای تابعیت و اقامتگاه می‌باشد.

^{۱۸}. ماده ۵۸۳ قانون تجارت: کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

^{۱۹}. در شرکت تجاری زمانی که امور مربوط به ثبت و دیگر تشریفات انجام گرفت یک شخصیت حقوقی پدید می‌آید.

طرفین حتما باید اجرا شود در صورتی که در شرکت مدنی اراده و خواست طرفین اهمیت دارد و قانون خاصی برای آن تعریف نشده است.

۱۳- حق مراجعه به شرکا: در صورتی که شرکای شرکت مدنی قادر به پرداخت دیون خود نباشند بستانکار می تواند به سراغ شرکای دیگر برود و از آن ها طلب حق داشته باشد در صورتی که در شرکت تجاری به دلیل این که شرکا هر کدام دارای استقلال می باشند بستانکار نمی تواند برای دریافت حق به دیگر شرکا مراجعه نماید.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۵۸۳ قانون تجارت: کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

توضیحات ماده ۵۸۳ قانون تجارت:

۱- اگرچه در عالم حقوق شخصیت که به معنای دارا شدن حق و تکلیف است، خصیصه ای انسانی تلقی شده است، اما در برخی موارد قانونگذاران در راستای برخی از مصالح، چنین خصیصه ای را برای مال یا اموال یا گروهی از انسان ها نیز در نظر می گیرند. به این ویژگی شخصیت حقوقی گفته می شود. [محمد دمیرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴. دادستان، ۱۳۹۰.]

۲- گاه مصالح و نیازهای اجتماعی ویژه ای اقتضا می کند که برای جمعی از افراد انسانی، حقوق و تکالیفی در نظر گرفته شود. این تکالیف فرضی نبوده و مولود آن را مصالح و نیازهایی ویژه ای دانسته اند که باعث شکلگیری مفهومی به نام شخصیت حقوقی می شود. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مقدمه عمومی علم حقوق. چاپ ۶. گنج دانش، ۱۳۸۰.]

۳- مقصود از دارا بودن شخصیت حقوقی آن است که شرکت صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف و نیز اجرای آن ها را دارد. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹.] شخصیت حقوقی شرکت های تجاری را مشروط بر این دانسته اند که طبق تشریفات قانونی به ثبت رسیده باشند. [ناصر کاتوزیان. مجموعه مقالات تحولات حقوق خصوصی. چاپ ۴. دانشگاه تهران، ۱۳۸۱] در این صورت باید برای شرکت های تجاری شخصیت حقوقی مستقلی از شخصیت شرکاء قایل بود. همین امر را باید از وجوه تمایز شرکت مدنی از شرکت تجاری دانست. [بهرام بهرامی. اجرای احکام مدنی. چاپ ۳. نگاه بینه، ۱۳۸۲] لذا گروهی از نویسندگان به این نکته تأکید کرده اند که نمی توان

برای شرکت تجاری در شرف تأسیس شخصیت حقوقی قایل شد. حتی نمی توان بر خلاف نظر گروهی دیگر از نویسندگان، حالتی



جینینی برای آن پنداشت. چرا که شرکت در این زمان امکانات و اختیارات حقوقی یک شرکت جاری را ندارد و هنوز مؤسسين شرکت مسئول امور شرکت تلقی می شوند. [مجله علمی انتقادی حقوقی کانون وکلا سال بیست و هفتم شماره ۱۳۲ پاییز ۱۳۵۴. کانون وکلای دادگستری مرکز، ۱۳۵۴] چرا که شرکت تجاری مشروط بر اینکه مطابق مقررات به ثبت برسد دارای شخصیت حقوقی تلقی می شود. [نشریه دادرسی شماره ۵۱ مرداد و شهریور ۱۳۸۴. سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴]. اما به باور گروهی از حقوقدانان، شرکت های تجاری به محض تشکیل و حتی بدون نیاز به ثبت در مرجعی معین، دارای شخصیت حقوقی می شوند. [محمد دمیرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴. دادستان، ۱۳۹۰]. در واقع همانطور که گرفتن شناسنامه موجب به دنیا آمدن طفل نمی شود، ثبت شرکت تازه تأسیس نیز مولد شخصیت حقوقی نبوده و صرفاً مؤید وجود شرکت است. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت ها، ثبت شرکت ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰]. لذا شرکت هایی که به ثبت نرسیده باشند نیز در عمل وجود داشته و دارای شخصیت حقوقی هستند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. شخصیت حقوقی شرکت دارای ثبات بوده و با تغییر نوع شرکت یا موضوع آن یا حتی انحلال شرکت از بین نمی رود. [محمد دمیرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴. دادستان، ۱۳۹۰]. همچنین پیش بینی وجود شخصیت حقوقی برای شرکت موجب می شود صدور حکم ورشکستگی از تاریخ احراز شخصیت حقوقی این شرکت ها امکان پذیر شود. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹].

۴- نکات توصیفی ماده ۵۸۳ قانون تجارت

- ۱) شرکت های تجاری ذکر شده در قانون تجارت، شخصیت حقوقی دارند.
 - ۲) اعطای شخصیت حقوقی به شرکت های تجاری به معنای داشتن حقوق و تعهدات مستقل از اعضای شرکت است.
 - ۳) وجود شخصیت حقوقی به شرکت ها امکان می دهد که به نام خود در مراجع قضایی طرح دعوی یا از خود دفاع کنند.
 - ۴) داشتن شخصیت حقوقی به شرکت ها اجازه می دهد که به نام خود قرارداد عقد کرده و معاملات انجام دهند.
 - ۵) شخصیت حقوقی شرکت ها به محض تشکیل، و بر اساس مقررات قانونی مربوط، محقق می شود.
 - ۶) شرکت های تجاری با داشتن شخصیت حقوقی، می توانند دارایی مستقل از سهامداران یا اعضای خود داشته باشند.
- ۵- در این نظریه، اداره کل حقوقی قوه قضاییه به بررسی امکان توقیف و فروش سهام محکوم علیه در شرکتی که به صورت هلدینگ فعالیت می کند، به دلیل عدم پرداخت جزای نقدی می پردازد. با استناد به ماده ۵۸۳ قانون تجارت، بیان می گردد که شخصیت

حقوقی شرکت‌های فرعی مستقل از شرکت هلدینگ است و بنابراین استیفای جزای نقدی از طریق توقیف و فروش سهام شرکت‌های فرعی فاقد وجاهت قانونی می‌باشد. تنها امکان استیفای جزای نقدی از سهام خود محکوم علیه در شرکت هلدینگ وجود دارد. [نظریه شماره ۱۲۱۶/۹۸/۷ مورخ ۱۳/۰۸/۱۳۹۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره توقیف و فروش سهام هلدینگ و زیرمجموعه بابت جزای نقدی محکوم علیه]

۶- با توجه به استقلال شخصیت حقوقی شرکت از سهام‌داران دارای حق امضا، اولاً، با توجه به ماده ۵۸۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، توقیف سهام مستلزم توقیف اموال شرکت نمی‌باشد. ثانیاً، صرف توقیف سهام سهام‌داران مذکور، خدش‌های به حق امضای آنان وارد نمی‌کند؛ بنابراین مانعی برای ترهین اموال شرکت وجود ندارد. در صورتی که سهام‌دارندگان حق امضای شرکت سهامی خاص توسط اشخاص ثالث توقیف شده باشد، تنظیم سند رهنی نسبت به شرکت مذکور و ترهین اموال شرکت نزد بانک همچنان امکان‌پذیر است. [نظریه شماره ۱۱۷۸/۹۸/۷ مورخ ۱۱/۱۲/۱۳۹۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره تنظیم سند رهنی و ترهین اموال شرکت با وجود توقیف سهام‌دارندگان حق امضا شرکت سهامی خاص]



گفتار سوم : عناصر مشترک در تشکیل انواع شرکت



اساسنامه سهامی خاص

بخش اول

نام - موضوع - مدت و مرکز اصلی شرکت

(شرکت سهامی خاص)

ماده ۱- نام شرکت آرد پیرا
نام شرکت عبارت است از شرکت آرد پیرا

ماده ۲- موضوع شرکت
موضوع شرکت عبارت است از: تولید آرد پسته و کاشانه

ماده ۳- مدت شرکت از تاریخ تاسیس نامحدود
از تاریخ ثبت بمدت نامحدود تعیین شده است.

ماده ۴- مرکز اصلی شرکت و شعب آن
مرکز اصلی شرکت تهران خیابان شهید آریه کوشاره پلاک ۱۴
انتقال مرکز اصلی بهر نقطه دیگر در ایران منوط به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده است. همچنین مجمع عمومی می تواند به هیات مدیره در خصوص تغییر مرکز شرکت تفویض اختیار نماید. هیات مدیره می تواند هر موقع لازم بداند شعب یا نمایندگی هائی در داخل یا خارج از ایران دائر یا آنها را منحل نماید.

بخش دوم

سرمایه و سهام

ماده ۵- سرمایه
سرمایه نقدی شرکت مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۲۰۰۰۰ سهم بانام سرمایه داران و ۲۰۰۰۰ سهم بر نام هر یک به ارزش ۱۰۰۰۰۰۰ ریال آن نقداً پرداخت و مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال بقیه از طرف صاحبان سهام تعهد شده است.

گفتار چهارم : اقسام شرکت بر اساس ویژگی



نکته ۱ : صنعت شرکاء را نمی توان در تشکیل سرمایه شرکت دخیل دانست چرا که صنعت شریک قابل توقیف و فروش از طریق مزایده نیست. بنابراین شریکی که آورده اش کار اوست کارش تقویم می شود اما این تقویم و مبلغ حاصل از آن در ترازنامه به عنوان سرمایه شرکت گنجانده نمی شود.

نکته ۲ : در حقوق تجارت ایران هیچ شرکت تجاری نمی تواند با یک شریک تشکیل شود.

نکته ۳ : تنها شرکتهای سهامی دولتی را که صد در صد سهام آنها متعلق به شخص حقوقی واحد یعنی دولت است را میتوان با مسامحه یک شرکت تک شریکی به حساب آورد.

گفتار پنجم : ویژگیهای سهم شرکت های تجاری

- ویژگیهای سهم شرکت های تجاری
- ۱- حق مالی است.
 - ۲- منقول حکمی است.
 - ۳- یک حق شخصی است. قابل انتقال است قابل تقویم است.
 - ۴- قابل توقیف است.
 - ۵- قابل وثیقه گذاشتن و رهن گذاشتن نیست.

نکته : جهت تسلیم آورده های زیر به عنوان سرمایه نیاز به تنظیم سند رسمی است :

۱- اموال غیر منقول دارای سند رسمی (ماده ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت) ^{۲۰}

۲- حق سرقفلی (ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستاجر) ^{۲۱}

۳- حق اختراع (ماده ۴۰ قانون ثبت علائم و اختراعات) ^{۲۲}

^{۲۰} ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک - در نقاطی که اداره ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی موجود بوده و وزارت عدلیه مقتضی بداند ثبت اسناد ذیل اجباری است:

۱- کلیه عقود و معاملات راجعه به عین یا منافع اموال غیرمنقوله که در دفتر املاک ثبت نشده.

ماده ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک: سندی که مطابق مواد فوق باید به ثبت برسد و به ثبت نرسیده، در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد. ^{۲۱} در صورتی که مستاجر محل کسب یا پیشه یا تجارت به موجب اجاره نامه، حق انتقال به غیر داشته باشد می تواند برای همان شغل یا مشابه آن منافع مورد اجاره را با سند رسمی به دیگری انتقال دهد. هرگاه در اجاره نامه حق انتقال به غیر سلب شده یا اجاره نامه ای در بین نبوده و مالک راضی به انتقال به غیر نباشد باید در مقابل تخلیه مورد اجاره، حق کسب یا پیشه یا تجارت مستاجر را بپردازد والا مستاجر می تواند برای تنظیم سند انتقال به دادگاه مراجعه کند، در این صورت دادگاه حکم به تجویز انتقال منافع مورد اجاره به غیر و تنظیم سند انتقال در دفترخانه تنظیم کننده سند اجاره نامه سابق یا دفترخانه نزدیک ملک (اگر اجاره نامه رسمی در بین نباشد) صادر و رونوشت آن را به دفترخانه مربوط ارسال می نماید و مراتب را به موجر نیز اعلام خواهد نمود، مستاجر جدید از هر حیث نسبت به تمام شریط اجاره قائم مقام مستاجر سابق خواهد بود. هرگاه ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی منافع مورد اجاره با سند رسمی به مستاجر جدید انتقال داده نشود حکم مزبور ملغی الاثر خواهد بود.

تبصره ۱- در صورتی که مستاجر بدون رعایت مقررات این ماده مورد اجاره را به دیگری واگذار نماید موجر حق درخواست تخلیه را خواهد داشت و حکم تخلیه علیه متصرف یا مستاجر اجرا خواهد شد. و در این مورد مستاجر یا متصرف حسب مورد استحقاق دریافت نصف حق کسب یا پیشه یا تجارت را خواهد داشت.

تبصره ۲- حق کسب یا پیشه یا تجارت به مستاجر همان محل اختصاص دارد و انتقال آن به مستاجر جدید فقط با تنظیم سند رسمی معتبر خواهد بود.

^{۲۲} ماده ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶: حقوق ناشی از ثبت علامت، مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است:

الف - استفاده از هر علامت که در ایران ثبت شده باشد، توسط هر شخص غیر از مالک علامت، مشروط به موافقت مالک آن می باشد.

ب - مالک علامت ثبت شده می تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه، موجب گمراهی عموم می گردد.

ج - حقوق ناشی از ثبت علامت، اقدامات مربوط به کالاها و خدماتی را که توسط مالک علامت یا با موافقت او به کشور وارد و در بازار ایران عرضه می گردد، شامل نمی شود.



گفتار پنجم : وجه ممیزه شرکتهای تجاری با مدنی

وجه ممیزه شرکتهای تجاری با مدنی

تنها ویژگی مشترک بین کلیه شرکتهای تجاری اعم از شرکتهای قانونی یا شرکتهای عملی موضوع ماده ۲۲۰ قانون تجارت وجود همین شخصیت حقوقی مستقل است که به نوعی وجه ممیزه این شرکتهای با شرکتهای مدنی می باشد.

ماده ۲۲۰ قانون تجارت : هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیآورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا میگردد.

هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از ۳۳/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال خواهد شد - این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتهای برای عدم ثبت مقرر شده.

توضیحات مواد قانونی

توضیحات ماده ۲۲۰ قانون تجارت

۱- شرکت تجاری: قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده های آنها تشکیل می شود ایجاد کنند و به موسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان های

د - مدت اعتبار ثبت علامت ده سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن می باشد. این مدت با درخواست مالک آن برای دوره های متوالی ده ساله با پرداخت هزینه مقرر، قابل تمدید است. یک مهلت ارفاقی شش ماهه که از پایان دوره شروع می شود، برای پرداخت هزینه تمدید، با پرداخت جریمه تأخیر، در نظر گرفته می شود.

احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهمی گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۲- نرخ جریمه مذکور در ماده ۲۲۰ قانون تجارت بر اساس تصویبنامه مصوب جلسه ۳۰/۳/۱۴۰۳ هیات وزیران درخصوص «اصلاح میزان مبالغ مربوط به جرایم و تخلفات مندرج در قوانین مختلف» اصلاح گردید. سابقا جزای نقدی مندرج در این ماده از دویست تا دو هزار ریال بود. [معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تصویبنامه درخصوص اصلاح میزان مبالغ مربوط به جرایم و تخلفات مندرج در قوانین مختلف]

۳- به نظر برخی از حقوقدانان، مضاربه، مشمول مقررات مندرج در ماده ۲۲۰ قانون تجارت، که شرکت های مدنی را نیز، تابع احکام شرکت تضامنی قرار داده است؛ نمی گردد؛ زیرا نمی توان مضاربه را، در دسته ی شرکت ها به شمار آورد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مضاربه. چاپ ۱. گنج دانش، ۱۳۸۴]. به نظر برخی دیگر، مالک و مضارب، در روابط بین خود، تابع قرارداد مضاربه بوده؛ ولی در مقابل اشخاص ثالث، دارای مسئولیت تضامنی هستند. [عباس زراعت و حمید مسجدرایی. متون فقه (جلد اول). چاپ ۳. خط سوم، ۱۳۸۷]. نکته ی دیگر آن که، با توجه به اینکه قانونگذار در ماده ۲۲۰ قانون تجارت، شرکت های مدنی را، به شرکت های تضامنی تشبیه نموده است؛ به نظر می رسد که مراجعه اولیه بستانکاران به سرمایه شرکت، الزامی است؛ زیرا تا زمانی که شرکت تضامنی منحل نگردیده؛ نمی توان برای مطالبه دیون آن، به شرکا رجوع نمود. در واقع، تا زمانی که شرکت های مدنی، اشتغال به امور تجاری دارند؛ همانند شرکت های تضامنی، از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار هستند. [سید محمود کاشانی. حقوق مدنی قراردادهای ویژه (اشاعه، شرکت مدنی، تقسیم مال مشترک، ودیعه، وکالت، ضمان). چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۸]. اگر شرکت مدنی متضرر گردد؛ زیان های وارد شده، به نسبت حصه هر یک از شرکا، میان آنان سرشکن گردیده؛ که در این صورت هر یک از شرکا، به همین مقدار مسئولیت دارد. اما در رابطه با آن دسته از شرکت های مدنی، که اشتغال به فعالیت های تجاری دارند؛ باید هر یک از اعضا را، در برابر همه ی دیون شرکت به اشخاص ثالث، مسئول دانست. [سید محمود کاشانی. حقوق مدنی قراردادهای ویژه (اشاعه، شرکت مدنی، تقسیم مال مشترک، ودیعه، وکالت، ضمان). چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۸].

شایان ذکر است ماده ۵۸۳ قانون تجارت، فقط ناظر به شخصیت حقوقی شرکت های تجاری بوده و نافی برخورداری شرکت های مدنی از شخصیت حقوقی نیست. از طرفی با استناد به ماده ۲۲۰ همین قانون، برخی از شرکت های مدنی، که اشتغال به فعالیت های بازرگانی دارند؛ تضامنی محسوب گردیده و در واقع از شخصیت حقوقی برخوردار هستند. سایر شرکت های مدنی نیز، که موضوع عملیات آن، فعالیت های غیرتجاری است را، می توان به موجب ماده ۵۸۴ قانون مزبور، از زمان ثبت، واجد شخصیت حقوقی دانست. [علیرضا باریکلو. حقوق مدنی (جلد هفتم) (عقود معین - بخش دوم) (عقود مشارکتی، توثیقی و غیر لازم). چاپ ۱. مجد، ۱۳۸۸].



۴- هر شرکت تجارتي ایرانی باید به یکی از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت فعالیت کند. شرکتهایی که قوانین مربوط به نوع خود را رعایت نکنند، شرکت تضامنی محسوب می‌شوند. احکام شرکتهای تضامنی بر شرکتهایی که قوانین مربوطه را رعایت نمی‌کنند اجرا می‌شود. شرکتهای ایرانی و خارجی مشمول قانون تجارت باید در اسناد و مکاتبات خود شماره ثبت را ذکر کنند. عدم ذکر شماره ثبت در اسناد، صورت حسابها و اعلانات خطی یا چاپی منجر به جریمه نقدی می‌شود. جریمه نقدی برای عدم ذکر شماره ثبت بین ۳۳/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین شده است. این مجازات علاوه بر مجازات عدم ثبت شرکت، طبق قانون ثبت شرکتهای اعمال می‌شود.



گفتار ششم : آثار ایجاد شخصیت حقوقی

شخصیت حقوقی شرکت ◀ مهمترین اثر تشکیل شرکتهای تجاری ایجاد شخصیت حقوقی برای آن است.

اسم شرکت : شرکت علاوه بر عنوان که نشانگر نوع شرکت است حتما باید دارای نام مخصوص مستقل از اعضاء باشد.

قاعده : شرکت دارای مستقل از دارایی اعضاء دارد.

دارایی شرکت

نتایج دارایی مستقل به شرح ذیل

آثار ایجاد

شخصیت حقوقی

۱- طلبکار شخصی شریک حق مراجعه به شرکت را ندارد.

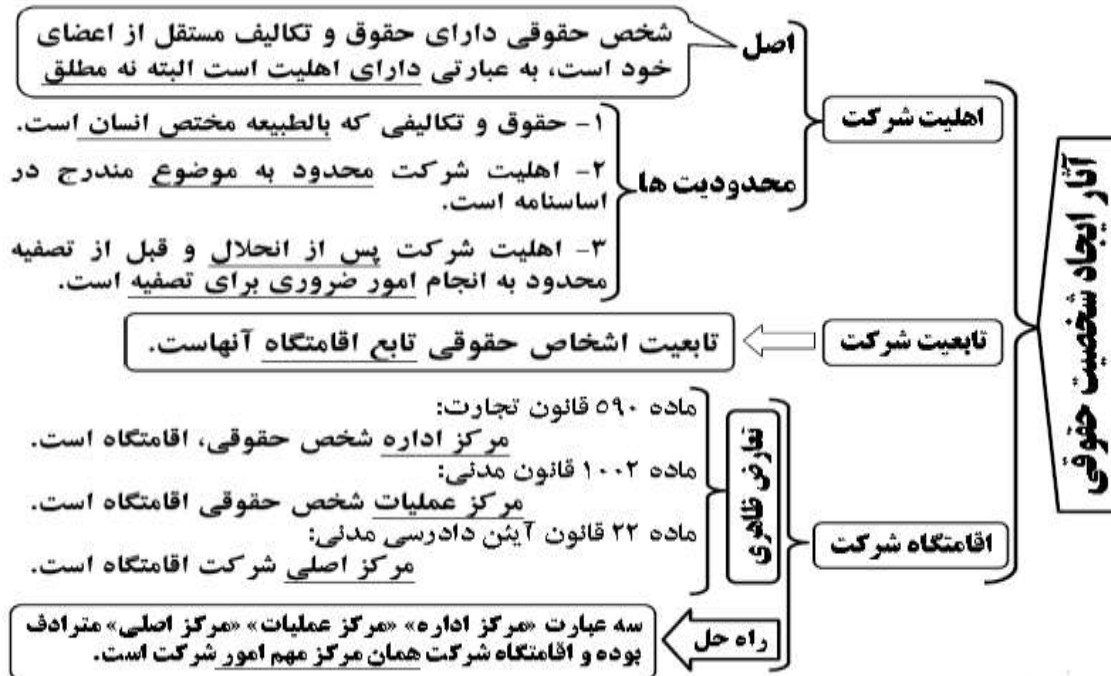
۲- طلبکار شرکت باید ابتدا به دارایی شرکت رجوع کند و در نهایت اگر ممکن نبود به

خود شرکاء رجوع کند.

۳- پس از انحلال شرکت دارایی ابتدا بین طلبکاران و سپس بین شرکا تقسیم می شود.

۴- بین دین طلبکار شریک با دین شرکت از طلبکار شریک تهاتر صورت نمی گیرد.

نتایج دارایی مستقل



مواد قانونی بحث :

ماده ۵۹۰ قانون تجارت: اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی: اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن‌ها خواهد بود.

ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی: دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آن‌ها در ایران است، همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود.

توضیح تعارض مواد

در مورد نحوه و معیار تعیین اقامتگاه میان حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد. زیرا که برخلاف شخص حقیقی، شخص حقوقی به هر حال متشکل از اعضای است که هر یک مستقلاً دارای اقامتگاه مخصوص به خود بوده و همین امر لزوم استقلال اقامتگاه شخصیت حقوقی را با پرسش روبه رو می‌سازد.

در حقوق ایران، مقررات چندی در قوانین گوناگون راجع به اقامتگاه شخص حقوقی مورد پیش بینی قرار گرفته است که به علت کاربرد زبان و اصطلاحات متفاوت، منشا اختلاف گردیده اند. در این رابطه ماده ۵۹۰ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ مقرر می دارد: ((اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی آنجاست.))

بنیاد تعریف بالا، جهت تشخیص اقامتگاه برای شخص حقوقی، محل اداره (امور) آن شخص است. هرچند که قانون مزبور محل اداره را تعریف ننموده، لکن آنچه که عرفاً از محل اداره شخص حقوقی و از جمله تشکیل جلسات مجامع عمومی، هیئت امنا و یا جلسات هیئت مدیره در آنجا انجام می گیرد. همچنین، این محل نقطه ی ارسال و دریافت مکاتبات، ابلاغها و اخطاریه ها، دعای و شکایات از سوی سایر اشخاص، سازمانها و مراجع قانونی و قضایی است. در نتیجه و لزوماً ارتباطی میان چنین مکانی با محل فعالیتهای فیزیکی یا تولیدی شخص حقوقی ه در اجرای موضوع و هدف شخص حقوقی صورت می گیرد، وجود ندارد. درمقابل، ملاک تعریف اقامتگاه شخص حقوقی در قانون مدنی متفاوت از معیار مندرج در ماده ۵۹۰ قانون تجارت همخوانی دارد و یا آنکه مرز عملیات، عبارت از محل انجام امور مادی، فیزیکی یا تولیدی مربوط به موضوع و هدف شخص حقوقی است، که در این حال ظاهراً با منظور ماده ی ۵۹۰ مذکور متفاوت است و لذا بایستی حکم یکی از دو ماده را پذیرفت و اعمال نمود. در این ارتباط دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد:

الف) گروهی از حقوقدانان به تعارض میان دو ماده مزبور اعتقادی ندارند. طرفداران این نظر که در اقلیت هستند مفهوم مرکز عملیات را با معنی محل اداره ی امور یکسان می بینند، و اختلاف میان در اصطلاح را تنها اختلافی لفظی و نه تعارضی مفهومی به شمار می آورند. براین پایه، منظور از مرکز عملیات، همان محل تشکیل نشستهای مجامع عمومی و هیئت مدیره و بازرسان بوده و با محل اداره ی امور مذکور در ماده ی ۵۹۰ قانون تجارت در یک معنا به کار رفته است. به علاوه، اصل مصلحت مبنای دیگر استدلال ایشان است. بدین توضیح که به منظور حل مشکل و رفع تعارض ظاهری و اینکه وضع مقررات متعارض در موضوع واحد خلاف منطق قانون گذاری است و حقوقدانان نیز باید در همین راستا مقررات ظاهراً متعارض را تفسیر نمایند، بهتر است هر دو اصطلاح را دارای مفهوم یکسان تلقی نماییم.

ب) در حالی که گروهی دیر از حقوقدانان دو ماده ی مورد بحث را منطوقاً و مفهوماً در تعارض با یکدیگر می بینند. این دسته از حقوقدانان بر این باورند که دو عبارت ((محل اداره امور)) و ((مرکز عملیات)) در حقوق فرانسه که منبع اصلی حقوق تجارت ایران است، معنایی کاملاً متفاوت دارند. به این معنی که اداره امور شخص حقوقی امری جدا از عملیات مادی بوده و عبارت از مدیریت و تشکیل جلسات، انجام مکاتبات و پاسخگویی به مخاطبین و هر امری که در این چهار چوب قرار می گیرد، است. در حالی که ((مرکز



عملیات)) به مفهوم محل انجام امور مادی است. برای مثال یک شرکت راهسازی ممکن است کار ساختن راه را در خراسان انجام دهد، در حالی که دفتر مرکزی و یا اداره ی شرکت مزبور در تهران باشد.

شناسایی مرکز اصلی و یا اداره شخص حقوقی، آثار حقوقی - سیاسی بسیاری را در پی دارد، به ویژه اینکه ممکن است مرکز اداره ی امور شخص حقوقی در کشوری و مرکز عملیات در کشور دیگری باشد. این گروه، خود در پذیرش اینکه کدام یک از دو ماده بالا در تعیین اقامتگاه باید مورد توجه قرار گیرد اتفاق نظر ندارند و بر اساس مواد ظاهرا متعارض قوانین مختلف یاد شده، دیدگاههای متفاوتی به شرح زیر پیشنهاد می نمایند:

اقامتگاه مرکز عملیات: بر اساس این نظریه، مرکز عملیات باید به عنوان اقامتگاه شخص حقوقی تعیین شود. طرفداران دیدگاه مذکور برای تحکیم موضوع خود چنین استدلال می کنند که :

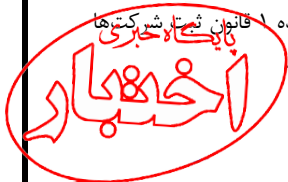
الف) باب چهارم قانون مدنی متضمن ماده ۱۰۰۲ در سال ۱۳۱۳، یعنی دو سال پس از تصویب قانون تجارت وضع گردیده، لذا موخر بر قانون تجارت بوده و بر اساس اصل ((قانون موخ، قانون مقدم را نسخ می نماید))، حکم ماده ۱۰۰۲ بایستی اعمال گردد و در نتیجه مرکز عملیات اقامتگاه شخص حقوقی به حساب می آید.

ب) هدف و منظور از تشکیل و تاسیس شخصیت حقوقی انجام عملیاتی است که در اجرا و حصول هدف مورد نظر صورت می پذیرد. در نتیجه، محل عملیات به عنوان اقامتگاه با هدف و موضوع شخصیت حقوقی سازگاری بیشتری داشته و باید معیار مناسب تلقی گردد.

اقامتگاه محل اداره امور: این دیدگاه با رد موضع بالا، محل اداره ی امور را معیار مناسب به شمار می آورد. برای توجیه این دیدگاه، دلایلی چند به شرح زیر را می توان مطرح ساخت:

الف) قانون تجارت در مقایسه با قانون مدنی، به ویژه در خصوص شرکتهای تجاری، قانون خاص است و تاخر قانون مدنی، هیچ گونه تاثیری در اعتبار حکم قانون تجارت ندارد. لذا، قانون تجارت در ارتباط با امور راجع به شخصیت حقوقی و به خصوص شرکتهای، قانون خاص موخر محسوب می گردد؛ زیرا که عام موخر خاص مقدم را نسخ نمی نماید.^{۲۳} افزون بر آن، از دید این عده، ((عبارت اخیر ماده ی ۱۰۰۲ قانون مدنی لااقل در مورد شرکتهای تجاری ماده ی ۵۹۰ قانون تجارت را نسخ نمی کند))، چرا که ((ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی به طور کلی ناظر بر اشخاص حقوقی غیر از شرکتهای تجاری و ماده ی ۵۹۰ قانون تجارت را نسخ نمی کند))، چرا که ((چرا

^{۲۳} اکثر حقوقدانان معتقدند که قانون تجارت قانون خاصی است که به وسیله قانون مدنی که قانون عام است، نسخ نشده است و ماده ۱ قانون تجارت شرکتهای که می گوید هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است، نیز مؤید همین مطلب است



که ماده ی ۱۰۰۲ قانون مدنی به طور کلی ناظر بر اشخاص حقوقی غیر از شرکتهای تجاری و ماده ی ۵۹۰ قانون تجارت مربوط به شرکتهای تجاری است.))

ب) حتی با فرض قبول اصل اعتبار قانون موخر، قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب سال ۱۳۱۸ در ماده ی ۳۶ خود که در ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ با مضمونی مشابه تکرار گردیده، اقامتگاه شرکت را مرکز اصلی می داند. ماده مزبور مقرر می دارد: ((دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکا و اختلافات حاصله بین شرکا و همچنین دعاوی اشخاص خارج بر شرکت، مادام که شرکت باقی است و در صورت برچیدگی تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود)).

با توجه به اینکه قانون آیین دادرسی مدنی سابق ۵ سال پس از قانون مدنی تصویب گردیده، بر اساس همان استدلال طرفداران اعمال حکم ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی یعنی اعتبار حکم قانون موخر، بایستی حکم ماده ۳۶ مزبور و ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ را ملاک اعتبار دانست. با لحاظ این نکته که قانون آیین دادرسی جدید قانون آیین دادرسی ۱۳۱۸ را نسخ نموده، استدلال بالا استحکام بیشتری می یابد.

ج) پذیرش معیار مرکز عملیات به عنوان اقامتگاه شخص حقوقی، مشکلات حقوقی و سیاسی بی شماری به همراه دارد، زیرا که مرکز عملیات مرتبا تغییر می کند و در نتیجه اقامتگاه شخص حقوقی نیز باید تغییر کند که این امر مشکلات فراوانی را برای همه کسانی که با شخص حقوقی سرو کار دارند ایجاد می نماید و در مواردی تعیین و تشخیص حقوقی در جاهای مختلف فعالیت و عملیات داشته باشد هم زمان چند اقامتگاه خواهد داشت.

با ملاحظه و مقایسه ی دو دیدگاه بالا، بنیاد استدلال دیدگاه دوم یعنی اقامتگاه، مرکز اداره ی امور یا مرکز اصلی از نظریه دیگر یعنی ملاک مرکز عملیات، استوارتر و از نقطه نظر کاربردی نیز با واقعیات روابط تجاری همخوانی بیشتری دارد.

به طو خلاصه طبق ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود و به موجب ماده ۵۹۰ قانون تجارت اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آن جا است. در خصوص این دوگانگی بین ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی و ۵۹۰ قانون تجارت بین حقوقدانان اختلاف نظر است: بعضی از حقوقدانان اعتقاد دارند ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی به علت مؤخرالتصویب بودن ناسخ ماده ۵۹۰ قانون تجارت است. عدهای دیگر بر آن اند که ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی راجع است به اقامتگاه مدنی و ماده ۵۹۰ قانون تجارت راجع است به اقامتگاه تجاری و عدهای دیگر معتقدند تعارض واقعی ای وجود ندارد و منظور از (مرکز عملیات) همان (مرکز اداره) شخص حقوقی است.



گفتار هفتم : تقسیم شرکت ها بر اساس اهمیت شخصیت شرکاء

تقسیم شرکت ها بر اساس اهمیت شخصیت شرکاء

- ۱- شرکت های اشخاص : شرکت تضامنی و نسبی
- ۲- شرکت های سرمایه : مثل شرکت سهامی عام یا خاص، شرکت با مسئولیت محدود
- ۳- شرکت های ویژه : مثل شرکت مختلط سهامی، شرکت مختلط غیر سهامی، شرکت تعاونی تولید و مصرف

تفاوت بین شرکت های اشخاص و سرمایه

- ۱- در شرکتهای اشخاص شخصیت شرکاء اهمیت اصلی را دارند اما در شرکتهای سرمایه آنچه اصلت دارد سرمایه و میزان آن است.
- ۲- در شرکتهای اشخاص مسئولیت شرکاء نامحدود است اما در شرکت سرمایه مسئولیت محدود به حق الشرکه یا مبلغ اسمی سهام است.
- ۳- در شرکتهای اشخاص فوت یا حجر هر شریک باعث انحلال شرکت می شود در حالی که در شرکتهای سرمایه علی الاصول این گونه نیست.
- ۴- در شرکتهای اشخاص، سهم الشرکه تنها با رضایت همه شرکاء قابل انتقال است اما در شرکت سرمایه اصولاً رضایت دیگر شرکاء لازم نیست.
- ۵- در شرکتهای اشخاص، شرکاء نقش محسوسی در اداره شرکت دارند در حالیکه در شرکتهای سرمایه سهامداران از نحوه اداره شرکت بی اطلاع هستند.

مبحث دوم : مباحث تفصیلی هر شرکت

گفتار اول : شرکت با مسئولیت محدود

ماده ۹۴ قانون تجارت : شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.

نکته : محدودیت مسئولیت شرکاء در این نوع شرکت حتی از شرکت سهامی نیز مطلق تر است چرا که شریک شرکت با مسئولیت محدود حتی اگر مدیر باشد شخصا مسئول پرداخت قروض شرکت نخواهد بود.

توضیحات مواد قانونی

توضیحات ماده ۹۴ قانون تجارت

۱- شرکت تجاری: در خصوص تعریف شرکت تجاری هر چند قانون تجارت مسکوت است ولی در دکترین حقوقی تعاریفی ارائه شده است از جمله آن که: شرکتی است عقدی (نه قهری) که برابر قوانین تجارت پدید می آید و شخصیت حقوقی دارد و سرمایه آن حالت اشاعه ندارد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. همچنین در تعریف دیگری آمده است که شرکت تجاری، قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده های آنها تشکیل می شود ایجاد کنند و به موسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۲- شرکای شرکت با مسئولیت محدود، باید دارای اهلیت باشند؛ ولی باتوجه به اینکه بازرگان محسوب نمی گردند؛ پس محجورین نیز می توانند به وسیله نماینده قانونی خود، در شرکت مزبور شریک گردند. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت ها، ثبت شرکت ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰] نکته ی دیگر آن که با توجه به اینکه قانونگذار، تناسبی برای شرکای شرکت با مسئولیت محدود، در نظر نگرفته است؛ بنابراین ممکن است یکی از دو شریک، دارای ۹۹ درصد از سهام شرکت



بوده و شریک دیگر، فقط ۱ درصد را به خود اختصاص دهد. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها، ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰]. همچنین، شایان ذکر است در شرکت با مسئولیت محدود، تکلیف انجام معاملاتی توسط مدیران، که متضمن رقابت با شرکت باشد؛ پیش‌بینی نگردیده‌است. اما به نظر می‌رسد که می‌توان در اساسنامه شرکت، چنین عملیاتی را ممنوع اعلام نموده و شرکا را، نسبت به ضمانت اجرای تخلف از مقرر مزبور، آگاه کرد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

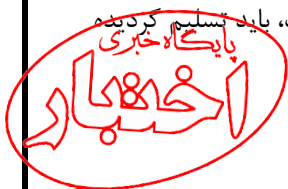
۳- شرکت‌ها از حیث موضوع و ساختار، قابل تقسیم‌بندی هستند. شرکت با مسئولیت محدود، در دسته اول می‌گنجد؛ زیرا باید موضوع آن، عملیات تجاری باشد. [محمدطاهر کنعانی. حقوق تجارت نوین. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱]. چنانچه شرکتی با عنوان با مسئولیت محدود، تشکیل گردیده اما موضوع فعالیت‌های آن، اعمال تجاری نباشد؛ در این صورت نمی‌توان آن را، مشمول مقررات توقف و ورشکستگی دانست. [محمد صقری. حقوق بازرگانی ورشکستگی (جلد اول) (توقف، ابطال معاملات، قرارداد ارفاقی) (جلد دوم) بازسازی بنگاه‌های اقتصادی بحران زده (جلد سوم) (ورشکستگی فرامرزی)]. چاپ ۲. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸].

۴- نکات توصیفی ماده ۹۴ قانون تجارت

- ۱) شرکت با مسئولیت محدود میان دو یا چند نفر تشکیل می‌شود.
- ۲) هدف از تشکیل این شرکت‌ها انجام امور تجاری است.
- ۳) سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود به سهام یا قطعات سهام تقسیم نمی‌شود.
- ۴) مسئولیت شرکاء در قبال قروض و تعهدات شرکت محدود به میزان سرمایه‌ای است که در شرکت دارند.
- ۵- چکیده دادنامه و رای دادگاه درباره اثر اثبات جعلیت امضاء شرکاء بر اعتبار مصوبات مجامع: اثبات جعلیت امضاء شرکاء، در صورت عدم تأثیر بر تحصیل حدنصاب اکثریت مقرر در قانون، موجب ابطال مصوبات مجامع شرکت نخواهد بود. [رای دادگاه درباره اثر اثبات جعلیت امضاء شرکاء بر اعتبار مصوبات مجامع (دادنامه شماره ۱۱۹۲۰۲۲۱۵۰۲۲۱۵۰۹۹۷۰۹۳۰)]

۶- انتقادات

منظور قانونگذار، از بیان (فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت، مسئول قروض و تعهدات شرکت است)، این است که هیچ‌کدام از آنان، در مقابل بدهی‌ها و تعهدات شرکت مسئول نیست. با توجه به اینکه در شرکت مزبور، سرمایه نقدی شرکت، باید تسلیم گردیده



و سرمایه غیرنقدی نیز، تقویم و تحویل داده شود؛ پس هیچ مالی از اموال شرکت، نزد شرکا باقی نمی ماند تا بتوان آن ها را، بابت دیون و تعهدات شرکت مسئول دانست. و مقنن، از باب مسامحه، هر یک از شرکا را، تا میزان آورده خود، مسئول قروض و تعهدات مالی شرکت دانسته؛ که البته همین مقدار را هم، نباید بر عهده آنان می گذاشت. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث).

چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵.]

۷- اگر سرمایه شرکت با مسئولیت محدود، از دو شریک تشکیل گردیده؛ که هر یک از آنان، میزان ۶۰۰۰۰۰۰ ریال سرمایه، به شرکت آورده باشد و بدهی شرکت به اشخاص ثالث، ۱۸۰۰۰۰۰۰ ریال باشد؛ دراینصورت هر یک از شرکا، فقط تا میزان آورده خود، مسئول تأدیه دیون و بدهی های شرکت بوده و در واقع، تنها ۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال از طلب بستانکاران وصول خواهد شد و شرکا نسبت به ۶۰۰۰۰۰۰ ریال باقیمانده، مسئولیتی نخواهند داشت.

[ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵.

سمت، ۱۳۸۹.]



بند اول : میزان مسئولیت در شرکت با مسئولیت محدود

میزان مسئولیت در شرکت با مسئولیت محدود : هر شریک فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول

قروض و تعهدات شرکت خواهد بود.^{۲۴}

ماهیت شرکت : این شرکت ساختار خاص و مستقل دارد و نمی توان آنرا تماما جزء شرکت های سرمایه به حساب آورد.

موضوع شرکت : این شرکت موضوعا تجاری است یعنی شرکت با مسئولیت محدود را نمی توان برای امور غیر

تجارتی تشکیل داد.^{۲۵}

^{۲۴} ماده ۹۴ قانون تجارت: شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.

^{۲۵} همان ماده ۹۴ قانون تجارت



بند دوم : نحوه تشکیل شرکت با مسئولیت محدود

- ۱- قرارداد کتبی با امضاء تمامی شرکاء و تنظیم به صورت سند رسمی^{۲۶}
- ۲- تادیه تمام سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی^{۲۷}
- ۳- تصریح میزان تقویمی سهم الشرکه های غیر نقدی در شرکتنامه^{۲۸}
- ۴- سهم الشرکه نمی تواند به شکل سهام باشند و پذیره نویسی ممنوع است.^{۲۹}

^{۲۶} ماده ۹۷ قانون تجارت - در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.
^{۲۷} ماده ۹۶ قانون تجارت - شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

^{۲۸} ماده ۹۷ قانون تجارت

^{۲۹} ماده ۹۴ قانون تجارت : شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتي تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد، فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.



بند سوم : وجه اشتراک شرکت با مسئولیت محدود با شرکت سرمایه و اشخاص

وجه اشتراک با شرکت های سرمایه ای : مسئولیت تمامی شرکاء محدود به میزان سرمایه است.

وجه اشتراک با شرکت های اشخاص

۱- نحوه انتقال سهم شرکت به غیر با رضایت سایر شرکاء میسر می باشد (دارندگان لاقبل سه چهارم سرمایه + اکثریت عددی)

۲- سرمایه به قطعات سهام تقسیم نمی شود بلکه به صورت سهم شرکت است.

۳- شخصیت شرکاء در خیلی از موارد مهم و مطرح می باشد مانند امضاء اساسنامه توسط تمام شرکاء یا پیدا کردن مسئولیت تضامنی در مواردی از جمله عدم قید عنوان «با مسئولیت محدود»

۴- مانند شرکتهای اشخاص حداقل و حداکثری برای سرمایه وجود ندارد.



بند چهارم : اسم شرکت

ماده ۹۵ قانون تجارت - در اسم شرکت باید عبارت با مسئولیت محدود قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از شرکاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده ۹۷ قانون تجارت - در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

نکته ۱ : در شرکت با مسئولیت محدود تقویم آورده غیر نقدی با خود شرکاء بوده و نیازی به جلب نظر کارشناس رسمی نیست بر خلاف شرکت سهامی.

نکته ۲ : سهم الشرکه در صورتی که صنعت یا هنر باشد تقویم میشود برای تعیین سهم شریک در سود شرکت اما در میزان سرمایه شرکت موثر نیست.

ماده ۹۸ قانون تجارت - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

نکته : شرکاء نسبت به مابه التفاوت قیمت واقعی مال و قیمت تقویم شده آن در زمان تشکیل شرکت مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۱۰۰ قانون تجارت - هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.

نکته ۱ : در صورتی که بعد از مدتی عوامل بطلان برطرف شوند ابطال شرکت جایز نخواهد بود و از تاریخ تصحیح شرکت تشکیل شده محسوب می شود. اما می توان از آثار بطلان شرکت نسبت به مدتی که باطل بوده است استفاده کرد.



نکته ۲: بطلان نسبی یعنی اینکه شرکت از لحاظ قانونی و روابط بین شرکاء باطل و غیر موجود است اما در مقابل اشخاص ثالث و مسئولیت شرکاء موجود فرض می شود.

ماده ۱۰۱ قانون تجارت - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیأت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود.

نکته: از میان مسئولان فردی که مجبور به پرداخت تمام خسارت شده است میتواند بابت سهم دیگر مسئولان به آنها رجوع کند.

ماده ۱۰۲ قانون تجارت - سهم الشرکه شرکاء نمیتواند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم الشرکه را نمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۹۵ قانون تجارت - در اسم شرکت باید عبارت با مسئولیت محدود قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از شرکاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

توضیحات ماده ۹۵ قانون تجارت:

۱- شرکت تجاری: در خصوص تعریف شرکت تجاری هر چند قانون تجارت مسکوت است ولی در دکترین حقوقی تعاریفی ارائه شده است از جمله آن که: شرکتی است عقدی (نه قهری) که برابر قوانین تجارت پدید می آید و شخصیت حقوقی دارد و سرمایه آن حالت اشاعه ندارد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. همچنین در

تعریف دیگری آمده است که شرکت تجاری، قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند سرمایه را



که از جمع آورده‌های آن‌ها تشکیل می‌شود ایجاد کنند و به موسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می‌گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم گردند. [آریبا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۲- قوانین تجارت ایران و اردن، هیچ‌یک از شرکا را ملزم به ذکر نام خود، به دنبال اسم شرکت با مسئولیت محدود ننموده‌است. به موجب قانون تجارت کشورهای مصر، فرانسه و امارات نیز، هر یک از شرکا، می‌تواند نام خود را، به همراه نام شرکت با مسئولیت محدود به ثبت برساند. [حشمت اله سماواتی. مبانی حقوقی نام تجاری. چاپ ۱. میزان، ۱۳۹۳].

۳- اصولاً شرکا، در انتخاب نام شرکت آزاد هستند؛ لیکن برخی مصالح، بخصوص حفظ حقوق اشخاص ثالث، قانونگذار را، ناچار به تعیین شرایطی، در رابطه با تعیین نام آن نموده‌است. [کوروش کلویانی. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۶]. در ماده ۹۵ قانون تجارت با توجه به اینکه شرکت با مسئولیت محدود، تجارتی بوده و شرکا مسئولیتی ندارند؛ قانونگذار مقرر نموده که به ضمیمه نام این شرکت، «عبارت با مسئولیت محدود» اضافه گردد؛ تا اشخاصی که با شرکت طرف معامله واقع می‌گردند، متوجه این موضوع باشند. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها، ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰].

۴- اگر شرکت با مسئولیت محدود، قصد اقامه دعوا در دادگاه را داشته باشد؛ باید نماینده آن، نام شرکت را، با تمام شرایطی که در ماده ۹۵ قانون تجارت مقرر است؛ در ستون خواهان ذکر نماید. [احمد متین دفتری. آیین دادرسی مدنی و بازرگانی (جلد اول). چاپ ۳. مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸].

۵- عبارت (شریکی که اسم او، در اسم شرکت قید شده؛ در مقابل اشخاص ثالث، حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت). دلالت بر این دارد که اگر بدهی‌های شرکت، افزون بر دارایی آن باشد؛ طلبکاران می‌توانند بابت مبلغ مازاد، به شریک ضامن مراجعه نمایند و آثار مسئولیت تضامنی آنان، در موارد ورشکستگی شرکا یا شرکت و تأثیر متقابل این دو مقوله بر یکدیگر نمایان‌تر است. [محمد دمیرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴. دادستان، ۱۳۹۰].

۶- انتقادات

همچون قانون تجارت سایر کشورها، قانونگذار ایران نیز، باید ذکر سرمایه شرکت با مسئولیت محدود را، در کنار اسم آنان الزامی می‌دانست. [آریبا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود).

چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].



۷- دادگاه نمی تواند پیش از طی تشریفات قانونی، سود سهام را تعیین کند و دعوای مطالبه سود مازاد بدون رعایت مقررات فوق قابل پذیرش نیست. شایسته ذکر است در صورتی که به هر علت مجمع عمومی تشکیل نشود، سهامدار می تواند به موجب بند ۲ ماده ۲۰۱ لایحه قانونی یادشده جهت انحلال شرکت به دادگاه مراجعه کند. [نظریه شماره ۳۳۱/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره دعوای اقلیت سهامداران دائر بر مطالبه سود بیشتر از مصوب]

ماده ۹۷ قانون تجارت - در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

توضیحات ماده ۹۷ قانون تجارت :

۱- شرکت تجاری: در خصوص تعریف شرکت تجاری هر چند قانون تجارت مسکوت است ولی در دکترین حقوقی تعاریفی ارائه شده است از جمله آن که: شرکتی است عقدی (نه قهری) که برابر قوانین تجارت پدید می آید و شخصیت حقوقی دارد و سرمایه آن حالت اشاعه ندارد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸].

همچنین در تعریف دیگری آمده است که شرکت تجاری، قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده های آن ها تشکیل می شود ایجاد کنند و به موسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۲- شرکا باید سهم الشرکه غیرنقدی خود را، پس از ارزیابی، به شرکت تسلیم نمایند. این امر باید در شرکت نامه قید گردد؛ زیرا آنان در مقابل اشخاص ثالث، نسبت به بهای سرمایه غیرنقدی شرکت، مسئولیت تضامنی دارند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹]. قانونگذار، به نحو صریح، تنظیم شرکت نامه را، جهت تشکیل شرکت با مسئولیت محدود، لازم ندانسته است؛ لیکن با توجه به مفاد ماده ۹۷ قانون تجارت، که قید میزان سرمایه غیرنقدی در شرکت نامه را، به تفکیک هر مال الزامی می داند؛ می توان به این نتیجه دست یافت که تأسیس شرکت مزبور، منوط به وجود شرکت نامه است. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹]. [محمدرضا پاسبان. حقوق شرکت های تجاری. چاپ ۷. سمت، چاپگاه تجاری]

[۱۳۹۱]. در این باره بین همه حقوقدانان، اتفاق نظر وجود دارد. [محمدرضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].

۳- نکات توصیفی ماده ۹۷ قانون تجارت

- (۱) نکات آزمون و علمی ماده ۹۷ قانون تجارت:
- (۲) شرکتنامه باید به صورت صریح تنظیم شود.
- (۳) قید سهم‌الشرکه‌های غیر نقدی در شرکتنامه ضروری است.
- (۴) میزان تقویم سهم‌الشرکه‌های غیر نقدی باید مشخص باشد.
- (۵) تقویم سهم‌الشرکه‌های غیر نقدی باید به طور دقیق انجام شود.
- (۶) عدم قید میزان تقویم سهم‌الشرکه غیر نقدی می‌تواند منجر به بطلان مقررات مرتبط با آن شود.
- (۷) شفافیت در ثبت سهم‌الشرکه‌های غیر نقدی در شرکتنامه اهمیت دارد.

ماده ۹۸ قانون تجارت - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

توضیحات ماده ۹۸ قانون تجارت

۱- مقرراتی که قانونگذار، برای تقویم سرمایه‌های غیرنقدی، در رابطه با شرکت با مسئولیت محدود وضع نموده‌است؛ با مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی متفاوت بوده و مفاد ماده ۹۸ قانون تجارت، مؤید این مدعا است. چراکه در شرکت با مسئولیت محدود، عده شرکا قلیل است و به جهت سابقه‌آشنایی آن‌ها با یکدیگر، با تعامل مناسب‌تری، می‌توانند از ارزیابی‌های غیرواقعی و کذایی بهای کالاها، جلوگیری نمایند. لیکن به جهت محدود نمودن راه‌های تبانی شرکا با یکدیگر، به قصد ورود ضرر به اشخاص ثالث، قانونگذار هر یک از آنان را، در مقابل اشخاص ثالث، نسبت به قیمت برآورد شده سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی، ضامن می‌داند. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها، ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰].

۲- اگر قیمت واقعی سهم‌الشرکه غیرنقدی، به هنگام ارزیابی، ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده و شرکا، آن مال را به میزان ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال تقویم نموده باشند؛ در این صورت هر یک از آنان، به مقدار ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال مابه‌التفاوت بهای واقعی و غیرواقعی آن مال، در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند؛ نه به ازای کل قیمت آن و به اتهام کلاهبرداری هم قابل تعقیب می‌باشند. آریبعاً



اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹.]

۳- نکات توصیفی ماده ۹۸ قانون تجارت

- ۱) مسئولیت تضامنی شرکاء: شرکاء در مقابل اشخاص ثالث نسبت به قیمت تعیین شده برای سهم الشرکه‌های غیر نقدی در زمان تشکیل شرکت دارای مسئولیت تضامنی هستند.
- ۲) سهم الشرکه غیر نقدی: سهم الشرکه‌هایی که به صورت غیر نقدی (مانند اموال یا دارایی‌های غیر نقدی) به شرکت وارد می‌شوند، موضوع این ماده است.
- ۳) تعیین قیمت: قیمت سهم الشرکه‌های غیر نقدی باید در هنگام تشکیل شرکت مشخص شود.
- ۴) حفاظت از حقوق اشخاص ثالث: این ماده به منظور حفاظت از حقوق اشخاص ثالث در معاملات با شرکت تصویب شده است.

ماده ۱۰۰ قانون تجارت - هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.

توضیحات ماده ۱۰۰ قانون تجارت :

۱- مواد ۹۶ و ۹۷ قانون تجارت

ماده ۹۶ قانون تجارت: شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ قانون تجارت: در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه‌های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

۲- شرکت با مسئولیت محدود: ماده ۹۴ قانون تجارت، بیان می‌دارد: «شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است». [ماده ۹۴ قانون تجارت]

۳- اشخاص ثالث: منظور از اشخاص ثالث در ماده ۱۰۰ قانون تجارت، اصولاً شخص یا اشخاص طرف قرارداد با شرکت است. [محمد دمیرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴. دادستان، ۱۳۹۰.] همچنین، اینطور بیان



شده است که مقصود از اشخاص ثالث مندرج در ماده ۱۰۰ قانون تجارت، بستانکاران شرکت است. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۴- حکم مندرج در ماده ۱۰۰ قانون تجارت را، نمی‌توان بطلان نسبی دانست؛ زیرا وضعیت قرارداد شرکت، در صورت عدم رعایت مقررات مواد ۹۶ و ۹۷ قانون تجارت، در روابط بین اعضا، بطلان مطلق است نه نسبی. از طرفی عدم رعایت مقررات مزبور، در مقابل اشخاص ثالث نیز، منجر به بطلان شرکت نمی‌گردد. بلکه برعکس، در چنین حالتی، بطلان غیرقابل استناد بوده و باید گفت که قرارداد شرکت، در مقابل اشخاص ثالث، صحیح نسبی محسوب می‌گردد. [مهدی شهیدی. حقوق مدنی (جلد دوم) (اصول قراردادها و تعهدات). چاپ ۲. مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۱]. مقصود از اشخاص ثالث مندرج در ماده ۱۰۰ قانون تجارت، بستانکاران شرکت هستند. به نحوی که در روابط بین شرکا، شرکتی وجود ندارد. اما طلبکاران می‌توانند برای رسیدن به حقوق خود، به آن استناد نمایند. اما این امر را، نمی‌توان به این معنا دانست که اشخاص ثالث، حق درخواست بطلان شرکت مزبور را نداشته باشند. در واقع با عدم رعایت مفاد مواد ۹۶ و ۹۷ قانون تجارت، هر ذینفع می‌تواند با مراجعه به محکمه، خواستار بطلان شرکت با مسئولیت محدود گردد. اما شرکا نمی‌توانند همانند ذی‌نفع ثالث، به بطلان مزبور استناد نموده و در مقابل دیان شرکت، به چنین حربه‌ای متوسل گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. نکته‌ی دیگر آن که به مجرد تشکیل شرکت، هیئت نظار باید نسبت به رعایت مواد ۹۶ و ۹۷ قانون تجارت، علم حاصل نماید. نقش ناظرین در تشخیص رعایت یا عدم التزام شرکا به مواد یادشده؛ در بقا یا زوال شرکت، از اهمیت بسزایی برخوردار است. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].

۵- نکات توصیفی ماده ۱۰۰ قانون تجارت

- ۱) شرکت با مسئولیت محدود باید طبق مواد ۹۶ و ۹۷ قانون تجارت تشکیل شود.
- ۲) عدم رعایت مواد ۹۶ و ۹۷ می‌تواند باعث بطلان شرکت شود.
- ۳) بطلان شرکت به معنای از بین رفتن اعتبار قانونی آن است.
- ۴) شرکا نمی‌توانند در برابر اشخاص ثالث به بطلان شرکت استناد کنند.
- ۵) حمایت از اشخاص ثالث در برابر بطلان شرکت از اهداف این ماده است.
- ۶) امکان تشکیل شرکت‌های با مسئولیت محدود به صورت دیگری غیر از آنچه در مواد ۹۶ و ۹۷ آمده وجود ندارد.



ماده ۱۰۱ قانون تجارت - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیئت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود.

توضیحات ماده ۱۰۱ قانون تجارت

۱- خسارت: در لغت به مفهوم ضرر کردن، ضرر و زیان و ضد ربح می‌باشد. [حشمت اله سماواتی. خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی. چاپ ۴. خط سوم، ۱۳۹۰.]

۲- ماده ۹۹ قانون تجارت، راجع به مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات مربوط به تشکیل شرکت با مسئولیت محدود به مدت ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است و ماده ۱۰۱ قانون تجارت، راجع به مرور زمان دعاوی خسارات ناشی از بطلان شرکت با مسئولیت محدود به مدت ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان. [احمد متین دفتری. آیین دادرسی مدنی و بازرگانی (جلد دوم). چاپ - مجمع علمی و فرهنگی مجد]

مقنن، اشخاصی را که مشمول قاعده مندرج در ماده ۱۰۱ قانون تجارت هستند را به‌طور حصری معین نموده که عبارتند از شرکا، هیئت نظار و مدیران شرکت با مسئولیت محدود. به عنوان نمونه، چنانچه بر اثر اشتباه مأمور تنظیم شرکت نامه رسمی، قرارداد شرکت باطل گردد؛ ضمانت اجرای مندرج در ماده ۱۰۱ قانون تجارت را، نمی‌توان در مورد شخص مزبور مجری دانست. چراکه قاعده مزبور، یک استثنا بوده و فقط در موارد موردنظر قانونگذار، قابل اعمال است. حتی نمی‌توان آن را، نسبت به سایر شرکت‌ها جاری دانست. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹.] نکته‌ی دیگر آن که اشخاص مذکور در ماده ۱۰۱ قانون تجارت، زمانی مسئول هستند که مرتکب خطا شده باشند. مانند موردی که یکی از شرکا، تعهد به تأمین حصه‌ای غیرنقدی را نموده و به عهد خویش وفا نکرده و بر اثر خلف وعده وی، تمام سرمایه شرکت، تأمین نگردیده‌است. در چنین شرایطی، سایر شرکا را، نمی‌توان در مقابل تخطی شخص مزبور، ضامن دانست؛ زیرا این مسئولیت، بر مبنای خطای مرتکب استوار است؛ نه بر پایه «خطر» عضویت در شرکت. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹.]

۳- نکات توصیفی ماده ۱۰۱ قانون تجارت

- ۱) شرکایی که بطلان شرکت به عمل آنها مرتبط است مسئول خسارات هستند.
- ۲) هیئت نظار و مدیرانی که در هنگام بطلان یا بلافاصله بعد از آن در وظایف خود کوتاهی کرده‌اند مسئولیت دارند.
- ۳) مسئولیت شرکا و مدیران و هیئت نظار نسبت به خسارات ناشی از بطلان مسئولیت تضامنی است.



۴) اشخاص ثالث و سایر شرکا می‌توانند به مسئولین ذکر شده برای دریافت خسارت مراجعه کنند.

۵) مدت زمان مرور زمان برای طرح دعاوی مربوط به بطلان، ده سال از تاریخ وقوع بطلان است.

ماده ۱۰۲ قانون تجارت - سهم الشرکه شرکاء نمیتواند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

توضیحات ماده ۱۰۲ قانون تجارت :

۱- در برخی از شرکت‌های با مسئولیت محدود، به جهت رفع محدودیت‌های مربوط به انتقال سهم‌الشرکه، کلیه شرکا باید از قبل، رضایت خود را با انتقال سهم الشرکه هر یک از اعضا، به موجب سند جداگانه، اعلام نمایند. هر چند در اعتبار چنین سندی تردید وجود دارد؛ زیرا به نوعی، تخطی از فرمان مقنن محسوب می‌گردد. نکته‌ی دیگر آن که چنانچه در اساسنامه شرکت، انتقال سهم الشرکه هر یک از شرکا، مقید به موافقت اکثریت عددی آنان نگردد؛ یا رضایت اشخاص کمتری، مناط اعتبار قرار گیرد؛ چنین مقرره‌ای را نمی‌توان معتبر دانست. چراکه قانون تجارت، امره بوده و نمی‌توان برخلاف مفاد آن تراضی نمود؛ لذا شرکا، می‌توانند بر تعداد اکثریت مذکور در ماده ۱۰۲ قانون تجارت بیفزایند؛ اما نمی‌توانند از این اکثریت بکاهند. با وجود تردیدی که در مورد اعتبار موافقت شرکا، با انتقال حصه هر یک از آنان به موجب سند علیحده، بیان گردید؛ درنهایت می‌توان قائل به صحت و لزوم مفاد چنین سندی گردید. چنانچه هر یک از اعضا، رضایت خود را پس بگیرد؛ باید او را مسئول جبران زیان‌های واردشده به کسی دانست که بر اثر موافقت قبلی وی، می‌توانسته از فروش سهم الشرکه خود، نفعی را به دست آورد. البته موافقت مذکور در سند جداگانه را، در صورتی می‌توان معتبر دانست که نام منتقل‌الیه نیز، در آن سند قید گردیده باشد. در غیر این صورت رعایت شخصیت شرکا از بین رفته و چون نظر شریک جدید نیز شرط است؛ پس چنین موافقتی صحیح نیست. از طرفی، شرکا نمی‌توانند تراضی بر پذیرش عضویت شخصی نمایند که او را نمی‌شناسند. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها، ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰]. در نهایت، لازم به ذکر است که بین شرکت با مسئولیت محدود و شرکت سهامی، از نظر نحوه و تشریفات انتقال هر یک از شرکا، تفاوت‌هایی وجود دارد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد اول) (کلیات، اعمال تجارتي، تجار، دفاتر تجارتي، قراردادهای تجارتي و حمل و نقل، بارنامه (دریایی، هوایی، زمینی) تجارت در اسلام، آرای هی‌آت عمومی).

چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸]

۲- نکات توصیفی ماده ۱۰۲ قانون تجارت



- ۱) سهم‌الشرکه شرکاء نمی‌تواند به اوراق تجارتي قابل انتقال تبدیل شود.
 - ۲) اوراق تجارتي ممکن است با اسم یا بی اسم باشند، اما سهم‌الشرکه نباید به چنین اوراقی تبدیل شود.
 - ۳) انتقال سهم‌الشرکه به غیر مجاز نیست، مگر با رضایت بعضی از شرکاء.
 - ۴) برای انتقال سهم‌الشرکه به دیگران، رضایت شرکائی که حداقل سه چهارم سرمایه متعلق به آنها است، لازم است.
 - ۵) علاوه بر شرایط سرمایه، اکثریت عددی شرکاء نیز باید رضایت داشته باشند.
- ۳- با استناد به دادنامه شماره ۱۱۱ مورخ ۲۹/۲/۱۳۷۲ شعبه ۳ دیوان عالی کشور، اعتراض وکیل تجدیدنظرخواهان، نسبت به دادنامه شماره ۴۳۵ مورخ ۱۲/۸/۱۳۷۱، صادره از دادگاه حقوقی ۱ تهران وارد نیست و موجب نقض دادنامه مذکور نمی‌باشد؛ زیرا علیرغم ادعای وکیل مرقوم، اساساً انتقال سهم‌الشرکه صورت نگرفته؛ که اجرای مقررات مواد ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون تجارت را ایجاب نماید. بلکه به دلالت مندرجات صورتجلسه رسمی مجمع عمومی فوق‌العاده، مورخ ۱۰/۱/۱۳۷۰ شرکت با مسئولیت محدود، آقایان (ب) و (ج) و (د) و عده دیگری از شرکاء، با دریافت نقدی سرمایه خود از صندوق شرکت، از شرکت مرقوم خارج شده‌اند و متعاقب خروج آنان از شرکت، آقای (ه) با پرداخت مبلغ ... به صندوق شرکت، به عنوان شریک جدید، وارد شرکت شده‌است. با این وصف، عنوان انتقال سهم‌الشرکه، از جانب خواهان‌ها صادق نیست و دادنامه تجدیدنظرخواسته، قطع نظر از کیفیت استدلال، نتیجتاً صحیح و بلااشکال است و با موازین قانونی مطابقت دارد و بالنتیجه تأیید و ابرام می‌شود. [ایداله بازگیر. موازین حقوق تجارت در آرای دیوانعالی کشور. چاپ ۲. بازگیر، ۱۳۸۶].



بند پنجم: انتقال سهم شرکت



ماده ۱۰۳ قانون تجارت - انتقال سهم شرکت به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.

نکته: تنظیم سند رسمی از شرایط صحت انتقال است و بدون آن هیچ گونه اثری بر اراده طرفین بار نمی شود.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۰۳ قانون تجارت - انتقال سهم شرکت به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.

توضیحات ماده ۱۰۳ قانون تجارت

۱- سند رسمی: به اسنادی که در ادارات ثبت اسناد و املاک، یا دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق، یا نزد مأموران رسمی صالح، برابر با مقررات قانونی، تنظیم گردیده باشد؛ سند رسمی گویند. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد

سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]



۲- انتقال موضوع ماده ۱۰۳ قانون تجارت، از مصادیق بیع تشریفاتی است. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت (جلد اول) (حقوق تعهدات عقود و ایقاعات). چاپ ۱. گنج دانش، ۱۳۸۸]. به همین جهت، هر گونه انتقال بدون رعایت مفاد ماده ۱۰۳ قانون تجارت؛ در مراجع قضایی و قانونی مسموع نیست. [محمدرضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].

۳- ضمانت اجرای تخلف از مفاد ماده ۱۰۳ قانون تجارت، بطلان قرارداد انتقال سهم الشرکه است. [محسن قاسمی. شکل‌گرایی در حقوق مدنی. چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۸]. شایان ذکر است تنظیم سند رسمی انتقال، از شرایط اساسی صحت انتقال سند رسمی، محسوب گردیده و از اعتبار شرایط صحت معاملات، مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی برخوردار است. [ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران سال ۴۴ شماره ۱۸. مهنا] چراکه سند رسمی موضوع ماده ۱۰۳ قانون تجارت، موجد حق است نه مثبت حق و عدم تنظیم آن، موجب می‌گردد تا هیچ اثری بر قرارداد انتقال، مترتب نگردد. چنین عقدی مطلقاً باطل بوده و در روابط بین شرکا و اشخاص ثالث، قابل استناد نیست، بدون اینکه نیاز باشد برای ابطال آن، به دادگاه رجوع نمود. [ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران سال ۴۴ شماره ۱۸. مهنا]

۴- نکات توصیفی ماده ۱۰۳ قانون تجارت

(۱) انتقال سهم‌الشرکه نیازمند تنظیم سند رسمی است.

(۲) سند رسمی برای انتقال سهم‌الشرکه الزامی است.

(۳) بدون سند رسمی، انتقال سهم‌الشرکه انجام نمی‌شود.

(۴) تنظیم سند رسمی نقش کلیدی در انتقال قانونی سهم‌الشرکه دارد.

(۵) ماده ۱۰۳ بر اهمیت قانونی سند رسمی در فرآیند انتقال تأکید دارد.

۵- انتقال سهام در شرکتهای با مسئولیت محدود، با سند رسمی مورد پذیرش است؛ لیکن این امر صرفاً ناظر به زمان انتقال و ثبت آن در دفتر سهام و مؤخر به انعقاد عقد است و این امر نافی عقد واقع شده که به صورت عادی تنظیم گردیده نبوده و خللی به اساس آن وارد نمی‌نماید. [رای دادگاه درباره انتقال عادی سهام شرکت با مسئولیت محدود (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۱۱۹۶)]

۶- اگر سهم‌الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود به موجب سند عادی به دیگری منتقل شود، انتقال معتبر است؛ بنابراین صرف رسمی نبودن سند، موجب بی اعتباری انتقال نیست. [رای دادگاه درباره انتقال عادی سهام در شرکت با مسئولیت محدود (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۴۴۴)]



۷- به موجب دادنامه شماره ۴۷۵ مورخ ۳۱ /۴/ ۱۳۷۷ شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، «اولاً آن بخش از اعتراض تجدیدنظرخواهان‌ها به دادنامه شماره ۱۹۳۲ مورخ ۱۹ /۸/ ۱۳۷۵ شعبه ۱ دادگاه عمومی تهران، مبنی بر اینکه تجدیدنظرخواندگان، دعوی مطروحه را، با همین عنوان، در دادگاه عمومی شعبه ۲۹ دادگستری تهران، در پرونده ۲۶۱ مطرح نموده؛ منتهی به دادنامه ۹۵۶ - ۵ /۹/ ۱۳۷۴ مبنی بر رد آن شده‌است؛ مجدداً قابلیت طرح و رسیدگی ندارد، وارد نیست؛ زیرا دعوی مذکور، با عنوان کیفری و به استناد بند ۳ ماده ۲۴۳ قانون تجارت اقامه شده؛ که باتوجه به اینکه درخواست شاکی، نتیجتاً الزام متهم به حضور در ثبت شرکت‌ها، و اعلام به خروج از شرکت بوده؛ که فاقد جنبه جزایی تشخیصی، و بر طرح دعوی حقوقی راهنمایی شده‌اند؛ ثانیاً بخش دیگر اعتراض او، به این مضمون که شرکت تهران ...، از نوع با مسئولیت محدود می‌باشد؛ و مطابق ماده ۱۰۳ قانون تجارت، نقل و انتقال سهام آن، جز با سند رسمی، غیرقانونی و باطل است؛ موجه نمی‌باشد؛ زیرا لزوم ثبت معاملات اینگونه سهام، برای اثبات آن در نزد مقامات صالحه و محاکم است؛ نه آنکه عدم ثبت آن، موجب بطلان بیع باشد و خریدار نتواند در اجرای ماده ۱۰۳ استنادی، الزام فروشنده را به ثبت معامله و انتقال، درخواست کند. ثالثاً هر چند که صفحه اول صورتجلسه مورخ ۹ /۵/ ۱۳۷۳ مجمع عمومی فوق العاده شرکت، که به منظور فروش سهام، و تغییر بعضی اعضا تنظیم گردید؛ فاقد امضای تجدیدنظرخواهان‌ها است؛ لیکن امضای آنان در صفحه ۲ صورتجلسه، و تجانس و پیوستگی عبارات مندرج در این دو صفحه، دلالت از ارتباط آن، و فروش سهام آنان به تجدیدنظرخواندگان دارد. رابعاً به موجب سند ده صفحه دوم صورتجلسه، که متضمن امضای تجدیدنظرخواهان‌ها می‌باشد؛ اسامی افرادی که سهام آنها واگذار نشده؛ و تغییری در سهام آنان ایجاد نگردیده؛ منجزاً احصا و اعلام شده‌است که تجدیدنظرخواهان‌ها، جزء این افراد نیستند. خامساً در آخرین سطر همین صفحه، موضوع وکالت اعضای جدید به آقای ... تصریح شده؛ که در صورت بقای سهم شرکای سابق، و عدم ارتباط صفحات اول و دوم صورتجلسه، نیازی به ذکر نام اعضای جدید نبود. با توجه به استدلال مزبور و عدم تأثیر سایر موارد استنادی تجدیدنظرخواهان‌ها، به رد اعتراض دادنامه تجدیدنظرخواسته، نتیجتاً تأیید می‌گردد. این رأی، با استناد به ماده ۲۲ قانون تشکیل محاکم عمومی و انقلاب، صادر و قطعی است». ایداله بازگیر. موازین حقوق تجارت در آرای دیوانعالی کشور. چاپ ۲. بازگیر، ۱۳۸۶.]

بند ششم : تصمیمات

ماده ۱۰۵ قانون تجارت - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

نکته ۱ : محدود کردن اختیارات مدیران بدون تصریح در اساسنامه در مقابل شرکاء قابل استناد است.

نکته ۲ : در شرکت با مسئولیت محدود بر خلاف شرکت سهامی محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه مجاز است.

ماده ۱۰۶ قانون تجارت - تصمیمات راجعه به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اولی این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ میشود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت میتواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷ قانون تجارت - هر یک از شرکاء نسبت به سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۱۰۹ قانون تجارت - هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لاقبل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد.

نکته ۱ : در تشکیل مجمع عمومی مقررات شرکت های سهامی لازم الرعایه است.

نکته ۲ : هرگاه شرکت ۱۲ نفر یا کمتر از ۱۲ نفر شریک داشته باشد تشکیل مجمع عمومی الزامی نیست.

ماده ۱۱۰ قانون تجارت - شرکاء نمیتوانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

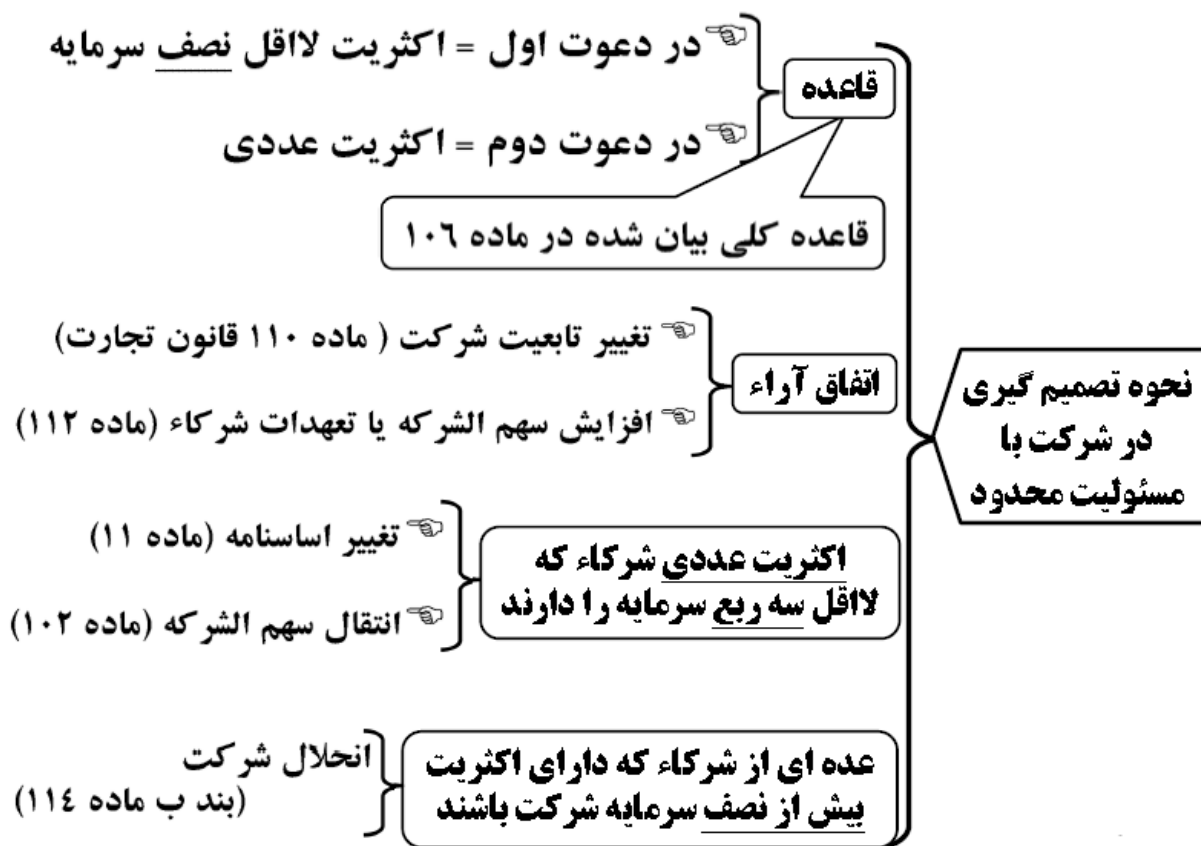
ماده ۱۱۱ قانون تجارت - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید به اکثریت عددی شرکاء که لاقبل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.



نکته ۱ : برای تصمیمات فوق العاده اکثریت دوگانه پیش بینی شده یعنی نصف بعلاوه یک شرکاء که سه ربع سرمایه هم دارند.

نکته ۲ : منظور اکثریتی است که شرکت را تشکیل میدهند نه اکثریت شرکت کننده در رای گیری ماده ۱۱۲ قانون تجارت - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کند.

نکته ۱ : کاهش سهم الشرکه نیز چون منجر به تغییر اساسنامه می شود تنها با اکثریت ماده قبل ممکن است.
نکته ۲ : تنها با رضایت تمامی شرکاء است.



توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۰۵ قانون تجارت - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

توضیحات ماده ۱۰۵ قانون تجارت

۱- نمایندگی: عنوانی است که به موجب آن، شخصی، مبادرت به اتیان کاری، به نام و حساب شخص دیگر و در راستای تحقق اهداف وی می‌نماید. [مهرزاد مسیحی. اعاده دادرسی در امور مدنی. چاپ ۲. خرسندی، ۱۳۸۹].

۲- شرکت با مسئولیت محدود: ماده ۹۴ قانون تجارت، بیان می‌دارد: «شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است». [ماده ۹۴ قانون تجارت]

۳- در قانون فرانسه نیز، چنین آمده است که مدیران دارای کلیه اختیارات لازم جهت اداره امور شرکت می‌باشند و می‌توانند در تمام اوضاع و احوال به نام شرکت و در حدود موضوع آن اقدام نمایند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹]

۴- قانونگذار، هیچ محدودیتی را، برای اختیارات مدیران شرکت با مسئولیت محدود، قائل نگردیده و با ذکر عبارت «مگر اینکه در اساسنامه، غیر این ترتیب مقرر شده باشد»، تحدید اختیارات آنان را، به شرکا واگذار نموده است. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹]. شایان ذکر است با استناد به مفهوم مخالف ماده ۱۰۵ قانون تجارت، اگر اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود، اختیارات مدیران را محدود نماید؛ تصمیم مزبور، نسبت به اشخاص ثالث و معامله کنندگان با شرکت نیز، معتبر خواهد بود. از طرفی می‌توان مدعی شد با توجه به اینکه ظن غالب، یا حداقل «ظن»، دلالت بر این دارد که مدیران شرکت، از تمام اختیارات لازم برای اداره آن برخوردار هستند و رایج و طبیعی نیست که طرف قرارداد شرکت، ابتدا به اساسنامه آن رجوع نموده و پس از ملاحظه حدود اختیارات مدیران، مبادرت به انعقاد قرارداد با شرکت کند و ممکن است از این بابت حقوق اشخاص ثالث، در معرض

تأیید و معروض
اختیارات

مخاطره قرار گیرد؛ لذا باید احتیاط نموده و تحدید حدود اختیارات مدیران در اساسنامه را، فقط در روابط بین شرکا مؤثر دانسته و نسبت به اشخاص ثالث غیرقابل استناد دانست. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۵- نکات توصیفی ماده ۱۰۵ قانون تجارت

- ۱) مدیران شرکت به طور پیش فرض دارای اختیارات کامل برای نمایندگی و اداره شرکت هستند.
- ۲) اساسنامه شرکت می تواند محدودیت هایی برای اختیارات مدیران مقرر کند.
- ۳) هرگونه قراردادی که اختیارات مدیران را محدود کند و در اساسنامه به آن اشاره نشده باشد، در مقابل اشخاص ثالث اعتباری ندارد و بی اثر است.
- ۴) اعتبار قراردادهای محدودکننده اختیارات مدیران وابسته به تصریح در اساسنامه است.
- ۵) اشخاص ثالث به محدودیت های اختیارات مدیران که در اساسنامه نیامده باشد، ملزم نیستند.

۶- اگر تقدم امضاء بر متن یک سند اثبات شود، بار اثبات صحت مفاد و مندرجات آن سند با صاحب امضا است که باید ثابت کند دارنده سند بر خلاف توافقات و خارج از حدود اذن عمل کرده است. همچنین صرف تحویل سند سفید امضاء به دیگری، مشمول نمایندگی ظاهری نمی باشد. [نظریه شماره ۹۸۰/۱۴۰۲/۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره اثبات مندرجات سند سفید امضا]

۷- انتقادات

ماده ۱۰۵ قانون تجارت، مجمل و مبهم است. قانونگذار، در این زمینه مواد دیگری را پیش بینی ننموده است؛ لذا برای تعیین حدود اختیارات مدیران، باید به اصول کلی پذیرفته شده در حقوق شرکت ها، متوسل شد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.

ماده ۱۰۶ قانون تجارت - تصمیمات راجعه به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اولی این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ میشود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت میتواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.



توضیحات ماده ۱۰۶ قانون تجارت

۱- شرکت با مسئولیت محدود: ماده ۹۴ قانون تجارت، بیان می‌دارد: «شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است». [ماده ۹۴ قانون تجارت ۱]

۲- بر خلاف شرکت‌های سهامی، قانونگذار در رابطه با شرکت با مسئولیت محدود، مقرراتی را پیش‌بینی نموده که نشان از اهمیت شخصیت شرکا در این شرکت دارد. از جمله اینکه ورود اشخاص جدید به شرکت مزبور یا تغییر اساسنامه شرکت، منوط به رعایت مفاد ماده ۱۰۶ قانون تجارت است. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. رأی‌گیری در مجمع عمومی عادی شرکت با مسئولیت محدود، در دو مرحله صورت می‌پذیرد: به عنوان نمونه، اگر شرکتی دارای ۱۰ شریک بوده؛ و در جلسه اول، فقط ۴ تن از شرکا، که مجموعاً دارای نیمی از سرمایه شرکت هستند؛ حضور یافته و به مورد پیشنهادی، رأی مثبت دهند؛ تصمیم آنان قطعی است. اما اگر ۴ شریک مزبور، مالک کمتر از نیمی از کل سرمایه باشند؛ در اینصورت شرکا برای بار دوم دعوت می‌گردند و در این جلسه، اگر فقط ۶ شریک، با ۱۰ یا ۲۰ درصد سرمایه حضور یابند و به مورد پیشنهادی رأی موافق بدهند؛ تصمیم آنان معتبر خواهد بود. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].

۳- نکات توصیفی ماده ۱۰۶ قانون تجارت

- (۱) تصمیمات مربوط به شرکت باید با اکثریت نصف سرمایه اتخاذ شوند.
 - (۲) در صورت عدم حصول اکثریت در دفعه اول، تمامی شرکاء باید مجدداً دعوت شوند.
 - (۳) در دعوت مجدد، تصمیمات می‌توانند با اکثریت عددی شرکاء اتخاذ شوند.
 - (۴) اکثریت عددی می‌تواند کم‌تر از نصف سرمایه باشد.
 - (۵) ممکن است اساسنامه شرکت ترتیبی متفاوت از مقررات فوق داشته باشد.
- ۴- بر اساس نظریه مشورتی مذکور، برای تصمیم‌گیری در شرکت‌های با مسئولیت محدود بر اساس صدر ماده ۱۰۶ قانون تجارت، تحقق اکثریت سرمایه‌ای کافی است و نیازی به رعایت نصاب عددی در نوبت اول نیست. یعنی تصمیم‌گیری باید توسط شرکایی انجام شود که بیش از نصف سرمایه شرکت را دارا باشند، حتی اگر این میزان سرمایه تنها متعلق به یکی از شرکا باشد. این نظریه نشان می‌دهد که قانونگذار در صدر ماده ۱۰۶، تنها به نصاب سرمایه‌ای برای اتخاذ تصمیمات اشاره کرده و نصاب عددی در نوبت دوم، جدا



از نصاب سرمایه‌ای، مد نظر است [نظریه شماره ۲۱۷/۱۴۰۱/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره برداشت از ماده ۱۰۶ قانون تجارت در خصوص نحوه تصمیم‌گیری شرکت‌های با مسئولیت محدود]

۵- به موجب نظریه مشورتی شماره ۶۹۵۷ مورخ ۱۴/۱۲/۱۳۷۶ اداره حقوقی قوه قضاییه، با توجه به مواد ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون تجارت و با در نظر گرفتن این امر، که سهم الارث هر یک از ورثه و مجموع آن، معادل رأی مورث است؛ با انتقال قهری سهم الشرکه به همان وضعیت مورث در شرکت، به ورثه منتقل خواهد شد و در نهایت، جملگی ورثه قائم مقام مورث خود در شرکت خواهند بود. در صورت تحقق قسمت اخیر ماده ۱۰۶ قانون تجارت، جملگی آنان هر تعداد که باشند؛ یک نفر و یک شریک در مقابل شرکای دیگر در شرکت خواهند بود. [حسن رحیمی. مجله دادگستر، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۷. رواق، ۱۳۸۷].

۶- اثبات جعلیت امضاء اعضاء شرکت، در صورت عدم تأثیر بر تحصیل حدنصاب اکثریت مقرر در قانون، موجب ابطال مصوبات مجامع شرکت نخواهد بود. [رای دادگاه درباره اثر اثبات جعلیت امضاء شرکاء بر اعتبار مصوبات مجامع (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۱۱۹۲)]

۷- استرداد سهم الشرکه، منوط به رضایت شرکا است که با رعایت مفاد ماده ۱۰۶ قانون تجارت امکانپذیر است. البته اساسنامه شرکت، می‌تواند خلاف روند مندرج در ماده ۱۰۶ قانون تجارت، پیش‌بینی نماید. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

۸- انتخاب مدیران شرکت با مسئولیت محدود، با رعایت مقررات ماده ۱۰۶ قانون تجارت صورت می‌پذیرد که البته اساسنامه شرکت، می‌تواند خلاف ترتیب مندرج در ماده مزبور را، مقرر نماید. [مهرداد داراب پور. قواعد عمومی (حقوق تجارت و معاملات بازرگانی)]. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱].

ماده ۱۰۷ قانون تجارت - هر یک از شرکاء نسبت به سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

توضیحات ماده ۱۰۷ قانون تجارت

۱- نظیر ماده ۱۰۷ قانون تجارت، در قانون تجارت فرانسه قابل رؤیت است. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات



غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.]

۲- ماده ۱۰۷ قانون تجارت، بیانگر حق رأی شرکا، در شرکت با مسئولیت محدود است. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...). چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.] شایان ذکر است که ماده ۱۰۷ قانون تجارت، امره نبوده و اساسنامه شرکت، می‌تواند ترتیبی خلاف آن را مقرر نماید. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵.] به عبارت دیگر، مفاد این ماده، با نظم عمومی مرتبط نبوده و شرکا می‌توانند در اساسنامه، تصمیمی برخلاف مفاد ماده مزبور اتخاذ نمایند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹.] نکته‌ی دیگر آن که با توجه به اینکه سهم الشرکه شرکا، به سهام مساوی تقسیم نگردیده؛ جهت تعیین میزان حق رأی آنان، باید نسبت سهم هر یک از شرکا، از کل سرمایه شرکت مشخص گردد. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹.]

۳- انتقادات

قانونگذار، مشخص ننموده که اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود، به چه نحوی می‌تواند ترتیب دیگری را، بر خلاف مندرجات ماده مورد بحث مقرر نماید. [محمدرضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱.]

۴- اساسنامه شرکت، می‌تواند برای هر یک از شرکا، فارغ از اینکه چه نسبت از سرمایه شرکت را تأمین نموده‌اند؛ حق رأیی برابر تعیین نماید. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵.]

۵- اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود، می‌تواند برای شریکی که حصه او، بسیار کمتر از ۵۰ درصد است؛ نیمی از حق رأی در مجمع عمومی را اختصاص دهد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵.]

۶- نکات توصیفی ماده ۱۰۷ قانون تجارت

(۱) هر شریک در شرکت به نسبت سهم خود دارای حق رأی است.

(۲) امکان تغییر نسبت رأی‌دهی شریکان در اساسنامه وجود دارد.

(۳) نقش اساسنامه در تعیین نحوه رأی‌دهی شرکا.

(۴) اهمیت سهم شرکا در میزان تأثیر رأی آنان.



۵) لزوم توجه به مفاد اساسنامه در تشخیص میزان حق رأی شرکا.

ماده ۱۰۹ قانون تجارت - هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد.

هیئت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است.

هیئت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید مقررات مواد ۱۶۵ - ۱۶۷ - ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت های با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

توضیحات ماده ۱۰۹ قانون تجارت

۱- مواد قانونی مندرج در ماده ۱۰۹ قانون تجارت

ماده ۹۶ قانون تجارت: شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ قانون تجارت: در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

ماده ۱۶۵ قانون تجارت: در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیئت نظاری لااقل مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار می شود و این هیئت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می کند انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود در هر صورت اولین هیئت نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۶۷ قانون تجارت: اعضاء هیئت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می باشند.

ماده ۱۶۸ قانون تجارت: اعضاء هیئت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق درآورده همه ساله راپورتی به مجمع عمومی می دهند و هر گاه در تنظیم صورت دارایی بی ترتیبی و خطایی مشاهده نمایند در راپورت مزبور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلائل خود را بیان می کنند.

ماده ۱۷۰ قانون تجارت: تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و راپورت هیئت نظار اطلاع حاضر کند.

۲- هر چند قانونگذار، هیئت نظار را، در دعوت مجمع عمومی شرکت صالح دانسته؛ لیکن این امر، موجب سلب مسئولیت از مدیران شرکت نگردیده و آنان مکلف هستند در موارد لزوم و لااقل سالی یک بار، شرکا را به مجمع عمومی دعوت نماید؛ تا ترازنامه و حساب

سود و زیان شرکت را تصویب کنند. به خصوص اینکه اگر هیئت نظار، از دعوت مجمع عمومی خودداری کنند؛ چون مدیران، مسئول



اداره شرکت به نحو احسن هستند؛ آن‌ها باید اقدامات لازم را، جهت تشکیل مجمع عمومی به عمل آورند. بدین ترتیب اگر هیئت نظار، به دلایلی موجه یا غیرموجه، وظایف قانونی خود را به انجام نرساند؛ مدیر شرکت، باید مجمع عمومی را، جهت تعیین جانشین آن دعوت نماید. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها، ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰]. همچنین، شایان ذکر است به مجرد تشکیل شرکت، هیئت نظار باید نسبت به رعایت مواد ۹۶ و ۹۷ قانون تجارت، علم حاصل نماید. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱]. نکته‌ی دیگر آن که، نمی‌توان ضمانت اجرای عدم رعایت ماده ۱۰۹ قانون تجارت را، بطلان شرکت دانست. [ربیعاً اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۳- نکات توصیفی ماده ۱۰۹ قانون تجارت

- ۱) شرکت با مسئولیت محدود با بیش از دوازده شریک باید دارای هیئت نظار باشد.
 - ۲) هیئت نظار موظف به تشکیل مجمع عمومی شرکاء حداقل سالی یک‌بار است.
 - ۳) هیئت نظار پس از انتخاب باید رعایت مقررات مواد ۹۶ و ۹۷ را بررسی و تأیید کند.
 - ۴) امکان دعوت شرکاء برای تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده توسط هیئت نظار وجود دارد.
 - ۵) رعایت مقررات مواد ۱۶۵ تا ۱۶۸ و ۱۷۰ برای شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز ضروری است.
- ماده ۱۱۰ قانون تجارت - شرکاء نمیتوانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

توضیحات ماده ۱۱۰ قانون تجارت

۱- تابعیت: از تبع گرفته شده؛ تبع، در لغت یعنی پیروی و دنباله روی [امسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد اول). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶]. و تابعیت یعنی رابطه‌ای سیاسی که اشخاص حقیقی و حقوقی را به دولتی منتسب نموده و حقوق و وظایفی را برای آن شخص به وجود می‌آورد. [نشریه دادرسی شماره ۵۰ خرداد و تیر ماه ۱۳۸۴. سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴]. تابعیت، رابطه‌ای است که یک شخص حقیقی یا حقوقی را، به دولتی وصل می‌نماید. [محمد سهرابی. حقوق بین‌الملل خصوصی (تابعیت، اقامتگاه، وضع اتباع بیگانه و تعارض قوانین). چاپ ۱. گنج دانش، ۱۳۸۵]. در خصوص تابعیت اشخاص حقوقی، قانون مدنی ساکت است، اما در ماده ۵۹۱ قانون تجارت این چنین تصریح شده است که اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است. [ماده ۵۹۱ قانون تجارت]



۲- در خصوص ماده ۱۱۰ قانون تجارت، شایان ذکر است که تغییر تابعیت شرکت، از جهت لزوم حفظ سرمایه‌های کشور، حائز اهمیت فراوان است. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹]. به موجب ماده ۱ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها، شرکتی که در ایران تأسیس گردیده و مرکز اصلی آن نیز در ایران باشد؛ ایرانی محسوب می‌گردد. ولی قانون مزبور، در رابطه با تغییر تابعیت شرکت، ساکت است و با توجه به فقدان راهکار قانونی جهت تغییر تابعیت شرکت، چنین امری غیرممکن به نظر می‌رسد؛ مگر اینکه شرکا، شرکت را منحل نموده و مبادرت به تشکیل شرکتی در خارج از کشور نمایند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

۳- انتقادات

با توجه به اینکه ممکن است سرمایه‌های ایرانی، که به شرکت با مسئولیت محدود سپرده شده؛ با تغییر تابعیت شرکت، تحت حاکمیت کشور خارجی درآید؛ ضروری است که همانند شرکت‌های سهامی، تغییر تابعیت این نوع شرکت نیز ممنوع گردد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

۴- نکات توصیفی ماده ۱۱۰ قانون تجارت

- (۱) تغییر تابعیت شرکت تنها با موافقت همه شرکاء ممکن است.
 - (۲) اتخاذ تصمیم درباره تغییر تابعیت نیاز به اجماع کامل شرکاء دارد.
 - (۳) تغییر تابعیت شرکت بدون اتفاق آراء شرکاء مجاز نیست.
 - (۴) ماده بر اهمیت حفظ یکپارچگی توافق بین شرکاء در مسائل عمده تأکید دارد.
 - (۵) حفظ و تغییر تابعیت شرکت به عنوان یک تصمیم مهم نیازمند وحدت نظر تمامی شرکاء است.
- ماده ۱۱۱ قانون تجارت - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید به اکثریت عددی شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.



توضیحات ماده ۱۱۱ قانون تجارت

۱- عبارت «هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه» در ماده ۱۱۱ قانون تجارت، بیانگر این است که موضوع ماده قبل، یعنی تغییر اساسنامه شرکت، از حکم این ماده مستثنی گردیده است. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱]. به عبارت دیگر، هر چند اساسنامه، می‌تواند خلاف ترتیب مقرر در ماده ۱۱۱ قانون تجارت را، پیش‌بینی نماید و قانونگذار نیز این مطلب را، به صورت مطلق و بدون قرینه بیان نموده است؛ اما باید به این نکته نیز توجه داشت که قانونگذار، در تعیین حدنصاب‌ها، همیشه کمترین حالت ممکن و حداقل‌ها را در نظر می‌گیرد؛ که اساسنامه نمی‌تواند کمتر از آن را مقرر نماید. لیکن، می‌توان اکثریت مندرج در این ماده ۱۱۱ قانون تجارت را، به میزان بالاتری تغییر داد. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].

۲- منظور از اکثریت عددی شرکا، اکثریتی نیست که در مجمع عمومی شرکت می‌نمایند؛ بلکه اکثریت اشخاصی که شرکت را به وجود می‌آورند؛ ملاک است. [فرشید فرحناکیان. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. چاپ ۲. میزان، ۱۳۸۸].

۳- انتقادات :

اکثریت موضوع ماده ۱۱۱ قانون تجارت، ممکن است در بیشتر موارد به وجود نیاید. مانند اینکه یکی از شرکا، دارای ۷۵ درصد سرمایه شرکت بوده و دو شریک دیگر، مالک ۱۵ و ۱۰ درصد سرمایه شرکت مزبور باشند. در این صورت شخص اول، اکثریت سه ربع سرمایه را دارا بوده؛ ولی در برابر دو شریک دیگر، اکثریت عددی ندارد. شخص دوم و سوم نیز، هر کدام به تنهایی، نه از اکثریت سرمایه‌ای برخوردار هستند و نه از اکثریت عددی. اگر این دو شخص با یکدیگر هم نظر باشند؛ اکثریت عددی دارند؛ اما فاقد اکثریت سرمایه‌ای می‌باشند. در وضعیتی که یکی از شرکا، به دلیل برخورداری از سه ربع سرمایه، دارای اکثریت سرمایه‌ای بوده؛ اما از اکثریت عددی بی‌بهره باشد و دو شریک دیگر، با نظر او موافق نباشند؛ در این صورت به موجب قانون تجارت نمی‌توان به نظر او، مبنی بر تغییر اساسنامه شرکت ترتیب اثر داد. اما صحیح نیست که در یک شرکت سرمایه‌ای، قاعده‌ای اجرا گردد که اختیار را، از دست سرمایه خارج نماید. به طور کلی، تلفیق اکثریت سرمایه‌ای با اکثریت عددی و تطبیق این دو با یکدیگر، فاقد ضرورت است. چراکه در چنین شرکت‌هایی، دارندگان اکثریت سرمایه، باید از آزادی عمل برخوردار باشند؛ که مقید ساختن آن‌ها به عدد، نمی‌تواند موجب تحقق هدف مزبور گردد. [حسینقلی کاتبی. حقوق تجارت. چاپ ۱۲. گنج دانش، ۱۳۸۷].

۴- نکات توصیفی ماده ۱۱۱ قانون تجارت

(۱) تغییرات اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکاء تصویب شود.

(۲) شرکایی که حداقل سه چهارم سرمایه را دارند باید موافقت کنند.

(۳) در اساسنامه ممکن است اکثریت متفاوتی تعیین شده باشد.



۴) اساسنامه ممکن است شرایط دیگری برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به تغییرات پیش‌بینی کند.

۵- در صورتی که مستند درخواست ابطال صورت جلسه افزایش سرمایه و سهام سهامداران، عدم صلاحیت اعضای هیات مدیره باشد، رسیدگی به دعوی ابطال صورت جلسه، متوقف بر ابطال صورت جلسه مجمع و هیات مدیره مبنی بر انتخاب اعضای هیات مدیره شرکت است. [رای دادگاه درباره درخواست ابطال صورت جلسه به دلیل عدم صلاحیت مدیران (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۰۱۶۶)]

۶- حکم عزل مدیرعامل شرکت سهامی، قابل تجدیدنظرخواهی است. [رای دادگاه درباره تجدیدنظرخواهی از حکم عزل مدیرعامل شرکت (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۳۰۰۶۸۶)]

ماده ۱۱۲ قانون تجارت: در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی‌تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کند.

توضیحات ماده ۱۱۲ قانون تجارت

۱- افزایش سرمایه شرکت، با رأی اکثریت اعضا امکانپذیر نیست. چراکه این امر، ممکن است شریک مخالف را، ملزم به ازدیاد حصه خود نماید؛ بنابراین یا باید همه شرکا، مایل به افزایش سرمایه باشند؛ یا اینکه با رجوع به اشخاص غیرشریک، بر سرمایه شرکت افزود. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. به نظر برخی از حقوقدانان، تنها با تغییر اساسنامه شرکت، که باید با رعایت اکثریت مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون، صورت پذیرد؛ می‌توان مقرراتی را برای تغییر سرمایه شرکت تنظیم نمود. [محمدرضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱]. برخی دیگر، معتقدند که مقصود قانونگذار از وضع این ماده، حمایت از حقوق اقلیت بوده و در صورت رضایت همه شرکا، نسبت به افزایش سرمایه شرکت، دیگر اقلیتی وجود ندارد تا بتوان حق او را، در معرض تضییع و مخاطره قرار داد؛ لذا در چنین موردی که همه اعضا، تمایل به اتخاذ تصمیمی واحد دارند؛ دیگر الزام و اجبار جایگاهی ندارد تا بتوان آن را، ممنوع دانست. [محمدرضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱]. شایان ذکر است مفاد ماده ۱۱۲ قانون تجارت، بر مبنای یک اصل کلی بنا نهاده شده؛ که البته در مورد شرکت‌های تضامنی و نسبی، که ممکن است بر تعهدات شرکا افزوده گردد؛ لازم‌الرعايه نیست. چراکه تأسیس شرکت تجاری، امری است اختیاری و برخلاف حقوق مدنی، امکان ایجاد شرکت‌های بازرگانی، به صورت قهری وجود ندارد. مقنن نیز، نظر بر این داشته که اراده سرمایه‌گذار را، در افزایش سرمایه شرکت مدنظر قرار دهد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.



۲- به نظر برخی حقوق دانان، هر تصمیمی که بر تعهدات و مسئولیت شرکا بیفزاید؛ باید با موافقت همه آنان اتخاذ گردد. [محمد دمیرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴. دادستان، ۱۳۹۰.]

۳- نکات توصیفی ماده ۱۱۲ قانون تجارت

- ۱) هیچ شریکی نمی تواند به اجبار ملزم به افزایش سهم‌الشرکه خود شود.
- ۲) اکثریت شرکا نمی تواند تصمیم به افزایش سهم‌الشرکه یک شریک بگیرد.
- ۳) حقوق مالکیت شریک باید محترم شمرده شود و تغییر در سرمایه‌گذاری اولیه او بدون رضایت او امکان پذیر نیست.
- ۴) تصمیم‌گیری‌های مربوط به تغییر سهم‌الشرکه باید به توافق فردی شریک بستگی داشته باشد.
- ۵) حفاظت از حقوق فردی شرکا در تصمیم‌گیری‌های مالی و سرمایه‌گذاری.



بند هفتم : انحلال

ماده ۹۳ قانون تجارت - شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می شود:

۱- وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده این یک اکثریت سرمایه ای است و حتی اگر دو نفر از شرکاء دارای بیش از نصف باشند شرکت قابل انحلال است ولو اینکه تعداد شرکای دیگر زیاد باشد. بود انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.

۲- وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.

۳- در صورتی که شرکت ورشکست شود.

۴- در صورت تصمیم مجمع عمومی

ماده ۱۱۴ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل میشود :

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳

ب) در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

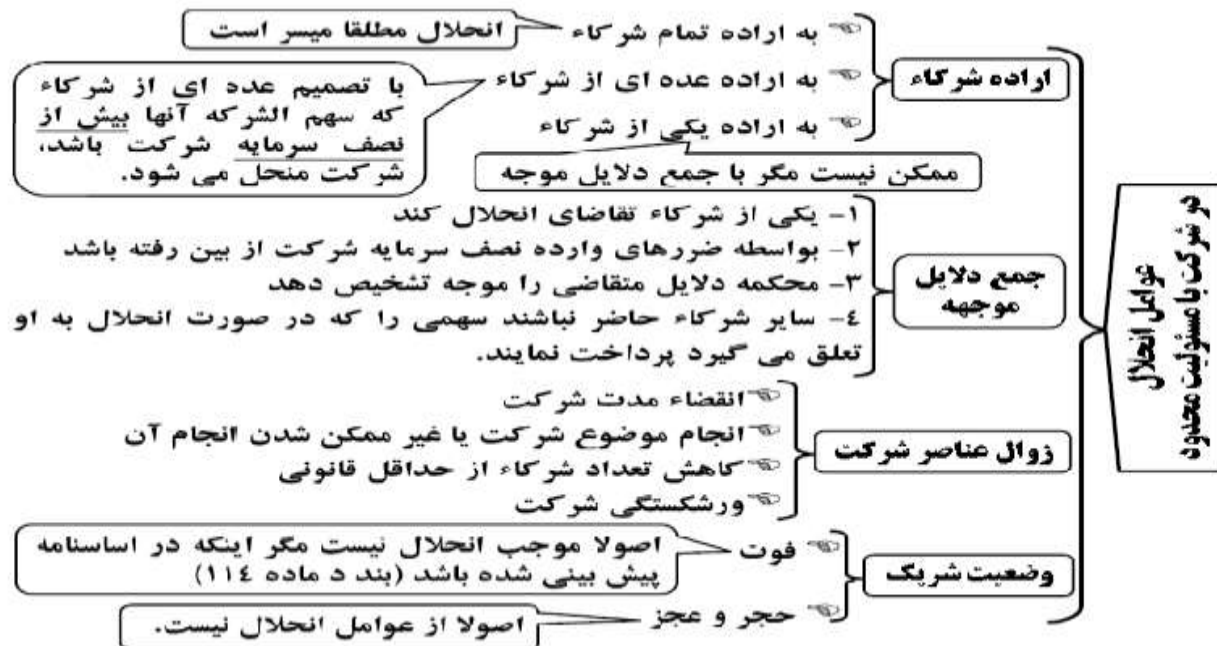
ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق میگیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د) در مورد فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.

نکته ۱ : اساسنامه شرکت نمی تواند انحلال شرکت را تابع رای عده ای از شرکاء نماید که سهم الشرکه آنها کمتر از نصف سرمایه شرکت باشد ولی اشکالی ندارد که اساسنامه شرکت این اکثریت را تشدید کند.

نکته ۲ : این یک اکثریت سرمایه ای است و حتی اگر دو نفر از شرکاء دارای بیش از نصف باشند، شرکت قابل انحلال است، و لو اینکه تعداد شرکای دیگر زیاد باشد.





توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۱۴ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل میشود :

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳

ب) در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد .

ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق میگیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند .

د) در مورد فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.

توضیحات ماده ۱۱۴ قانون تجارت

۱- شرکت با مسئولیت محدود: ماده ۹۴ قانون تجارت، بیان می‌دارد: «شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است». [ماده ۹۴ قانون تجارت]

۲- سرمایه شرکت: سرمایه شرکت یا دارایی شرکت عبارت است مجموعه آورده‌های نقدی و غیر نقدی شرکا که با عنوان سرمایه در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و اداره ثبت اسناد و املاک اظهار و ثبت شده باشد. [صفر بیگ زاده، فرهنگ تعاریف قانونی، پایگاه خبری]



۸- به موجب دادنامه شماره ۴۷۳ مورخ ۹/۱۰/۱۳۷۴ شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، تقاضای انحلال شرکت با مسئولیت محدود، از نظر قانون، دعوای علیه شرکت محسوب نمی‌گردد؛ تا اقامه دعوا علیه خود شرکت لازم باشد. چنانچه در رابطه با انحلال شرکت، بین شرکا اختلافی باشد؛ باید علیه یکدیگر طرح دعوا نمایند؛ نه علیه شرکت. [رویه قضایی دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر دادگستری استان تهران (جلد اول) (در امور مدنی). چاپ ۱. اشراقیه، ۱۳۸۵].



گفتار دوم : شرکت تضامنی

بند اول : نحوه شرکت تضامنی

شرکای شرکت : وجود حداقل دو شریک با اهلیت عام هم شرط تشکیل و هم لازمه بقای شرکت است.

میزان مسئولیت : نامحدود میباشد لذا اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء

مسئول پرداخت تمامی قروض شرکت است. توافق بر خلاف مسئولیت تضامنی در مقابل ثالث فاقد اثر است.^{۳۰}

اسم شرکت : عنوان شرکت تضامنی + لاقل اسم یک نفر از شرکاء + قید عباراتی از قبیل «شرکاء» و یا «برادران»

در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمامی شرکاء نباشد.^{۳۱}

زمان تشکیل : وقتی که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.^{۳۲}

میزان سرمایه : بر خلاف شرکتهای سهامی حداقل و حداکثری برای سرمایه شرکت تضامنی در قانون پیش

بینی نشده است.

موضوع شرکت : این شرکت موضوعا تجاری است به عبارتی شرکت تضامنی را نمی توان برای امور غیر تجاری

تشکیل داد.^{۳۳}

شرکتنامه : باید به موجب سند رسمی تنظیم شود و الا شرکت ایجاد نمی شود.

انتقال سهم الشرکه : سهم الشرکه تنها با اتفاق آراء قابل نقل و انتقال است. نمی توان در شرکتنامه خلاف آن

را توافق کرد.^{۳۴}

^{۳۰} ماده ۱۱۶ قانون تجارت : شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود. اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد، هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

^{۳۱} ماده ۱۱۷ قانون تجارت : در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقل اسم یک نفر شرکاء ذکر شود.

در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.

^{۳۲} ماده ۱۱۸ قانون تجارت : شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

^{۳۳} همان ماده ۱۱۶ قانون تجارت

^{۳۴} ماده ۱۲۳ قانون تجارت : در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء

بند دوم : احکام شرکت تضامنی

۱- اسم شرکت تضامنی

ماده ۱۱۷ قانون تجارت - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم یک نفر شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.

توضیحات ماده ۱۱۷ قانون تجارت

۱- شرکت تضامنی: شرکتی است که بین چند نفر، با مسئولیت تضامنی آنان، نسبت به دیون و تعهدات شرکت تشکیل می‌گردد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. به عبارت دیگر، شرکت تضامنی، شرکتی تجاری است که تحت عنوان نام معینی میان دو یا چند نفر به صفت شخصی و با وجه تضامن نسبت دیون شرکت، ایجاد می‌گردد. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶]

۲- در حقوق فرانسه، ذکر نام برخی شرکا در عنوان شرکت، بیانگر ضمان آنان نسبت به تعهدات شرکت بوده و از اهمیت بسزایی برخوردار است. [ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران سال ۴۵ شماره ۲۹. مهنا]

۳- هر شخص حقوقی، دارنده نام خاصی است که بیانگر هویت او بوده و موجب شناسایی و قابلیت تشخیص وی از سایر شخصیت‌ها، می‌گردد. که البته در رابطه با شرکت‌های بازرگانی، ممکن است علاوه بر نام شرکت، درج عبارات دیگری، به حکم قانونگذار الزامی باشد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. لزوم ذکر نام شرکا، به عنوان جزئی از نام شرکت، بیانگر جایگاه شخصی شرکا، در شرکت تضامنی و نسبی بوده و نیز پیوند میان موجودیت شرکت و اعتبار شرکا را نشان می‌دهد. [محمدرضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱]. منظور از اینکه شرکت تضامنی، باید دارای نام مخصوص باشد؛ این است که باید لااقل نام یکی از شرکا، به دنبال نام شرکت ذکر گردیده و نیز در ادامه آن، عبارتی نظیر «... و برادران»، بیاید؛ که بیانگر مسئولیت سایر شرکا باشد. [محمدکاظم عمادزاده. حقوق بازرگانی (جلد دوم). چاپ ۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، ۱۳۸۷]. بنابراین، با توجه به رابطه شرکا با یکدیگر، پس از ذکر نام یکی از آنان در عنوان شرکت، عباراتی نظیر «... و شرکا»، «... و برادران»، و «... و پسران» قید می‌گردد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های

سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و... چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.]

شایان ذکر است نام شرکت‌های تضامنی و نسبی، باید به گونه‌ای انتخاب گردد که برای اشخاص ثالث، تداعی‌گر وصف اصلی شرکت‌های مزبور، یعنی شخصی بودن آن‌ها باشد. برخلاف دیگر شرکت‌ها، نام شرکت‌های تضامنی و نسبی، از دو بخش تشکیل شده که بخش اول، عبارت است از اسم مخصوص شرکت و بخش دوم، نام یک یا چند تن از شرکا است که به دنبال اسم مخصوص شرکت می‌آید. همچنین، ممکن است با پسوندی نظیر «... یا برادران» و ... همراه باشد. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱.]

۴- نکات توصیفی ماده ۱۱۷ قانون تجارت

- ۱) عبارت "شرکت تضامنی" باید در نام شرکت تضامنی ذکر شود.
- ۲) حداقل نام یک نفر از شرکاء باید در نام شرکت تضامنی باشد.
- ۳) اگر نام شرکت شامل تمام اسامی شرکاء نباشد، باید عباراتی مانند "و شرکاء" یا "و برادران" پس از نام شریک یا شرکای ذکر شده اضافه گردد.

(۴)

۲- زمان تشکیل شرکت تضامنی

ماده ۱۱۸ قانون تجارت - شرکت تضامنی وقتی تشکیل میشود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

توضیحات ماده ۱۱۸ قانون تجارت :

- ۱- پیدایش شخصیت حقوقی شرکت تضامنی، منوط به رعایت مفاد ماده ۱۱۸ قانون تجارت است. [ربیع اسکینی. حقوق تجارت (کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹.]
 - ۲- قانونگذار در ماده ۱۱۸ قانون تجارت، نحوه ارزیابی سهم الشرکه غیرنقدی را مشخص ننموده و جهت تقویم آن، محدودیتی قرار نداده است. پس لزومی ندارد که همانند شرکت‌های سهامی، تقویم سهم الشرکه، توسط کارشناس رسمی دادگستری صورت پذیرد. بلکه رضایت شرکا در این باره کافی است. [یداله بازگیر. موازین حقوق تجارت در آرای دیوانعالی کشور. چاپ ۲. بازگیر، ۱۳۸۶.]
- نکته‌ی دیگر آن که هر چند مقنن، ضمانت اجرای تخلف از ماده ۱۱۸ قانون تجارت را تعیین ننموده؛ اما به نظر می‌رسد؛ باتوجه به امری بودن مفاد ماده ۱۱۸ قانون تجارت و وحدت ملاک از ماده ۱۰۰ قانون تجارت در رابطه با شرکت با مسئولیت محدود؛ آثار

تخطی از مقررات این ماده نیز، بطلان شرکت تضامنی خواهد بود. [محمد دمیرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴. دادستان، ۱۳۹۰.]

۳- نکات توصیفی ماده ۱۱۸ قانون تجارت

(۱) شرکت تضامنی برای تشکیل به واریز کامل سرمایه نقدی نیاز دارد.

(۲) آورده‌های غیر نقدی باید ارزیابی و تحویل داده شوند.

(۳) تحقق هر دو شرط؛ واریز نقدی و تحویل و ارزیابی غیر نقدی، ضروری است.

(۴) تشکیل شرکت تضامنی بدون رعایت این شرایط امکان‌پذیر نیست.

(۵) تقویم سهم الشرکه غیر نقدی باید به‌طور دقیق انجام شود.

۴- امضای مدیر عامل شرکت در اسناد تعهدآور، هرچند مغایر مفاد اساسنامه مبنی بر لزوم امضای همزمان مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره در خصوص اسناد تعهدآور باشد، در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر می باشد. [رای دادگاه درباره اثر امضای اسناد تعهدآور شرکت توسط مدیرعامل بر خلاف اساسنامه (دادنامه شماره ۱۵۷۴/۰۴۰۲۷۰۹۹۷۰۹۱)]

۵- بر طبق ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مدیران شرکت مجاز نیستند اختیاراتی فراتر از موضوع شرکت به مدیرعامل تفویض کنند. بنابراین، قراردادهایی که خارج از حدود موضوع شرکت و حتی با اجازه هیأت مدیره منعقد می‌شوند، شرکت را در قبال اشخاص ثالث متعهد نمی‌کند و این معاملات نافذ نیستند. همچنین، ماده ۱۴۲ قانون تجارت و ماده ۱۹ قانون صدور چک مسئولیت مدیرعامل را در این موارد مستقل از تفویض اختیارات می‌دانند، بنابراین مدیرعامل حتی با تفویض اختیارات خارج از موضوع شرکت همچنان در قبال اشخاص ثالث مسئولیت شخصی دارد. [نظریه شماره ۷/۹۵/۱۲۱۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه]



۳- مسئولیت شرکاء و نحوه تقسیم زیان

ماده ۱۱۶ قانون تجارت - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بين دو يا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل میشود اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکاء بر خلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

نکته ۱ : شرکتهای تجاری نیز میتوانند به هر نوعی که باشند در قالب شخص حقوقی شریک شرکت تضامنی باشند و تنها تا حدود دارایی خود مسئول است.

نکته ۲ : نمی توان شریک را کاملاً از تحمل زیان معاف کرد زیرا این امر مخالف مقضای ذات شرکت است و در این صورت دیگر شرکتی وجود نخواهد داشت.

نکته ۳ : تقسیم زیان بین شرکاء به هر ترتیبی که آنها توافق کنند ممکن است تنها نمی توان یکی از شرکاء را کاملاً از تحمل زیان معاف کرد.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۱۶ قانون تجارت - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بين دو يا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل میشود اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکاء بر خلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

توضیحات ماده ۱۱۶ قانون تجارت

۱- شرکت تضامنی: شرکتی است که بین چند نفر، با مسئولیت تضامنی آنان، نسبت به دیون و تعهدات شرکت تشکیل می گردد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸] به عبارت دیگر، شرکت تضامنی، شرکتی تجاری است که تحت عنوان نام معینی میان دو یا چند نفر به صفت شخصی و با وجه تضامن نسبت دیون شرکت، ایجاد می گردد. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶].



۲- به موجب قانون تجارت فرانسه، «شرکت تضامنی، شرکتی است که دو یا چند نفر را، در خود جای می‌دهد که هر یک از آنان، برخوردار از صفت تجار هستند. یا این وصف را، به خاطر سودبری قانونی تجاری به دست می‌آورند؛ و هر یک از شرکا، به صفت شخصی مسئول خواهد بود. و سایر شرکا نیز در میان خود، به عنوان تاجر مسئول هستند».

[مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶].

۳- توافق شرکا برخلاف مفاد ماده ۱۱۶ قانون تجارت، در برابر اشخاص ثالث اعتباری ندارد. [مهراب داراب پور. قواعد عمومی (حقوق تجارت و معاملات بازرگانی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱]. همچنین، دعوی بستانکاران علیه شرکا با مسئولیت نامحدود، در همه حال و در صورتی که طلبکاران، نتوانسته باشند حق خود را، از اموال شرکت وصول نمایند؛ مسموع است. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹] در این خصوص، شایان ذکر است که تفکیک دارایی شرکت از دارایی شرکا، آثار زیر را دربردارد:

۱) دارایی شرکت، تنها تضمین جهت تأدیه طلب بستانکاران است. بدین معنا که طلبکاران شخصی شرکا، حق مراجعه به شرکت را نداشته و نمی‌توانند جهت مطالبه طلب خود از شریک، علیه شرکت اقامه دعوا نمایند. همان‌طور که طلبکار زید، نمی‌تواند علیه عمرو، اقامه دعوا کند. از طرفی دارایی شرکت، تنها مالی است که دیان شرکت، می‌توانند انتظار داشته باشند که حق آنان، از محل مزبور وصول خواهد شد. مگر در مورد شرکت‌هایی که در آن‌ها، مسئولیت شرکا نامحدود باشد؛ که در اینصورت نیز، اگر دارایی آن کافی نباشد؛ نمی‌توان دارایی شخصی شرکا را توقیف نمود. از طرفی دیگر، در صورت انحلال شرکت، ابتدا دارایی آن، بین طلبکاران شرکت توزیع گردیده و اگر چیزی باقی بماند؛ نصیب شرکا خواهد شد. در نهایت، نباید از نظر دور داشت که بین طلبکاران شرکا و طلب شرکت از طلبکاران شرکا، تهاتر امکانپذیر نیست. چراکه شریک و شرکت، دو شخصیت مستقل از یکدیگر بوده؛ و دارایی آنان نیز مستقل است.

۲) ورشکستگی شرکت و شرکا، هیچگونه ملازمه‌ای با یکدیگر ندارد.

۳) شرکت، به مناسبت منافعی که به دست می‌آورد؛ مکلف به تأدیه مالیات بوده و تعیین مالیات آن، منوط به تقسیم منافع مزبور میان شرکا نیست. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۴- شرکت‌ها از حیث موضوع و نیز از جهت ساختار، قابل تقسیم هستند. شرکت تضامنی در دسته اول قرار دارد. [محمدطاهر کنعانی. حقوق تجارت نوین. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱].

۵- نکات توصیفی ماده ۱۱۶ قانون تجارت



- (۱) شرکت تضامنی تحت نام مخصوصی تشکیل می‌شود.
- (۲) فعالیت شرکت تضامنی برای امور تجاری است.
- (۳) شرکت تضامنی بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شود.
- (۴) مسئولیت شرکاء در شرکت تضامنی به صورت تضامنی است.
- (۵) اگر دارایی شرکت برای پرداخت تمام بدهی‌ها کافی نباشد، هر یک از شرکاء به تنهایی مسئول پرداخت تمام قروض شرکت هستند.

۴- حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی

ماده ۱۲۱ قانون تجارت - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده
نکته ۱: ماده ۵۱ قانون تجارت - مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل
موکل دارد.

نکته ۲: مسئولیت شرکت و شرکاء در صورتی قابل طرح است که مدیر حدود اختیارات خود را رعایت کرده باشد
مگر آنکه مدیر خود شریک ضامن شرکت باشد.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۵۱ قانون تجارت- مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.

توضیحات ماده ۵۱ قانون تجارت :

۱- تعهد و مسئولیت مدیر نسبت به سایر شرکا، مثل تعهد و مسئولیت وکیل در مقابل موکل است؛ و امکان عزل و استعفا وجود
دارد. [مهراب داراب پور. قواعد عمومی (حقوق تجارت و معاملات بازرگانی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱]. همچنین، در خصوص مدیر
شرکت تضامنی، این طور مطرح شده است که به نظر می‌رسد که منظور قانونگذار از موکل در ماده ۵۱ قانون تجارت، شرکا نبوده؛
بلکه شرکت می‌باشد. مدیر شرکت تضامنی، که از طرف شرکا انتخاب می‌گردد؛ نماینده شخص حقوقی محسوب شده و اعمال
حقوقی شرکت را، به عنوان وکیل شرکت انجام داده و اتخاذ تصمیم می‌نماید. در مقابل اشخاص ثالث شرکت، متعهد بوده؛ یا در
صورت تخلف در اجرای تعهدات اشخاص اخیرالذکر، می‌توانند علیه شرکت طرح دعوا نموده و عنداللزوم تقاضای ورشکستگی شرکت
را بنمایند. بدیهی است که شرکا، به تبع ورشکستگی شرکت، ورشکسته محسوب نمی‌گردند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد
دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی
و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در
ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

۲- نکات توصیفی ماده ۵۱ قانون تجارت

(۱) مدیر شرکت مسئولیت‌هایی مشابه به وظایف وکیل در مقابل موکل دارد.



۲) وکیل وظیفه دارد که به نفع موکل و با دقت و صداقت عمل کند، بنابراین مدیر نیز باید به همین نحو برای شرکت و شرکاء عمل کند.

۳) مدیر ممکن است در صورت قصور یا تخطی از وظایفش، مسئول جبران خسارت وارده به شرکاء باشد.

۴) تعهدات و وظایف مدیر باید بر اساس مقررات قانونی و اساسنامه شرکت باشد.

۵) مدیر باید در تصمیم‌گیری‌هایش منافع شرکت و شرکاء را مد نظر قرار دهد، شبیه به اینکه وکیل باید منافع موکل را در نظر بگیرد.

۶) مسئولیت مدیر در قالب اصول حسن نیت و دقت حرفه‌ای تعریف شده است.

ماده ۱۲۱ قانون تجارت - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده

توضیحات ماده ۱۲۱ قانون تجارت

۱- شرکت تضامنی: ماده ۱۱۶ قانون تجارت، مقرر می‌دارد: «شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است». [ماده ۱۱۶ قانون تجارت] همچنین در تعریف شرکت تضامنی، چنین بیان شده است که شرکتی است که بین چند نفر، با مسئولیت تضامنی آنان، نسبت به دیون و تعهدات شرکت تشکیل می‌گردد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. به عبارت دیگر، شرکت تضامنی، شرکتی تجاری است که تحت عنوان نام معینی میان دو یا چند نفر به صفت شخصی و با وجه تضامن نسبت دیون شرکت، ایجاد می‌گردد. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶].

۲- تعهد و مسئولیت مدیر نسبت به سایر شرکا، مثل تعهد و مسئولیت وکیل در مقابل موکل است؛ و امکان عزل و استعفا وجود دارد. [مهراب داراب پور. قواعد عمومی (حقوق تجارت و معاملات بازرگانی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱]. همچنین، این طور مطرح شده است که به نظر می‌رسد که منظور قانونگذار از موکل در ماده ۵۱ قانون تجارت، شرکا نبوده؛ بلکه شرکت می‌باشد. مدیر شرکت تضامنی، که از طرف شرکا انتخاب می‌گردد؛ نماینده شخص حقوقی محسوب شده و اعمال حقوقی شرکت را، به عنوان وکیل شرکت انجام داده و اتخاذ تصمیم می‌نماید. در مقابل اشخاص ثالث شرکت، متعهد بوده؛ یا در صورت تخلف در اجرای تعهدات اشخاص اخیرالذکر، می‌توانند علیه شرکت طرح دعوا نموده و عنداللزوم تقاضای ورشکستگی شرکت را بنمایند. بدیهی است که شرکا، به تبع ورشکستگی شرکت، ورشکسته محسوب نمی‌گردند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری

(شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی مؤسسات



غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و... چاپ ۲.
جنگل، ۱۳۸۹.]

۳- نکات توصیفی ماده ۱۲۱ قانون تجارت

- ۱) ماده ۱۲۱ قانون تجارت به مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی اشاره دارد.
- ۲) مسئولیت مدیران در شرکت تضامنی با شرکت‌های دیگر تفاوت دارد و بر اساس ماده ۵۱ قانون تجارت تعیین می‌گردد.
- ۳) ماده ۵۱ به مسئولیت موارد خاص برای مدیران اختصاص دارد که در شرکت تضامنی نیز به کار می‌رود.
- ۴) شرکت تضامنی نوع خاصی از شرکت‌ها است که مدیران آن نقش مهم و مسئولیتی مستقیم در قبال تعهدات شرکت دارند.
- ۵) مسئولیت مدیران در شرکت تضامنی ممکن است نسبت به دیگر انواع شرکت‌ها سنگین‌تر و گسترده‌تر باشد.
- ۶) قوانین مرتبط به مسئولیت مدیران شرکت تضامنی از جمله مباحث کلیدی در حقوق تجارت محسوب می‌شود.



۵- مطالبه قروض شرکت

ماده ۱۲۴ قانون تجارت - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت میتوانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکاء نمیتواند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز مینماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکتنامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

نکته: شرطی که به موجب آن توافق شود که در صورت ضرر شرکت یک یا چند شریک کلاً از تحمل ضرر معاف باشند؛ به دلیل مخالفت با ذات عقد شرکت باطل و بلااثر است.

ماده ۱۲۵ قانون تجارت - هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد هر قراری که بین شرکاء بر خلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

نکته ۱: ورود و خروج شریک از شرکت حتماً باید به ثبت برسد در غیر این صورت در مقابل ثالث قابل استناد نیست.

نکته ۲: هرگاه خروج شریک غیر قانونی باشد او همچنان مسئول باقی خواهد ماند اما اگر خروج قانونی باشد دیگر مسئول پرداخت آن دیونی که بعد از خروج ایجاد شده نیست.

ماده ۱۲۶ قانون تجارت - هرگاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده هیچ یک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارایی نخواهد داشت اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.



توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۲۴ قانون تجارت - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت نمیتوانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکاء نمیتوانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز مینماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکتنامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

توضیحات ماده ۱۲۴ قانون تجارت

۱- دلیل تضامنی و نامحدود بودن مسئولیت شرکا، در مقابل طلبکاران، حمایت از اشخاص ثالث است. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].

۲- هرگونه توافق بین شرکا، در رابطه با نحوه مسئولیت آنان در برابر بستانکاران شرکت، که برخلاف مقررات ماده ۱۲۴ قانون تجارت باشد؛ باطل است؛ زیرا اصل تضامن، از خصوصیات ذاتی شرکت تضامنی محسوب گردیده و آمره می‌باشد. در نتیجه، تراضی علیه آن، امکانپذیر نیست. [حسن حسنی. حقوق تعاونی‌ها. چاپ ۵. سمت، ۱۳۹۱].

۳- انتقادات

قانونگذار در ماده ۱۲۴ قانون تجارت، به دلیل ذکر عبارت «... پس از انحلال، طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود، به هر یک از شرکاء که بخواهند؛ یا به تمام آنها رجوع کنند...»، دقت کافی را به کار نبرده‌است؛ زیرا فقط در صورتی که دارایی شرکت، برای پرداخت دیون آن کافی نباشد؛ بستانکاران می‌توانند برای وصول طلب خود، به شرکا مراجعه نمایند. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۴- اگر یکی از شرکای شرکت تضامنی، به اندازه یک هزارم سرمایه شرکت، سهم داشته و پس از انحلال شرکت، کل بدهی آن را پرداخت نموده باشد؛ در اینصورت حق دارد جهت مطالبه مبلغی که تأدیه نموده؛ به نسبت سهم هر یک از شرکا در مقابل کل سرمایه شرکت، به آن‌ها مراجعه نماید. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].

۵- نکات توصیفی ماده ۱۲۴ قانون تجارت

- ۱) مطالبات قروض شرکت تضامنی تا زمان انحلال باید از خود شرکت درخواست شود.
- ۲) پس از انحلال، طلبکاران می‌توانند به هر یک از شرکا یا به همه آنها برای وصول مطالبات رجوع کنند.
- ۳) هیچ‌یک از شرکا نمی‌توانند به بهانه‌ی اینکه میزان قروض شرکت بیشتر از سهم آنها است، از پرداخت قروض امتناع ورزید.

۴) مسئولیت شرکا در تأدیه قروض شرکت در روابط داخلی به نسبت سرمایه آنها تعیین می‌شود.

۵) اگر در شرکت‌نامه ترتیب دیگری برای تقسیم مسئولیت بین شرکا مقرر شده باشد، آن ترتیب باید رعایت شود.

ماده ۱۲۵ قانون تجارت - هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد هر قراری که بین شرکاء بر خلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

توضیحات ماده ۱۲۵ قانون تجارت

۱- مفاد ماده ۱۲۵ قانون تجارت، استثنایی است بر اصل مسئولیت هر شخص نسبت به اعمال و تصمیمات خویش. چراکه سعی قانونگذار بر این است که مسئولیت هر شریک را، نسبت به کلیه دیون شرکت حفظ نماید. هدف آن است که موجب صعوبت و تکلف آن دسته از اشخاص، که قصد معامله با شرکت را دارند؛ نگردد و آنان را به استعلام و تفحص در این باره واندارد و به همین جهت، شریک جدید را نسبت به تعهدات قبلی شرکت نیز، مسئول دانسته‌است. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۲- به موجب ماده ۱۲۵ قانون تجارت، هر گونه مسئولیتی از عهده شرکای پیشین شرکت تضامنی، ساقط گردیده و بر ذمه شریک جدید مستقر خواهد شد. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱]. با توجه به شخصیت حقوقی شرکت تضامنی و تضامنی بودن مسئولیت شرکا در این نوع شرکت، عدم تفکیک بین دیون شرکت در دوره‌های گوناگون، امری موجه به نظر می‌رسد. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱]. همچنین، شایان ذکر است که حکم ماده ۱۲۵ قانون تجارت، در مورد شرکای ضامن، که به شرکت مختلط غیرسهامی وارد می‌گردند نیز، قابل تسری است. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۳- نکات توصیفی ماده ۱۲۵ قانون تجارت

۱) شریکی که به عنوان ضامن به یک شرکت تضامنی موجود وارد می‌شود، مسئولیت تضامنی در قبال بدهی‌های پیشین شرکت دارد.

۲) مسئولیت شریکی که به شرکت می‌پیوندد، شامل بدهی‌هایی است که شرکت قبل از پیوستن او داشته است.

۳) تغییر در نام شرکت تأثیری بر مسئولیت شریکی که به شرکت پیوسته ندارد.

۴) توافقات داخلی بین شرکا که مخالف ترتیب مسئولیت تضامنی باشد، در برابر اشخاص ثالث بلااثر است.



۴- امضای مدیر عامل شرکت در اسناد تعهدآور، هرچند مغایر مفاد اساسنامه مبنی بر لزوم امضای همزمان مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره در خصوص اسناد تعهدآور باشد، در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر می باشد. [رای دادگاه درباره اثر امضای اسناد تعهدآور شرکت توسط مدیرعامل بر خلاف اساسنامه (دادنامه شماره ۱۵۷۴/۴۰۲۷۰۴۰۹۹۷۰۹۱)]

ماده ۱۲۷ قانون تجارت: به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می توان حکم داد مشروط به اینکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.

توضیحات ماده ۱۲۷ قانون تجارت

۱- مطالعات تطبیقی

به موجب قانون تجارت فرانسه، اعلام ورشکستگی شرکت تجاری توسط بستانکاران شرکت، تا یک سال پس از انحلال آن امکانپذیر است. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد چهارم) (ورشکستگی و تصفیه اموال، افلاس در اسلام و سپر قانونی آن در ایران، ورشکستگی در حقوق تجارت بین المللی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸. شماره فیش در پژوهشکده حقوق و قانون ایران]

۲- اگر شرکت، به دلیلی غیر از ورشکستگی، نظیر رضایت شرکا منحل گردد؛ به دلیل اینکه شرکت تا پایان عملیات تصفیه، همچنان شخصیت حقوقی خود را حفظ می نماید؛ اگر معلوم گردد که توانایی تأدیه دیون خود را ندارد؛ می توان حکم ورشکستگی او را صادر نمود و صرف نظر از اینکه تاریخ توقف، قبل یا بعد از انحلال شرکت باشد؛ تصفیه، برابر با مقررات ورشکستگی صورت خواهد پذیرفت. منطقی است که قانونگذار، صدور حکم ورشکستگی پس از انحلال شرکت را، مشروط به عدم تقسیم دارایی شرکت نموده است. حکم مزبور را، باید به عنوان قاعده ای که منحصر به شرکت تضامنی نیست؛ پذیرفت. چراکه با تقسیم دارایی شرکت، حفظ شخصیت حقوقی آن، که برای تصفیه و تقسیم دارایی آن لازم بوده؛ دیگر معنایی ندارد. در واقع، زمانی که شرکت فاقد شخصیت حقوقی باشد؛ تقاضای ورشکستگی آن نیز، بی مورد است. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹.]

۳- نکات توصیفی ماده ۱۲۷ قانون تجارت

- ۱) امکان حکم ورشکستگی برای شرکت تضامنی حتی پس از انحلال وجود دارد.
- ۲) شرط اصلی برای حکم ورشکستگی شرکت تضامنی پس از انحلال، تقسیم نشدن دارایی شرکت است.
- ۳) دارایی شرکت باید همچنان در اختیار شرکت باشد تا بتوان به ورشکستگی آن حکم داد.
- ۴) اجرای این ماده نشان دهنده اهمیت وضعیت مالی شرکت حتی پس از انحلال است.



۴- صدور حکم به ورشکستگی شرکت منحل شده، صرفنظر از نوع شرکت، مجاز است و از ملاک ماده ۱۲۷ قانون تجارت برای تمامی شرکت‌های تجاری می‌توان استفاده کرد. همچنین، مقررات ورشکستگی شرکت منحل شده با شرکت فعال از جهت حاکمیت قوانین و دخالت مدیر یا اداره تصفیه تفاوتی ندارد. با این حال، اگر در اموال شرکت منحل شده ورشکسته برخلاف مقررات تصرفاتی صورت گرفته باشد، این تصرفات باطل و بی‌اثر خواهد بود. [نظریه شماره ۱۴۱۱/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره صدور حکم به ورشکستگی شرکت منحل شده و تفاوت آن با ورشکستگی شرکت فعال]

۵- سؤال اصلی در این نظریه مشورتی این است که آیا صدور حکم به ورشکستگی برای شرکتی که منحل شده و در حال تصفیه است، امکان‌پذیر است یا خیر. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه تأیید می‌کند که صدور حکم به ورشکستگی برای شرکت منحل شده، بدون توجه به نوع شرکت، امکان‌پذیر است و می‌توان از ماده ۱۲۷ قانون تجارت استفاده کرد. این نظریه به اهمیت عدم تفاوت در مقررات ورشکستگی برای شرکت‌های منحل شده و غیرمنحل اشاره دارد، مگر در مواردی که تصرفات برخلاف مقررات انجام شده باشد که در این صورت، باطل تلقی می‌شود. [نظریه شماره ۷/۹۶/۱۴۱۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره صدور حکم به ورشکستگی شرکت منحل شده در حال تصفیه]

۶- از مواد ۱۴۳، ۲۲۵ و ۲۲۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت چنین مستفاد است که بستانکاران می‌توانند در صورتی که تخلف مدیر یا مدیران تصفیه موجب تضرر آنان شده باشد، به متخلف یا متخلفین رجوع نمایند؛ بنابراین دعوای ورشکستگی شرکت مزبور توسط بستانکار باقیمانده قابلیت استماع ندارد. [نظریه شماره ۵۰۲/۱۴۰۲/۷ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره دعوای ورشکستگی طلبکار باقیمانده علیه شرکتی که عملیات تصفیه آن پایان یافته]



۶- احکام پرداخت سود

ماده ۱۳۲ قانون تجارت - اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم شرکت کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است.

توضیحات ماده ۱۳۲ قانون تجارت :

۱- مدیران شرکت تضامنی، نمی‌توانند برخلاف مفاد ماده ۱۳۲ قانون تجارت، عمل نمایند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)، چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

۲- با توجه به ماده ۱۳۲ قانون تجارت و ماده ۱۳۳ قانون تجارت، این نتیجه حاصل می‌گردد که در صورتیکه سرمایه شرکت، به کمتر از میزان سرمایه اولیه برسد؛ نه تنها تقسیم سود بین شرکا ممنوع است؛ بلکه آنان باید در تأمین کسری ایجاد شده، تشریک مساعی نموده و سرمایه را به میزانی که به هنگام تشکیل بوده؛ ارتقا دهند. پس می‌توان سود حاصل توسط فعالیت‌های شرکت را، جهت تکمیل کمبود سرمایه آن صرف نمود. [احمد فروحی. حقوق تجارت شرکت‌های سرمایه ای (شخصی و مختلط). چاپ ۲. کیومرث، ۱۳۸۹]. نکته‌ی دیگر آن که برای تکمیل سرمایه شرکت، که مقداری از آن، بر اثر زیان تفویض شده‌است؛ نمی‌توان شرکا را، نسبت به افزایش سرمایه و جبران ضررهای مزبور، ملزم نمود. [احسینقلی کاتبی. حقوق تجارت. چاپ ۱۲. گنج دانش، ۱۳۸۷].

۳- نکات توصیفی ماده ۱۳۲ قانون تجارت

۱. کاهش سرمایه شرکاء در نتیجه ضررهای وارده می‌تواند رخ دهد.
۲. به هنگام کاهش سرمایه شرکاء به دلیل ضرر، پرداخت سود به شرکاء ممنوع می‌شود.
۳. قبل از پرداخت سود به شرکاء، باید کمبود سرمایه جبران شود.
۴. جبران کمبود سرمایه برای از سرگیری پرداخت سود به شرکاء الزامی است.



۷-انجام تجارت توسط شرکا

ماده ۱۳۴ قانون تجارت - هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء به حساب شخصی خود یا به حساب شخص ثالث تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

توضیحات ماده ۱۳۴ قانون تجارت :

۱- شرکت تضامنی: ماده ۱۱۶ قانون تجارت، مقرر می‌دارد: «شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.» [ماده ۱۱۶ قانون تجارت] همچنین در تعریف شرکت تضامنی، چنین بیان شده است که شرکتی است که بین چند نفر، با مسئولیت تضامنی آنان، نسبت به دیون و تعهدات شرکت تشکیل می‌گردد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. میسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. به عبارت دیگر، شرکت تضامنی، شرکتی تجاری است که تحت عنوان نام معینی میان دو یا چند نفر به صفت شخصی و با وجه تضامن نسبت دیون شرکت، ایجاد می‌گردد.

[مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶].

۲- هیچ‌یک از شرکا، نمی‌توانند در شرکتی که به همان تجارت شرکت تضامنی، اشتغال دارد؛ عضو گردند و نیز، نمی‌توانند قائم مقام تاجر گردند؛ که به تجارتي از نوع تجارت شرکت مبادرت می‌ورزد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. ماده ۱۳۴ قانون تجارت، به وضع قاعده منع رقابت در میان اعضای شرکت، پرداخته است. با همسانی شرکت‌های تضامنی و مدنی، موضوع ماده ۲۲۰ قانون تجارت، این قاعده نسبت به شرکت‌های مدنی نیز، قابل تسری است. [سیدمحمود کاشانی. حقوق مدنی قراردادهای ویژه (اشاعه، شرکت مدنی، تقسیم مال مشترک، ودیعه، وکالت، ضمان). چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۸]. قرارداد شرکت تضامنی را، در صورتی می‌توان صحیح محسوب نمود که شرکا، مبادرت به انعقاد قرارداد مشابه دیگری ننموده باشند؛ زیرا در چنین حالتی، ممکن است آنان در وضعیتی یکسان قرار گرفته نسبت به سود و زیان شرکت، خنثی باشند. از طرفی قرارداد شرکت، به تنظیم رابطه‌ای می‌پردازد که به موجب آن، طرفین، در معیت هم قرار دارند؛ نه در مقابل یکدیگر و صحیح نیست که با شرکت در قراردادهای مشابه، تبدیل به رقیب هم گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۳- شریک شرکت تضامنی، حتی به وکالت از غیر نیز، نمی‌تواند اقدام به معاملاتی نماید که به منزله رقابت با شرکت باشد. [فرشید فرحناکیان. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. چاپ ۲. میزان، ۱۳۸۸].

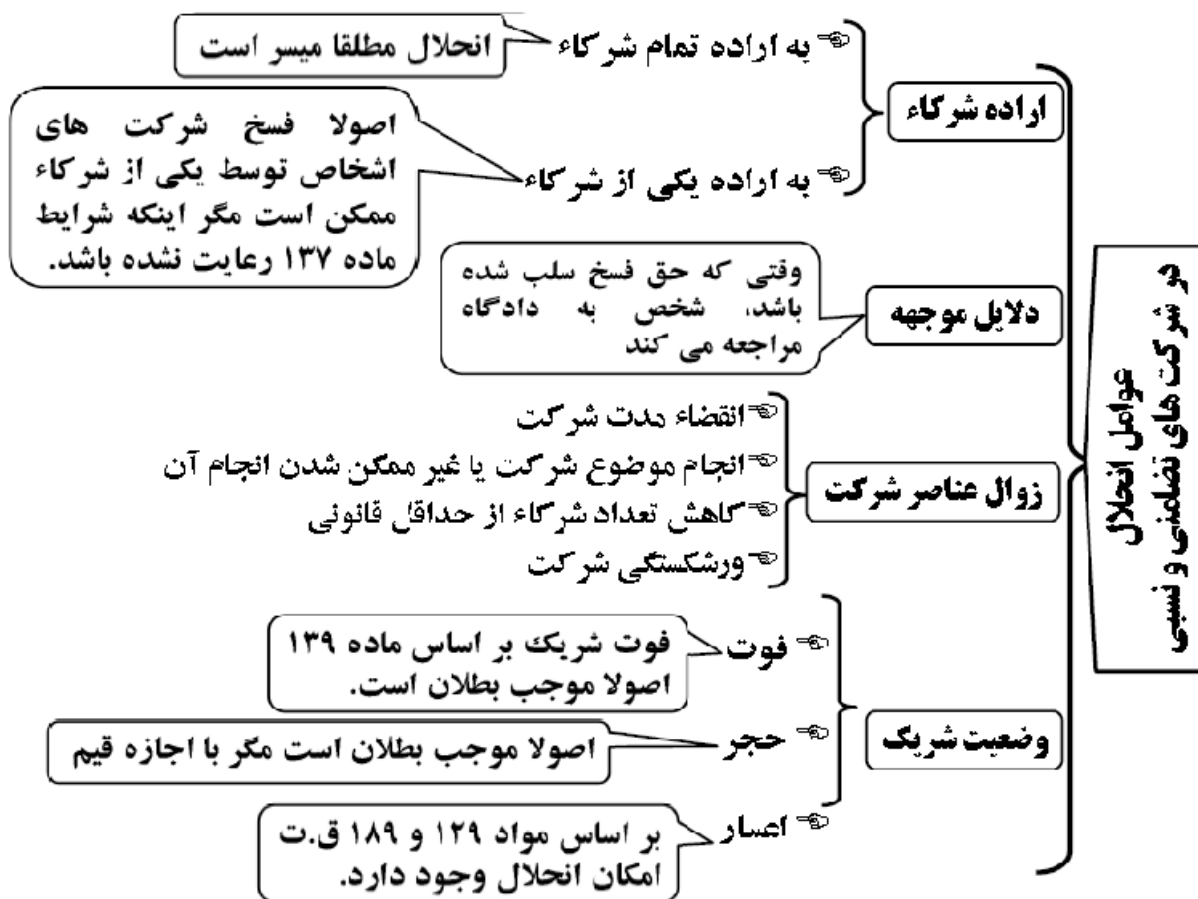
۴- نکات توصیفی ماده ۱۳۴ قانون تجارت

- ۱) شریک بدون رضایت سایر شرکا نمی‌تواند تجارتي مشابه تجارت شرکت انجام دهد.
- ۲) ورود شریک به حساب شخصی خود یا شخص ثالث بدون اجازه سایر شرکاء ممنوع است.
- ۳) شریک نمی‌تواند به عنوان شریک ضامن یا با مسئولیت محدود در شرکت دیگری با تجارت مشابه شرکت وارد شود.
- ۴) رضایت سایر شرکاء شرط اساسی برای مشارکت در تجارتي مشابه است.

۵) نظیر بودن تجارت‌ها در محدودیت‌های ماده مورد توجه قرار گرفته است.



۸- عوامل انحلال شرکت تضامنی و مقایسه آن با شرکت نسبی



ماده ۱۳۷ قانون تجارت - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و

ناشی از قصد اضرار نباشد تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکاء اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به

عمل می آید.

ماده ۱۳۸ قانون تجارت - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت میگیرد که مدیر تصفیه کتباً

تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال

منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹ قانون تجارت - در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهمیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۱۲۸ قانون تجارت - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

نکته ۱: از آنجا که ورشکستگی مختص تاجر است ورشکستگی شرکاء وقتی مطرح می شود که آنها تاجر باشند. نکته ۲: از آنجا که شخصیت شرکاء سوای شخصیت شرکت بوده بنابراین ورشکستگی شرکای ضامن با ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی نخواهد داشت.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۳۷ قانون تجارت - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکاء اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می آید.

توضیحات ماده ۱۳۷ قانون تجارت

۱- فسخ: حقی است که شخص به موجب آن، می تواند از حق قانونی یا قراردادی خود، استفاده نموده و عقدی را برهم زند. [مرتضی یوسف زاده. حقوق مدنی (جلد ششم) عقود معین. چاپ ۱. انتشار، ۱۳۹۰].

۲- مطالعات تطبیقی

در حقوق فرانسه، فسخ شرکت توسط یکی از شرکاء، فقط در صورتی امکانپذیر است که شرکت مزبور، برای مدتی نامحدود تشکیل شده باشد. [ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران سال ۴۵ شماره ۲۹. مهنا]



۳- اصولاً در شرکت‌های تضامنی و نسبی، شرکا از حق فسخ برخوردار هستند. مگر اینکه این حق، به موجب اساسنامه از آن‌ها سلب گردیده باشد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. شریکی که تمایل به خروج از شرکت دارد؛ نمی‌تواند سایر شرکا را، ملزم به خرید سهم خود نماید. لیکن شریک مزبور، در صورت رعایت شرایط مندرج در ماده ۱۳۷ قانون تجارت، از حق فسخ شرکت برخوردار می‌باشد. در فرض مخالفت شرکا با فسخ شرکت و عدم رضایت آنان به خرید سهم شریک خود، طرح دعوی فسخ شرکت در دادگاه، امکانپذیر خواهد بود. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. [۷. همچنین، شایان ذکر است که ماده ۱۳۷ قانون تجارت، نسبت به شرکت‌های نسبی و مختلط غیرسهامی نیز، قلمرو شمول دارد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۴- قسمت اخیر ماده ۱۳۷ قانون تجارت، به جهت رعایت و حمایت از حقوق اشخاص ثالث، وضع گردیده و از مقررات مربوط به نظم عمومی بوده و توافق برخلاف آن صحیح نیست. [فرشید فرحناکیان. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. چاپ ۲. میزان، ۱۳۸۸]. نکته‌ی دیگر آن که فسخ شرکت، مستلزم زوال آن نبوده و سایر شرکا می‌توانند پس از فسخ، اقدام به تشکیل شرکت جدید نمایند. [حسینقلی کاتبی. حقوق تجارت. چاپ ۱۲. گنج دانش، ۱۳۸۷].

۵- انتقادات

قانونگذار، تفاوت بین فسخ و انحلال شرکت را، مشخص ننموده‌است. [رضا پاکدامن. حقوق شرکت‌های تجاری (شرح و نقد مقررات حاکم بر شرکت‌های سهامی عام و خاص با مسئولیت محدود، تعاونی، تضامنی، دولتی و خارجی). چاپ ۱. خرسندی، ۱۳۸۹].

۶- اگر در رابطه با انجام معاملات شرکت، میان شرکا توافق حاصل نگردد و یکی از آن‌ها قصد داشته باشد با فسخ شرکت، از ادامه فعالیت‌های سودآور آن جلوگیری نماید؛ در اینصورت فسخ شرکت امکانپذیر نخواهد بود. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

۷- نکات توصیفی ماده ۱۳۷ قانون تجارت

- ۱) فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه حق فسخ از شرکا سلب نشده باشد.
- ۲) فسخ نباید ناشی از قصد اضرار باشد.
- ۳) تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از تاریخ فسخ به صورت کتبی به شرکا اعلام شود.



۴) در صورتی که در اساسنامه مقرر شده سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود، فسخ باید در زمان ختم محاسبه سالیانه انجام شود.

ماده ۱۳۸ قانون تجارت - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت میگیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

توضیحات ماده ۱۳۸ قانون تجارت

۱- شریک شرکت تضامنی یا نسبی، زمانی ورشکسته محسوب می‌گردد که علاوه بر عضویت در شرکت‌های مزبور، به شغل تجارت نیز اشتغال داشته باشد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. ورشکستگی یکی از شرکا، ممکن است موجب انحلال شرکت گردد. انحلال شرکت به دلیل ورشکستگی یکی از شرکا، قهری بوده و نیازمند صدور حکم انحلال توسط دادگاه نیست و صرف رعایت مقررات ماده ۱۳۸ قانون تجارت کفایت می‌کند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

ورشکستگی شریک شرکت تضامنی، ملازمه با ورشکستگی شرکت ندارد. تا وقتی که مدیر تصفیه، تقاضای انحلال شرکت را ننموده باشد؛ شرکت همچنان به فعالیت خود ادامه داده و در صورت تقاضای ورشکستگی توسط وی، شرکا می‌توانند با تأدیه حصة شریک ورشکسته، او را از شرکت خارج نموده و بدینوسیله مانع انحلال شرکت گردند. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد چهارم) (قراردادهای تجاری و ورشکستگی و تصفیه). چاپ ۱۶. دادگستر، ۱۳۹۰].

۲- همه شرکای شرکت‌های تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، و شرکای ضامن در شرکت مختلط سهامی، حکماً تاجر محسوب گردیده و مشمول مقررات ورشکستگی خواهند بود. [محمد صقری. حقوق بازرگانی ورشکستگی (جلد اول) (توقف، ابطال معاملات، قرارداد ارفاقی) (جلد دوم) بازسازی بنگاه‌های اقتصادی بحران زده (جلد سوم) (ورشکستگی فرامرزی). چاپ ۲. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸].

۳- نکات توصیفی ماده ۱۳۸ قانون تجارت

- ۱) انحلال شرکت در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء ممکن است.
- ۲) مدیر تصفیه باید کتباً تقاضای انحلال شرکت را مطرح کند.
- ۳) انحلال زمانی رخ می‌دهد که شش ماه از تقاضای انحلال گذشته باشد.
- ۴) شرکت می‌تواند مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف کند تا انحلال صورت نگیرد.



ماده ۱۳۹ قانون تجارت - در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

توضیحات ماده ۱۳۹ قانون تجارت :

۱- جهت بقای شرکت تضامنی، بعد از فوت یکی از شرکا، اتفاق نظر سایر شرکا لازم است. با توجه به اینکه سکوت موضوع ماده ۱۳۹ قانون تجارت، علامت رضای قائم مقام شریک متوفی، محسوب می‌گردد؛ وی پس از گذشت مدت مقرر قانونی، دیگر نمی‌تواند از رضای مفروض قانونی خود، عدول نموده و تصریح به مخالفت خود، نسبت به بقای شرکت نماید. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. در فرض تعدد ورثه شریک متوفی، جهت بقای شرکت، رضای همه آنان ضروری است. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. در صورت محجور بودن قائم مقام شریک متوفی نیز، رضایت ولی یا قیم وی کافی است. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. نکته‌ی دیگر آن که، سکوت را نمی‌توان به عنوان علامت رضا پذیرفت. به جز مواردی که قانونگذار استثنا نموده باشد. نظیر آنچه که در ماده ۱۳۹ قانون تجارت، مورد تصریح وی قرار گرفته است. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹]. در نهایت، شایان ذکر است حکم ماده ۱۳۹ قانون تجارت و ماده ۱۴۰ قانون تجارت، در رابطه با فوت و حجر یکی از شرکا، نسبت به شرکت‌های نسبی نیز، قلمرو شمول دارد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

ماده ۱۲۸ قانون تجارت - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

توضیحات ماده ۱۲۸ قانون تجارت :

۱- قانونگذار در ماده ۱۲۸ قانون تجارت، اصل تفکیک شخصیت حقوقی شرکت تضامنی را با شرکای آن، مورد توجه قرار داده است. زیرا ورشکستگی شرکت، مانع از این نمی‌گردد که چنانچه دارایی آن، جهت تأدیه وصول طلب بستانکاران کافی نباشد، طلبکاران



نتوانند به شرکا رجوع نمایند. نکته‌ی دیگر آن که هر چند ورشکستگی برخی از شرکا، ملازمه با ورشکستگی شرکت ندارد؛ ولی در چنین فرضی، مدیر تصفیه می‌تواند با استناد به ماده ۱۳۸ قانون تجارت و نیز با حصول شرایطی، درخواست انحلال شرکت را بنماید. محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد چهارم) (ورشکستگی و تصفیه اموال، افلاس در اسلام و سپر قانونی آن در ایران، ورشکستگی در حقوق تجارت بین‌المللی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.

۲- شایان ذکر است که همه شرکای شرکت‌های تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، و شرکای ضامن در شرکت مختلط سهامی، حکماً تاجر محسوب گردیده و مشمول مقررات ورشکستگی خواهند بود. [محمد صقری. حقوق بازرگانی ورشکستگی (جلد اول) (توقف، ابطال معاملات، قرارداد ارفاقی) (جلد دوم) بازسازی بنگاه‌های اقتصادی بحران زده (جلد سوم) (ورشکستگی فرامرزی)]. چاپ ۲. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.

۳- نکات توصیفی ماده ۱۲۸ قانون تجارت

۱. ورشکستگی شرکت به معنای ورشکستگی شرکاء نیست.
 ۲. ورشکستگی برخی شرکاء به معنای ورشکستگی شرکت نیست.
 ۳. وضعیت مالی شرکت و شرکاء به صورت قانونی مستقل از یکدیگر است.
 ۴. تصمیمات مرتبط با ورشکستگی شرکت باید به صورت جداگانه از وضعیت شرکاء اتخاذ شود.
 ۵. ارتباط حقوقی میان شرکت و شرکاء در زمینه ورشکستگی، استقلال دارد.
- ۴- مدیر تصفیه نمی‌تواند به صرف عدم امکان اجرای قرارداد، تقاضای بطلان آن را داشته باشد، مگر در شرایط خاص مربوط به تاریخ توقف و تعلق. همچنین مدیر یا اداره تصفیه مسئولیت تصفیه اموال و دیون تاجر ورشکسته را دارد ولی نسبت به ضامن یا راهن مسئولیت اجرایی ندارند. ضامنین نمی‌توانند خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کنند مگر در صورت تأخیر خود پس از مطالبه دین. ورشکستگی شرکت تأثیری بر ورشکستگی شرکا ندارد و تقاضای ورشکستگی شرکا و مدیران به عهده آنها یا طلبکاران است. [نظریه شماره ۳۰۸/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره مسئولیت مدیر تصفیه در قراردادهای امور ورشکستگی]
- ۵- نظریه مشورتی اداره کل حقوقی بر مبنای پرسشی است که درخصوص احراز سمت وکیل شرکتی که توسط مدیرعامل با تأخیر در ثبت تفویض اختیار اقدام به طرح دعوی نموده، مطرح شده است. طبق نظریه، هیأت مدیره شرکت دارای کلیه اختیارات اداره امور شرکت است و تفویض این اختیارات به مدیرعامل باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و در روزنامه رسمی آگهی شود، اما عدم اعلام

به اداره ثبت شرکت‌ها منجر به بی‌اعتباری تصمیمات نمی‌شود، بلکه ممکن است مجازات قانونی در پی داشته باشد. همچنین، مستندات تفویض اختیار که پس از اخطار رفع نقص به ثبت برسد، همچنان قابل ترتیب اثر خواهد بود. در مواردی که تاریخ تنظیم صورتجلسه مقدم بر تاریخ دادخواست باشد، دادگاه نمی‌تواند به این امر ایراد بگیرد، زیرا تنظیم صورتجلسه مؤخر به معنای تأیید اقدام انجام شده است و نیاز به اثبات دیگری ندارد. [نظریه شماره ۳۷۸/۹۸/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره احراز سمت وکیل شرکت بر اساس تفویض اختیار ثبت نشده در اداره ثبت شرکت‌ها]



۹- سهم الشرکه

۹-۱- انتقال سهم الشرکه

ماده ۱۲۳ قانون تجارت - در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمیتواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

نکته ۱ : ثبت انتقال سهم الشرکه ضروری بوده و در صورت عدم ثبت این انتقال در مقابل ثالث قابل استناد نیست.

نکته ۲ : انتقال سهم الشرکه به دیگری و لو اینکه منتقل الیه از شرکای شرکت باشد منوط به رضایت تمام شرکاء است.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۲۳ قانون تجارت - در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمیتواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

توضیحات ماده ۱۲۳ قانون تجارت :

۱- شرکت تضامنی: ماده ۱۱۶ قانون تجارت، مقرر می‌دارد: «شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بين دو يا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.» [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. همچنین در تعریف شرکت تضامنی، چنین بیان شده است که شرکتی است که بین چند نفر، با مسئولیت تضامنی آنان، نسبت به دیون و تعهدات شرکت تشکیل می‌گردد. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶]. به عبارت دیگر، شرکت تضامنی، شرکتی تجاری است که تحت عنوان نام معینی میان دو یا چند نفر به صفت شخصی و با وجه تضامن نسبت دیون شرکت، ایجاد می‌گردد. [محمدرضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].



۲- در خصوص ماده ۱۲۳ قانون تجارت، نکات ذیل حائز اهمیت است: اولاً، شرط لزوم اتفاق نظر شرکا، که حتی در انتقال قهری سهم الشرکه نیز، لازم الرعایه است؛ با توجه به آثار غیرمترقبه و مخاطره آمیز در شرکت تضامنی، قابل توجیه است. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱]. ثانیاً، مفاد ماده ۱۲۳ قانون تجارت، استثنایی است بر اعتبار تصمیم اعضای شرکت تضامنی، با اکثریت مطلق آرا. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. ثالثاً، با توجه به سکوت قانونگذار، در مورد نحوه انتقال سهم در شرکت‌های مدنی، با استناد به ماده ۲۲۰ قانون تجارت، می‌توان مقررات شرکت‌های تضامنی را، قابل تسری به شرکت‌های مدنی دانست. [سید محمود کاشانی. حقوق مدنی قراردادهای ویژه (اشاعه، شرکت مدنی، تقسیم مال مشترک، ودیعه، وکالت، ضمان). چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۸].

۷- نظر به قسمت اخیر ماده ۲۰۰ قانون تجارت، ثبت انتقال سهم الشرکه، امری ضروری و ضمانت اجرای عدم ثبت آن، غیرقابل استناد بودن انتقال مزبور، در مقابل اشخاص ثالث می‌باشد. [فرشید فرحناکیان. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. چاپ ۲. میزان، ۱۳۸۸].

۸- نکات توصیفی ماده ۱۲۳ قانون تجارت

- ۱) در شرکت تضامنی، انتقال سهم هر شریک به دیگری نیازمند رضایت تمامی شرکاء است.
- ۲) رضایت تمام شرکاء برای انتقال سهم یک شریک ضروری است.
- ۳) هیچ شریکی در شرکت تضامنی نمی‌تواند به تنهایی و بدون رضایت دیگر شرکاء سهم خود را منتقل کند.
- ۴) ماده ۱۲۳ قانون تجارت به صراحت بر اهمیت رضایت کامل شرکاء در انتقال سهام تأکید دارد.
- ۵) محدودیت انتقال سهام در شرکت‌های تضامنی باعث حفظ ساختار و یکپارچگی شرکت می‌شود.

۹-۲- مقایسه وضعیت انتقال سهم الشرکه به یکی از شرکاء

شرکت تضامنی

به موجب ماده ۱۲۳ ق.ت انتقال سهم الشرکه به دیگری و لو اینکه منتقل الیه از شرکاء شرکت باشد منوط به رضایت تمام شرکاء است این نتیجه گیری با این واقعیت که اعتبار شرکت به شخصیت شرکاء متکی است مطابقت دارد.

فلذا

انتقال سهم الشرکه : سهم الشرکه تنها با اتفاق آراء قابل نقل و انتقال است. نمی توان در شرکتنامه خلاف آن را توافق کرد.

شرکت با مسئولیت محدود

به موجب ماده ۱۰۲ قانون تجارت سهم الشرکه را می توان با رضایت عده ای از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بود و اکثریت عددی نیز دارند به غیر منتقل کرد توافق مذکور جهت انتقال سهم الشرکه به یکی از شرکاء ضروری نیست. اما عموماً شرکاء در اساسنامه انتقال را به رای اکثریت مشروط می کنند.

شرکت نسبی

ماده ۱۸۳ قانون تجارت - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجارتي در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه ای است که در شرکت گذاشته.

ماده ۱۸۴ قانون تجارت - در اسم شرکت نسبی عبارت شرکت نسبی و لااقل اسم یک نفر از شرکاء باید ذکر شود در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکاء) و برادران ضروری است.

ماده ۱۸۶ قانون تجارت - اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت است.



ماده ۱۸۷ قانون تجارت - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید
فقط پس از انحلال طلبکاران میتوانند با رعایت ماده فوق به فرد شرکاء مراجعه کنند.



گفتار سوم : شرکت نسبی

شرکای شرکت : وجود حداقل دو شریک با اهلیت ، عام هم شرط تشکیل و هم لازمه بقای شرکت است.^{۳۵}

میزان مسئولیت : نامحدود البته نه نامحدود مطلق مثل شرکت تضامنی بلکه نامحدود به نسبت سهم الشرکه

شریک به کل سرمایه.^{۳۶}

اسم شرکت: عنوان شرکت نسبی + لاقل اسم یک نفر از شرکاء + قید عباراتی از قبیل «شرکاء» و یا «برادران»

در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمامی شرکاء نباشد.

عدم قید عنوان : در صورت عدم ذکر عنوان شرکت نسبی به وحدت ملاک از شرکت با مسئولیت محدود باید

این شرکت را نیز در مقابل ثالث تضامنی به حساب آورد.^{۳۷}

^{۳۵}. مبحث ششم - شرکت نسبی

ماده ۱۸۳ قانون تجارت - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته.

ماده ۱۸۵ قانون تجارت : ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعایه است.

^{۳۶}. ماده ۱۸۶ قانون تجارت - اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت است.

^{۳۷}. ماده ۱۸۴ قانون تجارت - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) و لاقل اسم یک نفر از شرکاء باید ذکر شود - در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکاء) (و برادران) ضروری است.



مقایسه شرکتهای تجاری در خصوص میزان مسئولیت هر شریک :

مقایسه شرکتهای تجاری در خصوص میزان مسئولیت هر شریک			
شرکت تضامنی	نا محدود	به صورت مطلق (هر یک مسئول تمام قروض)	ماده ۱۱۶ قانون تجارت
شرکت نسبی ^{۳۸}	نا محدود	به میزان سهم الشرکه شریک	ماده ۱۸۳ قانون تجارت
شرکت با مسئولیت محدود	محدود	تا میزان سرمایه شریک در شرکت	ماده ۹۴ قانون تجارت
شرکت سهامی	محدود	به مبلغ اسمی سهام	ماده ۱ اصلاحی قانون تجارت

توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۸۳ قانون تجارت: شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته.

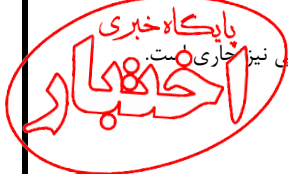
توضیحات ماده ۱۸۳ قانون تجارت

۱- شرکت: در خصوص تعریف شرکت تجاری هر چند قانون تجارت ساکت است ولی در دکترین حقوقی تعاریفی ارائه شده است از جمله آن که «شرکتی است عقدی (نه قهری) که برابر قوانین تجارت پدید می‌آید و شخصیت حقوقی دارد و سرمایه آن حالت اشاعه

^{۳۸} ماده ۱۸۷ قانون تجارت - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند با رعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند.

ماده ۱۸۸ قانون تجارت- هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می‌گذارد مسئول قروضی هم‌خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده ۱۸۹ قانون تجارت - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکتهای نسبی نیز جاری است.



ندارد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. همچنین، در تعریف دیگری آمده است که شرکت تجارتي قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می‌کنند سرمایه مستقلى را که از جمع آورده‌های آن‌ها تشکیل می‌شود ایجاد کنند و به موسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می‌گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم گردند. [ربيعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۲- شرکت نسبی، همچون شرکت تضامنی، یکی از اقسام شرکت‌های اشخاص به‌شمار می‌آید. شرکت نسبی از هر جهت، شبیه شرکت تضامنی است. تنها تفاوتی که بین این دو شرکت وجود دارد؛ این است که در شرکت نسبی، مسئولیت شرکا، به نسبت آورده آنان تعیین می‌گردد. [محمدطاهر کنعانی. حقوق تجارت نوین. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱].

۳- انتقادات

قانونگذار، حداقل سرمایه شرکت نسبی را معین ننموده و این امر باعث می‌شود تا تعداد معدودی شریک با سرمایه اندک، اقدام به تشکیل شرکت نمایند. [کوروش کاویانی. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۶].

۴- اگر یک شرکت نسبی، با سرمایه ۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال تشکیل گردد و دارای ۳ شریک باشد که هر یک از آنان، ۶۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال سرمایه‌گذاری نموده باشند؛ در اینصورت می‌توان هر یک را به میزان یک سوم کل سرمایه شرکت، در برابر حقوق بستانکاران شرکت ضامن دانست. [محمدطاهر کنعانی. حقوق تجارت نوین. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱].

۵- نکات توصیفی ماده ۱۸۳ قانون تجارت

۱. شرکت نسبی به منظور انجام امور تجارتي تشکیل می‌شود.
۲. شرکت نسبی تحت یک اسم مخصوص فعالیت می‌کند.
۳. تعداد اعضای شرکت نسبی حداقل دو نفر است.
۴. مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته‌اند.
۵. در شرکت نسبی، سرمایه شرکاء نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان مسئولیت آنها دارد.



گفتار چهارم : شرکت مختلط غیر سهامی

ماده ۱۴۱ قانون تجارت - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل میشود.

شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت شرکت مختلط و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲ قانون تجارت - روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکتنامه خواهد بود.

نکته ۱ : شرطی که به موجب آن توافق شود که در صورت ضرر، شرکت یک یا چند شریک کلاً از تحمل ضرر معاف باشند به دلیل مخالفت با ذات شرکت بلااثر است.

نکته ۲ : آزادی نحوه تقسیم سود بین شرکاء هر چه باشد مطلق نیست و شرکاء نمی توانند تا آنجا پیش بروند که تمامی سود شرکت را فقط به یکی از شرکاء بدهند.

ماده ۱۴۳ قانون تجارت - هر یک از شرکاء با مسئولیت محدود که اسامش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران، شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.

ماده ۱۴۴ قانون تجارت - اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است.

ماده ۱۴۵ قانون تجارت - شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است.



ماده ۱۴۶ قانون تجارت - اگر شریک با مسئولیت محدود معامله برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام می دهد.

ماده ۱۴۸ قانون تجارت - هیچ شریک با مسئولیت محدود نمیتواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمامی یا قسمتی از سهم الشرکه خود به او داخل در شرکت کند.

نکته ۱ : شریک با مسئولیت محدود تنها نمی تواند بدون رضایت سایرین سهم الشرکه خود را به ثالث خارج از شرکت انتقال دهد اما انتقال به شرکای شرکت منعی ندارد.

نکته ۲ : محدودیت انتقال سهم الشرکه شریک ضامن هم شامل انتقال به شرکای شرکت و هم شامل انتقال به اشخاص ثالث است.

ماده ۱۴۹ قانون تجارت - اگر یک یا چند نفر از شرکاء با مسئولیت محدود حق خود را در شرکت بدون اجازه سایرین کلا یا بعضاً به شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت.

نکته : بر خلاف انتقال سهم الشرکه شریک ضامن که بدون رضایت تمام شرکاء مطلقاً باطل است انتقال سهم الشرکه شریک با مسئولیت محدود باطل نیست بلکه شخصی که سهم الشرکه شریک به او منتقل شده است فقط حق دخالت در اداره شرکت و نظارت را ندارد و الا شریک تلقی می شود.

ماده ۱۵۰ قانون تجارت - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته اند.

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکتهای مختلط غیر سهامی نیز لازم الرعایه است.

ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتهای تضامنی است.



ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت های مختلط غیر سهامی نیز جاری است. مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی شود.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۴۱ قانون تجارت - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل میشود . شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد . در اسم شرکت باید عبارت شرکت مختلط و لاقبل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود .

توضیحات ماده ۱۴۱ قانون تجارت

۱- در شرکت مختلط غیرسهامی، نوع حقوق و مسئولیت شرکا یکسان نبوده و به تناسب تضامنی یا با مسئولیت محدود بودن آنان، متفاوت است. بدین ترتیب که شرکای ضامن، به اداره امور شرکت پرداخته و شرکای با مسئولیت محدود، بدون حق دخالتی در این زمینه، فقط حق نظارت بر امور مزبور را دارند. به همین دلیل، چنین شرکتهایی را مختلط نامیده‌اند. به نحوی که عده ای از شرکا، مسئول سرمایه‌گذاری بوده و عده‌ای دیگر اداره شرکت را عهده‌دار می‌گردند؛ لذا شرکت مختلط غیرسهامی را، می‌توان شبیه به مضاربه، موضوع مواد ۵۴۶ تا ۵۶۰ قانون مدنی دانست. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها، ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰].

۲- نکات توصیفی ماده ۱۴۱ قانون تجارت

- ۱) شرکت مختلط غیر سهامی برای امور تجاری تشکیل می‌شود.
- ۲) این شرکت تحت اسم مخصوصی فعالیت می‌کند.
- ۳) تشکیل شرکت شامل یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود است.
- ۴) سهامی در این شرکت منتشر نمی‌شود.
- ۵) شریک ضامن مسئول کلیه قروض مازاد بر دارایی شرکت است.
- ۶) شریک با مسئولیت محدود تا میزان سرمایه‌ای که در شرکت گذاشته یا باید بگذارد، مسئولیت دارد.



۷) در نام شرکت باید کلمه "شرکت مختلط" و حداقل نام یکی از شرکاء ضامن ذکر شود.

ماده ۱۴۲ قانون تجارت - روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکتنامه خواهد بود.

توضیحات ماده ۱۴۲ قانون تجارت

۱- شرکت نامه: مدرکی را، که به تنظیم روابط میان شرکای ضامن و با مسئولیت محدود، در شرکت مختلط غیرسهامی پرداخته و با رعایت حدود موازین قانونی، حقوق و ظایف آنان را تعیین می نماید؛ شرکت نامه گویند.

[حسینقلی کاتبی. حقوق تجارت. چاپ ۱۲. گنج دانش، ۱۳۸۷.]

۲- با توجه به سکوت قانونگذار، در مورد نحوه تقسیم سود و بهره برداری شرکاء، از منافع شرکت های مختلط غیرسهامی و تصریح ماده ۱۴۲ قانون تجارت، راجع به حاکمیت شرکت نامه بر روابط شرکاء؛ تقسیم منفعت در این نوع شرکت، تابع تصمیم شرکاء در شرکت

نامه خواهد بود. [حسن حسینی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵.]

۳- نکات توصیفی ماده ۱۴۲ قانون تجارت

(۱) روابط بین شرکاء باید بر اساس شرکتنامه تنظیم شود.

(۲) شرکتنامه به عنوان سند اصلی تعیین کننده حقوق و وظایف شرکاء است.

(۳) مقررات قانونی (متن قانون تجارت) باید در روابط شرکاء رعایت شود.

(۴) هرگونه تغییری در روابط شرکاء باید با توجه به شرکتنامه صورت گیرد.

(۵) شرکتنامه می تواند شامل شرایط و ضوابط اضافی مورد توافق شرکاء باشد.

۴- بر طبق ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مدیران شرکت مجاز نیستند اختیاراتی فراتر از موضوع شرکت به مدیرعامل تفویض کنند. بنابراین، قراردادهایی که خارج از حدود موضوع شرکت و حتی با اجازه هیأت مدیره منعقد می شوند، شرکت

را در قبال اشخاص ثالث متعهد نمی کند و این معاملات نافذ نیستند. همچنین، ماده ۱۴۲ قانون تجارت و ماده ۱۹ قانون صدور چک مسئولیت مدیرعامل را در این موارد مستقل از تفویض اختیارات می دانند، بنابراین مدیرعامل حتی با تفویض اختیارات خارج از

موضوع شرکت همچنان در قبال اشخاص ثالث مسئولیت شخصی دارد. [نظریه شماره ۷/۹۵/۱۲۱۳ مورخ ۲۵/۰۵/۱۳۹۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره وضعیت حقوقی معاملاتی که توسط مدیر شرکت خارج از موضوع شرکت منعقد می شود]

ماده ۱۴۳ قانون تجارت - هر یک از شرکاء با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران، شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.



توضیحات ماده ۱۴۳ قانون تجارت

۱- شرکت مختلط غیر سهامی: «شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود». [ماده ۱۴۱ قانون تجارت]

۲- مفهوم مخالف ماده ۱۴۳ قانون تجارت، این است که اگر شرکا، تراضی نمایند که نام شریک با مسئولیت محدود، به دنبال اسم شرکت قید گردد؛ اما ضامن و مسئولیت وی، در برابر بستانکاران منتفی بوده و نتوان او را مسئولیت تأدیه کلیه دیون شرکت دانست؛ چنین توافقی، فقط در روابط میان اعضای شرکت معتبر است. بدین ترتیب شریک مزبور، در صورت مراجعه طلبکار، باید بدهی شرکت را تسویه نماید و سپس جهت مطالبه مبلغ مزبور از شرکا، به توافقی که بین خود مقرر نموده‌اند؛ استناد نماید. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۳- نکات توصیفی هوش مصنوعی ماده ۱۴۳ قانون تجارت

- (۱) شریک با مسئولیت محدود اگر نامش در اسم شرکت باشد، شریک ضامن تلقی می‌شود.
- (۲) در مقابل طلبکاران، شریک با نام در اسم شرکت دارای مسئولیت تضامنی خواهد بود.
- (۳) هر گونه توافق مخالف بین شرکا در برابر اشخاص ثالث بی‌اثر است.
- (۴) اصل عدم تأثیر توافقات داخلی شرکت در حقوق اشخاص ثالث مطرح شده است.
- (۵) توجه به اسم شرکت در تعیین مسئولیت شرکا اهمیت ویژه‌ای دارد.

ماده ۱۴۴ قانون تجارت - اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است .

توضیحات ماده ۱۴۴ قانون تجارت

۱- شرکت مختلط غیر سهامی: «شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان



سرمایه است که در شرکت گذارده یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقبل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.» [ماده ۱۴۱ قانون تجارت]

شرکت تضامنی: شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بين دو يا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.» [ماده ۱۱۶ قانون تجارت] همچنین در تعریف شرکت تضامنی، چنین بیان شده است که شرکتی است که بین چند نفر، با مسئولیت تضامنی آنان، نسبت به دیون و تعهدات شرکت تشکیل می‌گردد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸، شماره فیش در پژوهشکده حقوق و قانون ایران] به عبارت دیگر، شرکت تضامنی، شرکتی تجاری است که تحت عنوان نام معینی میان دو یا چند نفر به صفت شخصی و با وجه تضامن نسبت دیون شرکت، ایجاد می‌گردد. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶].

۲-هیچ الزامی وجود ندارد که شریک ضامن، در شرکت مختلط غیرسهامی سرمایه‌گذاری نماید. چرا که آورده او، اموری است که قصد اجرای آن‌ها را دارد. اگر وی، بخشی از سرمایه شرکت را تأمین نماید؛ در اینصورت برای همان بخش از سرمایه، اختیارات او، همانند اختیارات شریک با مسئولیت محدود خواهد بود ولی سرمایه‌گذاری او در شرکت، تأثیری در ضمانت شخصی وی، نسبت به تعهدات شرکت ندارد. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها، ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰].

۳-انتقادات

قانون تجارت ایران، در رابطه با نحوه تصمیم‌گیری در شرکت مختلط غیرسهامی، ساکت است و لاجرم باید در شرکت نامه یا اساسنامه این شرکت، به چاره اندیشی در این باره پرداخت. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۴-نکات توصیفی ماده ۱۴۴ قانون تجارت

- ۱) اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن است.
- ۲) حدود اختیارات شرکای ضامن در شرکت مختلط غیر سهامی مشابه شرکای شرکت تضامنی است.
- ۳) شرکای ضامن نقش کلیدی در مدیریت شرکت مختلط غیر سهامی دارند.
- ۴) قوانین مربوط به اختیارات شرکای ضامن در شرکت تضامنی بر شرکت مختلط غیر سهامی نیز اعمال می‌شود.



ماده ۱۴۵ قانون تجارت - شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است .

توضیحات ماده ۱۴۵ قانون تجارت

۱- اداره شرکت: یعنی انجام همه امور و عملیاتی که برای شرکت، ایجاد تعهد می‌نماید. [فرشید فرحناکیان. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. چاپ ۲. میزان، ۱۳۸۸].

۲- شریک با مسئولیت محدود، حق اداره کردن شرکت را نداشته و اگر اقدام به انعقاد معامله‌ای برای شرکت نماید؛ در برابر تعهدات ناشی از آن قرارداد و در مقابل طرف معامله ضامن خواهد بود. مگر اینکه تصریح به نمایندگی از سوی شرکت نماید. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.

۳- انتقادات

قانونگذار، ضمن منع مداخله شریک با مسئولیت محدود، در اداره شرکت مختلط غیر سهامی، وسعت و قلمرویی را تعیین ننموده است. لیکن بدیهی است منظور از اداره شرکت مزبور را، عبارت از امور و عملیاتی بدانیم؛ که برای شرکت ایجاد تعهد می‌نمایند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود)]. چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹.

۴- نکات توصیفی ماده ۱۴۵ قانون تجارت

- ۱) شریک با مسئولیت محدود نمی‌تواند شرکت را اداره کند.
- ۲) اداره امور شرکت جزء وظایف شریک با مسئولیت محدود نیست.
- ۳) شریک با مسئولیت محدود در مدیریت شرکت نقشی ندارد.
- ۴) عدم مسئولیت شریک با مسئولیت محدود در اداره شرکت.
- ۵) تمرکز وظایف مدیریتی بر شرکای با مسئولیت کامل.

ماده ۱۴۶ قانون تجارت - اگر شریک با مسئولیت محدود معامله برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام می‌دهد .



توضیحات ماده ۱۴۶ قانون تجارت

۱- معامله: در اصطلاح رایج امروزی به عقد معوض و مالی که در آن دو مال مورد مبادله قرار می‌گیرند، معامله گفته می‌شود.

[محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد پنجم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]

تعهد: در لغت یعنی تیمار داشتن، پیمان، عهد برعهده گرفتن و خود را مدیون کردن و در اصطلاح به متعهد شدن یا بر عهده گرفتن

فعل یا عملی در برابر دیگری گویند. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد دوم). چاپ ۴. گنج دانش،

۱۳۸۸]. [سیدمرتضی قاسم زاده. حقوق مدنی اصول قراردادها و تعهدات نظری و کاربردی. چاپ ۱۴. دادگستر، ۱۳۸۹].

وکالت: یعنی اینکه شخص، کاری را که خود می‌تواند در آن دخل و تصرف نماید به دیگری می‌سپارد تا از سوی وی انجام دهد.

[شکراله نیکوند. حقوق مدنی (جلد هفتم) (عقود معین ۲) (ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، وکالت و رهن). چاپ ۱. مجمع علمی

و فرهنگی مجد، ۱۳۹۲]. بنا به تعریف قانون مدنی نیز، وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام

امری نایب خود می‌نماید. [ماده ۶۵۶ قانون مدنی]

شرکت مختلط غیر سهامی: «شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند

نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی

است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه

است که در شرکت گذارده یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقلاً اسم یکی از شرکاء ضامن قید

شود». [ماده ۱۴۱ قانون تجارت]

۲- مدیر شرکت مختلط غیرسهامی را، نمی‌توان از میان شرکای با مسئولیت محدود انتخاب نمود؛ زیرا در اینصورت وی، حکم شریک

ضامن را خواهد داشت. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت

محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها، ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر،

۱۳۹۰]. نکته‌ی دیگر آن که، وکالت موضوع ماده ۱۴۶ قانون تجارت، نباید به صورت کلی باشد. چراکه قرار نیست اداره کل امور

شرکت، به شریک غیرضامن سپرده شود. پس وکالت نامه مزبور، باید ناظر به امری خاص باشد؛ تا احتمال اداره شرکت توسط شریک

با مسئولیت محدود از بین برود. به همین دلیل است که قانونگذار در ماده ۱۴۶ قانون تجارت، اصطلاح «معامله» را که مفرد است؛ به

کار برده و از ذکر کلمه «معاملات» خودداری نموده است. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت

سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها،

ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰].



۳- نکات توصیفی ماده ۱۴۶ قانون تجارت

- ۱) شریکی با مسئولیت محدود در صورت انجام معامله به نمایندگی از شرکت، باید به طور صریح تصریح کند که معامله را به عنوان وکیل شرکت انجام می‌دهد تا مسئولیت شخصی نداشته باشد.
 - ۲) اگر تصریحی مبنی بر وکالت از طرف شرکت نباشد، شریک با مسئولیت محدود به عنوان شریک ضامن در مقابل طرف معامله مسئولیت خواهد داشت.
 - ۳) تعریف مسئولیت محدود به این معناست که شریک در حالت عادی مسئولیت محدودی دارد، اما در شرایطی مانند عدم اعلام وکالت، ممکن است مسئولیت بیشتری همانند یک شریک ضامن پیدا کند.
 - ۴) احراز و اثبات اینکه شریک معامله را به عنوان وکیل از طرف شرکت انجام داده است، می‌تواند در کاهش یا افزایش مسئولیت شریک تأثیرگذار باشد.
 - ۵) قوانین تجارت در برخی موارد می‌توانند شرکای با مسئولیت محدود را تحت شرایطی به عنوان شرکای ضامن تلقی کنند که این موضوع می‌تواند ریسک‌هایی را برای این نوع از شرکا به همراه داشته باشد.
- ماده ۱۴۸ قانون تجارت - هیچ شریک با مسئولیت محدود نمیتواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمامی یا قسمتی از سهم الشرکه خود به او داخل در شرکت کند .

توضیحات ماده ۱۴۸ قانون تجارت

- ۱- شرکت مختلط غیر سهامی: «شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقلاً اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود». [ماده ۱۴۱ قانون تجارت]
- ۲- با توجه به اینکه عدم انتقال سهم الشرکه، ناشی از قرارداد میان شرکا بوده و همه آنان نیز، تعهد به عدم انتقال آن نموده‌اند؛ لذا جهت انتقال حصه هر شریک، رضایت همه اعضای شرکت ضروری است. امره بودن قاعده مزبور، اجازه نمی‌دهد که مؤسسان شرکت، خلاف این امر را، در اساسنامه یا شرکت نامه ذکر نمایند، تفاوتی ندارد که منتقل‌الیه، شریک شرکت یا شخص ثالث باشد. [ربیعاً اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت،

[۱۳۸۹]



۳- نکات توصیفی ماده ۱۴۸ قانون تجارت

- ۱) شریک با مسئولیت محدود نمی‌تواند سهم الشرکه خود را منتقل کند.
- ۲) برای انتقال سهم الشرکه، رضایت سایر شرکاء الزامی است.
- ۳) شخص ثالث بدون رضایت سایر شرکاء نمی‌تواند به شرکت وارد شود.
- ۴) محدودیت در انتقال سهم الشرکه به حمایت از ساختار و پایداری شرکت کمک می‌کند.

ماده ۱۴۹ قانون تجارت - اگر یک یا چند نفر از شرکاء با مسئولیت محدود حق خود را در شرکت بدون اجازه سایرین کلاً یا بعضاً به شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت .

توضیحات ماده ۱۴۹ قانون تجارت

۱- حق: امتیازی است که قانون برای افراد به رسمیت می‌شناسد. [عباس زراعت و محمدرضا معین. مقدمه علم حقوق (کلیات). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۹].

شرکت مختلط غیر سهامی: «شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقلاً اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود». [ماده ۱۴۱ قانون تجارت]

۲- با توجه به اینکه عدم انتقال سهم الشرکه، ناشی از قرارداد میان شرکا بوده و همه آنان نیز، تعهد به عدم انتقال آن نموده‌اند؛ لذا جهت انتقال حصه هر شریک، رضایت همه اعضای شرکت ضروری است. آمره بودن قاعده مزبور، اجازه نمی‌دهد که مؤسسان شرکت، خلاف این امر را، در اساسنامه یا شرکت نامه ذکر نمایند. تفاوتی ندارد که منتقل‌الیه، شریک شرکت یا شخص ثالث باشد. هر چند اگر شریکی بدون رضایت سایر شرکا، مبادرت به انتقال سهم خود نماید؛ چنین انتقالی، باید از نظر شرکت و اشخاص ثالث، فاقد اثر باشد؛ اما اصل مزبور، در رابطه با شرکت مختلط غیرسهامی، تا حدی تعدیل گردیده و قانونگذار، منتقل‌الیه را شریک شرکت محسوب نموده و وی را، از سود و زیان شرکت بهره‌مند می‌داند. هر چند حقی برای دخالت، نظارت و بازرسی او در امور شرکت، قائل نگردیده‌است. نقش فرعی شرکای با مسئولیت محدود در این شرکت، باعث گردیده که مقنن، قائل به عدم اعتبار قرارداد انتقال سهم الشرکه، بدون رضایت سایر شرکا نگردد. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].



۳- نکات توصیفی ماده ۱۴۹ قانون تجارت

- ۱) انتقال سهام شرکاء با مسئولیت محدود به شخص ثالث نیازمند اجازه سایر شرکاء است.
 - ۲) در صورت انتقال سهام بدون اجازه، شخص ثالث حق دخالت در اداره شرکت ندارد.
 - ۳) شخص ثالثی که سهم را بدون اجازه سایرین دریافت کرده، حق تفتیش در امور شرکت را ندارد.
- ماده ۱۵۰ قانون تجارت - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته اند .

توضیحات ماده ۱۵۰ قانون تجارت

۱- باتوجه به اینکه پس از تراضی شرکا، نسبت به تأسیس شرکت مختلط غیرسهامی و پیش از تشکیل آن، معمولاً اشخاص ثالث، نمی‌توانند نسبت به نوع مسئولیت شرکا آگاه گردند؛ قانونگذار جهت حفظ حقوق آنان، در رابطه با تعهدات و معاملات شرکت در شرف تأسیس، شریک با مسئولیت محدود را، همانند شریک ضامن، مسئول دیونی می‌داند که از تعهدات و قراردادهای مزبور، نشأت گرفته‌است. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۲- نکات توصیفی ماده ۱۵۰ قانون تجارت

- ۱) شرکت مختلط غیر سهامی قبل از ثبت ممکن است تعهداتی داشته باشد.
- ۲) شریک با مسئولیت محدود ممکن است در مقابل اشخاص ثالث مانند شریک ضامن تلقی شود.
- ۳) برای رفع مسئولیت، شریک باید ثابت کند که اشخاص ثالث از محدود بودن مسئولیت او آگاه بوده‌اند.
- ۴) مسئولیت شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث تا زمان اثبات اطلاع آن‌ها از محدودیت مسئولیتش به مانند مسئولیت شریک ضامن است.

۳- در مواردی که رابطه قراردادی طرفین، از نوع مشارکت مدنی است، چنانچه هر یک از شرکاء بخواهند از اذن خود رجوع کنند باید تقاضای تقسیم مال الشرکه را مطرح کنند و تقاضای تخلیه در این مورد پذیرفته نیست، چرا که درخواست تخلیه مختص مواردی است که رابطه میان طرفین استیجاری باشد. (رای شعبه حقوقی دیوان عالی کشور درباره نحوه رجوع از اذن در قرارداد مشارکت مدنی به شماره دادنامه ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۹۱۰۰۲۲۹)

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکتهای مختلط غیر سهامی نیز لازم‌الرعایه است .



توضیحات ماده ۱۵۹ قانون تجارت

۱- ماده ۱۲۹ قانون تجارت: طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند.

طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل شش ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می‌توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب دائنین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

۲- ماده ۱۳۰ قانون تجارت: نه مدیون شرکت می‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می‌تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید معذالک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شرکت حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

۳- نکات توصیفی ماده ۱۵۹ قانون تجارت

- ۱) ماده ۱۵۹ قانون تجارت به شرکت‌های مختلط غیرسهامی اشاره دارد.
 - ۲) این ماده تأکید بر رعایت مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ قانون تجارت در شرکت‌های مختلط غیرسهامی دارد.
 - ۳) شرکت‌های مختلط غیرسهامی باید به مقررات خاصی پایبند باشند.
 - ۴) هماهنگی با مواد قبلی قانون تجارت در زمینه مسائل حقوقی شرکت‌ها الزامی است.
- ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکت‌های تضامنی است .

توضیحات ماده ۱۶۰ قانون تجارت

۱- شرکت مختلط غیر سهامی: «شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان



سرمایه است که در شرکت گذارده یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقال اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.» [ماده ۱۴۱ قانون تجارت]

شرکت تضامنی: شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.» [ماده ۱۱۶ قانون تجارت] همچنین در تعریف شرکت تضامنی، چنین بیان شده است که شرکتی است که بین چند نفر، با مسئولیت تضامنی آنان، نسبت به دیون و تعهدات شرکت تشکیل می‌گردد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. به عبارت دیگر، شرکت تضامنی، شرکتی تجاری است که تحت عنوان نام معینی میان دو یا چند نفر به صفت شخصی و با وجه تضامن نسبت دیون شرکت، ایجاد می‌گردد. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶].

۲- به دلیل تضامنی بودن مسئولیت شرکا در شرکت تضامنی، باید قائل به این شد؛ که مسئولیت شرکای ضامن در شرکت مختلط غیرسهامی، در برابر بستانکاران شرکت، تضامنی است. به همین دلیل اگر دارایی شرکت، جهت تأدیه همه دیون آن کافی نباشد؛ طلبکاران می‌توانند مابقی حق خود را، از دارایی شخصی شرکای ضامن وصول نمایند. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۳- نکات توصیفی ماده ۱۶۰ قانون تجارت

- ۱) مسئولیت شرکای ضامن در مقابل طلبکاران تابع مقررات شرکت‌های تضامنی است.
 - ۲) روابط بین شرکای ضامن بر اساس مقررات شرکت‌های تضامنی تنظیم می‌شود.
 - ۳) وجود بیش از یک شریک ضامن تأثیری بر مسئولیت تضامنی ندارد.
 - ۴) مقررات مربوط به شرکت‌های تضامنی برای تعیین مسئولیت افراد در شرکت‌های مختلط غیرسهامی نیز به کار می‌رود.
- ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت‌های مختلط غیر سهامی نیز جاری است. مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود.

توضیحات ماده ۱۶۱ قانون تجارت

۱- ماده ۱۳۶ قانون تجارت: شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود:

الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳.

ب - در صورت تراضی تمام شرکاء.



ج - در صورتی که یکی از شرکاء به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته حکم به انحلال بدهد.

د - در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷.

ه - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸.

و - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.

تبصره - در مورد بند "ج" هر گاه دلائل انحلال منحصرًا مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه می تواند به تقاضای سایر شرکاء بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

۲- ماده ۱۳۷ قانون تجارت: فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد. تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکاء اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می آید.

۳- ماده ۱۳۸ قانون تجارت: در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

۴- ماده ۱۳۹ قانون تجارت: در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهمیم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

۵- ماده ۱۴۰ قانون تجارت: در مورد محجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

۶- شرکت مختلط غیر سهامی: «شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن

قید شود.» [ماده ۱۴۱ قانون تجارت]



حجر: حجر یعنی منع و جلوگیری، آیت اله سیدمحمد موسوی بجنوردی. اندیشه‌های حقوقی (جلد اول) (حقوق خانواده). چاپ ۱. مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۶. حجر، به منع شرعی از اتیان یک عمل حقوقی اطلاق می‌گردد؛ بنابراین منع عرفی در زمره حجر قرار نمی‌گیرد، نظیر ممنوعیت فروش مال غیرمنقول به خارجیان.

[محمدجعفر جعفری لنگرودی. اساس در قوانین مدنی (المدونه). چاپ ۱. گنج دانش، ۱۳۸۷.] آیت اله سیدمحمد موسوی بجنوردی. اندیشه‌های حقوقی (جلد اول) (حقوق خانواده). چاپ ۱. مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۶. به کسی که حق تصرف در اموالش را ندارد؛ «محجور» گویند. [احمد داودی. حجر و قیمومت. مجموعه حقوقی، سال ششم، ش ۸، ۱۳۲۱.]

ورشکستگی: ورشکستگی، وضع بازرگان عاجز از اجرای تعهدات بازرگانی است. بدین معنا که نتواند دیون حال خود را بدهد. به عبارت دیگر اگر در دارایی حاضر، قسمت مثبت دارایی کمتر از قسمت منفی باشد، حالت ورشکستگی تاجر محقق است. ابوالفضل نیکوکار. ۳۰۱ نکته از قانون شوراهای حل اختلاف. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸. همچنین، اینطور مطرح شده است که ورشکستگی، حالتی است که در آن تاجر از تأدیه وجوهی که بر عهده او است ناتوان باشد. لذا ورشکستگی را باید معلول توقف دانست. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد دوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸.]

۷- مفاد ماده ۱۳۹ قانون تجارت، در رابطه با شرکت‌های مختلط غیرسهامی، به شرطی قابل اجرا است که شریک متوفی، از شرکای با مسئولیت محدود این شرکت نباشد؛ زیرا شرکای مزبور، دارای نقشی فرعی بوده و موت، ورشکستگی و حجر آنان را، نباید در انحلال شرکت مؤثر دانست. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹.]

۸- نکات توصیفی ماده ۱۶۱ قانون تجارت

- ۱) مقررات مواد ۱۳۶ تا ۱۴۰ قانون تجارت درباره شرکت‌های مختلط غیر سهامی نیز اعمال می‌شود.
- ۲) مرگ شریک با مسئولیت محدود منجر به انحلال شرکت نمی‌گردد.
- ۳) محجوریت شریک با مسئولیت محدود باعث انحلال شرکت نمی‌شود.
- ۴) ورشکستگی شریک با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود.



گفتار پنجم : شرکت مختلط سهامی

ماده ۱۶۲ قانون تجارت - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین عده شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود.

شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

نکته : حداقل دو شریک سهامی و یک شریک ضامن (۳ نفر)

ماده ۱۶۴ قانون تجارت - مدیریت شرکت مختلف سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است. اداره شرکت نه تکلیف شرکای سهامی است نه حق اداره شرکت را دارند.

ماده ۱۶۵ قانون تجارت - در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیأت نظاری لاقبل مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار میشود و این هیأت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین میکند انتخاب هیأت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید میشود در هر صورت اولین هیأت نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد.

نکته : اساسنامه شرکت می تواند بغیر از سال اول که مدت ماموریت هیات نظار یک ساله است برای سالهای بعد مدت ماموریت هیات نظار را به طور محدود یا نامحدود تعیین نماید.

ماده ۱۶۷ قانون تجارت - اعضاء هیأت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می باشند.



نکته ۱ : مسئولیت آنها مبتنی بر تقصیر و خطا است.

نکته ۲ : هر چند تکلیف هیات نظار کنترل اعمال مدیر شرکت است هرگاه مدیر مرتکب تخلف شود خود او مسئول است نه اعضای هیات نظار مگر اینکه اعضای هیات خود در تخلف مدیر سهیم باشند.

ماده ۱۶۹ قانون تجارت - هیأت نظار میتواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رأی مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت را منحل کند.

نکته : ماده ۱۸۱ قانون تجارت - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل میشود ب بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد.

ماده ۱۷۱ قانون تجارت - ورشکستگی هیچ یک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸

نکته ۱ : ورشکستگی شرکای سهامی هیچ تاثیری در انحلال شرکت ندارد.

نکته ۲ : ماده ۱۳۸ قانون تجارت - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۷۲ قانون تجارت - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاری است.
نکته ۱ : ماده ۱۲۴ قانون تجارت - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت میتوانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند.

نکته ۲ : ماده ۱۳۴ درباره «ممنوعیت تجارت از نوع موضوع شرکت توسط شرکای تضامنی» است.

ماده ۱۷۳ قانون تجارت - هرگاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می کند.



نکته : بر اساس مقررات شرکتهای سهامی ممکن است شریک سهامی بخشی از سهم شرکت خود را ابتدائاً پرداخت نکند و بعد از تاسیس شرکت آن را بپردازد.

ماده ۱۸۱ قانون تجارت - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می شود :

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳

ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد.

ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن

د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این مورد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.

نکته ۱ : فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳ : انقضاء مدت شرکت - انجام موضوع شرکت یا غیر ممکن شدن انجام آن -

ورشکستگی شرکت

نکته ۲ : ماده ۷۲ تصمیمات مجمع عمومی به اکثریت آراء خواهد بود.

ماده ۱۸۲ قانون تجارت - هر گاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلائل را موجه ببیند.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۱۶۲ قانون تجارت - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین عده شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود .



شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند .

شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود .

توضیحات ماده ۱۶۲ قانون تجارت :

۱- شرکت مختلط سهامی: به شرکت‌هایی که تحت نام خاص، بین حداقل یک شریک ضامن و سهامدار تشکیل گردد و مسئولیت شریک یا شرکای ضامن به‌طور تضامنی، نامحدود و شخصی بوده و مسئولیت سهامدار یا سهامداران در این نوع شرکت، محدود به مبلغ اسمی سهامی است که هر یک از آنان، در شرکت دارند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد اول) (کلیات، اعمال تجاری، تجارت، دفاتر تجاری، قراردادهای تجاری و حمل و نقل، بارنامه (دریایی، هوایی، زمینی) تجارت در اسلام، آرای هی‌آت عمومی]. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸.]

۲- تفاوت بین شرکت‌های مختلط سهامی و غیر سهامی، در این است که در شرکت‌های مختلط غیر سهامی، حصه شرکای با مسئولیت محدود، قابل تقسیم به قطعات سهام نبوده و به‌طور آزادانه مورد دادوستد واقع نمی‌گردد. در واقع، شخصیت شرکا در این نوع شرکت، تا حدی حائز اهمیت است. در صورتیکه در شرکت مختلط سهامی، حصه شرکای غیرضامن، به صورت سهم درمی‌آید و معامله و انتقال آن، همانند مبادله سهام در شرکت‌های سهامی، خواهد بود؛ بنابراین شخصیت اینگونه شرکا در شرکت مختلط سهامی، از اهمیت چندانی برخوردار نمی‌باشد و آن‌ها مالک سهام هستند و بس. پس شرکت مختلط سهامی، از تمام مزایای شرکت مختلط غیرسهامی برخوردار است؛ به اضافه قابلیت مبادله آزاد ورقه سهم. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت‌ها، ثبت شرکت‌ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰.]

۳- نکات توصیفی ماده ۱۶۲ قانون تجارت

- ۱) شرکت مختلط سهامی دارای اسم مخصوص است.
- ۲) این شرکت بین عده‌ای از شرکاء سهامی و یک یا چند شریک ضامن تشکیل می‌شود.
- ۳) سرمایه شرکاء سهامی به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی‌القیمه است.
- ۴) مسئولیت شرکاء سهامی محدود به میزان سرمایه‌ای است که در شرکت دارند.



۵) شریک ضامن سرمایه‌اش به صورت سهام نیست و در برابر تمام قروض شرکت مسئول است.

۶) در صورت وجود چند شریک ضامن، مسئولیت آن‌ها نسبت به طلبکاران مانند شرکت تضامنی است.

۷) روابط بین شرکاء ضامن تابع مقررات شرکت تضامنی می‌باشد.

ماده ۱۶۴ قانون تجارت - مدیریت شرکت مختلف سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است. اداره شرکت نه تکلیف شرکای سهامی است نه حق اداره شرکت را دارند .

توضیحات ماده ۱۶۴ قانون تجارت :

۱- شریک ضامن در شرکت مختلط سهامی: «کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آن‌ها در مقابل طلبکاران و روابط آن‌ها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود». [ماده ۱۶۲ قانون تجارت]

۲- با توجه به اینکه از بیان قانونگذار در ماده ۱۶۴ قانون تجارت، استنباط نمی‌گردد که شرکای ضامن، مکلف به پذیرش سمت مدیریت هستند؛ لذا می‌توان مدعی گردید که شرکای ضامن، می‌توانند اشخاص دیگری از جمله سهامداران شرکت را، به عنوان مدیر انتخاب نموده و نیز از حق عزل آنان نیز برخوردار باشند و در صورت تعدد مدیران، نحوه تصمیم‌گیری توسط آنان، به اتفاق یا اکثریت آرا را، اساسنامه مشخص می‌نماید. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۳- نکات توصیفی ماده ۱۶۴ قانون تجارت

۱) شرکت مختلط سهامی دارای مدیریت مخصوص به خود است.

۲) مدیریت شرکت مختلط سهامی به عهده شریک یا شرکاء ضامن است.

۳) شرکاء ضامن مسئولیت مدیریت شرکت را دارند.

۴) انتخاب مدیران در شرکت مختلط سهامی برخلاف شرکت‌های دیگر، از میان شرکاء ضامن انجام می‌شود.

۵) در شرکت مختلط سهامی، شرکاء ضامن نقش کلیدی در تصمیم‌گیری‌ها دارند.

ماده ۱۶۵ قانون تجارت - در هر یک از شرکت‌های مختلط سهامی هیأت نظاری لااقل مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار میشود و این هیأت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین میکند انتخاب هیأت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید میشود در هر صورت اولین هیأت نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد .

توضیحات ماده ۱۶۵ قانون تجارت :



۱- با توجه به اینکه مفاد ماده ۱۶۵ قانون تجارت، مرتبط با قواعد آمره است؛ پس هیئت نظار همواره باید متشکل از ۳ نفر باشد. چنانچه هر یک از اعضای هیئت نظار، به هر دلیلی حاضر به همکاری در هیئت مزبور نباشد؛ باید مجمع عمومی عادی شرکت، تشکیل گردیده و جایگزین او را تعیین نماید. [فرشید فرحناکیان. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. چاپ ۲. میزان، ۱۳۸۸].

۲- انتقادات

لزوم شریک بودن ناظر، صحیح نبوده و قانونگذار در رابطه با شرکت‌های سهامی، در قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت، به درستی از این شرط فاصله گرفته است. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].

۳- نکات توصیفی ماده ۱۶۵ قانون تجارت

- ۱) هیئت نظار در شرکت‌های مختلط سهامی باید حداقل از سه نفر از شرکاء تشکیل شود.
 - ۲) انتخاب هیئت نظار توسط مجمع عمومی شرکاء انجام می‌شود.
 - ۳) تعیین هیئت نظار باید بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و پیش از هر اقدام دیگر انجام شود.
 - ۴) شرایط انتخاب و تجدید هیئت نظار بر اساس مقررات اساسنامه شرکت تعیین می‌شود.
 - ۵) اولین هیئت نظار در هر صورت برای مدت یک سال انتخاب می‌شود.
- ماده ۱۶۷ قانون تجارت - اعضای هیأت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می باشند .

توضیحات ماده ۱۶۷ قانون تجارت :

۱- منظور قانونگذار از اعمال اداری و نتایج حاصل از آن، اعمال مدیر یا مدیران شرکت است. در واقع قانونگذار، می‌خواهد چنین القا کند که هر چند تکلیف هیئت نظار، کنترل اعمال مدیر شرکت است؛ هر گاه مدیر مرتکب تخلف شود؛ خود او مسئول است نه هیئت نظار. مگر اینکه اعضای هیئت، خود در تخلف مدیر سهیم باشند. مع ذلک قانونگذار، پیش‌بینی کرده است که هر گاه اعضای هیئت، در انجام دادن وظایفی که بر عهده‌ی آنها است؛ قصور کنند؛ مسئول خواهند بود. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۲- نکات توصیفی هوش مصنوعی ماده ۱۶۷ قانون تجارت

- ۱) اعضای هیئت نظار مسئولیتی در قبال اعمال اداری و نتایج حاصل از آن ندارند.
- ۲) هر یک از اعضای هیئت نظار در انجام مأموریت خود بر اساس قوانین کشور مسئول هستند.
- ۳) اعضای هیئت نظار نسبت به اعمال و تقصیرات خود مسئولیت دارند.



۴) قوانین مملکتی معیار مسئولیت پذیری اعضای هیئت نظار است.

ماده ۱۶۹ قانون تجارت - هیأت نظار میتواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رأی مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت را منحل کند .

توضیحات ماده ۱۶۹ قانون تجارت :

۱- در قانون تجارت ایران، در مبحث مربوط به شرکت‌های سهامی، موادی به‌طور خاص، به مجامع عمومی شرکت اختصاص داده نشده؛ تنها در ماده ۱۶۹ قانون تجارت و مواد ۱۶۵، ۱۸۰ تا ۱۸۲ آن مبحث، اشاراتی به مجامع عمومی شده‌است. با توجه به مفاد مواد مذکور، شرکت سهامی، نخست دارای مجمع عمومی مؤسس می‌باشد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.]

۲- نکات توصیفی ماده ۱۶۹ قانون تجارت

۱) هیئت نظار می‌تواند شرکاء را برای تشکیل مجمع عمومی دعوت کند.

۲) هیئت نظار اختیار دعوت به مجمع عمومی را دارد.

۳) انحلال شرکت می‌تواند با موافقت مجمع عمومی صورت گیرد.

۴) روند انحلال باید مطابق فقره (ب) ماده ۱۸۱ انجام شود.

۵) تصمیم‌گیری در مورد انحلال شرکت نیازمند رأی مثبت مجمع عمومی است.

ماده ۱۷۱ قانون تجارت - ورشکستگی هیچ یک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸

توضیحات ماده ۱۷۱ قانون تجارت :

۱- ماده ۱۳۸ قانون تجارت - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد .

۲- ورشکستگی: ورشکستگی، وضع بازرگان عاجز از اجرای تعهدات بازرگانی است. بدین معنا که نتواند دیون حال خود را بدهد. به

عبارت دیگر اگر در دارایی حاضر، قسمت مثبت دارایی کمتر از قسمت منفی باشد حالت ورشکستگی تاجر محقق است. [ابوالفضل

نیکوکار. ۳۰۱ نکته از قانون شوراها حل اختلاف. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸]. همچنین، اینطور مطرح شده است که ورشکستگی،



حالتی است که در آن تاجر از تأدیه وجوهی که بر عهده او است ناتوان باشد. لذا ورشکستگی را باید معلول توقف دانست.

[محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد دوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸.]

شریک ضامن در شرکت مختلط سهامی: شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود». [ماده ۱۶۲ قانون تجارت]

۳- نکات توصیفی ماده ۱۷۱ قانون تجارت

(۱) ورشکستگی شریک ضامن به تنهایی باعث انحلال شرکت نمی‌شود.

(۲) استثناء ماده مربوط به مورد خاص ماده ۱۳۸ وجود دارد.

(۳) تعریف و شرایط ویژه برای انحلال شرکت در ماده ۱۳۸ باید بررسی شود.

(۴) نقش شرکاء ضامن در روند ادامه فعالیت شرکت حتی در صورت ورشکستگی.

ماده ۱۷۲ قانون تجارت - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاری است .

۱- ماده ۱۲۴ قانون تجارت - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت میتوانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند.

توضیحات ماده ۱۷۲ قانون تجارت :

۲- ماده ۱۳۴ قانون تجارت: هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء (به حساب شخصی خود یا به حساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

۳- شرکت تضامنی: ماده ۱۱۶ قانون تجارت، مقرر می‌دارد: «شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است». [ماده ۱۱۶ قانون تجارت] همچنین در تعریف شرکت تضامنی، چنین بیان شده است که شرکتی است که بین چند نفر، با مسئولیت تضامنی آنان، نسبت به دیون و تعهدات شرکت تشکیل می‌گردد. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸.] به عبارت دیگر، شرکت تضامنی، شرکتی تجاری است که تحت عنوان نام معینی میان دو یا چند نفر به صفت شخصی و با وجه تضامن نسبت دیون شرکت، ایجاد می‌گردد. [مسعود

انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶.]



۳- هیچ‌یک از شرکا، نمی‌توانند در شرکتی که به همان تجارت شرکت تضامنی، اشتغال دارد؛ عضو گردند و نیز، نمی‌توانند قائم مقام تاجری گردند؛ که به تجارتي از نوع تجارت شرکت مبادرت می‌ورزد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. ماده ۱۳۴ قانون تجارت، به وضع قاعده منع رقابت در میان اعضای شرکت، پرداخته‌است. با همسانی شرکت‌های تضامنی و مدنی، موضوع ماده ۲۲۰ قانون تجارت، این قاعده نسبت به شرکت‌های مدنی نیز، قابل تسری است. [سید محمود کاشانی. حقوق مدنی قراردادهای ویژه (اشاعه، شرکت مدنی، تقسیم مال مشترک، ودیعه، وکالت، ضمان). چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۸]. قرارداد شرکت تضامنی راه، در صورتی می‌توان صحیح محسوب نمود که شرکا، مبادرت به انعقاد قرارداد مشابه دیگری ننموده باشند؛ زیرا در چنین حالتی، ممکن است آنان در وضعیتی یکسان قرار گرفته نسبت به سود و زیان شرکت، خنثی باشند. از طرفی قرارداد شرکت، به تنظیم رابطه‌ای می‌پردازد که به موجب آن، طرفین، در معیت هم قرار دارند؛ نه در مقابل یکدیگر و صحیح نیست که با شرکت در قراردادهای مشابه، تبدیل به رقیب هم گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

۴- شریک شرکت تضامنی، حتی به وکالت از غیر نیز، نمی‌تواند اقدام به معاملاتی نماید که به منزله رقابت با شرکت باشد. [فرشید فرحناکیان. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. چاپ ۲. میزان، ۱۳۸۸].

۵- نکات توصیفی ماده ۱۳۴ قانون تجارت

- ۱) شریک بدون رضایت سایر شرکا نمی‌تواند تجارتي مشابه تجارت شرکت انجام دهد.
 - ۲) ورود شریک به حساب شخصی خود یا شخص ثالث بدون اجازه سایر شرکاء ممنوع است.
 - ۳) شریک نمی‌تواند به عنوان شریک ضامن یا با مسئولیت محدود در شرکت دیگری با تجارت مشابه شرکت وارد شود.
 - ۴) رضایت سایر شرکاء شرط اساسی برای مشارکت در تجارتي مشابه است.
 - ۵) نظیر بودن تجارتهای در محدودیت‌های ماده مورد توجه قرار گرفته است.
- ۶- بر اساس ماده ۱۳۴ قانون تجارت مجمع عمومی می‌تواند برای اعضاء هیات مدیره پاداش تعیین کند بنابر این تعیین پاداش از اختیارات مجمع عمومی شرکت است و چنانچه مجمع مذکور برای بعضی از اعضاء هیات مدیره پاداش تعیین نکند نمی‌توان او را ملزم به پرداخت پاداش نمود. [رای دادگاه درباره امکان یا عدم امکان الزام شرکت به پرداخت پاداش الزام به تعیین پاداش هیات مدیره شرکت سهامی (دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۲۱۳۰۶۰۰۲۸۷) شعبه ۶۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران].

۷- با توجه به انتخاب کارکنان دولت توسط اشخاص حقوقی به عنوان نماینده در هیئت مدیره شرکت‌های خصوصی، موضوع مورد نظر مشمول تبصره ۴ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ نمی‌باشد. این نظریه بر منای مواد مجلسی



از قانون تجارت از جمله مواد ۱۰۷ و ۱۱۰ است که شرایط و ضوابط انتخاب اعضاء هیئت مدیره از بین صاحبان سهام و امکان نمایندگی اشخاص حقیقی توسط اشخاص حقوقی را توضیح می‌دهد. [نظریه شماره ۷/۹۵/۳۳۸۶ مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۹۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره بررسی امکان تصدی بیش از یک شغل برای نمایندگان اشخاص حقوقی در هیئت مدیره شرکت‌های خصوصی]

ماده ۱۷۳ قانون تجارت - هرگاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می‌کند .

توضیحات ماده ۱۷۳ قانون تجارت :

۱- شرکت مختلط سهامی: به شرکت‌هایی که تحت نام خاص، بین حداقل یک شریک ضامن و سهامدار تشکیل گردد و مسئولیت شریک یا شرکای ضامن به‌طور تضامنی، نامحدود و شخصی بوده و مسئولیت سهامدار یا سهامداران در این نوع شرکت، محدود به مبلغ اسمی سهامی است که هر یک از آنان، در شرکت دارند، شرکت مختلط سهامی گفته می‌شود. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد اول) (کلیات، اعمال تجارتي، تجار، دفاتر تجارتي، قراردادهای تجارتي و حمل و نقل، بارنامه (دریایی، هوایی، زمینی) تجارت در اسلام، آرای هی‌آت عمومی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸].

ورشکستگی: ورشکستگی، وضع بازرگان عاجز از اجرای تعهدات بازرگانی است. بدین معنا که نتواند دیون حال خود را بدهد. به عبارت دیگر اگر در دارایی حاضر، قسمت مثبت دارایی کمتر از قسمت منفی باشد حالت ورشکستگی تاجر محقق است. [ابوالفضل نیکوکار. ۳۰۱ نکته از قانون شوراهاى حل اختلاف. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸]. همچنین، اینطور مطرح شده است که ورشکستگی، حالتی است که در آن تاجر از تأدیه وجوهی که بر عهده او است ناتوان باشد. لذا ورشکستگی را باید معلول توقف دانست. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد دوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸].

شریک سهامی در شرکت مختلط سهامی: بق ماده ۱۶۲ قانون تجارت، «شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین عده شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می‌شود. شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آن‌ها به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه درآمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.» [ماده ۱۶۲ قانون تجارت]

سهام: سهام جمع کلمه سهم می‌باشد. سرمایه هر شرکت سهامی به قسمت‌های مساوی تقسیم می‌شود که به هر قسمت آن سهم می‌گویند. هر سهم معلوم می‌دارد که نسبت به کل سرمایه دارنده آن تا چه حدودی می‌تواند در اداره امور شرکت از طریق حضور در



مجامع عمومی و ابراز رأی مشارکت در اداره شرکت داشته باشد و همچنین نشان دهنده این است که چه میزانی از منافع حاصل از فعالیت شرکت به صاحب سهم تعلق می‌گیرد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

مدیر تصفیه: مدیر تصفیه، شخصی است که به موجب حکم محکمه جهت تصفیه اموال ورشکسته تعیین می‌شود. این شخص صرفاً بعد از تعیین شدن حق دارد تصرفات قانونی لازمه را در اموال ورشکسته به عمل آورد. [جهانبخش غلامی. تعهدات وکیل. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹].

۲- علت وضع ماده ۱۷۳ قانون تجارت، این است مدیر تصفیه، قائم مقام شرکت و مسئول وصول مطالبات آن بوده که چون توسط شرکا تأدیبه نگردیده؛ از آنان وصول می‌گردد. از طرف دیگر، چون مدیر تصفیه، باید دیون شرکت را تأدیبه نماید؛ مطالباتی را که از اصل سرمایه باقی است؛ وصول نموده و میان طلبکاران تقسیم می‌کند. [حسینقلی کاتبی. حقوق تجارت. چاپ ۱۲. گنج دانش، ۱۳۸۷].

۳- نکات توصیفی ماده ۱۷۳ قانون تجارت

- ۱) در صورت ورشکستگی شرکت مختلط سهامی، مدیر تصفیه مسئول وصول بدهی سهامداران است.
 - ۲) شرکای سهامی باید تمامی مبلغ سهام خود را پرداخت کنند.
 - ۳) اگر مبلغ سهام به صورت کامل پرداخت نشده باشد، مدیر تصفیه اقدامات لازم را برای تکمیل پرداخت انجام می‌دهد.
 - ۴) قانون به نقش مدیر تصفیه در وصول باقی مانده تعهدات مالی سهامداران اشاره دارد.
 - ۵) ورشکستگی شرکت به معنای فعال شدن پروسه وصول تعهدات ناتمام توسط مدیر تصفیه است.
- ماده ۱۸۱ قانون تجارت - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می‌شود:
- الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳
- ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد .
- ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن
- د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این مورد در اساسنامه تصریح شده باشد .
- در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است .

توضیحات ماده ۱۸۱ قانون تجارت :

۱- ماده ۷۲ قانون تجارت : تصمیمات مجمع عمومی باکثرت آراء خواهد بود.

۲- ماده ۹۳ قانون تجارت : شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود:



۱. وقتیکه شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.

۲. وقتیکه شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.

۳. در صورتیکه شرکت ورشکست شود.

۴. در صورت تصمیم مجمع عمومی.

۳- شرکت مختلط سهامی: به شرکت‌هایی که تحت نام خاص، بین حداقل یک شریک ضامن و سهامدار تشکیل گردد و مسئولیت شریک یا شرکای ضامن به‌طور تضامنی، نامحدود و شخصی بوده و مسئولیت سهامدار یا سهامداران در این نوع شرکت، محدود به مبلغ اسمی سهامی است که هر یک از آنان، در شرکت دارند، شرکت مختلط سهامی گفته می‌شود. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد اول) (کلیات، اعمال تجارتي، تجار، دفاتر تجارتي، قراردادهای تجارتي و حمل و نقل، بارنامه (دریایی، هوایی، زمینی) تجارت در اسلام، آرای هی‌آت عمومی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸].

شریک ضامن در شرکت مختلط سهامی: «کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود». [ماده ۱۶۲ قانون تجارت]

۴- برابر با اصل حاکم بر شرکت‌های تضامنی، که در مورد شرکت مختلط سهامی نیز صادق است؛ در تصمیمات مهم مربوط به شرکت، اتفاق نظر همه شرکای ضامن شرط می‌باشد. مگر در مورد بند ب ماده ۱۸۱ قانون تجارت، که اساسنامه، حق تصمیم‌گیری راجع به انحلال شرکت را، به مجمع عمومی اعطا نموده و رضایت شرکای ضامن را در این موضوع، مستثنی کرده است. [حسن حسینی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۵- نکات توصیفی ماده ۱۸۱ قانون تجارت

(۱) شرکت مختلط در برخی موارد قانونی مشخص منحل می‌شود.

(۲) انحلال شرکت می‌تواند بر اساس فقرات مشخص شده در قوانین دیگر صورت گیرد.

(۳) تصمیم مجمع عمومی می‌تواند موجب انحلال شود، به شرطی که در اساسنامه به آن تصریح شده باشد.

(۴) رضایت شرکاء ضامن نیز در برخی موارد برای انحلال شرکت ضروری است.

(۵) فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن می‌تواند به انحلال شرکت منجر شود، اگر این مورد در اساسنامه ذکر شده باشد.

(۶) در موارد تصمیم‌گیری مجمع عمومی، حکم ماده ۷۲ قانون تجارت باید رعایت شود.



ماده ۱۸۲ قانون تجارت - هر گاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلائل را موجه ببیند.

توضیحات ماده ۱۸۲ قانون تجارت :

۱- در رابطه با اینکه آیا شرکا، جهت انحلال شرکت مختلط سهامی، می توانند حق مراجعه به دادگاه را از خویش سلب نمایند یا نه، باید متذکر شد که به نظر برخی از حقوقدانان، حق مزبور، در دسته حقوق قابل اسقاط قرار نداشته و قابل انتقال به غیر نیز نمی باشد و حتی، در صورت پیش بینی خلاف مندرجات ماده ۱۸۲ قانون تجارت در اساسنامه، باز هم شرکا می توانند در صورت داشتن دلایل موجه، جهت صدور حکم انحلال شرکت، به دادگاه مراجعه نمایند. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکتها، ثبت شرکتها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰].

۲- نکات توصیفی ماده ۱۸۲ قانون تجارت

- ۱) اساسنامه شرکت ممکن است حق تصمیم گیری برای انحلال را به مجمع عمومی اختصاص نداده باشد.
- ۲) در صورت عدم توافق بین مجمع عمومی و شرکای ضامن در مورد انحلال شرکت، امکان مراجعه به دادگاه وجود دارد.
- ۳) دادگاه می تواند در صورت موجه دیدن دلائل طرفداران انحلال، حکم به انحلال شرکت دهد.
- ۴) اگر یکی از شرکای ضامن به دلیل های خاصی درخواست انحلال شرکت را به دادگاه ارائه کند، دادگاه می تواند در صورت موجه بودن دلائل، به انحلال حکم دهد.
- ۵) نکات مربوط به انحلال در دو حالت قابل بررسی است: توافق بین مجمع عمومی و شرکای ضامن، و درخواست فردی یکی از شرکای ضامن.
- ۶) نقش دلائل و بررسی موجه بودن آنها توسط دادگاه در تصمیم گیری برای انحلال شرکت مهم است.



گفتار ششم : شرکت های سهامی

از قانون تجارت

باب سوم - شرکت های تجاری

فصل اول - در اقسام مختلفه شرکتهای و قواعد راجعه به آنها

ماده ۲۰ قانون تجارت - شرکتهای تجاری بر هفت قسم است

(۱) شرکت سهامی

(۲) شرکت با مسئولیت محدود

(۳) شرکت تضامنی

(۴) شرکت مختلط غیر سهامی

(۵) شرکت مختلط سهامی

(۶) شرکت نسبی

(۷) شرکت تعاونی تولید و مصرف

نکته : مواد ۱ الی ۳۰۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴ جایگزین مواد ۲۱ الی

۹۳ قانون تجارت شده است.



بند اول : تعریف و انواع شرکت سهامی

از قانون تجارت

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

انواع شرکتهای سهامی

- سهامی عام : شرکتی است که موسسین آن قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند.
- سهامی خاص : شرکتی است که تمام سرمایه آن در موقع تاسیس منحصرأ توسط موسسین تامین گردیده است.

ماده لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب میشود ولو این که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

نکته : به شرکت های سهامی شرکت تجاری شکلی گفته می شود یعنی تجاری محسوب میشوند چه موضوعش تجاری باشد یا نباشد.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - شرکت سهامی ، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

توضیحات ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۱- شرکت: در خصوص تعریف شرکت در قانون تجارت تعریفی ارائه نشده است لیکن ماده ۵۷۱ قانون مدنی در تعریف شرکت بیان داشته است شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه . [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹.] در خصوص تعریف شرکت تجاری هر چند قانون تجارت مسکوت است ولی در دکترین حقوقی تعاریفی ارائه شده است از جمله آنکه شرکتی



است عقدی (نه قهری) که برابر قوانین تجارت پدید می آید و شخصیت حقوقی دارد و سرمایه آن حالت اشاعه ندارد [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. همچنین در تعریف دیگری آمده است که شرکت تجاری قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده های آنها تشکیل می شود ایجاد کنند و به موسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. شرکت سهامی: شرکتی بازرگانی است که سرمایه آن به سهام مساوی القیمه تقسیم شده است یعنی مبلغ اسمی هر سهم بادیگر سهام یکسان می باشد و در این نوع شرکت مسئولیت سهامداران فقط محدود به میزان آورده به مبلغ اسمی سهام آن ها می باشد [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹]. سهام: سرمایه هر شرکت سهامی به قسمت های مساوی تقسیم می شود که به هر قسمت آن سهم می گویند. هر سهم معلوم می دارد که نسبت به کل سرمایه دارنده آن تا چه حدودی می تواند در اداره امور شرکت از طریق حضور در مجامع عمومی و ابراز رای مشارکت در اداره شرکت داشته باشد و همچنین نشان دهنده این است که چه میزانی از منافع حاصل از فعالیت شرکت به صاحب سهم تعلق می گیرد. سهام انواعی دارد که در قانون تجارت بیان شده است. [حسن حسینی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

۲- پیشینه

قانونگذار در ماده ۲۰ قانون تجارت به توصیف اقسام شرکت ها پرداخته است و یکی از انواع شرکت ها را شرکت سهامی دانسته است. قانون تجارت از مواد ۲۱ تا ۹۴ راجع به این نوع شرکت قواعدی را مشخص نموده بود که طی لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ مبتنی بر ۳۰۰ ماده و ۲۸ تبصره نسخ گردید. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت ها، ثبت شرکت ها)]. چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰]. مفاد این ماده سابقا در ماده ۲۱ قانون تجارت ذکر شده بود که قانونگذار در آنجا شرکت سهامی را شرکتی تجاری دانسته بود که برای امور تجاری تشکیل می شدند ولی در اصلاحات سال ۴۷ برای امور تجاری را حذف نمود و حتی در ماده ۲ قانون اصلاحی سال ۴۷ بیان نمود ولو اینکه فعالیت آن امور بازرگانی نباشد باز

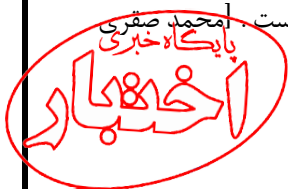


هم تجاری محسوب می گردند. [محسن قره باغی. ترمینولوژی قوانین و مقررات. چاپ ۲. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی،

[۱۳۸۶]

۳- مطالعات تطبیقی

شرکت های سهامی سازمان حقوقی نسبتا تازه ای هستند که تقریبا از قرن ۱۹ توسعه زیادی یافته اند چرا که با توسعه صنعت و به تبع آن شرکت ها، نیاز به سرمایه و ثروت مطرح می شد و بر طرف کردن نیاز به سرمایه جز با تمرکز ثروت ها و پس انداز های مردم ممکن نبود لذا با این نهاد حقوقی، سرمایه های اندک مردم جمع می شدند و سرمایه های بزرگی را ایجاد می کردند که فعالیت های صنعتی و اقتصادی را ممکن می نمود. در حقوق فرانسه در نیمه دوم قرن نوزدهم قانون مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۸۶۷ تاسیس شرکتهای سهامی را آزاد اعلام کرد. این قانون در سال ۱۹۶۶ متأثر از دستورالعمل اروپایی با قواعدی مفصل دچار تغییر گردید که قانون اصلاحی ۱۳۴۷ ایران نیز تا حدودی برگرفته از همین قانون می باشد. [محمد صقری. حقوق بازرگانی شرکت ها (جلد اول) (قواعد عمومی شخصیت حقوقی) (جلد دوم) (شرکت های تضامنی، سهامی، با مسئولیت محدود و مختلط). چاپ ۱. سهامی انتشار، ۱۳۹۳]. در حقوق فرانسه مورد بحث قرار گرفته است که امکان تقسیم سرمایه یک شرکت به قطعات سهم کشف جدیدی نبوده است و از زمان های دور سهم به عنوان بخشی از سرمایه صرفا نشان دهنده میزان مشارکت و حقوق شریک بوده است در طول تاریخ به سبب انقلاب صنعتی و رشد چشمگیر صنعت مفهوم شرکت دچار تحول اساسی گردید و شرکت مفهومی بازرگانی به خود گرفت. در این میان این ضرورت که منابع مالی محدودیت دارند منجر شد قالب هایی طراحی شوند و حقوق و ماهیت خاصی به آنها داده شود. لذا از اینجا شاهد شکل گیری شرکت های سهامی تجاری هستیم که با جمع آوری آورده های اندک مردم و مدیریت سرمایه به عنوان شخصیت حقوقی مستقل از شرکا به فعالیت تجاری پرداختند. [محمد صقری. حقوق بازرگانی شرکت ها (جلد اول) (قواعد عمومی شخصیت حقوقی) (جلد دوم) (شرکت های تضامنی، سهامی، با مسئولیت محدود و مختلط). چاپ ۱. سهامی انتشار، ۱۳۹۳]. در حقوق قدیم فرانسه، قانون بازرگانی ۱۸۰۷ فرانسه میان دو شرکت سهامی تفاوت قائل شده بود در شرکت های مختلط سهامی از حیث تشکیل محدودیتی وجود نداشت چراکه همواره یک شریک ضامن در آن وجود داشت که مسئول پرداخت دیون بی محل شرکت بود اما در شرکت سهامی محدودیت هایی وجود داشت. در نهایت بعد از ۶۰ سال قانونگذار فرانسه در اصلاحات ۱۸۶۷ حق تاسیس آزاد شرکت های سهامی را شناسایی می کند این آزادی تاسیس دز کشور های اسپانیا در سال ۱۸۶۹، آلمان ۱۸۷۰، بلژیک ۱۸۷۳ و ایتالیا ۱۸۸۲ اعلام می شود. [محمد صقری. حقوق بازرگانی شرکت ها (جلد اول) (قواعد عمومی شخصیت حقوقی) (جلد دوم) (شرکت های تضامنی، سهامی، با مسئولیت محدود و مختلط). چاپ ۱. سهامی انتشار، ۱۳۹۳]. مضافا در حقوق جدید فرانسه قانون ۱۹۶۶ مقرراتی را راجع به ارکان شرکت های سهامی و فعالیت آنها و نیز سرمایه، سهام، تغییر سرمایه و انحلال اختصاص داده است. [محمد صقری



حقوق بازرگانی شرکت ها (جلد اول) (قواعد عمومی شخصیت حقوقی) (جلد دوم) (شرکت های تضامنی، سهامی، با مسئولیت محدود و مختلط). چاپ ۱. سهامی انتشار، ۱۳۹۳.

۳- در حقوق شرکت ها تقسیم بندی های متعددی وجود دارند که شرکت ها را با معیار های متفاوتی دسته بندی می کنند. یکی از این تقسیم ها ، تقسیم شرکت، به شرکت شخص و سرمایه می باشد. شرکت های سهامی ، شرکت سرمایه محسوب می گردند و همچنین براساس تقسیم بندی دیگری که براساس مسئولیت شرکا ارائه گردیده است شرکت سهامی شرکتی است که مسئولیت سهام داران آن محدود به آورده آنها می باشد و به نوعی مسئولیت محدود دارند. اربعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹. شرکت های سهامی دوگونه اند یا به صورت سهامی عام اند یا سهامی خاص. [ماده ۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت] شرکت سهامی شرکتی می باشد که سرمایه آن به سهام مساوی تقسیم شده است به عبارتی مجموع سهم های مساوی نشان دهنده سرمایه اسمی شرکت می باشند و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهمشان می باشد. این نوع از شرکت ها با رعایت قواعد و تشریفات مندرج در قانون تجارت تشکیل می شوند. [حسینقلی کاتبی. حقوق تجارت. چاپ ۱۲. گنج دانش، ۱۳۸۷]. شرکت های سهامی دارای شخصیت حقوقی می باشند و به محض ثبت شرکت در مرجع ثبت شرکت ها شخصیت حقوقی شان به رسمیت شناخته می شود البته در این خصوص که شخصیت حقوقی شرکت از چه زمانی ایجاد می شود نظرات گوناگونی مطرح شده است. [حسن حسینی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. از حیث حقوق و تکالیف شرکت های سهامی دارای کلیه حقوق و تکالیفی که یک انسان ممکن است داشته باشد ، می باشند مگر آن دسته از حقوق و تکالیفی که طبیعتا و ذاتا انسان از آنها بهره مند است. [ماده ۵۸۸ قانون تجارت]

۴- برخلاف شرکت های شخص که قائم به شخصیت و اعتبار شرکاست شرکت های سرمایه ، بر پایه آورده ها تشکیل می شوند . به علاوه مسئولیت شرکا در قبال دیون بی محل شرکت معادل صفر است ولی آورده آنها می تواند برای تامین دیون شرکت صرف گردد. در این نوع از شرکت ها سرمایه شرکت به سهام مساوی تقسیم می گردند که قابلیت معامله دارند. به عبارت ساده تر شرکت سهامی نیز شرکتی سرمایه ای و تجاری است که صاحبان سهام به عنوان شرکا دارای حقوقی می باشند و صرفا در حدود آورده خویش و میزان سهامشان تعهداتی دارند. نکته ای که باید افزوده گردد این است که سهام داران شرکت سهامی به صرف سهامداری تاجر محسوب نمی شوند همانگونه که مدیران شرکت تاجر محسوب نمی گردند و صرفا شرکت سهامی که شخصیت مستقل از شرکا دارد تاجر محسوب می شود. [محمد صقری. حقوق بازرگانی شرکت ها (جلد اول) (قواعد عمومی شخصیت حقوقی) (جلد دوم) (شرکت های تضامنی، سهامی، با مسئولیت محدود و مختلط). چاپ ۱. سهامی انتشار، ۱۳۹۳].



لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴ هیات وزیران تقریباً همین ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت را بدین شکل تعریف نموده است: شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنهاست. ولی به نظر می‌رسد ماده ۱ قانون فعلی جامع‌تر از تعریف جدید ارائه شده در لایحه اصلاحی مصوب ۱۳۸۴ باشد. [رضا پاکدامن. حقوق شرکت‌های تجاری (شرح و نقد مقررات حاکم بر شرکت‌های سهامی عام و خاص با مسئولیت محدود، تعاونی، تضامنی، دولتی و خارجی). چاپ ۱. خرسندی، ۱۳۸۹].

۶- نکات توصیفی ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

- ۱) شرکت سهامی، نوعی از شرکت تجاری است.
 - ۲) سرمایه شرکت سهامی به بخش‌های کوچکتری به نام سهام تقسیم می‌شود.
 - ۳) مسئولیت مالی سهامداران در شرکت سهامی محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌ها است.
 - ۴) سهامداران به اندازه سهام خود در قبال تعهدات و بدهی‌های شرکت مسئولیت دارند.
 - ۵) سهام شرکت می‌تواند به اشخاص مختلف منتقل شود.
- ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

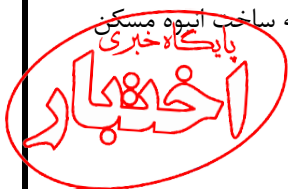
توضیحات ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت:

۱- شرکت: در خصوص تعریف شرکت در قانون تجارت تعریفی ارائه نشده است لیکن ماده ۵۷۱ قانون مدنی در تعریف شرکت بیان داشته است شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. در خصوص تعریف شرکت تجاری هر چند قانون تجارت مسکوت است ولی در دکترین حقوقی تعاریفی ارائه شده است از جمله آنکه "شرکتی است عقدی (نه قهری) که برابر قوانین تجارت پدید می‌آید و شخصیت حقوقی دارد و سرمایه آن حالت اشاعه ندارد [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. همچنین در تعریف دیگری آمده است که شرکت تجاری قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می‌کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده‌های آنها تشکیل می‌شود ایجاد کنند و به موسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می‌گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های احتمالی حاصل از به‌کارگیری سرمایه سهیم گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت‌های تجاری) (کلیات، شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹].

اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹. شرکت سهامی: شرکتی بازرگانی است که سرمایه آن به سهام متساوی القیمه تقسیم شده است یعنی مبلغ اسمی هر سهم بادیگر سهام یکسان می باشد و در این نوع شرکت مسئولیت سهامداران فقط محدود به میزان آورده به مبلغ اسمی سهام آن ها می باشد [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹. شرکت بازرگانی: شرکت بازرگانی همان شرکت تجاری می باشد. در خصوص تعریف شرکت تجاری در قانون تجارت تعریفی ارائه نشده است لیکن ماده ۵۷۱ قانون مدنی در تعریف شرکت بیان داشته است عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹. در خصوص تعریف شرکت تجاری هر چند قانون تجارت مسکوت است ولی در دکتین حقوقی تعاریفی ارائه شده است از جمله آنکه "شرکتی است عقدی (نه قهری) که برابر قوانین تجارت پدید می آید و شخصیت حقوقی دارد و سرمایه آن حالت اشاعه ندارد [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸. همچنین در تعریف دیگری آمده است که شرکت تجاری قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده های آنها تشکیل می شود ایجاد کنند و به موسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹. ۲- پیشینه

قانونگذار سابقا در سال ۱۳۱۱ در ماده ۲۱ قانون تجارت در تعریف شرکت سهامی آورده بود که شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل می شود. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵. ولی قانونگذار بعد ها در ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ وصف فعالیت تجاری را از قانون حذف نمود و اشاره داشت که شرکت سهامی حتی برای امور غیر بازرگانی ممکن است تشکیل نگردد. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت ها، ثبت شرکت ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰.]

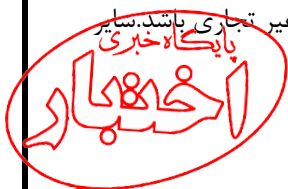
۳- با توسعه تکنولوژی و گسترش جامعه صنعتی بسیاری از فعالیت های سنتی محدود، تبدیل به فعالیت های اقتصادی_تجاری بزرگی شده است که برخی از این ها شامل موارد مصرح در ماده ۲ قانون تجارت نمی شدند مثلا اشخاصی که به ساختن انبوه مسکن



اشتغال داشتند تاجر محسوب نشده و از حقوق و امتیازات قانون تجارت بهره مند نبودند [محمدطاهر کنعانی. حقوق تجارت نوین. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱]. لذا مقنن با توسعه شرکت های سهامی به امور تجاری و غیر تجاری به دنبال ایجاد این بستر بود که به صرف صورت و شکل شرکت سهامی تجاری محسوب گردد و این فعالیت ها در ذیل قانون تجارت قرار گیرند و اساسا اصلاح ماده ۲۱ قانون تجارت در اصلاحات سال ۴۷ برای این منظور بود. [محمد صقری. حقوق بازرگانی ورشکستگی (جلد اول) (توقف، ابطال معاملات، قرارداد ارفاقی) (جلد دوم) بازسازی بنگاه های اقتصادی بحران زده) (جلد سوم) (ورشکستگی فرامرزی). چاپ ۲. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸].

۴- ماده ۲۰ قانون تجارت اقسام شرکت های تجاری را برشمارده است که یکی از این اقسام شرکت سهامی می باشد. [بند ۱ ماده ۲۰ قانون تجارت] قانونگذار ما در مواد ۱ و ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت به تعریف شرکت سهامی پرداخته است که در ماده ۲ قانون نام برده شرکت سهامی را ولو اینکه موضوع عملیات شرکت تجاری نباشد، تجارتی دانسته است. [حسن حسینی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. در توضیح این مطلب باید بیان داشت که در حقوق ایران در صورتی که شرکت به صورت یکی از اقسام شرکت های ماده ۲۰ قانون تجارت باشد دو گونه است گاهی به صورت شرکت تجاری محسوب می گردد حتی اگر معاملات غیر تجاری انجام دهد و گاهی امکان ندارد که شرکت تشکیل شود مگر آنکه موضوع آن تجارتی باشد مثل شرکت های تضامنی و نسبی. حتی ماده ۲۲۰ قانون تجارت نیز شرکت هایی که خارج از ماده ۲۰ قانون تجارت باشند (شرکت عملی) را که به امور تجارتی اشتغال داشته باشند تجارتی دانسته است. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. نکته ای که باید افزود این است که امروزه این قاعده مورد قبول کلیه علمای حقوق تجارت است که شرکت سهامی صرف نظر از موضوع آن شرکتی است تجارتی به همین سبب قانونگذار برای تشکیل آن تشریفات و فرایندهایی را در نظر گرفته است. باید افزود که صرفا شخصیت حقوقی شرکت تاجر است و سهام داران آن به صرف سهام داری تاجر محسوب نمی گردد. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت ها، ثبت شرکت ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰].

۵- شرکت سهامی در هر صورتی تجاری محسوب می گردد اما در خصوص شرکت تعاونی بحث است ولیکن شرکت تعاونی نیز به صورت تعاونی تولید شامل کشاورزی، دامداری، دامپروری، صیادی، شیلات، صنعت، معدن، عمران شهری و روستایی و عشایری [ماده ۲۶ و بند ۶ ماده ۵۴ قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰] و به صورت تعاونی مصرف، مسکن، اعتبار، صنایع کوچک، کارو صاحبان مشاغل آزاد [قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰] می تواند در موضوعات تجاری یا غیر تجاری باشد. سایر



شرکت های تجاری مستفاد از مواد ۲ و ۳ و ۹۴ و ۱۱۶ و ۱۴۱ و ۱۶۲ قانون تجارت برای اینکه تشکیل شوند و تاجر محسوب شوند می باید به معاملات تجاری اشتغال داشته باشند. [محمدطاهر کنعانی. حقوق تجارت نوین. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱]. باید افزود که یکی از فوایدی که این توسعه دارد این است که بسیاری از فعالیت های کلان تجاری که انجام می شوند و ممکن است از نظر قانون تجارت عملیات تجارته محسوب نشوند و فعالان نتوانند از مزایای تاجر بودن بهره مند گردند، با این توسعه مشمول آن می شوند. فرضاً در صورتی که متوقف از پرداخت دیون گردد مشمول مقررات ورشکستگی می گردد و می تواند از آثار سوئی که ایجاد کند جلوگیری نماید. [محمد صقری. حقوق بازرگانی ورشکستگی (جلد اول) (توقف، ابطال معاملات، قرارداد ارفاقی) (جلد دوم) بازسازی بنگاه های اقتصادی بحران زده) (جلد سوم) (ورشکستگی فرامرزی). چاپ ۲. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸].

۶- نکات توصیفی ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

(۱) شرکت سهامی به عنوان یک شرکت بازرگانی شناخته می شود.

(۲) موضوع فعالیت شرکت سهامی الزاماً نباید بازرگانی باشد.

(۳) ماهیت بازرگانی شرکت سهامی مستقل از نوع عملیات و فعالیت های آن است.

۷- سهامداران شرکت سهامی مالکیتی نسبت به جزء جزء اموال شرکت ندارند و نمی توانند بخشی از اموال شرکت را منتقل نمایند زیرا عین اموال شرکت (تا قبل از انحلال و تصفیه امور آن) از حوزه مالکیت شخصی سهامداران خارج است و انتقال آن تابع مقررات مندرج در لایحه اصلاحی قانون تجارت است. [رای شعبه حقوقی دیوان عالی کشور درباره نقل و انتقال اموال شرکت توسط سهامداران به شماره دادنامه ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۰۰۰۱۸۲ و شعبه ۱۰ دیوان عالی کشور]

۸- صرف تصدی به مدیریت عاملی شرکت تجاری موجب تاجر شناخته شدن مدیرعامل نیست؛ بنابراین دعوی اعسار وی در صورت بودن شرایط پذیرفته می شود. [رای دادگاه درباره تقاضای اعسار از جانب مدیرعامل شرکت تجاری (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۴۴۰۰۳۲۸)، شعبه ۴۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران]

۹- شرکت های سهامی عام و خاص صرف نظر از موضوع فعالیتشان، شرکت های با مسئولیت محدود، تضامنی، مختلط و نسبی که موضوع عملیاتشان امور تجارته است مشمول مقررات ورشکستگی قراردارند. لذا در مواقعی که متوقف از تادیه دیونشان می گردند باید مشمول مقررات ورشکستگی گردند. در این خصوص اشتباهی که در رسیدگی به شرکتهای مضاربه ای که به صورت سهامی خاص ایجاد شده اند صورت می گیرد این است که بعضاً پرونده این شرکت ها در داسرا مطرح شده است و پس از طرح کیفرخواست علیه مدیران، دادگاه کیفری مبادرت به صدور حکم کلاهبرداری و خیانت در امانت کرده است و خود داسرا پس از تهیه لیست طالبکاران و بدهکاران مبادرت به اخطار کرده است که این از وظایف اداره یا مدیر تصفیه ورشکستگی می باشد و خارج از صلاحیت

پایگاه خبری
انحصار

دادسرا یا دادگاه می باشد و دادستان باید این گونه پرونده ها را در صورت وجود شرایط با عنوان اتهامی ورشکسته به تقلب مطابق ماده ۴۱۵ قانون تجارت تحت تعقیب قرار دهد و درخواست صدور حکم توقف آنها را از دادگاه عمومی حقوقی بنماید. [محمد صقری. حقوق بازرگانی ورشکستگی (جلد اول) (توقف، ابطال معاملات، قرارداد ارفاقی) (جلد دوم) بازسازی بنگاه های اقتصادی بحران زده) (جلد سوم) (ورشکستگی فرامرزی). چاپ ۲. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.]



بند دوم : نحوه شرکت سهامی

نام شرکت : قید عبارت شرکت سهامی عام شرکت سهامی خاص قبل یا بعد از نام شرکت و بدون فاصله ضروری است.

اقامتگاه : اقامتگاه شرکت مرکز اصلی امور شرکت مرکز اداره شرکت است.

تابعیت : تابعیت شرکت همان محل اقامتگاه شرکت است.

میزان مسئولیت : مسئولیت هر یک از شرکاء محدود به مبلغ اسمی سهام است.

سرمایه شرکت :
۱- شرکت سهامی عام : حداقل پنج میلیون ریال (ماده ۵ لایحه)
۲- شرکت سهامی خاص : حداقل یک میلیون ریال (ماده ۵ لایحه)

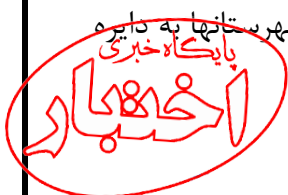
تعداد شرکاء :
۱- در شرکت سهامی خاص : حداقل ۳ نفر
۲- در شرکت سهامی عام : حداقل ۵ نفر

نکته ۱ : ماده ۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت - در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از ۳ نفر کمتر باشد.

نکته ۲ : ماده ۱۰۷ قانون تجارت - ... عده اعضای هیات مدیره در شرکت های سهامی عام نباید از ۵ نفر کمتر باشد.

مؤسس : مؤسس میتواند شخص حقیقی یا حقوقی شرکت دیگری باشد.

نکته : ماده ۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت - برای تأسیس شرکتهای سهامی عام مؤسسین باید اقلماً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک ها سپرده سپس اظهار نامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها به دایره



ثبت شرکتها و در نقاطی که دایره ثبت شرکتها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره- هرگاه قسمتی از تعهد موسسین به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهار نامه و ضمایم آن به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم نمایند.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت : در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.

توضیحات ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت :

۱- شرکت: در خصوص تعریف شرکت در قانون تجارت تعریفی ارائه نشده است لیکن ماده ۵۷۱ قانون مدنی در تعریف شرکت بیان داشته است شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه . [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. در خصوص تعریف شرکت تجاری هر چند قانون تجارت مسکوت است ولی در دکترین حقوقی تعاریفی ارائه شده است از جمله آنکه "شرکتی است عقدی (نه قهری) که برابر قوانین تجارت پدید می آید و شخصیت حقوقی دارد و سرمایه آن حالت اشاعه ندارد [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. همچنین در تعریف دیگری آمده است که شرکت تجاری قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده های آنها تشکیل می شود ایجاد کنند و به موسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم گردند. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. شرکت سهامی: شرکتی بازرگانی است که سرمایه آن به سهام متساوی القیمه تقسیم شده است یعنی مبلغ اسمی هر سهم بادیگر سهام یکسان می باشد و در این نوع شرکت مسئولیت سهامداران فقط محدود به میزان آورده به مبلغ اسمی سهام آن ها می باشد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات



غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...). چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.]

ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: در موقع تاسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکتهای سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتیکه سرمایه شرکت بعد از تاسیس بهر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یکسال نسبت باافزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام بعمل آید یا شرکت بنوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذینفع میتواند انحلال آنرا از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رای قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

توضیحات ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت :

۱- شرکت سهامی عام: شرکتی است که موسسان آن قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶.] سرمایه شرکت: مجموعه آورده های نقدی و غیر نقدی شرکا که با عنوان سرمایه در اداره ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و اداره ثبت اسناد و املاک اظهار و ثبت شده باشد. [صفر بیگ زاده. فرهنگ تعاریف قانونی. چاپ ۱. کلک صبا، ۱۳۹۱.]

۲- پیشینه

قانون تجارت هیچ حداقل و حداکثری را برای سرمایه شرکت سهامی در نظر نگرفته بود حال آنکه در برخی کشورها شرکتهای سهامی برای سرمایه های بزرگ تشکیل می شوند و برای سرمایه های خرد شرکت های خانوادگی و بامسئولیت محدود پیش بینی شده اند. در اصلاحات قانون تجارت ناظر بر شرکت های سهامی در سال ۴۷، قانون گذار برای تشکیل شرکت های سهامی حداقل سرمایه ای را تعیین نمود که این حداقل ها در ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت تعیین نمود. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت ها، ثبت شرکت ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰.]

۳- تشکیل شرکت سهامی دارای تشریفات و فرایندها و شرایط قانونی است که سبب می شود موسسین ماه ها برای تشکیل شرکت زمان صرف کنند. یکی از این شرایط قانونی که در ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت برای تشکیل شرکت های سهامی در نظر گرفته شده است بحث حداقل سرمایه شرکت است. مطابق این ماده در موقع تاسیس شرکت سهامی سرمایه شرکت سهامی عام نباید کمتر از ۵ میلیون ریال و در شرکت سهامی خاص نباید کمتر از ۱ میلیون ریال باشد. [محمود عرفانی. حقوق

تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی،



مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیر تجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...). چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹. البته قانون تجارت حداکثری را برای تشکیل شرکت سهامی اعلام نکرده است لذا سرمایه شرکت سهامی می تواند به هر میزانی باشد. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت های تجاری) (شرکت های سهامی عام و خاص). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹. در حال حاضر به نظر می رسد ارقام مذکور با توجه به تورم شدید پاسخگوی تعهدات شرکت نباشد و حتی هزینه های کوچک را هم نتواند پاسخگو باشد لذا بنابر این ضرورت در لایحه اصلاحی قانون تجارت در سال ۸۴ در ماده ۴۸۳ پیش بینی شده است که در هنگام تشکیل شرکت سهامی عام حداقل ۵ میلیارد ریال سرمایه و در هنگام تشکیل شرکت سهامی خاص حداقل ۵۰۰ میلیون ریال سرمایه باید وجود داشته باشد. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱. در خصوص حداقل سرمایه برخی اذعان داشته اند که با وجود اصل آزادی اراده دلیلی بر تعیین حداقل سرمایه برای تشکیل شرکت سهامی وجود ندارد. [کوروش کاویانی. حقوق شرکت های تجاری. چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۶. در صورتی که بنابر هر علتی سرمایه شرکت سهامی از حداقل های قانونی کمتر گردد باید ظرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل قانونی اقدام به عمل آید یا آنکه شرکت سهامی به نوع دیگری از شرکت های تجاری مقرر در ماده ۲۰ قانون تجارت تغییر شکل یابد یا اگر شرکت سهامی عام بود به شرکت سهامی خاص تغییر دهد. [احسینقلی کاتبی. حقوق تجارت. چاپ ۱۲. گنج دانش، ۱۳۸۷. در غیر این صورت، این از اسباب انحلال شرکت می باشد و هر ذینفعی می تواند از دادگاه به موجب طرح دعوا، انحلال شرکت را بخواهد و دادگاه پس از بررسی حکم بطلان شرکت را صادر می کند البته این بطلان بر حقوق اشخاص ثالث اثری نمی تواند داشته باشد و خسارات ناشی از بطلان برعهده اشخاصی خواهد بود که مسئول بطلان هستند. [حسن حسینی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵.]

۴- در ماهیت وجود سرمایه اسمی برای شرکت های سهامی با مسئولیت محدود و مختلط سهامی تردیدی وجود ندارد چرا که در این شرکت ها مسئولیت صاحبان آورده ها محدود به سهام یا سهم الشرکه آنها در شرکت می باشد لذا قانونگذار ایران همانند سایر کشور حداقلی را برای آنها پیش بینی نموده است به همین خاطر در شرکت های شخص که اعتبار شخصی شرکا وجود دارد حداقلی در نظر گرفته نمی شود. [محمد صقری. حقوق بازرگانی شرکت ها (تأسیس، تبدیل، ادغام، انحلال). چاپ ۱. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.]

۵- انتقادات

به این ماده دو ایراد می توان وارد نمود. اولاً هر چند که در زمان اصلاح قانون تجارت ارقام ۵ میلیون ریال و یک میلیون ریال برای شرکت مناسب بود اما در حال حاضر با توجه به کاهش ارزش پول این ارقام به هیچ عنوان برای فعالیت تجاری در قالب شرکت مناسب



نیست و لازم است مورد بازنگری قرار گیرد. ثانیاً قسمت دوم ماده به طور غیر مستقیم تجویز نموده است که برای مدت طولانی یک سال همین حداقل سرمایه نیز کاهش داده شود که به نظر می رسد این مورد هم غیر منطقی باشد. [رضا پاکدامن. حقوق شرکت های تجاری (شرح و نقد مقررات حاکم بر شرکت های سهامی عام و خاص با مسئولیت محدود، تعاونی، تضامنی، دولتی و خارجی). چاپ ۱. خرسندی، ۱۳۸۹.]

۶- نکات توصیفی ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

- ۱) سرمایه شرکت های سهامی عام در زمان تأسیس نباید کمتر از پنج میلیون ریال باشد.
 - ۲) سرمایه شرکت های سهامی خاص در زمان تأسیس نباید کمتر از یک میلیون ریال باشد.
 - ۳) در صورت کاهش سرمایه شرکت به کمتر از حداقل مقرر، شرکت باید ظرف یک سال اقدام به افزایش سرمایه کند.
 - ۴) در صورت عدم افزایش سرمایه، شرکت باید به یکی دیگر از انواع شرکت های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل دهد.
 - ۵) هر ذینفع می تواند در صورت عدم رعایت این موارد، درخواست انحلال شرکت را از دادگاه صالح ارائه دهد.
 - ۶) اگر قبل از صدور رأی قطعی، دلیل درخواست انحلال برطرف شود، دادگاه رسیدگی را متوقف می کند.
- ۷- انتقال و فروش دارایی شرکت که از حدود موضوع شرکت خارج است، باطل بوده و با توجه به اطلاق ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، علم و جهل اشخاص ثالث نیز تأثیری در این امر ندارد. بدیهی است انتقال و فروش دارایی شرکت در حدود موضوع شرکت توسط مدیران و در حدود اختیارات آنان بلامانع و صحیح است. [نظریه شماره ۱۱۸۶/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه درباره وضعیت حقوقی قرارداد فروش تمام اموال شرکت سهامی]
- ماده ۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت - برای تأسیس شرکتهای سهامی عام مؤسسين باید اقلأً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک ها سپرده سپس اظهار نامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها به دایره ثبت شرکتهای و در نقاطی که دایره ثبت شرکتهای وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

توضیحات ماده ۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت

- ۱- سرمایه شرکت: مجموعه آورده های نقدی و غیر نقدی شرکا که با عنوان سرمایه در اداره ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و اداره ثبت اسناد و املاک اظهار و ثبت شده باشد. [صفر بیگ زاده. فرهنگ تعاریف قانونی. چاپ ۱. کلک صبا، ۱۳۹۱.] تعهد پذیره



نویسی: تعهد شخص ثالث برای خرید اوراق بهاداری که ظرف مهلت پذیره نویسی به فروش نرسد. [محسن قره باغی. ترمینولوژی قوانین و مقررات. چاپ ۲. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.]

۲- پیشینه

سابقا ماده ۳۹ قانون تجارت اعلام می داشت که چیزی که در ازا سهام غیر نقدی تعهد شده باشد تمام باید تحویل شود. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت ها، ثبت شرکت ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰.]

۳- با توجه به اینکه غالبا در هنگام تاسیس شرکت سهامی تمام سرمایه مورد استفاده و نیاز واقع نمی شود بدین سبب قانونگذار در مواد ۶ و ۱۶ و بند ۲ ماده ۲۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، ۳۵ درصد از سرمایه شرکت را در موقع تاسیس آن کافی است ولی در هنگام افزایش سرمایه که شرکت های سهامی غالبا به دلیل نیاز به سرمایه بیشتر اقدام به افزایش سرمایه می کنند برای رفع آن نیاز بایستی تمام سرمایه مورد افزایش را پرداخت نمایند. [نشریه داخلی کانون وکلای مرکزی دادگستری، سال پنجم، شماره ۱۸ مهر ماه ۱۳۷۵. چاپ رشدیه، ۱۳۷۵.] از طرفی تعیین حداقل ۲۰ درصد برای این بوده است که اشخاص ثالثی که می خواهند وارد شرکت شوند اعتماد کنند و همچنین از باب جلوگیری از سو استفاده این امر بوده است که مبادا افراد نیابند بدون اینکه پولی داشته باشند مبادرت به تشکیل شرکت سهامی و جذب سرمایه کنند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)، چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.]

۴- جمع آوری وجوه از عموم برای تاسیس شرکت های سهامی عام از لحاظ نظری در دو مرحله انجام می شود. در مرحله نخست موسسان مقدمات مادی و حقوقی لازم جهت ایجاد شرکت را فراهم می کنند و با اخذ مجوز های لازم به دنبال شرکا دیگر می گردند و در مرحله دوم یعنی مرحله پذیره نویسی به شرکت می پیوندند. [مجله پژوهش های حقوقی شماره ۱۷ بهار و تابستان ۱۳۸۹. موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.] در خصوص مرحله دوم موسسین یعنی اشخاصی که شرکت تجاری را ایجاد می نمایند در ابتدا باید ۲۰ درصد سرمایه شرکت را شخصا تعهد نمایند و حداقل ۳۵ درصد از این سرمایه تعهد شده را که حداقلش ۲۰ درصد سرمایه می باشد را نقدا در یکی از بانک ها به حساب مخصوص شرکت در شرف تاسیس پرداخت و رسید اخذ نمایند. این سپرده نقدی از سوی موسسین موجب اعتماد به تشکیل شرکت می گردد و اگر چنین چیزی نمی بود می توانست موجب سو استفاده افراد قرار گیرد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با

بایگ آلاختری
احمدپار

مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...). چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹]. در این ماده امتیازی برای موسسین در نظر گرفته شده است و آن این است که آنها می توانند سرمایه غیر نقدی نیز به جای نقدی به بانک تسلیم کنند. در صورتی که چنین باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آنها در همان بانکی که حساب شرکت در شرف تاسیس ایجاد شده است تودیع گردیده و گواهی بانک را ضمیمه اظهارنامه تقدیمی بر مرجع ثبت شرکت ها نمونه و تسلیم نمایند. اما پذیره نویسان صرفا باید نقد پرداخت نمایند. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱]. در این خصوص این نکته شایان ذکر است که آورده شرکا غالبا به صورت نقدی یا پول است ولی در مواردی شرکا ممکن است بنا بر دلایلی آورده های غیر نقدی داشته باشند که این هم می تواند بنا بر نیاز شرکت باشد فرضا شرکت در شرف تاسیس امتیاز استخراج داشته باشد و یکی از شرکا دستگاه و ماشین آلات مربوطه را داشته باشد یا یک واحد اداری داشته باشد که به عنوان دفتر شرکت بخواهد مورد استفاده قرار گیرد. به طور کلی قانون گذار برای تشکیل شرکت سهل گیری نموده است. [کوروش کاویانی. حقوق شرکت های تجاری. چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۶]. قانونگذار در خصوص آورده های غیر نقد احتیاطات مخصوصی را در نظر گرفته است تا از سو استفاده جلوگیری گردد یکی از این اقدامات جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری است که در ماده ۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت اشاره رفته است که می تواند از تقویم آورده های نقدی به صورت غیر واقعی جلوگیری نماید و از این راه حقوق اشخاص ثالث را حمایت کند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...). چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

در این ماده بعد از اینکه حساب شرکت در شرف تاسیس افتتاح شد و ۳۵ درصد مبلغ سهام تعهد شده در حساب مزبور تودیع گردید بانک یک گواهی خطاب به مرجع ثبت شرکت ها می دهد که موسسین آن را به همراه اظهارنامه و طرح اساس نامه که باید به امضا تمام موسسین رسیده باشد را تسلیم مرجع ثبت شرکت ها برای بررسی می نماید. مرجع ثبت شرکت ها پس از بررسی، اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را می دهد. البته مطابق ماده ۲۰ قانون بازار اوراق بهادار عرضه عمومی اوراق بهادار در بازار اولیه منوط به ثبت آن نزد سازمان بورس می باشد و در ماده ۲۵ همین قانون بیان داشته است که مرجع ثبت شرکت ها زمانی می تواند مبادرت به صدور اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی بکند که سازمان بورس این امر را تجویز کند. [مجله پژوهش های حقوقی شماره ۱۷ بهار و تابستان ۱۳۸۹. موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹].

۵- میان شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص وجوه اختلافی را می توان ذکر نمود:



- ۱) تعداد سهام داران لازم جهت تشکیل شرکت در شرکت سهامی خاص حداقل ۳ نفر و در شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر است.
- ۲) هیات مدیره در شرکت سهامی عام نمی تواند کمتر از ۵ نفر باشد ولی در شرکت سهامی خاص می تواند ۲ یا ۳ نفر باشد.
- ۳) در شرکت سهامی عام قسمتی از سهام در مرحله تاسیس شرکت عرضه عمومی می شود ولی در شرکت سهامی خاص سرمایه می بایستی صرفاً از سوی موسسین تعهد گردد.
- ۴) حداقل سرمایه لازم برای تشکیل شرکت سهامی عام ۵ میلیون ریال می باشد و در شرکت سهامی خاص این مبلغ ۱ میلیون ریال می باشد.
- ۵) در شرکت سهامی عام، موسسین باید حداقل ۲۰ درصد سهام شرکت را تعهد نمایند و حداقل ۳۵ درصد میزان سهام تعهد شده را در حسابی که به نام شرکت در شرف تاسیس است، واریز نمایند. اما در شرکت سهامی خاص، موسسین باید ۱۰۰ درصد سهام شرکت را تعهد نمایند.
- ۶) شرکت سهامی عام تحت شرایطی می تواند اوراق قرضه منتشر نماید ولی شرکت سهامی خاص چنین امکانی ندارد. [یداله بازگیر . موازین حقوق تجارت در آرای دیوانعالی کشور . چاپ ۲. بازگیر، ۱۳۸۶]

۶- انتقادات

نکته ای که به نظر می رسد قابل نقد باشد عدم لزوم جلب نظر کارشناس در هنگام تسلیم سرمایه غیر نقد باشد چرا که مستفاد از ماده ۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت این است که جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری در هنگام تسلیم سرمایه غیر نقد به بانک الزامی نیست. [محمد رضا پاسبان. حقوق شرکت های تجاری. چاپ ۷. سمت، ۱۳۹۱].

۷- نکات توصیفی ماده ۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

- ۱) مؤسسان شرکت های سهامی عام باید حداقل ۲۰ درصد از سرمایه شرکت را خودشان تعهد کنند.
- ۲) حداقل ۳۵ درصد از مبلغ تعهد شده باید در حساب بانکی به نام شرکت در شرف تأسیس واریز شود.
- ۳) اظهارنامه ای به همراه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام باید تهیه و امضا شود.
- ۴) اظهارنامه و مستندات در تهران به اداره ثبت شرکت ها، در شهرستان ها به دایره ثبت شرکت ها و در مکان هایی که دایره ثبت شرکت ها وجود ندارد، به اداره ثبت اسناد و املاک محل تحویل داده شود.
- ۵) پس از تسلیم مدارک به اداره مربوطه، باید رسید دریافت شود.



ماده ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - شرکت سهامی به وسیله هیات مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیات مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

تبصره- هرگاه قسمتی از تعهد موسسین به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهار نامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.

توضیحات ماده ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۱- شرکت سهامی: شرکتی بازرگانی است که سرمایه آن به سهام متساوی القیمه تقسیم شده است یعنی مبلغ اسمی هر سهم بادیگر سهام یکسان می‌باشد و در این نوع شرکت مسئولیت سهامداران فقط محدود به میزان آورده به مبلغ اسمی سهام آن‌ها می‌باشد [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹. شرکت سهامی عام: شرکت سهامی عام شرکتی است که موسسان آن قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶]. همچنین می‌توان گفت شرکت سهامی عام شرکتی است که مؤسسین آن مکلفند برای تأمین قسمتی از سرمایه آن به مردم مراجعه کنند که حداقل سرمایه برای تأسیس این دسته از شرکت‌های سهامی پنج میلیون ریال می‌باشد و براساس ماده ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت تعداد موسسان نیز حداقل ۵ نفر باید باشند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد اول) (کلیات، اعمال تجاری، تجار، دفاتر تجاری، قراردادهای تجاری و حمل و نقل، بارنامه (دریایی، هوایی، زمینی) تجارت در اسلام، آرای هی‌آت عمومی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۸]. نکته ای که باید افزود این است که شرکت سهامی عام زمانی تشکیل می‌شود که کلیه سهام از جانب مؤسسین یا مردم تعهد شده باشد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت‌های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹. سهامداران: سهامداران یعنی صاحبان سهم در شرکت‌های سهامی . [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]

۲- شرکت سهامی دارای ارکانی می‌باشد که این ارکان شرکت برای پیشبرد و اداره شرکت با یکدیگر همکاری دارند.



در شرکت های سهامی ما سه رکن داریم که عبارتند از:

- (۱) مجمع عمومی؛ که به عنوان رکن تصمیم گیرنده شرکت به فعالیت می پردازد.
- (۲) هیات مدیره؛ که به عنوان رکن اداره کننده شرکت به فعالیت می پردازد.
- (۳) بازرس؛ که بعنوان رکن نظارت کننده شرکت به فعالیت می پردازد. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

در این ماده در راستای شناسایی و تبیین رکن هیات مدیره شرکت سهامی بیان داشته است که شرکت سهامی به وسیله هیات مدیره ای که از بین سهامداران انتخاب می شود اداره می گردد. به عبارتی دیگر مدیریت در شرکت های سهامی از طریق عده ای از سهامداران که توسط سایر سهامداران انتخاب می شوند اداره می گردد و تصمیم گیری در شرکت سهامی تابع روش خاصی است که باید تصمیمات در جلسات رسمی اتخاذ گردد و نیز در صورت جلسه شرکت ثبت گردد. در شرکت های مدنی بر خلاف شرکت های تجاری اداره شرکت به هر طریقی که شرکا تمایل داشته باشند انجام می شود و ممکن است یکی از آنان ویا همگی آنان مدیریت شرکت را برعهده بگیرند و تصمیم گیری نبط ممکن است در جلسه ای معین یا غیر معین صورت بگیرد. [سید محمود کاشانی. حقوق مدنی قراردادهای ویژه (اشاعه، شرکت مدنی، تقسیم مال مشترک، ودیعه، وکالت، ضمان). چاپ ۱. میزان، ۱۳۸۸]. یکی از موضوعاتی که در این ماده در نظر گرفته شده است این است که اعضای هیات مدیره باید از میان سهامداران انتخاب گردند. خوب برای انتخاب مدیران دو راهکار وجود دارد یا باید از داخل سهامداران باشد یا از خارج از سهامداران که لایحه اصلاحی قانون تجارت در این ماده انتخاب اعضای هیات مدیره را از داخل سهام داران تجویز نموده است که جای بسی انتقاد بر آن وجود دارد چرا که ممکن است اشخاص سرمایه گذار آشنا به امور مدیریت و امور تجاری نباشند و این امر منجر به مشکلات فراوانی گردد همچنسن باید افزود که این امر با حقوق سهام داران در تضام است. [مجله پژوهش های حقوقی شماره ۸ پاییز و زمستان ۱۳۸۴. موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۴].

نکته دیگری که باید در اینجا بدان اشاره داشت این است که مطابق ماده ۸۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت یکی از وظایف مهم مجمع عمومی عادی انتخاب مدیران و بازرسان شرکت سهامی است زیرا شرکت به عنوان شخصی حقوقی جز با نمایندگان اشخاص طبیعی نمی تواند عمل کند و تا زمانی که مدیران شرکت انتخاب نشده اند تاسیس شرکت معلق است. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکت ها، ثبت شرکت ها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰]. در خصوص انتخاب مدیران حدنصاب برای انتخاب آنها اکثریت نسبی است. (در این خصوص اشکالی مطرح شده است که در بخش انتقادات آن را توضیح داده

پایگاه خبری
انحصاری

ایم و مجدد در این قسمت طرح نمی کنیم). در مورد انتخاب مدیران تعداد آرا هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رای دهنده هم می تواند آرا خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری تقسیم کند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹.

۳- در قانون تجارت تعریفی از مدیران به چشم نمی خورد. اما به طور خلاصه می توان گفت که مدیران افراد با صلاحیتی هستند که به وسیله سهامداران برای مدت معینی انتخاب می شوند که این ها در قالب هیاتی تحت عنوان هیات مدیره اداره شرکت را عهده دار می شوند.

این مدیران ممکن است از اشخاص حقیقی باشند یا از اشخاص حقوقی. در خصوص اشخاص حقوقی هیچ محدودیت در انتخاب وجود ندارد چرا که اولاً؛ آنها شخص هستند ثانیاً؛ سهامدار صرفاً اشخاص حقوقی باید یک نماینده که شخص حقیقی می باشد را به عنوان نماینده خویش به عنوان مدیر معرفی نماید. [مجله علمی انتقادی حقوقی کانون وکلا سال بیست و هفتم شماره ۱۳۳ زمستان ۱۳۵۴]. کانون وکلای دادگستری مرکز، ۱۳۵۴.

همچنین باید افزود که قانون گذار در ماده ۸۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در خصوص نحوه انتخاب مدیران در شرکت های تجاری بیان داشته است که انتخاب مدیران بدین صورت است که تعداد هر سهم رای دهنده ضرب در تعداد مدیرانی که باید انتخاب گردند شده و حاصل ضرب این تعداد میزان حق رای هر سهامدار را مشخص می نماید. [محمدطاهر کنعانی. حقوق تجارت نوین. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱]. بعد از اینکه آرا شمارش شدند ملاک عمل تعداد آرا هر مدیر خواهد بود با این توضیح که هر مدیری که آرا بیشتری کسب کرده باشد انتخاب می شود و اگر شرکت ۵ مدیر بخواهد به ترتیب آرا بعد از نفر اول که در اکثریت بود به عنوان مدیران بعدی انتخاب می شوند. این همان مفهوم اکثریت نسبی است. [محمدطاهر کنعانی. حقوق تجارت نوین. چاپ ۱. جنگل، ۱۳۹۱].

۴- انتقادات

مقررات شرکت های تجاری ایران از جنبه های گوناگون دچار کاستی هایی می باشد. در برخی موارد هیچ حکمی برای مسائل موجود پیش بینی نشده است. در برخی موارد حکمی برای مسئله بیان شده است ضمانت اجرای برای آن پیش بینی نشده است. یکی از نهاد های مهم شرکت که به عنوان رکن اداره کننده شرکت نیز شناخته می گردد هیات مدیره می باشد. در این خصوص نکات بسیاری وجود دارد که در لایحه اصلاحی به چشم می خورد که موضوع اختلاف هستند و باید مورد بازبینی قرار



گیرند. ابهام در تعیین شمار اعضای هیات مدیره شرکت سهامی خاص به دلیل عدم صراحت قانون می توند آثار عملی مهمی بر جای بگذارد چرا که قانون به لزوم تعیین رییس هیات مدیره و نایب هیات مدیره اشاره داشته است ولی اینکه آیا شخص سومی لازم هست یا نه قانون مسکوت مانده است. از طرف دیگر حد نصاب رسمیت یافتن جلسات هیات مدیره و حد نصاب رای گیری اکثریت مقرر شده است در صورتی که دو عضو در هیات مدیره باشند تصمیم گیری جز به اتفاق ارا ممکن نیست و در اینجا اکثریت معنا ندارد و این امر باعث م شود در اداره شرکت به مشکل برخورد نمایند. [مجله پژوهش های حقوقی شماره ۸ پاییز و زمستان ۱۳۸۴. موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۴].

۵- نکات توصیفی ماده ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

(۱) شرکت سهامی توسط هیئت مدیره اداره می شود.

(۲) اعضای هیئت مدیره باید از بین صاحبان سهام انتخاب شوند.

(۳) اعضای هیئت مدیره می توانند به صورت کامل یا جزئی عزل شوند.

(۴) در شرکت های سهامی عام، تعداد اعضای هیئت مدیره باید حداقل پنج نفر باشد.

۶- محدود کردن اختیارات مدیران شرکت به موجب تصمیم مجمع عمومی فقط بین سهام داران و مدیران معتبر بوده و نسبت به اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن می باشد. [رای دادگاه درباره اثر محدود کردن اختیارات مدیران شرکت به موجب تصمیم مجمع عمومی (دادنامه شماره ۱۳۸۳/۳۰۲۲۰۳۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰)]

۷- چکیده نظریه شماره ۹۳۷/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره تجریدی بودن اسناد تجاری و الزامات تفویض اختیار هیات مدیره شرکت به مدیرعامل: ۱- مقنن به وصف تجریدی اسناد تجاری و آثار آن تصریح نکرده است؛ بلکه این وصف را به عنوان یکی از خصوصیات این اسناد از روح کلی حاکم بر برخی مواد قانونی می توان استنباط کرد. ۲- حدود اختیارات مدیر عامل باید به مرجع ثبت شرکت ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.

۸- چنانچه اختیار اقامه و دفاع از دعوا از سوی هیأت مدیره به مدیر عامل تفویض شود، اما اگر این تصمیم به اداره ثبت شرکت ها اعلام نگردیده و در روزنامه رسمی نیز آگهی نشود، مانع اقامه یا دفاع از دعوا توسط مدیر عامل نخواهد بود و صرفاً متخلفین مطابق بند ۳ ماده ۲۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، قابل مجازات خواهند بود. [نظریه شماره ۹۷۲/۱۴۰۱/۷ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره عدم اعلام حدود اختیارات مدیرعامل به اداره ثبت شرکت ها]



بند سوم : مراحل تشکیل شرکت سهامی

۱- مراحل تشکیل شرکتهای سهامی خاص

۱- تسلیم اظهارنامه

۲- تهیه اساسنامه شرکت که به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد.

۳- تعهد کلیه سهام شرکت و گواهی نامه بانکی حاکی از تادیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از ۳۵ درصد باشد.

۴- انتخاب اولین مدیران و بازررس یا بازرسان توسط کلیه سهامداران

۵- انتخاب یک روزنامه کثیر الانتشار به اتفاق آراء

۶- قبول سمت توسط مدیر و بازررس یا بازرسان به صورت کتبی^{۳۹}

^{۳۹}. مدارک مورد نیاز برای تشکیل شرکت سهامی خاص:

۱- تکمیل دو نسخه اظهارنامه شرکت سهامی خاص که به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.

۲- تکمیل دو نسخه اساسنامه شرکت سهامی خاص که به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.

۳- ارائه دو نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین که به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.

۴- فتوکپی شناسنامه برابر اصل شده تمامی اعضای هیئت مدیره و سهامداران و بازررسین

۵- فتوکپی کارت ملی برابر اصل شده تمامی اعضای هیئت مدیره و سهامداران و بازررسین

۶- در صورتیکه اعضاء هیئت مدیره یا سهامداران اشخاص حقوقی باشند ارائه کپی آخرین روزنامه رسمی، شخص حقوقی و نامه معرفی نماینده (در سربرگ شرکت) و کپی شناسنامه و کپی کارت ملی برابر اصل شده نماینده شخص حقوقی

۷- در صورت داشتن سهامدار خارجی برای اشخاص حقیقی ارائه کپی برابر اصل پاسپورت و برای اشخاص حقوقی ارائه گواهی ثبت شرکت نزد مرجع ثبت شده حاوی آخرین وضعیت شرکت و همچنین ارائه اصل و ترجمه وکالتنامه و اختیارنامه وکیل سهامدار خارجی (اعم از حقیقی و حقوقی)

۸- ارائه گواهی عدم سوءپیشینه کیفری برای کلیه اعضای هیات مدیره و بازرسان شرکت از طرف متقاضی ثبت شرکت (مراکز پلیس +۱۰)

۹- ارائه اقرارنامه در متن صورتجلسه جهت کلیه ی اعضای هیات مدیره، مدیر عامل و بازرسان شرکت مبنی بر اینکه مشمول ممنوعیت های مندرج در اصل ۱۴۱ قانون اساسی نبوده و هیچگونه ممنوعیت قانونی موضوع مواد ۱۱۱ و ۱۲۶ قانون تجارت برای آن ها جهت عضویت در هیات مدیره و مدیر عاملی وجود ندارد. در زیر همین بند نمونه اقرارنامه آورده شده است:

نمونه متن اقرارنامه: کلیه اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل اقرار نمودند مشمول ممنوعیت های مندرج در اصل ۱۴۱ قانون اساسی و مواد ۱۱۱ و ۱۲۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت نمی باشند.

۱۰- ارائه اقرارنامه بازررس یا بازرسان در متن صورتجلسه مبنی بر اینکه هیچگونه نسبت فامیلی اعم از نسبی و سببی با مدیران و مدیر عامل شرکت تا درجه سوم از طبقه اول و دوم ندارند و خود و یا همسرشان نیز از مدیران و مدیر عامل شرکت بطور موظفی حقوق دریافت نمی دارند. در صورت کشف خلاف مشمول بند ۳ ماده ۲۴۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت خواهد بود. ارائه گواهی عدم سوءپیشینه کیفری کلیه اعضای هیات مدیره، مدیر عامل و بازرسان شرکت از طرف متقاضی ثبت لازم می باشد. در زیر همین بند نمونه اقرارنامه آورده شده است:

نمونه متن اقرارنامه: بازررس (بازرسین) اقرار نمودند مشمول ممنوعیت های مندرج در اصل ۱۴۱ قانون اساسی و مواد ۱۱۱ و ۱۲۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت نمی باشند.

۱۱- ارائه اصل وکالتنامه یا کپی برابر اصل وکالتنامه

۱۲- ارائه اصل قییم نامه یا کپی برابر اصل قییم نامه

۱۳- پرداخت فیش ۴۰,۰۰۰ ریال بعنوان هزینه



۱۴-ارائه گواهی بانکی مبنی بر پرداخت حداقل ۳۵٪ سرمایه اولیه شرکت



۲- مراحل تشکیل شرکت های سهامی عام

مراحل تشکیل شرکت های سهامی عام

تعهد اقل ۲۰ درصد سرمایه شرکت و پرداخت لااقل ۳۵ درصد مبلغ تعهد شده در حسابی به نام شرکت در شرف تاسیس نزد یکی از بانک ها و دریافت گواهی

۱- تجمع موسسین و تهیه طرح اساسنامه

۲- دریافت گواهی از بانک

۳- تنظیم اظهارنامه به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت
طرح اعلامیه پذیره نویسی

۴- تقدیم اسناد و مدارک گواهی بانک

به اداره ثبت شرکتها در تهران و یا به دایره ثبت شرکتها در شهرستان ها و اخذ مجوز انتشار اعلامیه پذیره نویسی

۵- انتشار اعلامیه پذیره نویسی توسط موسسین

پذیره نویسی کامل یعنی تمام سرمایه پیش بینی شده شرکت صحیحاً تعهد شده و اقل ۳۵ درصد آن نقداً پرداخت شده باشد

۶- انجام پذیره نویسی

۷- احراز انجام پذیره نویسی به صورت کامل

۸- تشکیل مجمع عمومی موسس

۹- قبول سمت توسط مدیران و بازرسان یا بازرسان به صورت کتبی

۱۰- ثبت شرکت ظرف ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه بند ۳

ماده ۱۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت - مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می شود و پس از رسیدگی و احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرسان شرکت را انتخاب میکند و نیز مجمع عمومی مؤسس روزنامه کثیر الانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه به طور منحصر در آن منتشر خواهد شد تعیین خواهد نمود. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرسان با علم به تکالیف و مسئولیتهای سمت خود عهده دار آن گردیده اند. از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب میشود.

تبصره: هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه به وسیله مجمع عمومی موسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین می شود.

نکته: به موجب ماده ۱۷ لایحه زمان ایجاد شخصیت حقوقی شرکت سهامی زمان تشکیل زمان قبول سمت توسط مدیران و بازرسان به صورت کتبی است و ایجاد شرکت منوط به ثبت آن نیست لکن قانونگذار برای عدم ثبت آثاری پیش بینی کرده است.

توضیحات ماده ۱۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت

۱- پذیره نویسی: به طور کلی عبارت است از نوشتن و امضا کردن مبنی بر تعهدبر انجام دادن کاری است ولی در شرکت های سهامی عبارت است از تعهد به پرداخت قیمت یک یا چند سهم. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد دوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]. پذیره نویس: در حقوق تجارت در باب شرکت های سهامی عبارت است از تعهد پرداخت قیمت یک یا چند سهم از سهام شرکت. لذا شخصی که بعد از انتشار آگهی در شعبه معین شده در اعلامیه پذیره نویسی حاضر می شود و ورقه تعهد سهم را امضا می کند را پذیره نویس گویند. [علیرضا میلانی. واژه نامه حقوقی ساخت و ساز. چاپ ۳. میلان افزار، ۱۳۸۶]. سرمایه شرکت: مجموعه آورده های نقدی و غیر نقدی شرکا که با عنوان سرمایه در اداره ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و اداره ثبت اسناد و املاک اظهار و ثبت شده باشد. [صفر بیگ زاده. فرهنگ تعاریف قانونی. چاپ ۱. کلک صبا، ۱۳۹۱]. سهام: سرمایه هر شرکت سهامی به قسمت های مساوی تقسیم می شود که به هر قسمت آن سهم می گویند. هر سهم معلوم می دارد که که نسبت به کل سرمایه دارنده آن تا چه حدودی می تواند در اداره امور شرکت از طریق حضور در مجامع عمومی و ابراز رای مشارکت در اداره شرکت داشته باشد و همچنین نشان دهنده این است که چه میزانی از منافع حاصل از فعالیت شرکت به صاحب سهم تعلق می گیرد. سهام انواعی دارد که در قانون تجارت بیان شده است. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمتمل بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. مؤسسین: مؤسسین اشخاصی هستند که شرکت تجاری را ایجاد می نمایند و به نوعی سردمدار و مبتکر شرکت تجاری تلقی می گردند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...)]. چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].



در خصوص زمان شکل گیری شخصیت حقوقی در شرکت های بازرگانی، ماده ۴۲۸ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴ هیات وزیران بیان می دارد: «کلیه اشخاص حقوقی به جر آنها که به موجب قانون خاص تشکیل می گردند باید به ثبت برسند و استناد به تشکیل آنها پس از ثبت و اگهی مطابق مقررات مربوطه در روزنامه رسمی در مقابل اشخاص ثالث پذیرفته نیست» [محمدحسین ساکت. حقوق مدنی (جلد اول) (شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۶].

۳- از ظاهر برخی مواد قانون تجارت از جمله همین ماده اینگونه استنباط می گردد که در شرکت های سهامی عام زمانی که مدیران و بازرسان رسماً قبول سمت نمودند شخصیت حقوقی ایجاد خواهد شد. و این مفاد را می توان از مفهوم عبارت "از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می گردد" دریافت. هرچند که از ظاهر قانون چنین استنباط می گردد که شرکت سهامی از تاریخ قبول کتبی سمت مدیریت توسط مدیر و بازرسی توسط بازرس، دارای شخصیت حقوقی می گردند. [علیرضا باریکلو. حقوق مدنی (جلد اول) (اشخاص و حمایت های حقوقی آنان). چاپ ۶. مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۹]. ولی اکثریت حقوقدانان معتقدند که به صرف انعقاد شرکت و تصمیم شرکا با یکدیگر مبنی بر تشکیل شرکت، شخصیت حقوقی به وجود می آید و لزوم ثبت شرکت جهت شناسایی آن توسط قانون گذار و برقراری نظم می باشد لذا به نظر می رسد شخصیت حقوقی از زمان تصمیم موسسین مبنی بر تشکیل شرکت سهامی ایجاد می گردد. [علیرضا باریکلو. حقوق مدنی (جلد اول) (اشخاص و حمایت های حقوقی آنان). چاپ ۶. مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۹]. [محمدحسین ساکت. حقوق مدنی (جلد اول) (شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۶]. در مقابل عده ای دیگر معتقدند که در این خصوص ماده ۵۸۴ قانون تجارت به هیچ وجه معین نمی دارد که این شخصیت حقوقی از چه زمانی ایجاد می شود. شرکت های تجاری در حقوق ایران از تاریخی که تشکیل می شوند دارای شخصیت حقوقی می گردند و در شرکت های سهامی عام تاریخ تشکیل، از زمانی خواهد بود که مجمع عمومی موسس تشکیل و احراز پذیره نویسی انجام شده و تمام سرمایه نقدی آنها تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم شده باشد. [اریعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد اول) (شرکت های تجاری) (کلیات، شرکت های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود). چاپ ۱۵. سمت، ۱۳۸۹]. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵].

عده ای این نظر را کامل تر کرده اند و گفته اند که شخصیت حقوقی شرکت از زمان تصمیم شرکا مبنی بر تشکیل شرکت شکل می گیرد لیکن این شخصیت پس از آنکه در نام شرکت تجاری در دفتر ثبت شرکت ها به ثبت رسید وجود آن تکمیل می گردد. [محمدحسین ساکت. حقوق مدنی (جلد اول) (شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی). چاپ ۱. جنگل، ۱۳۸۶].

از جمله نکاتی که در این ماده آمده است و نیاز به تبیین دارد وظایف مجمع عمومی مؤسس می باشد که این مجمع با رعایت مقررات قانون تجارت تشکیل می گردد. مجمع عمومی مؤسس در ابتدا باید مطابق ماده ۱۰۱ همین قانون ریاست مجمع و نظار و منشی جلسه را انتخاب نماید و مطابق ماده ۷۴ همین قانون به گزارش موسسین رسیدگی و در صورت لزوم آن را تصویب نمایند. سپس ضمن احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبلغ لازم به تصویب طرح اساس نامه شرکت بپردازند. در ادامه این مجمع می بایستی اولین مدیران و بازرس یا بازرسان را انتخاب نمایند و یک روزنامه کثیر النشار را برای آگهی های بعدی تعیین نمایند. حد نصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی مؤسس مطابق ماده ۷۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در دعوت اول حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را برعهده گرفته اند لازم است و در دعوت دوم اگر نصاب لازم نرسید حضور صاحبان سهام حداقل ثلث سرمایه لازم است و اگر این نصاب هم نرسید در دعوت سوم موسسین باید عدم تشکیل شرکت را اعلام نمایند. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...). چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

۴- زمانی که اعلامیه پذیره نویسی پس از صدور توسط مرجع ثبت شرکت ها منتشر می شود هر شخصی که تمایل به سرمایه گذاری در طرح اعلامی موسسین را دارد می تواند طی مهلت و شرایطی به بانک مراجعه کند و ورقه تعهد سهم را امضا نماید. پذیره نویسی عمل حقوقی است که به موجب آن یک سرمایه گذار تعهد می کند و نیز این حق را می یابد تا در صورت تشکیل شرکت در آینده تعداد معینی سهم و شریک سایر سهامداران در شرکت گردد. [محمد سلطانی. قواعد حاکم بر تشکیل شرکت های سهامی عام در پرتو قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذر ۱۳۸۴. پژوهش های حقوقی - شماره ۱۷ - سال ۱۳۸۹ - نیمسال اول]. در خصوص ماهیت، این عمل را باید قبول ایجاب موسسان به عموم مبنی بر تشکیل شرکت دانست اما باید دانست که شرکت به صرف ایجاب و قبول تشکیل نمی شود. برای تشکیل شرکت علاوه بر ایجاب و قبول تشکیل مجمع عمومی مؤسس هم لازم است که فرایند هایی را این مجمع انجام دهد تا شرکت تشکیل یابد با این به نظر می رسد که ثبت از مصادیق تشریفات که برای تکمیل فرایند تشکیل شرکت و ایجاد شخصیت حقوقی باید رعایت گردد نمی باشد. [محمد سلطانی. قواعد حاکم بر تشکیل شرکت های سهامی عام در پرتو قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذر ۱۳۸۴. پژوهش های حقوقی - شماره ۱۷ - سال ۱۳۸۹ - نیمسال اول].

۵- نکات توصیفی ماده ۱۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

(۱) تشکیل مجمع عمومی مؤسس بر اساس مقررات قانون تجارت.



- ۲) رسیدگی و احراز پذیرهنویسی تمامی سهام شرکت.
- ۳) تأدیه مبالغ لازم توسط پذیرهنویسان.
- ۴) بررسی و تصویب اساسنامه شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس.
- ۵) انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس.
- ۶) مدیران و بازرسان باید به صورت کتبی سمت خود را بپذیرند.
- ۷) پذیرفتن سمت به صورت کتبی دلیل آگاهی مدیران و بازرسان به تکالیف و مسئولیت‌هاست.
- ۸) شرکت از تاریخ تشکیل مجمع عمومی مؤسس تشکیل شده محسوب می‌شود.
- ۹) انتشار دعوت‌نامه‌ها و اطلاعیه‌ها برای صاحبان سهام در دو روزنامه کثیرالانتشار.
- ۱۰) تعیین یک روزنامه توسط مجمع عمومی مؤسس و روزنامه دیگر توسط وزارت اطلاعات و جهانگردی.

۶- تغییرات راجع به نمایندگی شرکت و یا مدیران پس از اعلام کتبی قبولی مدیران جدید باید به اداره ثبت شرکت‌ها کتبا اطلاع داده شود و تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است؛ مگر این که شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رساند. لذا شروع مسئولیت و انجام وظایف آن‌ها از تاریخ قبولی سمت است. [نظریه شماره ۸۰۹/۹۸/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره تاریخ شروع مسئولیت و اجرای وظایف اعضای هیأت مدیره و بازرسان در شرکت سهامی]



بند چهارم : آثار عدم ثبت شرکت

- ۱- ممنوعیت استفاده از وجوه تادیه شده به نام شرکت سهامی در شرف تاسیس^{۴۰}
- ۲- ممنوعیت صدور گواهینامه موقت سهم و ورقه سهم قبل از ثبت شرکت^{۴۱}
- ۳- ممنوعیت صدور اوراق قرضه^{۴۲}
- ۴- در صورتی که شرکت تا ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه به ثبت نرسیده باشد قابل انحلال است.^{۴۳}

^{۴۰} ماده ۲۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت : استفاده از وجوه تادیه شده بنام شرکت های سهامی در شرف تاسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.

^{۴۱} ماده ۲۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت : تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاکنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.

و در این هنگام ماده ۲۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت : " تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است ، شرکت باید به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد. این گواهینامه در حکم ورقه سهم است ."

^{۴۲} ماده ۵۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت : انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تادیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

^{۴۳} الف : از قانون تجارت

ماده ۱۹۵ قانون تجارت: ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتهای است.

ماده ۱۹۶ قانون تجارت: اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رساندن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود.

ماده ۱۹۹ قانون تجارت: هر گاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ باید به قسمی که در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.

ب : از قانون ثبت شرکت ها مصوب ۱۳۱۰/۰۳/۰۲

ماده ۲ قانون راجع به ثبت شرکت ها مصوب ۰۲/۰۳/۱۳۱۰ : (اصلاحی ۳۰/۰۳/۱۴۰۳) - کلیه شرکت های ایرانی مذکور در قانون تجارت (سهامی - ضمانتی - مختلط - تعاونی) که در تاریخ اجراء این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت راجع بثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مزبور عمل نکرده اند باید تا آخر شهریورماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت تطبیق نموده و مطابق قانون مزبور تقاضای ثبت کنند و الا به تقاضای مدعی العموم بدایت محلی که ثبت باید در آن جا بعمل آید محکمه مدیران آن ها را به ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت تقاضای مدعی العموم حکم انحلال شرکت متخلف نیز صادر خواهد شد.

در صورتی که مدت فوق برای تطبیق تشکیلات با قانون تجارت و تقاضای ثبت کافی نباشد رییس محکمه ابتدایی محل بتقاضای شرکت تا سه ماه مهلت اضافی خواهد داد. در قوانین ثبت شرکت آمده است:

ماده ۳- از تاریخ اجراء این قانون هر شرکت خارجی برای این که بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد.

ماده ۴- هر شرکت خارجی که در تاریخ اجراء این قانون در ایران به وسیله شعبه یا نماینده مشغول به امور تجاری یا صنعتی یا مالی است باید در ظرف چهار ماه از تاریخ مزبور تقاضای ثبت نماید . در صورتی که این مدت برای تهیه و تسلیم اوراق لازمه به اداره ثبت کافی نباشد ، رئیس محکمه ابتدایی تهران به تقاضای نماینده شرکت تا شش ماه مهلت اضافی خواهد داد.

ماده ۵- اشخاصی که به عنوان نماینده یا مدیریت شعبه شرکتهای خارجی در ایران اقدام به امور تجاری یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضای موعد مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدایی تهران محکوم به جزای نقدی از پنجاه تومان با هزار تومان خواهند شد و به علاوه محکمه برای هر روز تاخیر پس از صدور حکم ، متخلف را به تادیه پنج تا پنجاه تومان محکوم خواهد کرد و هر گاه حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد از عملیات نماینده یا مدیر شعبه شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود.

ماده ۶- در مورد شرکتهای خارجی که شرایط عملیات آن ها به موجب امتیاز نامه صحیح و منظمی مقرر است و صحت امتیاز را در موعد قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر ماده فوق مجری نخواهد شد ولی جزای نقدی برای هر روز تاخیر از صدور حکم از قرار روزی ده الی یکصد تومان است.

ماده ۷- تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یامدیران شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتبا اطلاع داده شود و تا وقتی که این اطلاع داده نشود عملیاتی که نماینده و یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر این که شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده حقی می کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رساند.

ماده ۱۱- نماینده هر شرکت خارجی یا مدیر شعبه آن که بر خلاف ماده ۳ قبل از ثبت به سمت نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت در ایران اقدام به عملیات تجارتي یا صنعتی یا مالی نماید ، مطابق ماده ۵ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهد شد . در مورد شرکتهای داخلی که پس از تاریخ اجرای این قانون تشکیل می شود کسانی که مکلف به تقاضای ثبت شرکت بوده و در موعد قانونی به تکلیف خودعمل نکنند ، مطابق ماده ۲ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهند شد.

هر شرکت تجارتي ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حساب ها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده، والا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازات هایی است که در قانون ثبت شرکت ها برای عدم ثبت مقرر شده است .

ج : ثبت شرکتهای ایرانی در مرکز در اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی که یکی از ادارات اداره کل ثبت اسناد و املاک می باشد انجام می گیرد و ثبت شرکتهای ایرانی که در خارج از مرکز تشکیل می شوند، در اداره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت به عمل می آید. [حسن ستوده تهرانی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت سهامی عام، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی، تصفیه امور شرکتها، ثبت شرکتها). چاپ ۲۰. دادگستر، ۱۳۹۰]

ایستاد
انجمن

بند پنجم : وظایف مجمع عمومی موسس

۱- رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن

۲- احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم^{۴۴}

۳- تصویب طرح اساسنامه و در صورت لزوم اصلاح آن^{۴۵}

۴- تصویب امتیازات سهم ممتاز و سهم موسس

۵- انتخاب اولین مدیران و بازرسی یا بازرسان

۶- انتخاب یک روزنامه کثیرالانتشار

نکته : مجمع عمومی موسس مختص به شرکتهای سهامی عام است و شرکت سهامی خاص ملزم به تشکیل آن نمی باشد و در شرکت سهامی خاص اصولاً دوره تاسیس ندارد چرا که در شرکتهای سهامی خاص تمامی تصمیمات در خصوص تاسیس شرکت طرح و تصویب اساسنامه انتخاب مدیران و بازرسان و تعیین روزنامه کثیرالانتشار لزوماً باید به اتفاق آراء و توسط کلیه موسسین انجام شود.

^{۴۴}. ماده ۱۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (اصلاحی ۱۳۵۳/۱۱/۲۲) - مجمع عمومی موسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل میشود و پس از رسیدگی و احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرسی یا بازرسان شرکت را انتخاب میکند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرسی با علم به تکالیف و مسئولیت‌های سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب میشود.

تبصره (الحاقی ۱۳۵۳/۱۱/۲۲) - هر گونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه به وسیله مجمع عمومی موسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین میشود.

^{۴۵}. ماده ۷۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: وظایف مجمع عمومی مؤسس بقرار زیر است:

رسیدگی به گزارش مؤسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم.

تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن.

انتخاب اولین مدیران و بازرسی یا بازرسان شرکت.

تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره: گزارش مؤسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیره نویسان سهام آماده باشد.

بند ششم : سهام

۱- تعریف سهام

ماده ۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی میباشد و رقه سهم سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

توضیحات مواد قانونی

ماده ۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد و رقه سهم سند قابل معامله ایست که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

تبصره ۱: سهم ممکن است بانام یا بی نام باشد.

تبصره ۲: در صورتیکه برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند اینگونه سهام سهام ممتاز نامیده می شود.

توضیحات ماده ۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۱- سهام: سرمایه هر شرکت سهامی به قسمت های مساوی تقسیم می شود که به هر قسمت آن سهم می گویند. هر سهم معلوم می دارد که نسبت به کل سرمایه دارنده آن تا چه حدودی می تواند در اداره امور شرکت از طریق حضور در مجامع عمومی و ابراز رای مشارکت در اداره شرکت داشته باشد و همچنین نشان دهنده این است که چه میزان از منافع حاصل از فعالیت شرکت به صاحب سهم تعلق می گیرد. سهام انواعی دارد که در قانون تجارت بیان شده است. [حسن حسنی. حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث). چاپ ۵. میزان، ۱۳۸۵]. سرمایه شرکت: مجموعه آورده های نقدی و غیر نقدی شرکا که با عنوان سرمایه در اداره ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و اداره ثبت اسناد و املاک اظهار و ثبت شده باشد. [صفر بیگ زاده. فرهنگ تعاریف قانونی. چاپ ۱. کلک صبا، ۱۳۹۱]. شرکت سهامی: شرکتی بازرگانی است که سرمایه آن به سهام متساوی القیمه تقسیم شده است یعنی مبلغ اسمی هر سهم بادیگر سهام یکسان می باشد و در این نوع شرکت مسئولیت سهامداران فقط محدود به میزان آورده به مبلغ اسمی سهام آن ها می باشد [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص) مؤسسه حقوقی و مشاوره مدیریت]

محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...). چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹]. سهام ممتاز: سهمی که امتیاز و مزایایی به همراه دارد که این امتیاز می تواند در قالب داشتن منافع بیشتر باشد یا در قالب داشتن رای بیشتر باشد. این سهم در ماده ۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ذکر شده است. سهام با نام: سهمی است که در آن نام مشخص معلومی ذکر شده باشد. سهام بی نام: سهمی است که در آن نام شخص خاصی به عنوان دارنده آن ذکر نگردیده است لذا در نزد هر شخصی که باشد مالک آن محسوب می شود. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴. گنج دانش، ۱۳۸۸]

۲- در این ماده قانون گذار سهم را قسمتی از سرمایه شرکت سهامی تعریف نموده است که مشخص میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد از طرفی طبق این ماده ورقه سهم سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. [مجله پژوهش های حقوقی شماره ۱۰ پاییز و زمستان ۱۳۸۵. موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵]. سهام شرکت ها واجد خصوصیات است. از جمله این خصوصیات؛ داشتن ارزش مالی است و به تبع ارزش مالی قابلیت تملک را نیز دارد. همچنین از اموال عینی منقول محسوب می گردد. [مجله پژوهش های حقوقی شماره ۱۰ پاییز و زمستان ۱۳۸۵. موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵]. نکته ی قابل توجهی که در اینجا وجود دارد این است که سهام، حقوق مساوی به دارندگان آن می دهد و اصولا همه سهامداران در شرکت سهامی از تساوی حقوق برخوردارند و این شامل میزان مشارکت تعهدات و منافع صاحبان سهام در شرکت می باشد. [محمود عرفانی. حقوق تجارت (جلد دوم) شرکت های تجاری (شرکت های سهامی عام و خاص، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی، مؤسسات غیرتجاری، ثبت شرکت خارجی، مقررات مالیاتی در شرکت های ایرانی و خارجی، شرایط کار فرد خارجی در ایران و...). چاپ ۲. جنگل، ۱۳۸۹].

۳- حقوق وابسته به سهام

یکی از نکاتی که باید ذکر گردد حقوق وابسته به سهام می باشد این حقوق عبارتند از : [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد دوم)

(شرکت های تجاری) (شرکت های سهامی عام و خاص). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹].

(۱) حق حضور در مجمع عمومی شرکت

(۲) حق رای

(۳) استفاده از سود سالیانه و ذخایر قابل تقسیم

(۴) حق اولویت در نقل و انتقال سهام



۵) حق اقامه دعوا علیه شرکت تحت شرایطی

۶) حق استفاده از دارایی شرکت پس از ختم تصفیه شرکت

۴- از این ماده مواردی را در خصوص سهام می توان فهمید از جمله؛ اولاً؛ بین سهم و ورقه سهم تفاوت وجود دارد چراکه سهم عبارت است از میزان سرمایه شخص در شرکت سهامی ولی برگه سهم دلیلی است دال بر وجود سهام. ثانیاً؛ سهام به سه نوع بانام و بی نام و ممتاز تقسیم می گردد. ثالثاً؛ تعریف سهام در این ماده بیان شده است. [مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. دانشنامه حقوق خصوصی (جلد دوم). چاپ ۲. محراب فکر، ۱۳۸۶].

به منظور تسهیل هرچه بیشتر نقل و انتقال سهام قانون گذاران اغلب کشور ها ا وضع قوانین و مقرراتی به ایجاد شیوه ها و مکانیسم هایی همت گماشتند که سهام را از حیث سهولت انتقال و قابلیت ارزیابی در ردیف سایر اموال قرار دادند. در این راستا صدور برگه هایی تحت عنوان اوراق سهام که به اسانی قابلیت نقل و انتقال است و ایجاد بورس اوراق بهادار و بازارهای داد و ستد سهام که در خارج از بورس فعالیت دارند گام هایی بوده است که در جهت تسهیل انتقال سهام برداشته شده است. [محمد زرنگ. انتقال سهام شرکت های سهامی در حقوق ایران و انگلیس. دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷].

۵- نکات توصیفی ماده ۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

- ۱) سهم نشان دهنده میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی است.
- ۲) ورقه سهم، سندی قابل معامله است که نماینده تعداد سهام صاحب آن در شرکت می باشد.
- ۳) سهم می تواند با نام یا بی نام باشد.
- ۴) سهامی که دارای مزایای خاصی باشند، سهام ممتاز نامیده می شوند.

۲- انواع ارزش سهم

۱- مبلغ اسمی : مبلغی است که به موجب اساسنامه معین می شود و در ورقه سهم قید شده و جزئی از سرمایه شرکت است.

۲- ارزش واقعی : بر حسب فعالیت شرکت و سود یا زیانی که تحصیل می شود قیمت واقعی سهم در حال نوسان است. این قیمت بر اساس ترازنامه در پایان سال مالی شرکت تعیین می شود.



۳- ارزش بورسی : ارزش سهم در بازار بورس را گویند که ممکن است در اثر عوامل تبلیغاتی و مقتضیات اقتصادی با ارزش واقعی سهم متفاوت باشد.

۳- شرایط صدور ورقه سهم

- ۱- امضاء : ورقه سهم باید به امضاء لااقل ۲ نفر که به موجب اساسنامه تعیین می شوند برسد.
- ۲- ثبت شرکت : قبل از ثبت شرکت صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است.
- ۳- پرداخت مبلغ اسمی : این شرط تنها در مورد صدور سهام بی نام الزامی است اما صدور سهام با نام قبل از پرداخت تمام مبلغ اسمی جایز است.

۴- انواع سهام

۴-۱- انواع سهام از حیث مشخص بودن سهامدار

- ۱) سهام با نام : سهمی است که در ورقه راجع به آن نام صاحب سهم قید شده و یا اینکه روی ورقه سهم قید سهم با نام ذکر شده و نام صاحب سهم در دفتر سهام شرکت ثبت شده است. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت های تجاری) (شرکت های سهامی عام و خاص). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹]
- ۲) سهام بی نام : سهمی است که ورقه راجع به آن متضمن نام صاحب سهم نیست بلکه به صورت سند در وجه حامل تنظیم می شود. [ربیعا اسکینی. حقوق تجارت (جلد دوم) (شرکت های تجاری) (شرکت های سهامی عام و خاص). چاپ ۱۳. سمت، ۱۳۸۹]

۴-۲- انواع سهام از حیث سود دهی

- ۱) سرمایه ای : سهمی است که صاحب آن معادل آن در داخل شرکت سرمایه دارد.



۲) انتفاعی : سهمی که صاحب آن در قبال آن در شرکت سرمایه ندارد (قسمتی از سرمایه شرکت نیست بلکه به دلایلی شرکت آن سهم را به او داده است تا اینکه فقط از سود شرکت منتفع شود و در حین تصفیه شرکت صاحب سهم نمی تواند ارزش اسمی سهم را مطالبه کند در اغلب موارد این سهم برای استهلاک سرمایه شرکت استفاده می شود.

۴-۳- انواع سهام از حیث داشتن مزایا یا ویژگی خاص

۱) سهام عادی : سهامی است که صاحب آن فقط به نسبت مبلغ اسمی سهام خود از سود و زیان شرکت و حق رای برخوردار است.

۲) سهام ممتاز : سهامی است که امتیاز یا امتیازات خاصی نسبت به سایر سهام همان شرکت به دارنده خود اعطا می کند. این نوع سهم، سهمی که امتیاز و مزایایی به همراه دارد که این امتیاز می تواند در قالب داشتن منافع بیشتر باشد یا در قالب داشتن رای بیشتر باشد.^{۴۶} این سهم در ماده ۴۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون

^{۴۶} چون ترتیب دادن سهام ممتاز برای دارندگان آن حق مکتسبه ایجاد می کند هرگونه تغییر در این امتیازات فقط در مجمع عمومی فوق العاده و با جلب موافقت حداقل دارندگان نصف به علاوه یک دارندگان سهام ممتاز امکان پذیر خواهد بود. ولی قانون در مقام احصا و تعریف و امتیازاتی که می توان برای سهام قائل شد برنیاورده و در نتیجه تنوع سلیقه سهام داران در ترتیب دادن امتیازات گوناگون، باعث بروز مشکلات و چالش های بسیار در شرکت ها شده است .

- ضرورت عدم تناقض امتیازات با موازین قانونی و اساسنامه معمولاً امتیازات را به دو گروه امتیاز مالی و غیرمالی تقسیم می کنند که با نگاهی دقیق تر مشخص است که امتیازات غیرمالی هم در نهایت منجر به امتیازات مالی می شوند.

امتیازات غیرمالی مانند دارا بودن حق رای بیشتر از سهام عادی به گونه ای که در مجامع عمومی شرکت ها آرای دارندگان سهام ممتاز با ضریب دو و یا بیشتر محاسبه شود.

به این ترتیب کنترل و مدیریت شرکت در اختیار صاحبان سهام ممتاز خواهد بود و بنابراین بر کلیه جنبه های مالی شرکت از جمله تصویب ترازنامه و چگونگی تقسیم سود سهام نیز اشراف و تسلط کامل خواهند داشت.

امتیازات مالی مانند اخذ سود زودتر یا بیشتر از سایر سهام داران یا عدم پرداخت وجه پذیره نویسی سهام و تعهد پرداخت آن از سوی سایر سهام داران که چه در زمان تاسیس شرکت و چه در زمان افزایش سرمایه ممکن است پیش بینی شود.

- ضرورت ذکر جزئیات سهام ممتاز در اساسنامه و اظهارنامه ثبت شرکت

امتیاز سهام نباید در تعارض و مغایرت با قواعد آمره قانون تجارت و یا سایر قوانین مانند قوانین مالیاتی باشد. حال اگر طبق امتیازاتی که در اساسنامه برای سهام دار ویژه در نظر گرفته شده سهام دار بتواند به تنهایی با برگزاری مجمع و تشکیل هیات رئیسه تک نفره کلیه تصمیمات شرکت را اتخاذ نماید، چون این گونه امتیازات در تناقض آشکار با روح و فلسفه شرکت های سهامی و مواد ۸۸ و ۱۰۱ " لایحه " است ، بر فرض پیش بینی در اساسنامه نیز قابل ابطال در مراجع قضایی خواهد بود.

تجارت^{۴۷} ذکر شده است. [محمدجعفر جعفری لنگرودی. مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد سوم). چاپ ۴.

گنج دانش، ۱۳۸۸]

علاوه بر آن چنانچه برای سهام داری در اساسنامه امتیازی به لحاظ برخورداری از معافیت مالیاتی پیش بینی شود باز هم به دلیل مغایرت با قوانین مالیاتی قابل ابطال است. اما امکان دارد مقرر شود سود سهام ممتاز به طور خالص پرداخت و مالیات آن به سهام غیر ممتاز تحمیل شود. بنابراین علی رغم عدم درج حصر و قیدی برای امتیازات سهام ممتاز در قانون، همواره مقید بودن به اصول کلی، مواد آمره قانون تجارت و سایر قوانین آمره ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

معمولاً سهام شرکت به چند گروه تقسیم و برای هر یک از گروه ها ویژگی های خاصی تعریف می شود. به طور مثال دارندگان سهام "الف" در مجامع عمومی حق رای دو برابر سایرین خواهند داشت و دارندگان سهام گروه "ب" کاندیداهای عضویت در هیات مدیره را به مجمع عمومی معرفی خواهند کرد. با توجه به اینکه معنی در قانون از این حیث پیش بینی نشده، ایرادی بر این گونه گروه بندی نیست و شرکت ها حسب مورد می توانند با تفکیک انواع سهام، حقوق و مزایای ویژه ای برای هر یک مد نظر قرار دهند.

• ویژگی انتقال سهام ممتاز

در بعضی موارد برای شخص خاصی بنا به ویژگی های فردی او امتیازات منظور می شود. مثلاً جهت جذب فردی با دانش فنی و یا داشتن اختراع موثر در فعالیت و سوددهی شرکت، سهام وی را ممتاز و امتیاز آن را عدم پرداخت وجه سهام و دریافت سود آن زودتر از سایرین قرار می دهند. به عبارت دیگر دلیل ترتیب دادن سهام ممتاز در شخصیت فرد دارنده آن است در حالی که امتیاز پرداختن وجه سهام یا دریافت سود سهم زودتر از سایرین ناظر به برگه سهام خواهد بود.

بنابراین یکی از اشکالات این است که با انتقال قهری و یا اختیاری سهم دلیل ترتیب دادن سهام ممتاز از بین می رود و هیچ توجیهی برای بقای امتیاز سهام در صورت تغییر دارنده آن وجود ندارد.

در چنین مواردی معمولاً در اساسنامه ماده ای پیش بینی می شود که در صورت انتقال قهری و یا اختیاری سهام ممتاز، امتیاز این سهام خود به خود از بین رفته و تبدیل به سهام عادی خواهد شد.

به این ترتیب باید جزئیات امتیاز سهام ممتاز در اساسنامه و اظهارنامه شرکت با تصریح به نحوه انتقال، ارزیابی و از بین رفتن امتیاز این گونه سهام به وضوح در اساسنامه ها قید شود.

^{۴۷} ماده ۴۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: هر شرکت سهامی می تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات اینگونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به طور وضوح تعیین گردد. هر گونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه یک اینگونه سهام انجام گیرد.



۳) سهام مؤسس^{۴۸} : سهمی است که صاحبان آن یعنی موسسین به دلیل ارائه خدمات در زمان تاسیس شرکت از مزایایی چون منافع بیشتر یا بهره مندی از قسمتی از دارایی اضافه بر سرمایه باقی مانده شرکت در حین تصفیه برخوردار می شوند.^{۴۹}

^{۴۸} اگرچه قانون صراحتاً این سهم را قید نکرده اما در بند ۷ ماده ۹ لایحه در طرح اعلامیه پذیره نویسی، به این گونه سهام اشاره شده است. این سهم، مزیت قایب نقل و انتقالی است که صاحب آن به دلیل ارائه خدمت در تاسیس شرکت از قسمتی از منافع شرکت سود می برد و یا اینکه در هنگام تصفیه شرکت از قسمتی از دارایی اضافه بر سرمایه خود بهره مند می شود. به عنوان مثال می توان پیش بینی نمود موسسین دو برابر دیگران سود ببرند. البته به عقیده برخی در حقوق ما سهام مؤسس پیش بینی نشده است.

گزارش توجیهی سهام مؤسس، توسط موسسین تنظیم و به مجمع عمومی مؤسس تقدیم می شود. تصویب سهام مؤسس با مجمع عمومی مؤسس می باشد. به موجب ماده ۹۳ لایحه قانون تجارت، " در هر موقعی که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد، تصمیم مجمع، قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان اینگونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان اقل نصف اینگونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم، حضور دارندگان اقل یک سوم اینگونه سهامی کافی خواهد بود. تصمیمات همواره به اکثریت دو سوم آرا معتبر خواهد بود."

مثلاً اگر دارندگان سهام مؤسس بخواهند مزایای خود را افزایش دهند و اعلام کنند پس از انحلال شرکت به جای ۱۰ درصد، ۲۰ درصد از دارایی شرکت متعلق به ما خواهد بود، باید ابتدا صاحبان سهام مؤسس در جلسه ای تصمیم به تغییر مزایا را تصویب کنند. در دعوت اول، دارندگان حداقل نصف سهام مؤسس و در دعوت دوم، دارندگان حداقل یک سوم سهام مؤسس باید حاضر شوند و تصمیمات نیز با اکثریت دو سوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر است. پس از آن مجمع عمومی فوق العاده دعوت و این مجمع تصمیم دارندگان سهام مؤسس را رد یا تایید می کند.

^{۴۹} ماده ۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱) نام شرکت
- ۲) موضوع شرکت و نوع فعالیتهایی که شرکت بمنظور آن تشکیل می شود.
- ۳) مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تأسیس شعبه مورد نظر باشد.
- ۴) مدت شرکت.
- ۵) هویت کامل و اقامتگاه و شغل مؤسسین، در صورتی که تمام یا بعضی از مؤسسین در امور مربوط بموضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاری داشته باشند ذکر آن به اختصار.
- ۶) مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیر نقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیر نقد اطلاع حاصل نمود.
- ۷) در صورتی که مؤسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل.
- ۸) تعیین مقداری از سرمایه که مؤسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده اند.
- ۹) ذکر هزینه هایی که مؤسسین تا آنموقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده اند و برآوردهزینه های لازم تا شروع فعالیتهای شرکت.
- ۱۰) در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه نامه یا موافقت اصولی آن مراجع.
- ۱۱) ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید توسط پذیره نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره نویسی نقداً پرداخت گردد.
- ۱۲) ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذیعلاقه می توانند برای پذیره نویسی و پرداخت مبلغ نقدی ببانک مراجعه کنند.
- ۱۳) تصریح باینکه اظهارنامه مؤسسین بانضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقمندان بمرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است.
- ۱۴) ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس منحصرأ در آن منتشر خواهد شد.
- ۱۵) چگونگی تخصیص سهام به پذیره نویسان.



۴) سهام جایزه^{۵۰}: سهمی است که در ازاء اضافه ارزش سهم از سهامداران جدید دریافت و به سهامدارانی که از قبل سهامدار شرکت بوده اند اختصاص داده میشود. (حق امتیاز سهام)

سهام جایزه در واقع سهامی است که شرکت پس از تصویب افزایش سرمایه به روش‌های فوق در مجمع عمومی فوق‌العاده، به سهامداران فعلی خود تخصیص می‌دهد. از آنجا که به سهامداران بدون اینکه مبلغی را پرداخت کنند، سهام جدید تخصیص پیدا می‌کند، به آن «سهام جایزه» گفته می‌شود.

۵- حقوق مربوط به سهام

الف- حقوق مالی

۱- حق شرکت در منافع شرکت

۲- حق تقدم در خرید سهام جدید

۳- حق تصرف مالکانه در سهام

۵۰. قیمت سهم پس از افزایش سرمایه چگونه تعیین می‌شود؟
پس از افزایش سرمایه به روش‌های فوق، قیمت هر سهم متناسب با تعداد سهام جایزه، به گونه‌ای تعدیل می‌شود که ارزش دارایی سهامداران ثابت بماند. بر همین اساس، قیمت تئوریک هر سهم پس از افزایش سرمایه و تعداد سهم هر سهامدار را می‌توان با توجه به فرمول‌های زیر تعیین کرد:

$$\text{قیمت پایانی هر سهم پیش از افزایش سرمایه} = \frac{\text{قیمت جدید هر سهم}}{\text{درصد افزایش سرمایه} + 1}$$

$$\text{درصد افزایش سرمایه} + 1 = \text{تعداد سهام اولیه} \times \text{تعداد سهام بعد از افزایش سرمایه}$$

برای درک بهتر نحوه محاسبه قیمت و تعداد سهام جایزه، به مثال زیر توجه کنید:
فرض کنید قیمت سهام یک شرکت قبل از افزایش سرمایه ۴۰۰۰ تومان باشد و شرکت از محل سود انباشته ۱۰۰ درصد افزایش سرمایه دهد. در این صورت قیمت پایانی سهام شرکت پس از افزایش سرمایه، برابر است با
 $2000 = 4000 / 2 = \text{قیمت جدید سهام شرکت}$

۴- حق دریافت مبلغ اسمی سهم پس از تصفیه

۵- حق اطلاع از حساب شرکت

۶- حق اقامه دعوا

۷- بدون رضایت او نمی توان او را از شرکت اخراج کرد مگر به حکم قانون

ب- حقوق غیر مالی

۱- حق عضویت در شرکت

۲- حق رای

۳- هر کس به نسبت سهامی که دارد حق رای دارد مگر اینکه سهام ممتاز داشته باشد.



گفتار هفتم : شرکت های تعاونی

بند اول : تعریف

در قانون قبل در ماده ۱ قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۳۴ مصوب ۱۱/۰۵/۱۳۳۴: شرکت تعاونی شرکتی است که برای مدت نامحدود بمنظور رفع احتیاجات مشترک شرکاء و بهبود وضع مادی و اجتماعی آنان برای یک یا چند منظور ذیل تشکیل میشود:

انجام خدمات عمومی و هرگونه فعالیت مربوط بتولید محصولات کشاورزی و صنعتی - تهیه و طبقه بندی - نگاهداری - تبدیل و فروش محصولات مزبور - تهیه توزیع هر نوع کالا و لوازم مورد نیاز زندگی و حرفه ای آنان تحصیل وام و اعتبار برای شرکاء - اقدام بعملیات ساختمانی و ایجاد مسکن - بیمه محصولات و حیوانات - قبولی نمایندگی موسسات و کارخانجات وابسته بفعالیتهای مذکور در فوق - خرید سهم الشرکه شرکتهای مشابه و امثال منظورهای مذکور.

تبصره) تعداد اعضاء (شرکاء) شرکتهای تعاونی از هفت نفر نباید کمتر باشند.

در ماده ۲ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۶ چنین آمده : شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندیهای مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی شرکاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس اندازی موافق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می شود.^{۵۱}

نتیجه : فلذا می توان گفت : شرکت تعاونی، شرکتی است از اشخاص حقیقی و حقوقی که به منظور رفع نیازمندیهای مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می شود. تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از ۷ نفر کمتر باشد.

^{۵۱} ماده ۲ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۶: شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندیهای مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی شرکاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس اندازی موافق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می شود.

تبصره - تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از ۷ عضو کمتر باشد.



بند دوم : انواع شرکت تعاونی

در قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۶ خرداد سال ۱۳۵۰، ۹ نوع شرکت تعاونی پیش‌بینی شده‌اند.

- شرکت‌های تعاونی کشاورزی روستایی
- شرکت‌های تعاونی صیادان
- شرکت‌های تعاونی مصرف‌کنندگان
- شرکت‌های تعاونی مسکن
- شرکت‌های تعاونی اعتبار
- شرکت‌های تعاونی آموزشگاه‌ها
- شرکت تعاونی کار
- شرکت‌های تعاونی صاحبان حرفه‌ها و صنایع دستی
- شرکت‌های تعاونی صنایع کوچک و تهیه و توزیع و صاحبان مشاغل آزاد

توجه داشته باشید که در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شرکت‌های عنوان شده در بالا، «شرکت‌های تعاونی متعارف» نامیده می‌شوند. علاوه بر شرکت‌های تعاونی متعارف، دو نوع شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت تعاونی فراگیر ملی نیز تعریف شده‌اند.

شرکت تعاونی فراگیر ملی نوعی تعاونی است که جهت کاهش فقر از سه دهک پایین درآمدی تشکیل می‌شود. سایر افراد نیز امکان عضویت در این شرکت‌ها را دارند اما در زمان تشکیل باید حداقل ۷۰ درصد اعضای آن از ۳ دهک پایین جامعه باشند.

هدف شرکت‌های تعاونی سهامی عام و شرکت‌های تعاونی فراگیر ملی، خصوصی‌سازی و کاستن از فاصله دهک‌های پایین است. شرکت تعاونی سهامی عام مشمول مقررات سهامی عام و تعاونی فراگیر ملی مطابق اساسنامه می‌تواند ساختار تعاونی یا سهامی عام را داشته باشد.



انواع شرکت تعاونی بر اساس عضویت

شرکت‌های تعاونی را می‌توان از لحاظ عضویت به دو دسته زیر تقسیم کرد.

شرکت تعاونی عام

شرکت تعاونی خاص

شرکت تعاونی عام

عضویت در شرکت تعاونی عام برای همه آزاد است و موسسان شرکت باید جهت تامین قسمتی از سرمایه اولیه یا افزایش سرمایه شرکت، سهام آن را به صورت عمومی عرضه کنند.

شرکت تعاونی خاص

عضویت در این شرکت، منحصرأً برای گروهی خاص مانند کارمندان، کارگران، دانشجویان، زنان، کشاورزان، ایثارگران، مشاغل خاص و مواردی مشابه، امکان‌پذیر است. توجه داشته باشید که تعاونی باید متقاضیان دارای شرایط را به عضویت بپذیرد.

انواع شرکت تعاونی براساس رشته تعاونی

انواع شرکت‌های تعاونی در ۳ رشته تعاونی به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شوند.

رشته کشاورزی: شامل تعاونی‌های کشاورزی و روستایی

رشته مصرف: شامل تعاونی‌های مصرف‌کنندگان، مسکن

رشته کار و پیشه: شامل تعاونی‌های کار، تعاونی‌های حرف و صنایع دستی، تعاونی‌های صنایع کوچک،

تعاونی‌های تهیه و توزیع، تعاونی‌های مشاغل آزاد و تعاونی‌های صیادان^{۵۲}

^{۵۲} ماده ۱۸ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - انواع شرکتهای تعاونی در سه رشته تعاونی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱ - رشته کشاورزی: شامل تعاونیهای کشاورزی و روستایی.

۲ - رشته مصرف: شامل تعاونیهای مصرف‌کنندگان - مسکن - اعتبار و آموزشگاه‌ها.



بند سوم : سرمایه در شرکت های تعاونی

تعیین میزان سرمایه و ارزش سهام در شرکت های تعاونی برعهده هیئت موسس تعاونی است و مقدار آن در اساسنامه مشخص می شود. تعاونی زمانی تشکیل و ثبت می شود که حداقل یک سوم سرمایه آن پرداخت و در صورت غیرنقدی بودن آورده، کالا تحویل داده شود. سرمایه شرکت تعاونی نامحدود است و سهام هر فرد با میزان سرمایه آورده یا تعهد شده توسط او رابطه مستقیم دارد.

۱- حداقل سرمایه

حداقل سرمایه اولیه در شرکت های تعاونی عام ۱۰ میلیون تومان و شرکت سهامی خاص، ۱ میلیون تومان است.

۲- افزایش سرمایه

افزایش سرمایه در شرکت تعاونی از طریق خرید سهام بوسیله اعضای جدید یا افزایش تعداد سهام اعضای قبلی، انجام می شود. مطابق ماده ۱۱، میزان سهام یک عضو، نباید از یک هفتم کل سرمایه شرکت، بیشتر باشد.^{۵۳} انتقال سهام شرکت تعاونی به غیر عضو، امکان پذیر نیست.^{۵۴}

۳- تامین سرمایه در شرکت های تعاونی

در شرکت های تعاونی، تمام یا حداقل ۵۱ درصد سرمایه به وسیله اعضا در اختیار شرکت تعاونی قرار می گیرد. همچنین، نهادهای عمومی زیر می توانند (بدون عضویت) از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگری از قبیل مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، اجاره به شرط تملیک، بیع شرط، فروش اقساطی و صلح در تامین و یا افزایش سرمایه شرکت های تعاونی کمک نمایند.

۳- رشته کار و پیشه: شامل تعاونیهای کار - صاحبان حرف و صنایع دستی صاحبان صنایع کوچک و کسبه و صاحبان مشاغل آزاد - صیادان.

تبصره - هر یک از انواع شرکت های تعاونی در رشته های مصرف و کار و پیشه که با عضویت کارگران صنایع و خدمات و حرف تشکیل شده باشد و اعضاء شرکت نزد سازمان بیمه های اجتماعی بیمه باشند شرکت تعاونی کارگری از همان نوع خوانده می شود.

^{۵۳} ماده ۱۱ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - میزان سهام هر عضو را می توان در اساسنامه به نسبت امکان معاملات او با شرکت تعیین نمود و در هر حال میزان سهام یک عضو نباید از یک هفتم کل سرمایه تجاوز کند.

تبصره - به موجب اساسنامه می توان پرداخت بهای سهام خریداری شده هر عضو را به استثنای نخستین سهم خریداری از شرکت که نقدی است به اقساط با مدت معین که هر قسط از یک دهم مبلغ تعهدی کمتر نباشد مجاز دانست در این صورت پرداخت سود سهام به نسبت مبلغ پرداختی و مازاد برگشتی از بابت معاملات عضو که موافق مقررات این قانون از تاریخ عضویت تعلق می گیرد موکول است به تصفیه تمام اقساط تعهدی او بابت سهام خریداری: **نایب گاه خیری**

^{۵۴} ماده ۱۲ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - انتقال سهام شرکت تعاونی به غیر عضو شرکت مجاز نیست.

- وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها
- شرکت‌های دولتی وابسته به دولت
- شرکت‌های تحت پوشش دولت
- بانک‌ها، شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی کشوری

بند چهارم : سهام^{۵۵}

۱- حداقل ارزش اسمی سهم

مطابق با تبصره ۱ ماده ۴ قانون تعاون، حداقل ارزش اسمی سهم در تعاونی عام برابر ۱۰ هزار تومان و در تعاونی‌های خاص برابر ۳۰ هزار تومان است. در تعاونی‌های مسکن، حداقل ارزش اسمی هر سهم برابر ۶۰۰ هزار تومان است. اعضای تعاونی باید مبلغ تعهدشده سهم را در مدت تعیین شده توسط اساسنامه، پرداخت کنند. این مدت نباید بیشتر از دو سال باشد.

۲- محدودیت‌های خریداری حداکثر سهام

حداکثر سهم هر شخص حقیقی در زمان تاسیس و در طول فعالیت شرکت تعاونی سهامی عام نباید از ۵/۰ درصد سرمایه شرکت، بیشتر باشد و شرکت تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی سهامی عام، حداکثر حق مالکیت ۱۰ درصد سهام را دارند.

۳- انتقال سهام در شرکت های تعاونی

در شرکت‌های تعاونی سهامی عام، سهم‌ها بانام هستند و تملک و انتقال این سهام نیازمند به ثبت در دفتر سهام شرکت و رعایت سقف مالکیت سهام مقرر در اساسنامه به تشخیص هیئت مدیره است که نباید بیشتر از سقف مقرر باشد.

۴- حداقل و حداکثر تعداد سهم

در اساسنامه تعاونی، حداقل تعداد سهم هر عضو تعیین شده است. حداکثر تعداد سهم هر عضو، معادل ۳۰ درصد کل سرمایه تعاونی خواهد بود.

^{۵۵} ماده ۳ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - عضویت در شرکت تعاونی برای تمام اشخاصی که محل عملیات یا سکونت آنها در حوزه عمل شرکت باشد و به تمام یا قسمتی از خدمات شرکت احتیاج داشته باشند آزاد است.

ماده ۴ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - شرط عضویت در شرکت تعاونی خرید و پرداخت تمام بهای لاقبل یک سهم می باشد.



بند پنجم : هیئت مدیره^{۵۶} در شرکت تعاونی

۱- تعداد اعضای هیات مدیره و مدت عضویت

اعضای هیئت مدیره در شرکت تعاونی برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آن‌ها تنها برای یک دوره بلامانع است. اداره امور تعاونی مطابق اساسنامه، بر عهده هیئت مدیره‌ای مرکب از حداقل ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضا اصلی، علی‌البدل می‌باشند که از میان اعضا به صورت مخفی و برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شوند.

۵۶. ماده ۱۷ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - شرکت تعاونی دارای ارکان زیر است:

۱ - مجمع عمومی.

۲ - هیأت مدیره.

۳ - بازرس یا بازرسان

فصل پنجم - هیأت مدیره

ماده ۳۹ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - اداره امور شرکت طبق اساسنامه بر عهده هیأت مدیره‌ای مرکب از حداقل سه نفر به عنوان عضو اصلی و حداقل یک نفر به عنوان عضو علی‌البدل خواهد بود که در مجمع عمومی عادی از میان اعضای شرکت با رأی مخفی و برای حداکثر مدت سه سال انتخاب می‌شوند. تجدید انتخاب هر یک از اعضای هیأت مدیره بلامانع است.

تبصره ۱ - در صورت استعفا - فوت - ترک عضویت و یا ممنوعیت قانونی که مانع از انجام وظیفه هر یک از اعضا اصلی بشود یکی از اعضا علی‌البدل برای بقیه مدت مقرر به جانشینی وی در جلسات هیأت مدیره دعوت می‌شود.

تبصره ۲ - در صورت استعفای دسته‌جمعی هیأت مدیره مجمع عمومی به تقاضای هر یک از اعضای مستعفی و یا اعضای علی‌البدل و یا بازرس یا بازرسان یا یک پنجم اعضای شرکت یا وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکتهای تعاونی کارگری) برای انتخاب هیأت مدیره جدید دعوت می‌شود.

تبصره ۳ - در صورتی که به علل استعفا - فوت و یا ممنوعیت قانونی، هیأت مدیره از اکثریت مقرر در اساسنامه برای اداره امور شرکت خارج گردد مجمع عمومی دعوت خواهد شد تا نسبت به تکمیل اعضای هیأت مدیره اقدام کند.

تبصره ۴ - در فاصله مدت لازم برای انتخاب و تکمیل اعضای هیأت مدیره برای اداره امور جاری شرکت با نظر وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکتهای تعاونی کارگری) برای جانشینی اشخاصی که به یکی از علل فوق در هیأت مدیره شرکت نمی‌کنند از میان اعضای شرکت تعداد لازم موقتاً انتخاب خواهد شد. مسئولیت اعضای هیأت مدیره که بدین نحو موقتاً انتخاب می‌شوند عیناً همان مسئولیتهایی است که برای هیأت مدیره در این فصل پیش‌بینی شده است.

ماده ۴۰ - هیأت مدیره از بین خود یک رییس و یک نایب رییس و یک منشی خواهد کرد.

تبصره - تصمیمات هیأت مدیره در دفتری به نام دفتر صورت جلسات هیأت مدیره ثبت می‌گردد و به امضای اعضای هیأت مدیره حاضر در هر جلسه می‌رسد. ماده ۴۱ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - تصمیمات هیأت مدیره در جلساتی که با اکثریت اعضای هیأت مدیره به دعوت رییس یا نایب رییس یا مدیر عامل تشکیل می‌گردد اتخاذ می‌شود.

برای اتخاذ تصمیم، رأی اکثریت اعضای حاضر در جلسه ضروری است.

ماده ۴۲ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - خدمات هیأت مدیره در شرکت افتخاری و بلاعوض است.

ماده ۴۳ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - نخستین هیأت مدیره شرکت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ جلسه مجمع مؤسس پایگاه خبری
اقتصاد

هیئت مدیره شرکت تعاونی حداقل از ۳ عضو اصلی تشکیل شده است. هیئت مدیره از بین اعضای خود، یک رئیس، یک نایب رئیس و یک منشی انتخاب می‌کند.

۲- شرایط عضویت در هیات مدیره

داوطلبان عضویت در هیئت مدیره علاوه بر دارا بودن شرایط قانونی عضویت در تعاونی، باید مدارک عنوان شده را حداکثر ۵ روز پس از صدور دعوتنامه مجمع عمومی عادی، به هیئت موسس تحویل دهند.

کارکنان دولتی شاغل (غیربازنشسته) نمی‌توانند منصب هیئت مدیره و مدیر عاملی را در شرکت‌های تعاونی بپذیرند. این امکان در تعاونی‌های خاص کارکنان ادارات و سازمان‌های دولتی وجود دارد.

۳- مدارک لازم جهت عضویت در هیئت مدیره

- تقاضای عضویت در هیئت مدیره
- گواهی پایان خدمت نظام وظیف عمومی یا معافیت
- برگه عدم سوء پیشینه
- آخرین مدرک تحصیلی و گواهی سوابق تجربی یا آموزشی دلالت‌کننده بر توانایی داوطلب در اداره تعاونی



بند ششم : تشکیل شرکت تعاونی^{۵۷}

تشکیل تمام شرکت‌ها نیازمند تعهد، تسلیم و پرداخت تمام سرمایه هستند اما شرکت‌های تعاونی، سهامی و مختلط سهامی می‌توانند ۳/۱ این مبلغ را به صورت نقدی پرداخت کنند. این شرکت‌ها با رعایت شرایط عمومی و مطابق قانون تعاون تشکیل می‌شوند. پرداختن به مراحل زیر جهت تشکیل شرکت‌های تعاونی، ضروری است.

- تهیه طرح موضوع و تصویب آن
- تهیه اساسنامه شرکت
- صورت جلسه هیئت مؤسس مشخص کننده اسامی اعضا، هیئت مدیره و بازرس
- درخواست کتبی ثبت
- مجوز وزارت تعاون
- گواهی پرداخت مبالغ لازم

^{۵۷} فصل سوم - تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی

ماده ۱۹ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - شرکت تعاونی طبق تصمیم مجمع عمومی مؤسس تشکیل می‌گردد. در مجمع مذکور اساسنامه شرکت مطرح و با اکثریت حداقل دو سوم اعضاء حاضر در جلسه به تصویب می‌رسد و همچنین اولین هیئت مدیره و بازرس یا بازرسان شرکت به اکثریت نسبی اعضاء حاضر انتخاب و مأموریت ثبت شرکت به هیئت مدیره‌ای که قبولی خود را کتباً اعلام کرده باشند داده می‌شود.

تبصره - در جلسات مجمع مؤسس تعداد اعضاء موافق با اساسنامه نباید کمتر از ۷ باشد.

ماده ۲۰ - آن عده از داوطلبان تشکیل شرکت که با مصوبات مجمع مؤسس موافق نباشد حق استرداد تقاضای عضویت خود و مبالغی را که برای خرید سهم یا سهام پرداخته‌اند دارند.

در این صورت سرمایه شرکت تعاونی به مبلغی پس از کسر وجوه سهام اینگونه اشخاص که بدون رعایت مفاد ماده ۶ این قانون باید فوراً مسترد شود به ثبت خواهد رسید.

ماده ۲۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - اساسنامه و نام اعضای مؤسس و هیئت مدیره و بازرس یا بازرسان و مدیر عامل همچنین هر گونه تغییرات بعدی در شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی با رعایت تشریفات مقرر در این قانون و تأیید نماینده وزارت تعاون و امور روستاها در اداره ثبت مرکز اصلی شرکت یا اتحادیه به ثبت می‌رسد. در مورد شرکتهای تعاونی کارگری ثبت شرکت با تأیید وزارت کار و امور اجتماعی انجام خواهد شد و آن وزارت باید مراتب را کتباً به اطلاع وزارت تعاون و امور روستاها برساند.



نکات تشکیل شرکت های تعاونی

- حداقل سرمایه قانونی که در شرکت های تعاونی مشخص شده است. همه شرکت ها باید حداقل سرمایه قراردادی نیز داشته باشند که در شرکت های سهامی و تعاونی این میزان نباید از حداقل قانونی کمتر باشد.
- در شرکت های تعاونی تشکیل شده برای کارمندان، کارمندان دولت می توانند مدیر نیز باشند. در شرکت های تعاونی مدیران باید حتماً از میان اعضای شرکت انتخاب شوند.
- صرف نظر از تشکیل مجامع عمومی، اداره شرکت تعاونی بر عهده هیئت مدیره است.
- حداقل سرمایه قانونی که در شرکت های تعاونی مشخص شده است. همه شرکت ها باید حداقل سرمایه قراردادی نیز داشته باشند که در شرکت های سهامی و تعاونی این میزان نباید از حداقل قانونی کمتر باشد.
- در شرکت های تعاونی تشکیل شده برای کارمندان، کارمندان دولت می توانند مدیر نیز باشند. در شرکت های تعاونی مدیران باید حتماً از میان اعضای شرکت انتخاب شوند.
- صرف نظر از تشکیل مجامع عمومی، اداره شرکت تعاونی بر عهده هیئت مدیره است.

هیئت موسس در شرکت های تعاونی

هیئت موسس عبارت است از عده‌ای از افراد واجد شرایط عضویت تاسیس‌کننده تعاونی.

وظایف هیئت موسس در شرکت های تعاونی

در ادامه، به مهم‌ترین وظایف هیئت موسس در شرکت‌های تعاونی اشاره می‌کنیم:

- تهیه و پیشنهاد اساسنامه طبق قانون و مقررات
- دعوت به عضویت افراد واجد شرایط
- تشکیل اولین مجمع عمومی عادی جهت تصویب و ثبت اساسنامه و تعیین هیئت مدیره و سایر وظایف مجمع عمومی عادی

در شرکت‌های تعاونی، دعوت از مجامع عمومی و اعلام تصمیمات آن‌ها از طریق روزنامه‌های پرتیراژ، پست سفارشی یا دیگر انواع روش‌های قابل اثبات پیش‌بینی‌شده مطابق اساسنامه، انجام می‌شود. پس از انتخاب هیئت مدیره، وظایف هیئت موسس به پایان می‌رسد.^{۵۸}

^{۵۸} ماده ۱۹ قانون شرکت های تعاونی ۱۳۵۰ - شرکت تعاونی طبق تصمیم مجمع عمومی مؤسس تشکیل می‌گردد. در مجمع مذکور اساسنامه شرکت مطرح و با اکثریت حداقل دو سوم اعضاء حاضر در جلسه به تصویب می‌رسد و همچنین اولین هیأت مدیره و بازرسی یا بازرسان شرکت به اکثریت نسبی اعضاء حاضر انتخاب و مأموریت ثبت شرکت به هیأت مدیره‌ای که قبولی خود را کتباً اعلام کرده باشند داده می‌شود.

تبصره - در جلسات مجمع مؤسس تعداد اعضاء موافق با اساسنامه نباید کمتر از ۷ باشد.

ماده ۲۰ قانون شرکت های تعاونی ۱۳۵۰ - آن عده از داوطلبان تشکیل شرکت که با مصوبات مجمع مؤسس موافق نباشد حق استرداد تقاضای عضویت خود و مبالغی را که برای خرید سهم یا سهام پرداخته‌اند دارند. در این صورت سرمایه شرکت تعاونی به مبلغی پس از کسر وجوه سهام اینگونه اشخاص که بدون رعایت مفاد ماده ۶ این قانون باید فوراً مسترد شود به ثبت خواهد رسید.

ماده ۲۱ قانون شرکت های تعاونی ۱۳۵۰ - اساسنامه و نام اعضای مؤسس و هیأت مدیره و بازرسی یا بازرسان و مدیر عامل همچنین هر گونه تغییرات بعدی در شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی با رعایت تشریفات مقرر در این قانون و تأیید نماینده وزارت تعاون و امور روستاها در اداره ثبت مرکز اصلی شرکت یا اتحادیه به ثبت می‌رسد. در مورد شرکتهای تعاونی کارگری ثبت شرکت با تأیید وزارت کار و امور اجتماعی انجام خواهد شد و آن وزارت باید مراتب را کتباً به اطلاع وزارت تعاون و امور روستاها برساند.



بند هفتم : مجمع عمومی در شرکت تعاونی^{۵۹}

مجمع عمومی مطابق ماده ۳۰، بالاترین مرجع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی به شمار می‌رود. مجمع عمومی شرکت‌های تعاونی از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها به صورت عادی و فوق‌العاده تشکیل می‌شود. در شرکت‌های تعاونی، هر عضوی بدون در نظر گرفتن میزان سهم تنها دارای یک رای است.

در شرکت‌های تعاونی هر یک از سازمان‌های عمومی مشارکت‌کننده در تعاونی، می‌توانند نماینده‌ای جهت نظارت و بازرسی در تعاونی و شرکت در جلسات مجمع عمومی و هیئت مدیره به‌عنوان ناظر، داشته باشند.

۵۹

فصل چهارم - مجمع عمومی:

ماده ۲۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی با تصمیم اکثریت اعضای هیئت مدیره، یا بر اساس درخواست مقامات، یا اشخاص زیر به وسیله هیئت مدیره دعوت به تشکیل می‌شود:

۱ - بازرسی یا اکثریت بازرسان.

۲ - یک پنجم اعضای شرکت.

۳ - وزارت تعاون و امور روستاها.

۴ - وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری.

تبصره - در صورت استنکاف هیئت مدیره از دعوت تشکیل مجمع عمومی وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) می‌تواند مستقیماً مجمع عمومی را برای موضوع یا موضوعاتی که مورد نظر است دعوت کند.

ماده ۲۷ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - دعوت مجامع عمومی با قید دستور و روز و ساعت و محل تشکیل آن باید حداقل پانزده روز قبل از تشکیل جلسه به وسیله انتشار آگهی در جراید محلی و یا الصاق آگهی در مراکز و معابر حوزه عمل و محل کار شرکت و یا دعوتنامه کتبی انجام گیرد.

تبصره - تجدید دعوت تشکیل مجمع عمومی نباید بیش از ۱۰ روز از تاریخ مقرر برای جلسه‌ای که تشکیل نشده است به طول انجامد.

ماده ۲۸ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - جلسه مجمع عمومی را رئیس هیئت مدیره و در غیاب او یکی از اعضای هیئت مدیره افتتاح می‌کند. در جلسه مجمع ابتدا برای انتخاب یک رئیس و یک نایب رئیس، یک منشی و سه نفر ناظر از میان اعضا اقدام خواهد شد.

تبصره - مجمع عمومی که طبق مفاد تبصره ماده ۲۶ این قانون دعوت و تشکیل می‌شود به وسیله مسن‌ترین عضو حاضر در جلسه افتتاح خواهد شد.

ماده ۲۹ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - صورت جلسات مجامع عمومی و تصمیمات متخذ در آن توسط منشی مجمع در دفتر مخصوصی ثبت می‌شود و به امضای رئیس و منشی مجمع و نظار خواهد رسید و رونوشت آن به وسیله رئیس مجمع به هیئت مدیره ابلاغ می‌گردد.

تبصره - صورت جلسات مجامع عمومی به عنوان اسناد شرکت باید همواره عیناً در شرکت محفوظ بماند.

ماده ۳۰ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - هر یک از اعضای می‌تواند منتها ظرف پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی موضوع دیگری را غیر از

موضوعاتی که در دعوتنامه تشکیل مجمع قید شده است برای طرح در همان مجمع توسط مقامی که مجمع عمومی را دعوت کرده است پیشنهاد کند. مقام

دعوت‌کننده مجمع مکلف است پیشنهاد مربوط را در مجمع طرح کند تا در صورت تصویب در دستور قرار گیرد در غیر این صورت پیشنهاد طرح موضوع

جدید در جلسات مجمع از طرف هر یک از اعضای موکول است به موافقت رئیس مجمع و تصویب اکثریت اعضای حاضر در جلسه و در هر دو مورد اتخاذ

تصمیم درباره موضوع یا موضوعاتی که علاوه بر دستور جلسه آگهی شده به مجمع پیشنهاد می‌شود به جلسه بعدی که حداکثر ۲۵ روز بعد تشکیل می‌گردد موکول خواهد شد.

ماده ۳۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی شرکت تعاونی به سه صورت زیر تشکیل می‌شود:

۱ - مجمع عمومی مؤسس موضوع فصل سوم این قانون.

۲ - مجمع عمومی عادی.

۳ - مجمع عمومی فوق‌العاده.



۱- انواع مجمع عمومی

مجمع عمومی شرکت تعاونی به ۳ صورتی که در ادامه بیان شده، تشکیل می‌شود.

مجمع عمومی موسس

مجمع عمومی عادی

مجمع عمومی فوق العاده

۱-۱- مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی^{۶۰}

۶۰. ماده ۳۲ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰- مجمع عمومی عادی حداقل سالی یک بار ظرف شش ماه پس از پایان سال مالی شرکت تشکیل می‌شود و در موارد مقتضی می‌توان در هر موقع از سال مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده تشکیل داد.

ماده ۳۳ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر است:

- ۱ - انتخاب هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان و یا تغییر هر یک از آنها.
- ۲ - رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت پس از استماع گزارش هیأت مدیره و بازرسان.
- ۳ - اخذ تصمیم درباره گزارشها و پیشنهادهای حسابرسان بر اساس نتایج حسابرسی شرکت.
- ۴ - تعیین خط مشی و برنامه‌های شرکت و تصویب بودجه و تعیین ضوابط و معیارهای لازم برای حقوق و دستمزد و میزان تضمین ابوابجمعی مدیر عامل و کارکنان شرکت (بنا به پیشنهاد هیأت مدیره).
- ۵ - اخذ تصمیم نسبت به ذخایر و پرداخت سود سهام و مازاد درآمد و تقسیم آن طبق اساسنامه.
- ۶ - اتخاذ تصمیم درباره پیشنهادهای هیأت مدیره در مورد اعتبارات درخواستی و یا سرمایه‌گذاریهای شرکت.
- ۷ - تصویب آیین‌نامه‌های معاملات و سایر آیین‌نامه‌های داخلی شرکت.
- ۸ - اتخاذ تصمیم درباره شکایت عضوی که اخراج شده و یا کسی که درخواست عضویت او از طرف هیأت مدیره پذیرفته نشده است یا ارجاع امر به هیأتی مرکب از پنج نفر از اعضاء مجمع عمومی، تصمیم متخذه از طرف مجمع عمومی یا هیأت پنج نفری قطعی است.

تبصره - عضو اخراج شده حق دارد اعتراض خود را کتباً به وسیله بازرس یا بازرسان و یا در غیاب آنها از طریق نماینده وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکتهای تعاونی کارگری) اعلام دارد تا در نخستین مجمع عمومی مطرح گردد و در این صورت می‌تواند برای دادن توضیحات لازم بدون داشتن حق رأی در مجمع شرکت نماید.

- ۹ - تصویب تغییرات سرمایه در دوره مالی قبل همچنین تعیین مبلغی که بابت باز پرداخت سهام اعضاء سابق در دوره مالی بعد باید پرداخت شود.
- ۱۰ - اتخاذ تصمیم درباره عضویت شرکت در شرکتهای و اتحادیه‌های تعاونی و میزان سهام یا حق عضویت سالانه پرداختی به اتحادیه طبق موازین این قانون.
- ۱۱ - رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره سایر اموری که به مجمع پیشنهاد می‌شود و منطبق با اساسنامه شرکت باشد.

ماده ۳۴ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی عادی با حضور حداقل نصف به علاوه یک اعضاء یا وکلای آنها رسمیت پیدا می‌کند و در صورت به دست نیامدن حدنصاب مذکور مجمع عمومی باید با رعایت مفاد تبصره ماده ۲۷ حداکثر برای ۱۵ روز بعد با همان دستور جلسه قبلی تجدید دعوت شود. جلسه دوم با عده حاضر که نباید از هفت نفر کمتر باشد رسمیت خواهد یافت. در صورت عدم تشکیل جلسه دوم هر ذیحقی می‌تواند برای رسیدگی به موضوع و یا انحلال شرکت به وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکتهای تعاونی کارگری) مراجعه نماید.

ماده ۳۵ - تصمیمات مجمع عمومی عادی با اکثریت اعضاء حاضر در مجمع اتخاذ می‌شود.

تبصره - در صورتی که در جلسه مجمع عمومی مذاکرات به اخذ تصمیم منتهی نشود جلسه به عنوان تنفس تعطیل می‌گردد و جلسه بعدی که منحصراً برای تعقیب مذاکرات و اتخاذ تصمیمی درباره دستور جلسه قبلی تشکیل می‌شود نباید از جلسه اول بیش از ۴۸ ساعت به طول انجامد.



این مجمع به صورت حداقل یکبار در سال در ۶ ماه پس از پایان سالی مالی شرکت، تشکیل می‌شود. مجمع عمومی عادی در شرکت‌های تعاونی با حضور نصف به علاوه ۱ اعضا یا وکلای اعضا، رسمیت پیدا می‌کند.

۱-۲- مجمع عمومی فوق‌العاده

مجمع عمومی فوق‌العاده همان‌طور که از نام آن‌ها می‌توان متوجه شد در مواردی اضطراری تشکیل می‌شوند و به صورت کلی، مجمع عمومی فوق‌العاده جهت رسیدگی و تصمیم‌گیری نسبت به تغییر اساسنامه، ادغام با شرکت دیگر و انحلال آن تشکیل می‌شود.^{۶۱}

۲- نکات مجمع عمومی در شرکت تعاونی

- در مجمع عمومی شرکت تعاونی، هر فرد فارغ از تعداد سهام خود تنها دارای یک رای است. هر فرد می‌تواند حق رای خود را با وکالت به دیگری منتقل کند اما هیچ عضوی نمی‌تواند علاوه بر حق رای خود، ۳ حق رای وکالتی نیز داشته باشد.
- مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی فرااستانی یا شرکت‌هایی با تعداد اعضای بالغ بر ۵۰۰ عضو و پراکنده در نقاط مختلف کشور می‌تواند به صورت دو مرحله‌ای برگزار شود.
- در مرحله اول، نمایندگان اعضای تعاونی در حوزه‌های مختلف شرکت تعیین و مجمع عمومی در مرحله دوم با حضور نمایندگان منتخب تشکیل می‌شود.

^{۶۱} ماده ۳۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی فوق‌العاده برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به موارد زیر تشکیل می‌شود:

۱- تغییر مواد اساسنامه.

۲- ادغام با شرکت دیگر.

۳- انحلال شرکت.

ماده ۳۷ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ - مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور حداقل سه چهارم اعضای شرکت و یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم حصول این حد نصاب با رعایت ماده ۳۴ آگهی دعوت مجمع با ذکر دستور و تاریخ تشکیل جلسه و نتیجه جلسه قبل منتشر می‌شود. این جلسه با حضور حداقل نصف به علاوه یک اعضا یا وکلای آنان رسمیت پیدا می‌کند و در صورت عدم حصول حد نصاب، مجمع برای بار سوم با همان ترتیب دعوت می‌شود. جلسه سوم مجمع با حضور اعضای حاضر که نباید از هفت نفر کمتر باشد رسمیت پیدا می‌کند. در صورت عدم تشکیل جلسه سوم هر ذیحقی می‌تواند برای رسیدگی به موضوع و انحلال شرکت به وزارت تعاون و امور روستاها (یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی کارگری) مراجعه نماید.

تبصره - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت سه چهارم اعضای حاضر در جلسه مجمع اتخاذ می‌گردد.

- چگونگی انتخاب نماینده یا نمایندگان در مرحله اول و حدود اختیارات و نحوه اعمال رای آنها در مرحله دوم مجمع عمومی بر اساس دستورالعمل ابلاغ شده از سوی وزارت تعاون خواهد بود.
- نحوه تشکیل مجمع عمومی مطابق با آیین‌نامه تهیه شده توسط وزارت تعاون خواهد بود. در صورتی که هیئت مدیره در زمان تعیین شده مجمع را برقرار نکند، وزارت تعاون خود شخصاً اقدام خواهد کرد.

بند هشتم : معافیت مالیاتی

بر اساس ماده ۱۱۱ قانون شرکت‌های تعاونی، درآمد شرکت‌های تعاونی روستایی متشکل از افراد ساکن حوزه عمل شرکت که به امر کشاورزی مباشرت مستقیم دارند، همچنین شرکت‌های تعاونی کارگری مصرف، مسکن و اعتبار و نیز اتحادیه‌های آن‌ها و نیز شرکت‌های تعاونی صنایع دستی و صیادان و آموزشگاه‌ها و اتحادیه‌های آن‌ها به طور کلی از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.



قانون

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ با اصلاحات بعدی

باب اول - تجار و معاملات تجاری

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

ماده ۲- معاملات تجاری از قرار ذیل است:

- 1- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- 2- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.
- 3- هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.
- 4- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این که برای رفع حوائج شخصی نباشد؛
- 5- تصدی به عملیات حراجی؛
- 6- تصدی به هر قسم نمایشگاههای عمومی؛
- 7- هر قسم عملیات صرافی و بانکی؛
- 8- معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیرتاجر باشد؛
- 9- عملیات بیمه بحری و غیربحری؛
- 10- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها؛

ماده ۳ - معاملات ذیل: به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود:

- 1- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها؛
- 2- کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجاری خود می نماید؛
- 3- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می نماید؛
- 4- کلیه معاملات شرکتهای تجاری؛

ماده ۴ - معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود.

ماده ۵ - کلیه معاملات تاجر، تجاری محسوب است مگر این که ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.



باب دوم - دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي

فصل اول - دفاتر تجارتي

ماده ۶ - هر تاجري به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یادفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد:

1- دفتر روزنامه؛

2- دفتر کل؛

3- دفتر دارایی؛

4- دفتر کپیه.

ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتي خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده ۸ - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹ - دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۱۰ - دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود، مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیه قبل از آن که در آن چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضاء مزبور لازم نیست، ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و به علاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است.

ماده ۱۲ - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم



صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه می نماید منگنه کند. لازم است کلیه اعدادحتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳ - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود، تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لاقلاً تا ده سال نگاه دارد.

ماده ۱۴ - دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود به کار می برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار، در امور تجاری، سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۵ - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم دویست تا ده هزار ریال جزای نقدی است. این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

فصل دوم - دفتر ثبت تجاری

ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند، کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الاً به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۱۷ - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظام نامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۸ - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الاً علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم می شود.

ماده ۱۹ - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.

باب سوم - شرکتهای تجاری

فصل اول - در اقسام مختلفه شرکتهای و قواعد راجع به آنها

ماده ۲۰ - شرکتهای تجاری بر هفت قسم است:

۱- شرکت سهامی؛

۲- شرکت با مسؤلیت محدود؛



3- شرکت تضامنی؛

4- شرکت مختلط غیرسهامی؛

5- شرکت مختلط سهامی؛

6- شرکت نسبی؛

7- شرکت تعاونی تولید و مصرف.

قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۴۷/۱۲/۲۴

مبحث اول - شرکتهای سهامی

بخش ۱ - تعریف و تشکیل شرکت سهامی

ماده ۱ - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسؤولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

ماده ۲ - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولو این که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

ماده ۳ - در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.

ماده ۴ - شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود:

نوع اول: شرکتهایی که مؤسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می کنند. این گونه شرکتهای سهامی عام نامیده می شوند.

نوع دوم: شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصرأ توسط مؤسسین تأمین گردیده است. این گونه شرکتهای سهامی خاص نامیده می شوند.

تبصره - در شرکتهای سهامی عام عبارت «شرکت سهامی عام» و در شرکتهای سهام خاص عبارت «شرکت سهامی خاص» باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت به طور روشن و خوانا قید شود.

ماده ۵ - در موقع تأسیس، سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکتهای سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد.

در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذی نفع می تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.



هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

ماده ۶ - برای تأسیس شرکتهای سهامی عام مؤسسين بايد اقلأً بيست درصد سرمايه شركت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها به دایره ثبت شرکتهای و در نقاطی که دایره ثبت شرکتهای وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين به صورت غیرنقد باشد بایدعین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند.

ماده ۷ - اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسين رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد:

1- نام شرکت؛

2- هویت کامل و اقامتگاه مؤسسين؛

3- موضوع شرکت؛

4- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک؛

5- تعداد سهام با نام و بی نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام؛

6- میزان تعهد هر یک از مؤسسين و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده‌است. در مورد آورده غیرنقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد اطلاع حاصل نمود؛

7- مرکز اصلی شرکت؛

8- مدت شرکت.

ماده ۸ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسين رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

1- نام شرکت؛

2- موضوع شرکت به طور صریح و منجز؛

3- مدت شرکت؛

4- مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد؛



- 5- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک؛
- 6- تعداد سهام بی نام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام؛
- 7- تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود؛
- 8- نحوه انتقال سهام با نام؛
- 9- طریقه تبدیل سهام با نام به سهام بی نام و بالعکس؛
- 10- در صورت پیش بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب آن؛
- 11- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت؛
- 12- مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی؛
- 13- مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها؛
- 14- طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی؛
- 15- تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می گردند؛
- 16- تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران؛
- 17- تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند؛
- 18- قید این که شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس؛
- 19- تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه؛
- 20- نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.
- 21- نحوه تغییر اساسنامه.

ماده ۹ - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- 1- نام شرکت؛
- 2- موضوع شرکت و نوع فعالیت هایی که شرکت به منظور آن تشکیل می شود؛
- 3- مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تأسیس شعبه مورد نظر باشد؛



4- مدت شرکت؛

5- هویت کامل و اقامتگاه و شغل مؤسسين، در صورتی که تمام یا بعضی از مؤسسين در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاربی داشته باشند ذکر آن به اختصار؛

6- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیرنقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیرنقد اطلاع حاصل نمود؛

7- در صورتی که مؤسسين مزایایی برای خود در نظر گرفته‌اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل؛

8- تعیین مقداری از سرمایه که مؤسسين تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند؛

9- ذکر هزینه‌هایی که مؤسسين تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده‌اند و برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت؛

10- در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آن مراجع؛

11- ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید توسط پذیره‌نویسی تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره‌نویسی نقداً پرداخت گردد؛

12- ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام‌مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی‌علاقه می‌توانند برای پذیره‌نویسی و پرداخت مبلغ نقدی به بانک مراجعه کنند؛

13- تصریح به این که اظهارنامه مؤسسين به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه به علاقه‌مندان به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است؛

14- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه‌بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس منحصرأ در آن منتشر خواهد شد.

15- چگونگی تخصیص سهام به پذیره‌نویسان.

ماده ۱۰ - مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی را صادر خواهد نمود.

ماده ۱۱ - اعلامیه پذیره‌نویسی باید توسط مؤسسين در جراید آگهی‌گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می‌گیرد در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود.

ماده ۱۲ - ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی معین شده است علاقه‌مندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقداً باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده ۱۳ - ورقه تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد:



1- نام و موضوع و مرکز اصلی و مدت شرکت؛

2- سرمایه شرکت؛

3- شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی و مرجع صدور آن؛

4- تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغی که از آن بابت نقداً در موقع پذیره‌نویسی باید پرداخت شود؛

5- نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره‌نویسان باید به آن حساب پرداخت شود؛

6- هویت و نشانی کامل پذیره‌نویس؛

7- قید این که پذیره‌نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام‌مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید.

ماده ۱۴ - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیره‌نویس یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک‌نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء بانک به پذیره‌نویس تسلیم می‌شود.

تبصره - در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاءکننده قید و مدرک سمت او اخذ و ضمیمه خواهد شد.

ماده ۱۵ - امضاء ورقه تعهد سهم، به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.

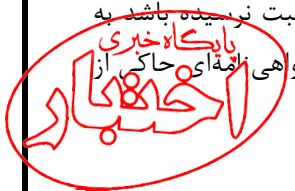
ماده ۱۶ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدید شده مؤسسين حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره‌نویسان رسیدگی و پس از احراز این که تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلأ سی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت خواهند نمود.

ماده ۱۷ - مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند؛ قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسؤولیتهای سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند. از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.

تبصره - هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه به وسیله مجمع عمومی مؤسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین می‌شود.

ماده ۱۸ - اساسنامه‌ای که به تصویب مجمع عمومی مؤسس رسیده به ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم خواهد شد.

ماده ۱۹ - در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هریک از مؤسسين یا پذیره‌نویسان مرجع ثبت شرکتها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی امضاء ای‌حاکم از



عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسين و پذيرهنويسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود.

ماده ۲۰ - برای تأسیس و ثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای کافی خواهد بود:

1- اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد؛

2- اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهی نامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیر نقد باشد، باید تمام آن تأدیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتاز وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد؛

3- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد؛

4- قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷؛

5- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد؛

تبصره - سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکتهای سهامی عام مقرر است در مورد شرکتهای سهامی خاص لازم‌الرعایه نخواهد بود.

ماده ۲۱ - شرکتهای سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برای پذیرهنویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر این که از مقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.

ماده ۲۲ - استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکتهای سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.

ماده ۲۳ - مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند مسؤولیت تضامنی دارند.

بخش ۲ - سهام

ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.



تبصره ۱ - سهم ممکن است با نام و یا بی نام باشد.

تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می شود.

ماده ۲۵ - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لااقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می شوند برسد.

ماده ۲۶ - در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود:

1- نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتهای؛

2- مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن؛

3- تعیین نوع سهم؛

4- مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد؛

5- تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است.

ماده ۲۷ - تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهی نامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهی نامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یک سال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهی نامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

ماده ۲۸ - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهی نامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف، امضاء کنندگان مسؤول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.

ماده ۲۹ - در شرکتهای سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

ماده ۳۰ - مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی نام یا گواهی نامه موقت بی نام ممنوع است به تعهدکننده این گونه سهام گواهی نامه موقت با نام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام با نام است.

ماده ۳۱ - در مورد صدور گواهی نامه موقت سهم، مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود.

ماده ۳۲ - مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.

ماده ۳۳ - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذی نفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.



تبصره - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض به عمل آید.

ماده ۳۴ - کسی که تعهد اکتیاع سهمی را نموده مسؤول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می باشد و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم، دارنده سهم مسؤول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.

ماده ۳۵ - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن منتشر می شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تأدیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیرکرد از قرار نرخ رسمی بهره به علاوه چهار درصد در سال به مبلغ تأدیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تأخیر آن تماماً پرداخت نشود شرکت این گونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق مزایده به فروش خواهد رسانید. از حاصل فروش سهم بدو اقلیه هزینه های مترتبه برداشت گردیده و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه ها و خسارت دیرکرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت می شود.

ماده ۳۶ - در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می شود. هرگاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهیهای مربوط به سهام اعم از اصل - خسارات - هزینه ها به شرکت پرداخت نشود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهی نامه موقت سهام با قید کلمه المثنی به نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهی نامه موقت سهام قبلی ابطال می شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می گردد.

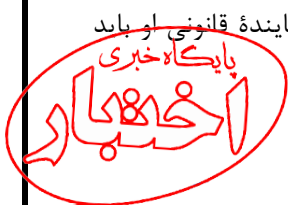
ماده ۳۷ - دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. بعلاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام، معلق خواهد ماند.

ماده ۳۸ - در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه ها به شرکت پرداخت نکنند مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند.

ماده ۳۹ - سهم بی نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این گونه سهام به قبض و اقباض به عمل می آید.

گواهی نامه موقت سهام بی نام در حکم سهام بی نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی نام می باشد.

ماده ۴۰ - انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند.



در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هرائتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۴۱ - در شرکتهای سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.

ماده ۴۲ - هر شرکت سهامی می تواند به موجب اساسنامه و همچنین تاموقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد.

امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به طور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه یک این گونه سهام انجام گیرد.

بخش ۳ - تبدیل سهام

ماده ۴۳ - هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود سهام بی نام شرکت را به سهام با نام و یا آن که سهام با نام را به سهام بی نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند.

ماده ۴۴ - در مورد تبدیل سهام بی نام به سهام با نام باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می گردد سه نوبت هر یک به فاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی می گردد.

ماده ۴۵ - سهام بی نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل به سهام با نام به مرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام با نام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده ۴۶ - از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته می شود بدو هزینه های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره دار سپرده می شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می شود. پس از انقضای ده سال باقی مانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان به خزانه دولت منتقل گردد.



تبصره - در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می کنند به ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی نامی که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا آن که برابر تعداد سهام بی نام خود سهام با نام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار در رعایت خواهد شد.

ماده ۴۷ - برای تبدیل سهام با نام به سهام بی نام مراتب فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهامی که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگاهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام با نام به شرکت مراجعه کنند سهام با نام آنان اخذ و ابطال و سهام بی نام به آنها داده شود.

ماده ۴۸ - پس از تبدیل کلیه سهام بی نام به سهام با نام و یا تبدیل سهام با نام به سهام بی نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر یک از مهلتهای مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷ شرکت باید مرجع ثبت شرکتها را از تبدیل سهام خود کتباً مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۴۹ - دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت.

ماده ۵۰ - در مورد تعویض گواهی نامه موقت سهام با اوراق سهام با نام یا بی نام بر طبق مفاد مواد ۴۷ و ۴۹ عمل خواهد شد.

بخش ۴ - اوراق قرضه

ماده ۵۱ - شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند.

ماده ۵۲ - ورقه قرضه ورقه قابل معامله ای است که معرف مبلغی و وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزای آن در موعد یا مواعدمعینی باید مسترد گردد. برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود.

ماده ۵۳ - دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچ گونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می شوند.

ماده ۵۴ - پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی باشد.

ماده ۵۵ - انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

ماده ۵۶ - هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام می تواند بنا به پیشنهاد هیأت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی



می‌تواند به هیأت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک یا چند بار به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید.

تبصره - در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد.

ماده ۵۷ - تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتباً به مرجع ثبت شرکتها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود.

تبصره - قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هرگونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است.

ماده ۵۸ - اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد.

1- نام شرکت؛

2- موضوع شرکت؛

3- شماره و تاریخ ثبت شرکت؛

4- مرکز اصلی شرکت؛

5- مدت شرکت؛

6- مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به این که کلیه آن پرداخت شده است؛

7- در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و در صورتی که اوراق قرضه سابق قابل تبدیل به سهام شرکت بوده باشد مقدراری از آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل به سهم نشده است؛

8- در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه مؤسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور؛

9- مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره‌ای که به قرضه تعلق می‌گیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعد یا مواعد و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل بازخرید باشد شرایط و ترتیب بازخرید؛

10- تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است؛

11- اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل به سهام شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل؛

12- خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است.



ماده ۵۹ - پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۵۷ شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند.

ماده ۶۰ - ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود:

1- نام شرکت؛

2- شماره و تاریخ ثبت شرکت؛

3- مرکز اصلی شرکت؛

4- مبلغ سرمایه شرکت؛

5- مدت شرکت؛

6- مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه؛

7- تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخرید ورقه قرضه (اگر قابل بازخرید باشد)؛

8- تضمیناتی که احتمالاً برای قرضه در نظر گرفته شده است؛

9- در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا مؤسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده اند؛

10- در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل.

ماده ۶۱ - اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد، در این صورت مجمع عمومی فوق العاده باید بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلأً برابر با مبلغ قرضه تصویب کند.

ماده ۶۲ - افزایش سرمایه مذکور در ماده ۶۱ قبل از صدور اوراق قرضه باید به وسیله یک یا چند بانک و یا مؤسسه مالی معتبر پذیره نویسی شده باشد و قراردادی که در موضوع این گونه پذیره نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره نویسی مبنی بر دادن این گونه سهام به دارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط به آن بین شرکت و این گونه پذیره نویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ برسد و گرنه معتبر نخواهد بود.

تبصره - شورای پول و اعتبار شرایط بانکها و مؤسسات مالی را که می توانند افزایش سرمایه شرکتها را پذیره نویسی کنند تعیین خواهند نمود.

ماده ۶۳ - در مورد مواد ۶۱ و ۶۲ حق رجحان سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تعویض با اوراق قرضه خود به خود منتفی خواهد بود.

ماده ۶۴ - شرایط و ترتیب تعویض ورقه قرضه با سهم باید در ورقه قرضه قید شود.



تعویض ورقه قرضه با سهم تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است.

دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سررسید ورقه می تواند تحت شرایط و به ترتیبی که در ورقه قید شده است آن را با سهم شرکت تعویض کند.

ماده ۶۵ - از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه، شرکت نمی تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلک سازد یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت می دارند می گردد و چنین تلقی می شود که این گونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده اند.

ماده ۶۶ - از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته به سرمایه و به طور کلی دادن سهم و یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آن که حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند به نسبت سهامی که در نتیجه معاوضه مالک می شوند حفظ شود. به منظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفا نمایند.

ماده ۶۷ - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود با نام بوده و تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیره نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دایر به تعویض سهام با اوراق مذکور می باشد و نزد شرکت نگاهداری خواهد شد. این گونه سهام تا انقضاء موعد یا مواعد اوراق قرضه فقط قابل انتقال به دارندگان اوراق مزبور بوده و نقل و انتقال این گونه سهام در دفاتر شرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعویض ورقه قرضه با سهم احراز گردد.

ماده ۶۸ - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود مادام که این تعویض به عمل نیامده است تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه قابل تأمین و توقیف نخواهد بود.

ماده ۶۹ - اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، در این صورت، مجمع عمومی فوق العاده ای که اجازه انتشار اوراق قرضه را می دهد، شرایط و مهلتی که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیأت مدیره خواهد داد.

ماده ۷۰ - در مورد ماده ۶۹ هیأت مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکور در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق قرضه ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکتها، سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم کرده اند سهم خواهد داد.

ماده ۷۱ - در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم مجمع عمومی باید بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد ۶۳ و ۶۴ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم نیز باید رعایت شود.

بخش ۵ - مجامع عمومی

ماده ۷۲ - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.

ماده ۷۳ - مجامع عمومی به ترتیب عبارتند از:

1- مجمع عمومی مؤسس؛

2- مجمع عمومی عادی؛

3- مجمع عمومی فوق العاده؛

ماده ۷۴ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است:

1- رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم؛

2- تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن؛

3- انتخاب اولین مدیران و بازرسی یا بازرسان شرکت؛

4- تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره - گزارش مؤسسين باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیره نویسان سهام آماده باشد.

ماده ۷۵ - در مجمع عمومی مؤسس حضور عده‌ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجمع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط مؤسسين دعوت می‌شوند مشروط بر این که لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی یک سوم اکثریت لازم حاضر نشد مؤسسين عدم تشکیل شرکت را اعلام می‌دارند.

تبصره - در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسين و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رأی خواهد بود.

ماده ۷۶ - هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسين آورده غیرنقد داشته باشند، مؤسسين باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی مؤسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده‌های غیرنقد جلب و آن را جزء گواهی اقدامات

خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند. در صورتی که مؤسسين برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقدیم شود.

ماده ۷۷ - گزارش مربوط به ارزیابی آورده‌های غیرنقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد.

دارندگان آورده غیرنقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی که تعهد کرده‌اند یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند و آن قسمت از سرمایه غیرنقد که موضوع مذاکره و رأی است از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد.

ماده ۷۸ - مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.

ماده ۷۹ - هرگاه آورده غیرنقد یا مزایایی که مطالبه شده است تصویب نگردد دومین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یک ماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تأدیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده می‌توانند بانصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه‌کنندگان مزایا به نظر مجمع تسلیم نشوند، تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب می‌گردد و سایر پذیره‌نویسان می‌توانند به جای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیه کنند.

ماده ۸۰ - در جلسه دوم مجمع عمومی مؤسس که بر طبق ماده قبل به منظور رسیدگی به وضع آورده‌های غیرنقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می‌گردد باید بیش از نصف پذیره‌نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.

ماده ۸۱ - در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیرنقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره‌نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد مؤسسين باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اطلاع دهند تا مرجع مزبور گواهی‌نامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کند.

ماده ۸۲ - در شرکتهای سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۷۶ این قانون ضروری است و نمی‌توان آورده‌های غیرنقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود.

ماده ۸۳ - هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می‌باشد.

ماده ۸۴ - در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.



ماده ۸۵ - تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دوم سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

ماده ۸۶ - مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد.

ماده ۸۷ - در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلاً بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۸۸ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأی دهنده می تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند، اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورت حساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود.

تبصره - بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.

ماده ۹۰ - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.

ماده ۹۱ - چنانچه هیأت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند رأساً اقدام به دعوت مجمع مزبور نمایند.

ماده ۹۲ - هیأت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

ماده ۹۳ - در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود مگر بعد از آن که دارندگان این گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آن که تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف این گونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلاً یک سوم این گونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره به اکثریت دوم سوم آراء معتبر خواهد بود.

ماده ۹۴ - هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.



ماده ۹۵ - سهامدارانی که اقلأ یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیأت مدیره خواستار شوند و هیأت مدیره باید حداکثر تا بیستروز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و گرنه آن گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آن که کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیأت مدیره و بازرسان تصریح نمایند.

ماده ۹۶ - در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصرأ موضوعی خواهد بود که در تقاضا نامه ذکر شده است و هیأت رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد.

ماده ۹۷ - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به عمل آید. هر یک از مجمع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوت نامه ها و اطلاعیه های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد.

تبصره - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.

ماده ۹۸ - فاصله بین نشر دعوت نامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود.

ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند.

فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آرای هر یک از حاضرین قید و به امضای آنان خواهد رسید.

ماده ۱۰۰ - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.

ماده ۱۰۱ - مجمع عمومی توسط هیأت رئیسه ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیأت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

ماده ۱۰۲ - در کلیه مجمع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی به شرط ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است.



ماده ۱۰۳ - در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آراء حاضرین در جلسه است.

ماده ۱۰۴ - هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستورمجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیأت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند، تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول، رسمیت خواهد داشت.

ماده ۱۰۵ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه ای توسط منشی ترتیب داده می شود که به امضاء هیأت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.

ماده ۱۰۶ - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد:

1- انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان؛

2- تصویب ترازنامه؛

3- کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه؛

4- انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن.

بخش ۶ - هیأت مدیره

ماده ۱۰۷ - شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده ۱۰۸ - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند.

ماده ۱۰۹ - مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد مدیران بلامانع است.

ماده ۱۱۰ - اشخاص حقوقی را می توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسؤولیت های مدنی شخص حقیقی عضو هیأت مدیره را داشته و باید یک نفر رابه نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید.

چنین نماینده ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسؤولیت های مدنی و جزائی عضو هیأت مدیره بوده از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسؤولیت تضامنی خواهد داشت.

شخص حقوقی عضو هیأت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آن که در همان موقع جانشین او را کتباً به شرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب می شود.



ماده ۱۱۱ - اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند:

1- محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است؛

2- کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت:

سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جنحه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است، اختلاس، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی.

تبصره - دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

ماده ۱۱۲ - در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضای هیأت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضای علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و الاً به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آن را خواهند گرفت و در صورتی که عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای علی‌البدل کافی برای تصدی محل‌های خالی در هیأت مدیره نباشد مدیران باقی مانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضای هیأت مدیره دعوت نمایند.

ماده ۱۱۳ - در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیأت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کند هر ذی‌نفع حق دارد از بازرسی یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران بارعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرسی یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می‌باشند.

ماده ۱۱۴ - مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاسد حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

ماده ۱۱۵ - در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب، مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه، مدیر باید ظرف مدت یک ماه تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد و گرنه مستعفی محسوب می‌شود.

ماده ۱۱۶ - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاسد حساب مدیران برای همان دوره مالی می‌باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه این گونه مدیران خود به خود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.

ماده ۱۱۷ - بازرسی یا بازرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند.



ماده ۱۱۸ - جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذتصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آن که تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده ۱۱۹ - هیأت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیأت یک‌رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیأت مدیره تعیین می‌نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیأت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیأت مدیره نخواهد بود. هیأت مدیره در هر موقع می‌تواند رئیس و نایب رئیس هیأت مدیره را از سمتهای مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود.

تبصره ۱ - از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به‌عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیأت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیأت مدیره تلقی خواهد شد.

تبصره ۲ - هرگاه رئیس هیأت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیأت مدیره انجام خواهد داد.

ماده ۱۲۰ - رئیس هیأت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیأت مدیره موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیأت مدیره مکلف به دعوت آنها می‌باشد دعوت نماید.

ماده ۱۲۱ - برای تشکیل جلسات هیأت مدیره حضور بیش از نصف‌اعضاء هیأت مدیره لازم است. تصمیمات باید با اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آن که در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.

ماده ۱۲۲ - ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیأت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده‌ای از مدیران که اقلاً یک سوم‌اعضاء هیأت مدیره را تشکیل دهند می‌توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیأت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیأت مدیره را دعوت نمایند.

ماده ۱۲۳ - برای هر یک از جلسات هیأت مدیره باید صورت جلسه‌ای تنظیم و لاقلاً به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسه هیأت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می‌باشند و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر می‌گردد. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود.

ماده ۱۲۴ - هیأت مدیره باید اقلاً یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه او را تعیین کند. در صورتی که مدیرعامل عضو هیأت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیأت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیأت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی.

تبصره - هیأت مدیره در هر موقع می‌تواند مدیرعامل را عزل نماید.



ماده ۱۲۵ - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.

ماده ۱۲۶ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچ کس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسؤولیتهای سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.

ماده ۱۲۷ - هر کس برخلاف ماده ۱۲۶ به مدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود.

ماده ۱۲۸ - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه ای از صورت جلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکتها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.

ماده ۱۲۹ - اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکتهایی که اعضاء هیأت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود به طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیأت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل ذی نفع در معامله در جلسه هیأت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت.

ماده ۱۳۰ - معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آن که توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت برعهده هیأت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذی نفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده اند که همگی آنها متضامناً مسؤول جبران خسارت وارده به شرکت می باشند.

ماده ۱۳۱ - در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیأت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسؤولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذی نفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذی نفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیأت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.

ماده ۱۳۲ - مدیرعامل شرکت و اعضاء هیأت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این گونه عملیات به خودی خود باطل است در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آن که تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر

بایگ محاسبی
انحصاری

خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.

ماده ۱۳۳ - مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هرمدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسؤول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت.

ماده ۱۳۴ - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیر موظف هیأت مدیره در جلسات هیأت‌مزبور پرداخت مبلغی را به آنها به‌طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند. مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت‌حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به‌عنوان پاداش به‌اعضاء هیأت مدیره تخصیص داده شود. اعضاء غیر موظف هیأت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق پاداش یا حق‌الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

ماده ۱۳۵ - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.

ماده ۱۳۶ - در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسؤول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به‌وظیفه خود عمل نکنند هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکتها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.

ماده ۱۳۷ - هیأت مدیره باید لااقل هر شش ماه یک بار خلاصه صورت‌داری و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد.

ماده ۱۳۸ - هیأت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت طرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.

ماده ۱۳۹ - هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت به صورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

ماده ۱۴۰ - هیأت مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را به‌عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسر یک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه بالغ گردد.

ماده ۱۴۱ - اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان‌برود هیأت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی

بایگ‌خانه
انحصاری

به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد.

در صورتی که هیأت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذی نفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

ماده ۱۴۲ - مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی برحسب مورد، منفرداً یا مشترکاً مسؤول می باشند و دادگاه حدود مسؤولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.

ماده ۱۴۳ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می تواند به تقاضای هر ذی نفع هر یک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید.

بخش ۷ - بازرسان

ماده ۱۴۴ - مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می کند تا بر طبق این قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است.

مجمع عمومی عادی در هر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آن که جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.

تبصره - در حوزه هایی که وزارت اقتصاد اعلام می کند وظایف بازرسی شرکتها را در شرکتهای سهامی عام اشخاصی می توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکتهای سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آیین نامه ای می باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۱۴۵ - انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۴۶ - مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند.

ماده ۱۴۷ - اشخاص زیر نمی توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند:

1- اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون؛

2- مدیران و مدیرعامل شرکت؛



3- اقرای سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم.

4- هر کس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت می‌دارد.

ماده ۱۴۸ - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به‌طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند.

ماده ۱۴۹ - بازرس یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسؤلیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آن که آنها را قبلاً به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.

ماده ۱۵۰ - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.

تبصره - در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته باشد هر یک می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد.

ماده ۱۵۱ - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.

ماده ۱۵۲ - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به‌عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به‌هیچ‌وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده ۱۵۳ - در صورتی که مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان به عللی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوط را تا انتخاب بازرس به‌وسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیرقابل شکایت است.

ماده ۱۵۴ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسؤلیت مدنی مسؤل جبران خسارت وارده خواهند بود.

ماده ۱۵۵ - تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۱۵۶ - بازرس نمی تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد به طور مستقیم یا غیر مستقیم ذی نفع شود.

بخش ۸ - تغییرات در سرمایه شرکت

ماده ۱۵۷ - سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.

ماده ۱۵۸ - تأدیة مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکان پذیر است:

1- پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد؛

2- تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید؛

3- انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت؛

4- تبدیل اوراق قرضه به سهام

تبصره ۱ - فقط در شرکت سهامی خاص تأدیة مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است.

تبصره ۲ - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.

ماده ۱۵۹ - افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آن که کلیة صاحبان سهام با آن موافق باشند.

ماده ۱۶۰ - شرکت می تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازای آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.

ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیأت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند.

تبصره ۱ - مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تأدیة قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیأت مدیره واگذار خواهد کرد.

تبصره ۲ - پیشنهاد هیأت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیأت مدیره باشد.

پایگاه خبری
انجمن بازرگان

ماده ۱۶۲ - مجمع عمومی فوق العاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.

ماده ۱۶۳ - هیأت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۱۶۴ - اساسنامه شرکت نمی‌تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیأت مدیره باشد.

ماده ۱۶۵ - مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تأدیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.

ماده ۱۶۶ - در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران می‌توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می‌گردد شروع می‌شود.

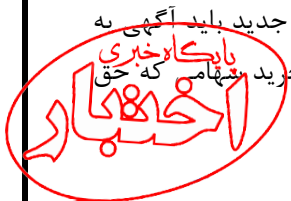
ماده ۱۶۷ - مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می‌کند یا اجازه آن را به هیأت مدیره می‌دهد می‌تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیأت مدیره و گزارش بازرسان یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد وگرنه باطل خواهد بود.

تبصره - گزارش هیأت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرسان یا بازرسان باید حاکی از تأیید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیأت مدیره ذکر شده است.

ماده ۱۶۸ - در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام به نفع بعضی دیگر انجام می‌گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رأی درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام‌سهمدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.

ماده ۱۶۹ - در شرکتهای سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به اطلاع صاحبان سهام برسد. در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

ماده ۱۷۰ - در شرکتهای سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی‌نام برای دریافت گواهی نامه حق خرید سهام که حق



تقدم در خرید آن رادارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام با نام گواهینامه‌های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۱۷۱ - گواهی‌نامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- 1- نام و شماره ثبت مرکز اصلی شرکت؛
- 2- مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت؛
- 3- تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهی‌نامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن؛
- 4- نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود؛
- 5- مهلتی که طی آن دارنده گواهی‌نامه می‌تواند از حق خرید مندرج در گواهی‌نامه استفاده کند؛
- 6- هرگونه شرایط دیگری که برای پذیره‌نویسی مقرر شده باشد.

تبصره - گواهی‌نامه حق خرید سهم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.

ماده ۱۷۲ - در صورتی که حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقی‌مانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد.

ماده ۱۷۳ - شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره‌نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۱۷۴ - طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

- 1- نام و شماره ثبت شرکت؛
- 2- موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن؛
- 3- مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن؛
- 4- در صورتی که شرکت برای مدتی محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن؛
- 5- مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه؛
- 6- اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد، تعداد و امتیازات آن؛
- 7- هویت کامل اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت؛



8- شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی؛

9- مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه؛

10- مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم؛

11- مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه‌ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن؛

12- مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است؛

13- مبلغ افزایش سرمایه؛

14- تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده‌اند؛

15- تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی؛

16- مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم؛

17- حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود؛

18- نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود؛

19- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای شرکت در آن نشر می‌شود؛

ماده ۱۷۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکتها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیرهنویسی قید شود.

ماده ۱۷۶ - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول طرح اعلامیه پذیرهنویسی و ضمایم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده ۱۷۷ - اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای شرکت در آن نشر می‌گردد اقلأ در دوروزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن به عمل می‌آید در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان آماده است.

ماده ۱۷۸ - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده ۱۷۹ - پذیرهنویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد:

1- نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت؛



2- سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه؛

3- مبلغ افزایش سرمایه؛

4- شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن؛

5- تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می شود و مبلغ اسمی آن؛

6- نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می شود؛

7- هویت و نشانی کامل پذیره نویس.

ماده ۱۸۰ - مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است.

ماده ۱۸۱ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیأت مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد.

هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیأت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد.

ماده ۱۸۲ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسد به درخواست هر یک از پذیره نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیره نویسی به آن تسلیم شده است گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره نویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می گیرد.

ماده ۱۸۳ - برای ثبت افزایش سرمایه شرکتها سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود:

1- صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیأت مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیأت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است؛

2- یک نسخه از روزنامه ای که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است؛

3- اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود؛

4- در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیر نقد باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحویل گردیده و با رعایت ماده

۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد. مجمع عمومی فوق العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره نویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده

غیرنقد مربوط می‌شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده باید به اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود.

تبصره - اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید به امضای کلیه اعضای هیأت مدیره رسیده باشد.

ماده ۱۸۴ - وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تأدیه می‌شود باید در حساب سپرده مخصوص نگهداری شود. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حسابهای شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت.

ماده ۱۸۵ - در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیره نویسی سهام جدید باشند انجام می‌گیرد.

ماده ۱۸۶ - در ورقه خرید سهم مذکور در ماده ۱۸۵ نکات مندرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ ماده ۱۷۹ باید قید شود.

ماده ۱۸۷ - در مورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیره نویسی باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتهای صورت کاملی از مطالبات نقدی حال شده بستانکاران پذیره نویس را که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی از تصفیه آن گونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده باشند همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده و اظهارنامه هیأت مدیره مشعر بر این که کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم شود.

ماده ۱۸۸ - در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می‌شود باید هنگام پذیره نویسی بر حسب مورد کلاً پرداخته یا تهاتر شود.

ماده ۱۸۹ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت به طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آن که بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد.

تبصره - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت می‌گیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌گیرد.

ماده ۱۹۰ - پیشنهاد هیأت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرسان یا بازرسان شرکت تسلیم گردد.

پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده ۱۹۱ - بازرسان یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیأت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرسان تصمیم خواهد گرفت.

پایگاه خبری
انجمن بازرگان

ماده ۱۹۲ - هیأت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش، حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی کند.

ماده ۱۹۳ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت، هر یک از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانی که منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند.

ماده ۱۹۴ - در صورتی که به نظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض وثیقه‌ای که به نظر دادگاه کافی باشد نسپارد در این صورت آن دین حال شده و دادگاه حکم به پرداخت آن خواهد داد.

ماده ۱۹۵ - در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتی که اعتراضی شده باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است.

ماده ۱۹۶ - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیأت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه‌ای به اطلاع کلیه صاحبان سهام برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام با نام توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۱۹۷ - اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱- نام و نشانی مرکز اصلی شرکت.
 - ۲- مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه.
 - ۳- مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می‌یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش.
 - ۴- نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می‌گیرد.
- ماده ۱۹۸ - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است.

بخش ۹ - انحلال و تصفیه

ماده ۱۹۹ - شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:

- ۱- وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.
- ۲- در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر این که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.
- ۳- در صورت ورشکستگی.



4- در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام به هرعلتی رأی به انحلال شرکت بدهد؛
5- در صورت صدور حکم قطعی دادگاه.

ماده ۲۰۰ - انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.

ماده ۲۰۱ - در موارد زیر هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد:

1- در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد؛

2- در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حسابهای هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد؛

3- در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و همچنین سمت مدیرعامل شرکت طی مدتی زاید بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد.

4- در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأی به انحلال شرکت ندهد.

ماده ۲۰۲ - در مورد بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله برحسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از شش ماه تجاوز نکند می‌دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد.

ماده ۲۰۳ - تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می‌گیرد، مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می‌باشد.

ماده ۲۰۴ - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آن که اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده‌ای که رأی به انحلال می‌دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۰۵ - در صورتی که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر ذی‌نفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد. در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود.

ماده ۲۰۶ - شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می‌شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهیهای مربوط به شرکت قید گردد.

ماده ۲۰۷ - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آن که به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.



ماده ۲۰۸ - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکتها اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود. در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است.

ماده ۲۱۰ - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلا اثر است.

ماده ۲۱۱ - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه، اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می‌شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده‌دار شوند.

ماده ۲۱۲ - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوا و ارجاع به داور و حق سازش دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعوی و دفاع از دعوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است.

ماده ۲۱۳ - انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیر یا مدیران تصفیه و یا به اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقالی که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود.

ماده ۲۱۴ - مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند.

ماده ۲۱۵ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود.

ماده ۲۱۶ - مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می‌باشند.

ماده ۲۱۷ - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش‌بینی شده است دعوت کرده صورت دارایی منقول و منقول، ۱۶ غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند.



ماده ۲۱۸ - در صورتی که به موجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.

ماده ۲۱۹ - در مدت تصفیه دعوت مجمع عمومی در کلیه موارد به عهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیش‌بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۲۲۰ - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.

ماده ۲۲۱ - در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجمع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجمع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هرگونه دعوت‌نامه و اطلاعیه‌ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می‌کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد منتشر شود.

ماده ۲۲۲ - در مواردی که به موجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجمع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می‌باشند هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا این که تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کند.

ماده ۲۲۳ - آن قسمت از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می‌شود به شرط آن که حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعداً آن نرسیده است موضوع شده باشد.

ماده ۲۲۴ - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون دارایی شرکت بدواً به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۲۵ - تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آن که شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شده و لااقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده ۲۲۶ - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسؤول خسارت بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.

ماده ۲۲۷ - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجاری حذف گردد.



ماده ۲۲۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذی نفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضای ده سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه، هر مبلغ از وجوه که در بانک باقی مانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

ماده ۲۲۹ - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند. به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذی نفع آماده باشد.

ماده ۲۳۰ - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفا از سمت خود ردا داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است.

ماده ۲۳۱ - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصرأ به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذی نفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذی نفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش ۱۰ - حسابهای شرکت

ماده ۲۳۲ - هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال



مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلأً بیست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود.

ماده ۲۳۳ - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکار رفته است رعایت شود. با وجود این در صورتی که تغییری در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیأت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.

ماده ۲۳۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود ولو آن که پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد.

پایین آمدن ارزش دارایی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارایی و زیانها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده ۲۳۵ - تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.

ماده ۲۳۶ - هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود مستهلک شود. هزینه‌های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که اینگونه هزینه‌ها به عمل آمده مستهلک شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می‌شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه‌های افزایش سرمایه را می‌توان از محل این اضافه ارزش مستهلک نمود.

ماده ۲۳۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها.

ماده ۲۳۸ - از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ به عنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

ماده ۲۳۹ - سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.

ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز این که سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد.

هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیأت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.



ماده ۲۴۱ - با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سودخالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکتهای سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود و در شرکتهای سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود تجاوز کند.

مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلااثر است.

ماده ۲۴۲ - در شرکتهای سهامی عام هیأت مدیره مکلف است که به حسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را نیز ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهارنظر درباره حسابهای شرکت گواهی نمایند که کلیه دفاتر و اسناد و صورت حسابهای شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حسابهای سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیأت مدیره وضع مالی شرکت را به نحو صحیح و روشن نشان می دهد.

تبصره - منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند سال ۱۳۴۵ می باشد و در صورتی که به موجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.

بخش ۱۱ - مقررات جزائی

ماده ۲۴۳ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱- هر کس که عالماً و برخلاف واقع پذیرهنویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیرهنویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیرنقد ثقلب اعمال کند؛

۲- هر کس در ورقه سهم با نام یا گواهی نامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند؛

۳- هر کس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکتهای اعلام کند بعضاً یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد؛

۴- هر کس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند؛

۵- هر کس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیرهنویسی کلیه سرمایه و تأدیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیرنقد صادر کند؛

۶- هر کس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم، سهام بی نام یا گواهی نامه موقت بی نام صادر کند.



ماده ۲۴۴ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

- 1- هر کس عالماً سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد؛
- 2- هر کس سهام بی‌نام را قبل از آن که تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد؛
- 3- هر کس سهام با نام را قبل از آن که اقلأ سی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

ماده ۲۴۵ - هر کس عالماً در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند، یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید بر حسب مورد به مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۶ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرایم زیر به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

- 1- در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت ننمایند؛
- 2- در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت به صدور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند.

ماده ۲۴۷ - در مورد بند یک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضاء هیأت مدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیأت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی برای سلب مسؤولیت جزائی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیأت مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیأت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسؤولیت جزائی از عضو هیأت مدیره منوط به این است که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیأت مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسؤولیت جزائی از عضو هیأت مدیره کافی است.

ماده ۲۴۸ - هر کس اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضای مجاز و نام و نشانی مؤسسين یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۹ - هر کس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۰ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تأدیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضای دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.



ماده ۲۵۱ - رئیس و اعضای هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه بنمایند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۲ - رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۶۰ این قانون را در اوراق قرضه قید ننمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۳ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

1- هر کس عامداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجامع عمومی صاحبان سهام بشود؛

2- هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آن که این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد.

ماده ۲۵۴ - رئیس و اعضای هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام رادعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را به موقع تنظیم و تسلیم ننمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۵ - رئیس و اعضای هیأت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۶ - هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۷ - رئیس و اعضای هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رأی صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۸ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

1- رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند؛

2- رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که ترازنامه غیرواقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند؛

3- رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی نفع می باشند مورد استفاده قرار دهند؛

4- رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی نفع می باشند استفاده کنند؛

ماده ۲۵۹ - رئیس و اعضای هیأت مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت نمایند و یا بازرسان شرکت را به مجمع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۰ - رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل که عمداً مانع یا ماخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۱ - رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم خواهند شد و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۲ - رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرایم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

1- در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند؛

2- در صورتی که شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان این گونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشرکنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق باز خرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند.

ماده ۲۶۳ - رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عمداً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۴ - رئیس و اعضای هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عملاً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

1- در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام؛

2- در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد؛



3- در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دایر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی نشده باشد.

ماده ۲۶۵ - رئیس و اعضای هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۶ - هر کس با وجود منع قانونی عالماً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۷ - هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالماً راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا اینگونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۸ - مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً مرتکب جرایم زیر بشوند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

1- در صورتی که ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند؛

2- در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند؛

3- در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکرده صورت دارایی منقول و منقول، ۱۶ غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند؛

4- در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آن که

تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند؛

5- در صورتی که ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند؛

6- در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع نمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذی‌نفع نرسانند.



ماده ۲۶۹ - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرایم زیر شوند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

- 1- در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه رابرخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند؛
- 2- در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیة آن نرسیده دارایی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.

بخش ۱۲ - مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی

ماده ۲۷۰ - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود برحسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۲۷۱ - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد.

ماده ۲۷۲ - دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه شده است می‌تواند بنابه درخواست خواننده مهلتی که از شش ماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد.

ماده ۲۷۳ - در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت کسانی که مسؤول بطلان هستند متضامناً مسؤول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است.

ماده ۲۷۴ - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌نماید باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا برطبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند.

ماده ۲۷۵ - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین شده‌اند حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خودارجاع می‌نماید.

تبصره - تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین می‌شود به عهده دادگاه است.

ماده ۲۷۶ - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیأت مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوا نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند.



در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضای هیأت مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجراء و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوای پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد.

در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوای پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات به عهده آنان است.

ماده ۲۷۷ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید به نحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوای مسؤولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.

ماده ۲۷۸ - شرکت سهامی خاص در صورتی می‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

ماده ۲۷۹ - شرکت سهامی خاص باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند:

- 1- اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است؛
- 2- دو ترازنامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که به تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد؛
- 3- صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتها که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و منقول، ۱۶ غیرمنقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد؛
- 4- اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف - نام و شماره ثبت شرکت؛

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن؛

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشند نشانی شعب آن؛

د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن؛

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن؛

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن؛

ز - هویت کامل رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت؛

ح - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی؛



ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته؛

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است؛

ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای شرکت در آن درج می‌گردد.

ماده ۲۸۰ - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده ۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده ۲۸۱ - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دو ترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارایی شرکت و اموال منقول و منقول، ۱۶ غیرمنقول آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می‌باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای شرکت در آن درج می‌گردد اقلأ در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

ماده ۲۸۲ - شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می‌آید با رعایت مواد ۱۷۳ لغایت ۱۸۲ و ماده ۱۸۴ این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکتها در این مورد پس از وصول تقاضا و مدارک مربوط به تبدیل شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیره نویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام را صادر خواهد نمود. در اعلامیه پذیره نویسی باید شماره و تاریخ اجازه نامه مزبور قید گردد.

ماده ۲۸۳ - در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماماً تأدیه نشود شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

ماده ۲۸۴ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف ۴ سال از تاریخ اجرای این قانون به صورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام درآیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجارتي مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند و الاً منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود .

تا هنگامی که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف ۴ سال وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق نداده‌اند تابع مقررات مربوط به شرکتهای سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خود خواهند بود.

تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون وقتی محقق می‌شود که مرجع ثبت شرکتها پس از احراز صحت تطبیق، مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد، به استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچ گونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه‌های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می‌شود.

بایکاه‌خبری
احمدپار

ماده ۲۸۵ - تغییر اساسنامه هر یک از شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به منظور تطبیق وضع آنها با مقررات این قانون استثنائاً ممکن است به موجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت صورت گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد. ترتیب دعوت تشکیل و حد نصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق العاده به منظور تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون تابع مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ در مورد شرکتهای سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکتهای موجود در تاریخ تصویب این قانون می باشد.

ماده ۲۸۶ - برای آن که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند به صورت شرکت سهامی خاص درآیند باید اولاً سرمایه آنها حداقل به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی خاص مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به آن میزان افزایش دهند ثانیاً اساسنامه خود را به منظور تطبیق با مقررات این قانون اصلاح کرده مراتب را به مرجع ثبت شرکتهای اعلام نمایند. مرجع ثبت شرکتهای پس از احراز صحت تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده ۲۸۷ - برای آن که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند به صورت شرکت سهامی عام درآیند باید اولاً سرمایه آنها به میزانی باشد که برای شرکت سهامی عام مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی عام به آن میزان افزایش دهند. ثانیاً در تاریخ تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام یک سال از ثبت شرکت گذشته و یک‌ترانامه آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. ثالثاً اساسنامه خود را با مقررات این قانون وفق دهند.

ماده ۲۸۸ - در صورتی که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بخواهند برای تطبیق وضع خود با مقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت کنند در صورتی که تمامی مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تأدیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت به هر سهم در مورد سهام جدید نیز لازم‌الرعايه است و در هر حال این نسبت نمی‌تواند از سی و پنج درصد مبلغ اسمی سهام کمتر باشد. در موارد مذکور در این ماده رعایت ماده ۱۶۵ این قانون در مورد تأدیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست.

ماده ۲۸۹ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند از طریق افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه به وجود می‌آید با رعایت مقررات این قانون برای پذیره‌نویسی عمومی عرضه نمایند.

در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تماماً تعهد نشود و مبلغی که باید بر طبق مقررات این قانون تأدیه گردد تأدیه نشود شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

ماده ۲۹۰ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند و به این منظور به افزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند:

۱- اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است؛

۲- صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است؛

۳- صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای؛



صورت مزبور باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و منقول، ۱۶ غیرمنقول شرکت بوده به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

4- طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید که باید به ترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ این قانون تنظیم شده باشد؛

5- آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

ماده ۲۹۱ - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده ۲۹۲ - کلیه مقررات مذکور در مواد ۱۷۷ لغایت ۱۸۱ این قانون برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام لازم الرعایه است. در آگهی مربوط ضمن ذکر افزایش سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد.

ماده ۲۹۳ - در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه بر طبق ماده ۱۸۲ این قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت مذکور در ماده ۲۸۴ وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهد.

ماده ۲۹۴ - شرکت های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل به میزان سرمایه شرکت های سهامی عام مذکور در این قانون باشد و بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کنند:

1- اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است؛

2- صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتها که باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و منقول، ۱۶ غیرمنقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد؛

3- آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد؛

4- اعلامیه تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام که باید به امضاء دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف - نام و شماره ثبت شرکت؛

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت آن؛

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن؛

د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن؛

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن؛

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن؛

ز - هویت کامل رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت؛



ح - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی؛

ط - مقررات اساسنامه جدید راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته؛

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است؛

ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای شرکت در آن منتشر می‌شود.

ماده ۲۹۵ - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده ۲۹۶ - در آگهی تبدیل شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به شرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارایی شرکت و اموال منقول و منقول، ۱۶ غیرمنقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان آماده می‌باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای شرکت در آن درج می‌گردد اقلأ در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

ماده ۲۹۷ - در مواردی که برای تطبیق وضع یک شرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبدیل آن به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده صاحبان سهام شرکت یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتها لازم باشد و رئیس و اعضای هیأت مدیره آن شرکت به دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده یا تسلیم آن اسناد و مدارک به مرجع ثبت شرکتها اقدام نمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد و علاوه بر این متضامناً مسؤول جبران خساراتی می‌باشند که بر اثر انحلال شرکت به صاحبان سهام و اشخاص ثالث وارد می‌شود.

ماده ۲۹۸ - در مورد ماده ۲۹۷ در صورتی که هر یک از اعضای هیأت مدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیأت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضای هیأت مدیره توجه نشود عضو هیأت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسؤولیت جزائی و مدنی نخواهد داشت. سلب مسؤولیت جزائی و مدنی از عضو هیأت مدیره منوط به این است که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضای هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیأت مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسؤولیت جزائی و مدنی از عضو هیأت مدیره کافی است.

ماده ۲۹۹ - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجاری می‌باشد نسبت به آن شرکتها به قوت خود باقی است.

ماده ۳۰۰ - شرکتهای دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می‌شوند.

مبحث دوم - شرکت با مسؤولیت محدود



ماده ۹۴ - شرکت با مسؤولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتي تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون این که سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسؤول قروض و تعهدات شرکت است.

ماده ۹۵ - در اسم شرکت باید عبارت (با مسؤولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از شرکاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده ۹۶ - شرکت با مسؤولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ - در شرکت نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

ماده ۹۸ - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسؤولیت تضامنی دارند.

ماده ۹۹ - مرور زمان دعوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.

ماده ۱۰۰ - هر شرکت با مسؤولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.

ماده ۱۰۱ - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیأت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکای دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسؤول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

ماده ۱۰۲ - سهم الشرکه شرکاء نمی تواند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم الشرکه را نمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده ای از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

ماده ۱۰۳ - انتقال سهم الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.

ماده ۱۰۴ - شرکت با مسؤولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیرموظف یا غیرموظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می شوند اداره می گردد.

ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر این که در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.



ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می شود اگرچه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷ - هر یک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر این که اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۱۰۸ - روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است، اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکاء به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۰۹ - هر شرکت با مسؤولیت محدود که عده شرکای آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لاقبل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد. هیأت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است.

هیأت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید.

مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکتهای بامسؤولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۱۱۰ - شرکاء نمی توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکاء که لاقبل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر این که در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۱۲ - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کند.

ماده ۱۱۳ - مفاد ماده ۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکتهای با مسؤولیت محدود نیز لازم الرعایه است.

ماده ۱۱۴ - شرکت بامسؤولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود:

الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳؛

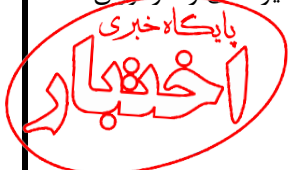
ب - در صورت تصمیم عده ای از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد؛

ج - در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند؛

د - در مورد فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.

ماده ۱۱۵ - اشخاص ذیل کلاهدار محسوب می شوند:

الف - مؤسسين و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند؛



- ب - کسانی که به وسیله متقربانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند؛
- ج - مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی

ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسؤولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسؤول پرداخت تمام قروض شرکت است.

هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقلاً اسم یک نفر از شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.

ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۹ - در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم‌الشرکه بین شرکاء تقسیم می‌شود مگر آن که شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰ - در شرکت تضامنی شرکاء باید لاقلاً یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند.

ماده ۱۲۱ - حدود مسؤولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده است.

ماده ۱۲۲ - در شرکتهای تضامنی اگر سهم‌الشرکه یک یا چند نفر غیرنقدی باشد باید سهم‌الشرکه مزبور قبلاً به تراضی تمام شرکاء تقویم شود.

ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده ۱۲۴ - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکاء نمی‌توانند به استناد این که میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکاء مسؤولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکت نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۵ - هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجود داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسؤول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از این که در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص کان لم یکن خواهد بود.



ماده ۱۲۶ - هر گاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده هیچ یک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارایی نخواهد داشت. اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یافرد فرد شرکای ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

ماده ۱۲۷ - به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می توان حکم داد مشروط به این که دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده ۱۲۸ - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده ۱۲۹ - طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند.

طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از این که شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر این که لااقل شش ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب داینین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

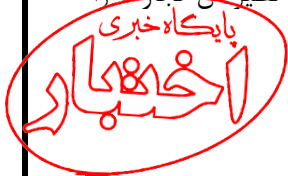
ماده ۱۳۰ - نه مدیون شرکت می تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید. معذک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده ۱۳۱ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء به موجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکاء می توانند سهمیه آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۱۳۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشرکه شرکاء کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است.

ماده ۱۳۳ - جز در مورد فوق هیچ یک از شرکاء را شرکت نمی تواند به تکمیل سرمایه که به علت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید بیش از آنچه که در شرکت نامه مقرر شده است به شرکت سرمایه دهد.

ماده ۱۳۴ - هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء (به حساب شخص خود یا به حساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسؤولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.



ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامنی می‌تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.

ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود:

الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳؛

ب - در صورت تراضی تمام شرکاء؛

ج - در صورتی که یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد؛

د - در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷؛

ه - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸؛

و - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.

تبصره - در مورد بند - ج - هرگاه دلایل انحلال منحصرأ مربوط به شریک یا شرکای معین باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکاء به جای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد، تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکاء اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در مورد ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید.

ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکاء بقای شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود.

اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقای شرکت کتباً اعلام نماید، در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۱۴۰ - در مورد محجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیرسهامی



ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسؤولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسؤول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسؤولیت محدود کسی است که مسؤولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکای ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکت‌نامه خواهد بود.

ماده ۱۴۳ - هر یک از شرکاء با مسؤولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی‌اثر است.

ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است.

ماده ۱۴۵ - شریک با مسؤولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است.

ماده ۱۴۶ - اگر شریک با مسؤولیت محدود معامله‌ای برای شرکت کند، در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر این که تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام می‌دهد.

ماده ۱۴۷ - هر شریک با مسؤولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و می‌تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۴۸ - هیچ شریک با مسؤولیت محدود نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود به او، داخل در شرکت کند.

ماده ۱۴۹ - اگر یک یا چند نفر از شرکاء با مسؤولیت محدود حق خود را در شرکت بدون اجازه سایرین کلاً یا بعضاً به شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت.

ماده ۱۵۰ - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیرسهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسؤولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسؤولیت او اطلاع داشته‌اند.

ماده ۱۵۱ - شریک ضامن را وقتی می‌توان شخصاً برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.

ماده ۱۵۲ - هرگاه شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسؤولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود را نپرداخته و یا پس از تأدیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت

پایگاه خبری
انجمن پار

سهام‌الشرکه باقی مانده است مستقیماً بر علیه شریک با مسؤولیت محدود اقامه دعوانمایند. اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت.

ماده ۱۵۳ - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاء ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت شریک با مسؤولیت محدود از سهام‌الشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و برطبق مقررات راجعه به نشر شرکتها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می‌توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه به عمل آمده است تأدیة همان سرمایه اولیه شریک با مسؤولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده ۱۵۴ - به شریک با مسؤولیت محدود فرع نمی‌توان داد مگر در صورتی که موجب کسر سرمایه او در شرکت نشود. اگر در نتیجه ضررهای وارده سهام‌الشرکه شریک با مسؤولیت محدود کسر شد مادام که این کمبود جبران نشده تأدیة هر ربح یا منفعتی به او ممنوع است.

هرگاه وجهی برخلاف حکم فوق تأدیة گردید شریک با مسؤولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسؤول تعهدات شرکت است مگر در موردی که با حسن نیت و به اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته باشد.

ماده ۱۵۵ - هر کس به عنوان شریک با مسؤولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم‌الشرکه خود مسؤول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۵۶ - اگر شرکت مختلط غیرسهامی ورشکست شود دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند، سهم‌الشرکه شرکاء با مسؤولیت محدود نیز جزو دارایی شرکت محسوب است.

ماده ۱۵۷ - اگر دارایی شرکت برای تأدیة تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیة طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هر یک از شرکای ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکای ضامن تفاوتی نخواهد بود.

ماده ۱۵۸ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء با مسؤولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود.

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکتهای مختلط غیرسهامی نیز لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسؤولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتهای تضامنی است.

ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکتهای مختلط غیرسهامی نیز جاری است.

مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکای با مسؤولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود.

مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی



ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکای سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود.

شرکای سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه درآمده و مسؤولیت آنها تا میزان همان سرمایه ای است که در شرکت دارند.

شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام درنیامده و مسؤول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. در صورت تعدد شریک ضامن مسؤولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

ماده ۱۶۳ - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقول اسم یکی از شرکای ضامن قید شود.

ماده ۱۶۴ - مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکای ضامن است.

ماده ۱۶۵ - در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیأت نظاری لاقول مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار می شود و این هیأت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می کند، انتخاب هیأت برحسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود در هر صورت اولین هیأت نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۶۶ - اولین هیأت نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۱ و ۵۰ این قانون رعایت شده است.

ماده ۱۶۷ - اعضای هیأت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسؤولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسؤول اعمال و تقصیرات خود می باشند.

ماده ۱۶۸ - اعضای هیأت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت راتحت تدقیق درآورده همه ساله راپرتی به مجمع عمومی می دهند و هرگاه در تنظیم صورت دارایی بی ترتیبی و خطایی مشاهده نمایند در راپرت مزبور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلایل خود را بیان می کنند.

ماده ۱۶۹ - هیأت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رأی مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت را منحل کند.

ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و راپرت هیأت نظار اطلاع حاصل کند.

ماده ۱۷۱ - ورشکستگی هیچ یک از شرکای ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸.

ماده ۱۷۲ - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکای ضامن آن جاری است.

ماده ۱۷۳ - هر گاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود و شرکای سهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می کند.



ماده ۱۷۴ - اگر شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شد هر یک از طلبکاران شرکت می‌تواند به هر یک از شرکای سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نماید. مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ‌یک از شرکای سهامی را ندارند.

ماده ۱۷۵ - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده طلبکاران شخصی شرکای ضامن حقی به دارایی شرکت ندارند.

ماده ۱۷۶ - مفاد مواد ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۱ و ۵۰ شامل شرکتهای مختلط سهامی است.

ماده ۱۷۷ - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸، ۲۹، ۳۹ و ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نمی‌توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۱۷۸ - هرگاه شرکت برحسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰۱ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۷۹ - مفاد مواد ۸۴، ۸۵، ۸۶ و ۸۷ این قانون در شرکتهای مختلط نیز باید رعایت شود.

ماده ۱۸۰ - مفاد مواد ۸۹، ۹۰، ۹۱ و ۹۲ این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۸۱ - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می‌شود:

الف - در مورد فقرات ۱، ۲ و ۳ ماده ۹۳؛

ب - برحسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد؛

ج - برحسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکای ضامن؛

د - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن مشروط بر این که انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد؛

در مورد فقرات ب و ج حکم ماده ۷۲ جاری است.

ماده ۱۸۲ - هرگاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکای ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلایل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکای ضامن به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلایل را موجه ببیند.

مبحث ششم - شرکت نسبی

ماده ۱۸۳ - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسؤولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته.



ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) و لاقل اسم یک نفر از شرکاء باید ذکر شود در صورتی که اسم شرکت مشتمل براسامی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکاء) و (و برادران) ضروری است.

ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۸۶ - اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسؤول تأدیه قروض شرکت است.

ماده ۱۸۷ - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند بارعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند.

ماده ۱۸۸ - هر کس به‌عنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه‌ای که در شرکت می‌گذارد مسؤول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از این که در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد. قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسؤولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنهاست) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکتهای نسبی نیز جاری است.

مبحث هفتم - شرکتهای تعاونی تولید و مصرف

ماده ۱۹۰ - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده‌ای از ارباب حرف تشکیل می‌شود و شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس به کار می‌برند.

ماده ۱۹۱ - اگر در شرکت تولید یک عده از شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لاقل دو ثلث اعضای اداره‌کننده شرکت باید از شرکایی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است.

ماده ۱۹۲ - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می‌شود:

1- فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از این که اجناس مزبوره را شرکاء ایجاد کرده یا خریده باشند؛

2- تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء به نسبت خرید هر یک از آنها.

ماده ۱۹۳ - شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد ۳۲ و ۳۳ لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۹۴ - در صورتی که شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچ‌یک از شرکاء نمی‌توانند در مجمع عمومی بیش از یک رأی داشته باشند.



فصل دوم - در مقررات راجعه به ثبت شرکتها و نشر شرکت نامه‌ها

ماده ۱۹۵ - ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتها است.

ماده ۱۹۶ - اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظام‌نامه وزارت عدلیه معین می‌شود.

ماده ۱۹۷ - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت‌نامه و منضمات آن طبق نظام‌نامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.

ماده ۱۹۸ - اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شد هیچ‌یک از شرکاء نمی‌توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده‌اند عذر قرار دهند.

ماده ۱۹۹ - هرگاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ - ۱۹۷ باید به قسمی که در نظام‌نامه وزارت عدلیه معین می‌شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.

ماده ۲۰۰ - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می‌گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم‌الرعایه است.

همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۷۹ این قانون اتخاذ می‌شود رعایت خواهد شد.

ماده ۲۰۱ - در هر گونه اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به‌طور خطی یا چاپی از طرف شرکت‌های مذکور در این قانون به استثنای شرکت‌های تعاونی صادر می‌شود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود، شرکت متخلف به جزای نقدی از دویست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد.

تبصره - شرکت‌های خارجی نیز که به وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

فصل سوم - در تصفیه امور شرکتها

ماده ۲۰۲ - تصفیه امور شرکتها پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.

ماده ۲۰۳ - در شرکت‌های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیرسهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آن‌که شرکای ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۴ - اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکای ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد.



ماده ۲۰۵ - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.

ماده ۲۰۶ - در شرکتهای مختلط (سهامی و غیرسهامی) شرکای غیرضامن حق دارند یک یا چند نفر برای نظارت در امور تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۷ - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱ و ۲۱۲.

ماده ۲۰۸ - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ - متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا به توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند.

ماده ۲۱۰ - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکای ضامن به او اجازه داده باشند. مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قاعده مستثنی است.

ماده ۲۱۱ - آن قسمت از دارایی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست به طور موقت بین شرکاء تقسیم می شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعد تأدیة آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکاء مورد اختلاف است موضوع نمایند.

ماده ۲۱۲ - متصدیان تصفیه حساب شرکاء را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکاء را از نفع و ضرر معین می کنند، رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می شود.

ماده ۲۱۳ - در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسؤولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه به عهده مدیران شرکت است مگر آن که اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۱۴ - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکتهای با مسؤولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتها (به استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.

ماده ۲۱۵ - تقسیم دارایی شرکتهای مذکور در ماده فوق بین شرکاء خواه در ضمن مدت تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن که قبلاً سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یک سال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده ۲۱۶ - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسؤول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده اند.

ماده ۲۱۷ - دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده ۲۱۸ - هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه ترتیب دیگری مقرر دارد ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۶ و ۲۱۷ و قسمت اخیر ماده ۲۱۱ باشد.



فصل چهارم - مقررات مختلفه

ماده ۲۱۹ - مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکاء یا ورثات آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکاء یا ورثات آنها را مسؤول قرار داده) پنج سال است.

مبدأ مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد.

در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می‌شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده است.

تبصره - دعوی که سنخاً تابع مرور زمان کوتاه‌تری بوده یا به موجب این قانون مرور زمان طولانی‌تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.

ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیآورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجراء می‌گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات خطی و یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتها برای عدم ثبت مقرر شده.

ماده ۲۲۱ - اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها به طریق قرعه باید تأدیه شود و قبل از تأدیه قیمت آن سهام یا اوراق منافی که به آنها تعلق گرفته پرداخت شده باشد شرکت در موقع تأدیه اصل قیمت نمی‌تواند منافع تأدیه شده را استرداد نماید.

ماده ۲۲۲ - هر شرکت تجاری می‌تواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به وسیله تأدیه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را تقلیل دهد. در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می‌توان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتاً معین می‌شود.

کمز از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است.

مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ (که با اصلاح قانون فوق منسوخ گردید - صرفاً جهت اطلاع)

مبحث اول - شرکت‌های سهامی



۱ - کلیات

ماده ۲۱ - شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجارتي تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسؤولیت صاحبان سهام محدود به سهام آنها است.

ماده ۲۲ - در اسم شرکت سهامی نام هیچ یک از شرکاء قید نخواهد شد. در اسم شرکت باید کلمه (سهامی) قید شود.

ماده ۲۳ - سهام ممکن است با اسم یا بی اسم باشد.

ماده ۲۴ - سهام بی اسم به صورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده آن، مالک شناخته می شود مگر آن که خلاف آن قانوناً ثابت گردد. نقل و انتقال این نوع سهام به قبض و اقباض به عمل می آید.

ماده ۲۵ - انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت به ثبت برسد. صاحب سهم باید شخصاً یا به توسط وکیل انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضاء نماید.

ماده ۲۶ - سهام ممکن است نقدی باشد یا غیر نقدی، سهام غیر نقدی سهامی است که در ازاء آن به جای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیازنامه و غیره داده شود.

ماده ۲۷ - قیمت سهام و همچنین قیمت قطعات سهام (در صورت تجزیه) متساوی خواهد بود.

ماده ۲۸ - در صورتی که سرمایه شرکتهای سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هرگاه سرمایه زاید بر دویست هزار ریال باشد سهام و قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود.

ماده ۲۹ - مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام یا تصدیق موقتی (اعم از با اسم یا بی اسم) نمی توان صادر کرد. هر سهم یا تصدیق موقتی که قبل از تشکیل شرکت به کسی داده باشد باطل و صادرکنندگان متضامناً مسؤول خساراتی هستند که به دارندگان این قبیل اوراق وارد شده است.

تا زمانی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام تأدیه نشده نمی توان سهام بی اسم یا تصدیق موقتی بی اسم انتشار داد.

ماده ۳۰ - کسانی که تعهد ابتیاع سهام کرده اند تا موقعی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود را نپرداخته اند مسؤول تأدیه بقیه قیمت آن خواهند بود اگرچه سهام خود را به دیگری منتقل کرده و منتقل الیه نیز پرداخت بقیه را تعهد کرده باشد.

ماده ۳۱ - بعد از تأدیه پنجاه درصد نیز کسی که تعهد ابتیاع سهمی را کرده است از تأدیه بقیه قیمت آن بری نخواهد بود مگر این که اساسنامه شرکت آن را تجویز کرده باشد که در این صورت منتقل الیه مسؤول تأدیه آن بقیه است.

ماده ۳۲ - هر کس تعهد ابتیاع سهامی را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد علاوه بر آن وجه به خسارات تأخیر تأدیه (از قرار صدی دوازده در سال و به نسبت مدت تأخیر) محکوم خواهد شد.

ماده ۳۳ - اساسنامه شرکت می تواند نسبت به اشخاص مذکور

در ماده فوق ترتیب دیگری اتخاذ نموده و حتی مقرر دارد که در صورت عدم تأدیه بقیه قیمت سهام، مقدار تأدیه شده از آن بابت بلاعوض تعلق به شرکت یافته و تعهدکننده نسبت به سهام تعهدی



هیچ حقی نداشته باشد لیکن در این صورت پرداخت وجه تعهد

شده باید لااقل سه مرتبه به وسیله مکتوب با قبض رسید مطالبه و از تاریخ آخرین مکتوب یک ماه منقضی شده باشد. در مورد سهام بی اسم به جای مکتوب اعلان در جراید به عمل خواهد آمد. مفاد این ماده باید در موقع تعهد صریحاً در دفتر شرکت قید شده و متعهد ذیل آن را امضاء نماید.

ماده ۳۴ - خواه در سهام با اسم و خواه در سهام بی اسم مادام که قیمت آنها کاملاً تأدیه نشده است باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده صریحاً روی سهم قید شود. بعلاوه شرکت مکلف است در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به طور خطی یا چاپی صادر یا منتشر می نماید میزان سرمایه خود و آن قسمتی را که تأدیه شده است صریحاً قید کند.

ماده ۳۵ - هر شرکت سهامی می تواند به موجب رأی مجمع عمومی که مطابق ماده (۷۴) این قانون تشکیل شده باشد سهام ممتازه ترتیب دهد که نسبت به سایر سهام رجحان و مزایایی داشته باشد ولی ایجاد این نوع سهام مشروط است به این که اساسنامه شرکت چنین اقدامی را تجویز کرده باشد.

۲ - تشکیل شرکت

ماده ۳۶ - شرکت سهامی به موجب شرکت نامه که در دو نسخه نوشته شده باشد تشکیل می شود یکی از سختین به طوری که در ماده ۵۰ مقرر است ضمیمه اظهارنامه مدیر شرکت و دیگری در مرکز اصلی شرکت ضبط خواهد شد.

ماده ۳۷ - شرکت باید دارای اساسنامه ای باشد که نکات ذیل مخصوصاً در آن تصریح بشود:

۱ - اسم و مرکز اصلی شرکت؛

۲ - موضوع شرکت؛

۳ - مدت شرکت در صورتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل شود؛

۴ - مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام؛

۵ - نوع سهام (که سهام با اسم است یا بی اسم) عده هر نوع از سهام و تعیین این که سهام با اسم و بی اسم به چه شکل ممکن است به هم تبدیل شود در صورتی که این تبدیل اساساً پذیرفته باشد؛

۶ - هیأت های اداره و تفتیش؛

۷ - عده سهامی را که مدیران شرکت باید به صندوق شرکت بسپارند؛

۸ - مقررات راجع به دعوت مجمع عمومی و حق رأی صاحبان سهام و طریقه شور و اخذ رأی؛

۹ - مطالبی که برای قطع آن در مجمع عمومی اکثریت مخصوصی لازم است؛



۱۰ - طرز ترتیب صورت حساب سالیانه و رسیدگی به آن و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود؛

۱۱ - طریق تغییر اساسنامه.

ماده ۳۸ - تشکیل شرکتهای سهامی محقق نمی شود مگر بعد از آن که تأدیه تمام سرمایه شرکت تعهد شده باشد. بعلاوه هرگاه سهام یاقطعات آن زاید بر پنجاه ریال نباشد تعهدکنندگان باید تمام وجه را تأدیه نمایند و الاً باید لاقلاً ثلث قیمت سهام را نقداً بپردازند و در هر حال وجهی که پرداخته می شود نباید کمتر از پنجاه ریال باشد.

ماده ۳۹ - چیزی که در ازاء سهام غیرنقدی تعهد شده تماماً باید تحویل شود.

ماده ۴۰ - مؤسسین باید پس از تنظیم نوشته ای که حاکی از تعهدپرداخت سرمایه شرکت و تأدیه واقعی ثلث سرمایه نقدی است مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند. این مجمع اولین مدیرهای شرکت و همچنین مفتش (کمیسر)هایی را که به موجب ماده (۶۲) مقرر است معین می کند.

ماده ۴۱ - هرگاه یکی از تعهدکنندگان سهم غیرنقدی اختیار کند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه نماید مجمع عمومی در جلسه اول که منعقد می شود امر به تقویم سهم غیرنقدی نموده یا موجبات مزایای مطالبه شده را تحت نظر می گیرد.

تصویب قطعی تقویم یا موجبات مزایا به عمل نمی آید و تشکیل شرکت واقع نمی شود مگر در جلسه دیگر مجمع عمومی که برحسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای این که در جلسه دوم تقویم یا موجبات مزایا تصویب شود باید لاقلاً پنج روز قبل از انعقاد جلسه راپرتی در این خصوص طبع و بین تمام تعهدکنندگان توزیع شده باشد. تصویب امور مذکور باید به اکثریت دو ثلث تعهدکنندگان حاضر باشد و جلسه مجمع عمومی قانونی نخواهد بود مگر این که عدداً نصف کل شرکایی که خرید سهام نقدی را تعهد کرده اند حاضر بوده و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند، کسانی که دارای سهام غیرنقدی هستند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده اند در موقعی که سهم غیرنقدی یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند، آن قسمت از سرمایه غیرنقدی که موضوع مذاکره و رأی است در جزء سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد.

اگر در جلسه دوم مجمع عمومی نصف تعهدکنندگان سهام نقدی و نصف سرمایه نقدی حاضر نشده مجمع به طور موقت تصمیم خواهد گرفت و مطابق قسمت اخیر ماده (۴۵) رفتار می شود.

هرگاه سهام غیرنقدی یا موجبات مزایایی که مطالبه شده تصویب نشود هر یک از تعهدکنندگان می تواند از شرکت خارج شود.

ماده ۴۲ - تصویب مراتب مذکور در ماده فوق مانع نیست از این که بعداً نسبت به آنها دعوی تزویر و تقلب اقامه شود.

ماده ۴۳ - هرگاه شرکت بین اشخاصی منعقد شود که سرمایه های غیرنقدی مشاعاً و منحصراً متعلق به خودشان باشد رعایت ترتیبات مذکوره در ماده (۴۱) راجع به تقویم سهام غیرنقدی لازم نخواهد بود.

ماده ۴۴ - اظهارنامه ای که به موجب ماده ۵۰ به دایره ثبت اسناد باید تسلیم شود مؤسسین شرکت تهیه نموده با اسناد مربوطه به اولین مجمع تقدیم می نمایند تا مجمع صحت یا سقم آن را معین کند.



ماده ۴۵ - مجمع عمومی که در باب صحت اظهارات مؤسسين اظهار رأی و اولين مديرها و مفتشين را انتخاب می نماید باید از يك عده صاحبان سهامی مرکب شود که لااقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند، اگر در مجمع عمومی عده ای که نصف سرمایه را دارا باشند حاضر نشدند تصمیمات مجمع موقتی خواهد بود. در این صورت، مجمع عمومی جدیدی دعوت می شود و اگر پس از آن که لااقل یک ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محلی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آن را تصویب نمود تصمیمات مزبوره قطعی می شود مشروط بر این که در مجمع جدید عده ای حاضر شوند که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند.

تبصره - جرایدی که اعلانات فوق را باید منتشر نمایند همه ساله توسط وزارت عدلیه معین و اعلان خواهد شد.

ماده ۴۶ - مجمع عمومی فوق اولين مديرها و مفتشين شرکت را انتخاب می کند مفتشين برای سال اول و مديران منتها برای مدت چهار سال معین می شوند مديرها را می توان پس از انقضای مدت چهار سال مجدداً انتخاب نمود مگر آن که اساسنامه شرکت غیر از این مقرر داشته باشد. ولی در صورتی که بر حسب مقررات اساسنامه تعیین آنها موکول به تصویب مجمع عمومی نباشد مدت مدیری آنها بیش از دو سال نخواهد بود.

ماده ۴۷ - در صورتی که مديرها و مفتشینی که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده اند قبول انجام وظیفه نمایند قبولی آنها در صورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل می گردد.

۳ - مدیرهای شرکت و وظایف آنها

ماده ۴۸ - شرکت سهامی به واسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیرموظف که از میان شرکاء به سمت مدیری و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل می باشند، اداره خواهد شد.

ماده ۴۹ - در صورتی که چند نفر به سمت مدیری معین شده باشند باید یک نفر از میان خود به سمت ریاست انتخاب کنند، رئیس مزبور و هر یک از مديران می توانند در صورتی که اساسنامه شرکت اجازه داده باشد با تصویب یکدیگر یک نفر شخص خارج را به جای خود معین کنند ولی مسؤولیت اعمال شخص خارج به عهده خود آنها خواهد بود.

ماده ۵۰ - برای این که تعهد و تأدیه وجه سرمایه از طرف شرکاء ثابت شود، باید مدیر شرکت وقوع آن را به موجب نوشته ای که به دایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می سپارد و به ثبت می رسد، اعلام نماید و باید اسامی شرکاء را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده بایک نسخه از اساسنامه و یکی از نسخین شرکت نامه به نوشته مزبور منضم نماید.

ماده ۵۱ - مسؤولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسؤولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.

ماده ۵۲ - مديرها باید یک عده سهامی را که به موجب اساسنامه مقرر است دارا باشند، این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از اعمال اداری مديرها مشترکاً یا منفرداً بر شرکت وارد شود.

سهام مذکوره با اسم بوده و قابل انتقال نیست و به وسیله مهری که بر روی آنها زده می شود غیر قابل انتقال بودن آنها معلوم و در صندوق شرکت ودیعه خواهد ماند.



ماده ۵۳ - مدیرهای شرکت نمی‌توانند بدون اجازه مجمع عمومی در معاملات که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سهامی شوند و در صورت اجازه باید صورت‌مخصوص آن را همه ساله به مجمع عمومی بدهند.

ماده ۵۴ - مدیران هر شرکت سهامی باید شش ماه به شش ماه خلاصه‌صورت دارایی و قروض شرکت را مرتب کرده به مفتشین بدهند.

ماده ۵۵ - مدیران هر شرکت سهامی باید مطابق ماده ۹ این قانون صورت‌حسابی که متضمن دارایی منقول و غیرمنقول و همچنین صورت مطالبات و قروض شرکت باشد مرتب کنند. این صورت‌حساب و همچنین بیان حساب نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهل روز قبل از انعقاد مجمع عمومی به مفتشین داده شود که به مجمع مزبور بدهند.

ماده ۵۶ - از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم می‌تواند در مرکز شرکت به صورت حساب و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیان که متضمن خلاصه‌صورت حساب شرکت است و از راپرت مفتشین سواد بگیرد.

ماده ۵۷ - همه ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد، همین که سرمایه احتیاطی به‌عشر سرمایه شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است.

ماده ۵۸ - اگر به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از میان‌برود مدیران شرکت مکلفند تمام صاحبان سهام را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شورو رأی شود، تصمیم این مجمع در هر حال منتشر خواهد شد.

ماده ۵۹ - هرگاه مدیران شرکت برخلاف ماده فوق مجمع عمومی رادعوت نکردند و یا جمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانون منعقد گردد هر ذی‌حقی می‌تواند انحلال شرکت را از محاکم صالحه بخواهد.

ماده ۶۰ - هرگاه یک یا چند نفر از ارباب سهامی که مجموع سهام آنها لااقل معادل یک‌خمس سرمایه شرکت باشد کتباً تقاضای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده نمایند و منظور خود را در آن تقاضانامه تصریح نموده باشند باید مجمع عمومی به‌طور فوق العاده منعقد شود.

ماده ۶۱ - مدیرهای شرکت در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تقصیراتی که در اعمال اداری شرکت مرتکب شوند موافق قواعد عمومی مسؤول می‌باشند مخصوصاً در موقعی که منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری نکنند.

۴ - مفتشین شرکت و وظایف آنها

ماده ۶۲ - مجمع عمومی سالیانه یک یا چند مفتش (کمیسر) معین می‌کند.

مفتشین مزبور که ممکن است از غیر شرکاء نیز انتخاب شوند مأموریت خواهند داشت که در موضوع اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیان (خلاصه جمع و خرج) و صورت‌حسابهایی که مدیرها تقدیم می‌کنند راپرتی به مجمع عمومی سال آینده بدهند؛ تصمیماتی که بدون این راپرت راجع به تصدیق بیان و صورت‌حساب‌های مدیران اخذ می‌شود معتبر نخواهد بود.



در صورتی که مجمع عمومی مذکور را معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از مفتشینی که معین شده‌اند نتوانند راپرت بدهند یا از دادن راپرت امتناع نمایند رئیس محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت به تقاضای هر ذی حقی و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین را انتخاب و یا به جای آنهایی که نتوانسته‌اند یا امتناع کرده‌اند مفتشین جدیدی معین می‌کند.

ماده ۶۳ - در ظرف سه ماه قبل از تاریخی که به موجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی معین است مفتشین می‌توانند به دفاتر شرکت مراجعه نموده و از عملیات آن تحقیقاتی بنمایند. مفتشین می‌توانند در مواقعی که ضرورت فوری دارد مجمع عمومی را دعوت نمایند.

ماده ۶۴ - حدود مسؤولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع به حدود مسؤولیت و کلاء و اثرات آن در مقابل موکلین قانوناً معین است.

۵ - مجمع عمومی شرکت

ماده ۶۵ - مجمع عمومی شرکت باید لااقل سالی یک دفعه در موقعی که به موجب اساسنامه معین است منعقد شود.

ماده ۶۶ - اساسنامه معین می‌کند برای حق ورود در مجمع چند سهم (به عنوان و کالت یا مالکیت) باید داشت.

ماده ۶۷ - عده آرائی که هر یک از شرکاء به نسبت عده سهام خود دارند به موجب اساسنامه معین می‌گردند.

ماده ۶۸ - در جلسات مجمع عمومی هیچ کدام از صاحبان سهام معمولی و صاحبان سهام ممتاز از حیث رأی تفاوتی ندارند مگر این که اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۶۹ - دارندگان سهامی که عده سهام هر یک از آنها برای حضور یارأی در مجمع عمومی کافی نیست می‌توانند به اندازه‌ای که مجموع عده سهام آنها برای داشتن حق حضور و رأی کافی باشد با یکدیگر متفق شده یک نفر را از میان خود برای حضور و رأی در مجمع مذکور معین نمایند.

ماده ۷۰ - در مجامع عمومی که برای رسیدگی به سهم‌الشرکه و مزایا مطابق ماده ۴۱ و در مجامعی که برای تعیین اولین مدیرها و مفتشین و تصدیق اظهارات مؤسسين مطابق ماده ۴۵ منعقد می‌شود کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامی که دارند می‌توانند حضور به هم رسانند.

ماده ۷۱ - مجمع عمومی شرکت جز در موارد مذکور در مواد (۴۱ و ۴۵ و ۷۴) باید مرکب از یک عده صاحبان سهامی باشد که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند و اگر در دفعه اول این حد نصاب حاصل نشد مجمع عمومی جدیدی مطابق شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تشکیل و تصمیمات این مجمع قطعی خواهد بود ولو این که حد نصاب فوق حاصل نشود.

ماده ۷۲ - تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت آراء خواهد بود.

ماده ۷۳ - در مواردی که مجمع عمومی شرکاء نسبت به حقوق نوع مخصوصی از سهام تصمیمی اتخاذ نماید که تغییری در حقوق آنها بدهد آن تصمیم قطعی نخواهد بود مگر بعد از آن که صاحبان سهام مزبور در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب



نمایند و برای این که آراء جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید حاضرین جلسه لاقلاً صاحب بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشند که موضوع مذاکره است.

ماده ۷۴ - در مجامع عمومی که برای امتداد مدت شرکت یا برای انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا هر نوع تغییر دیگری در اساسنامه تشکیل می شود. باید عده ای از صاحبان سهام که بیش از سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر گردند.

اگر در مجمع عمومی عده ای که سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر نشوند ممکن است مجمع عمومی جدیدی دعوت کرد مشروط بر این که لاقلاً یک ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محل (که سالیانه از طرف وزارت عدلیه معین می شود) دستور جلسه قبل و نتیجه آن اعلان گردد.

مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لاقلاً نصف سرمایه شرکت حاضر باشند اگر این حد نصاب حاصل نشد ممکن است با رعایت تشریفات فوق مجمع عمومی دیگری دعوت نمود.

این مجمع با حضور صاحبان لاقلاً ثلث سرمایه شرکت حق تصمیم خواهد داشت و در هر یک از سه مجمع فوق تصمیمات به اکثریت دو ثلث آراء حاضر گرفته می شود. در این مجامع کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور و به نسبت هر یک سهم یک رأی دارند ولو این که اساسنامه برخلاف این مقرر داشته باشد.

هیچ مجمع عمومی تابعیت شرکت را نمی تواند تغییر بدهد.

بر تعهدات صاحبان سهام با هیچ اکثریتی نمی توان افزود.

ماده ۷۵ - در مجمع عمومی ورقه حاضر و غایبی خواهد بود حاوی اسم و محل اقامت و عده سهام هر یک از شرکاء، ورقه مزبور پس از تصدیق هیأت رئیسه مجمع در مرکز شرکت حفظ و به هر کسی که تقاضا نماید ارائه می شود.

۶ - در تبدیل سهام

ماده ۷۶ - هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه سهام بی اسم خود را به سهام با اسم تبدیل نماید باید اعلانی در این موضوع منتشر کرده و مهلتی که کمتر از شش ماه نباشد به صاحبان سهام بدهد تا در ظرف مهلت مزبور سهام خود را به سهام جدید تبدیل نمایند.

ماده ۷۷ - اعلان مذکور در فوق باید در مجله رسمی عدلیه و در یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت دو دفعه و به فاصله ده روز منتشر شود. در صورتی که مرکز اصلی شرکت در خارج از تهران باشد باید در یکی از روزنامه های یومیه تهران که همه ساله از طرف وزارت عدلیه برای انتشار این قبیل اعلانات معین می شود نیز منتشر گردد.

ابتدای مهلت از تاریخ اولین انتشار اعلان در مجله رسمی خواهد بود.

ماده ۷۸ - هر صاحب سهمی که سهام خود را تا انقضای مهلت مذکوره در ماده ۷۶ به سهام جدید تبدیل نکند دیگر نمی تواند تقاضای تبدیل نماید و شرکت حق خواهد داشت سهام جدیدی را که در ازای سهام تبدیل نشده موجود می باشد به اشخاص دیگر به طریق مزایده بفروشد.



ماده ۷۹ - قیمت سهامی که به طریق مذکور در فوق فروخته می‌شود در مرکز اصلی شرکت یا در بانک ملی ایران ودیعه گذاشته خواهد شد و هرگاه در ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام صاحب سهم سهام سابق خود را نداده و وجهی را که به طریق فوق امانت گذاشته شده است مطالبه ننماید نسبت به حق او مرور زمان حاصل شده و وجه مزبور در حکم اموال بلاصاحب بوده و مدیر شرکت مکلف است آن را به مقامات صلاحیتدار تسلیم نماید. هر مدیر شرکت که به این تکلیف عمل نکند به تأدیه سه برابر وجه مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۸۰ - در صورتی که شرکت بخواهد سهام با اسم خود را به سهام بی‌اسم تبدیل نماید باید مراتب را به طریقی که فوقاً مقرر است یک مرتبه اعلان نماید و اگر در ظرف مهلتی که معین می‌شود و نباید کمتر از دو ماه باشد صاحبان سهام، سهام با اسم خود را به سهام بی‌اسم تبدیل نکنند سهام با اسمی که در دست آنها باقی می‌ماند باطل و سهام جدید در مرکز اصلی شرکت به اسم آنها ودیعه خواهد بود.

ماده ۸۱ - در هر موقع که شرکت بخواهد تصدیقهای موقتی را که به اشخاص داده تبدیل به سهام کند در مورد تصدیقهای موقتی بی‌اسم مطابق مقررات مواد (۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹) و در مورد تصدیق موقتی با اسم مطابق ماده ۸۰ رفتار خواهد شد.

۷ - بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات آن

ماده ۸۲ - هر شرکت سهامی که مقررات یکی از مواد ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۵۰ این قانون را رعایت نکرده باشد از درجه اعتبار ساقط و بلا اثر خواهد بود لیکن شرکاء نمی‌توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۸۳ - در هر مورد که موافق مقررات ماده قبل محکمه بر بطلان شرکت یا اعمال و تصمیمات آن حکم کند مؤسسی که مسؤول این بطلان هستند و همچنین مفتشین و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند متضامناً مسؤول خساراتی خواهند بود که از این بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه می‌شود. همین مسؤولیت ممکن است به شرکایی متوجه شود که سهم غیر نقدی آنها تقویم و تصویب نشده یا مزایایی که مطالبه کرده‌اند به تصدیق نرسیده باشد.

ماده ۸۴ - هرگاه قبل از اقامه دعوا برای ابطال شرکت یا برای ابطال عملیات و قراردادهای شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دعوی ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۸۵ - اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یک سال منقضی شده و اشخاص خارج از جهت معاملاتی که با ایشان شده است به استناد اموری که موجب بطلان بوده و دعوی خسارت نکرده باشند دیگر دعوی مزبور از آنها پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۸۶ - هرگاه مقرر شده باشد که مجمع عمومی مخصوصی برای رفع موجبات بطلان منعقد شود و دعوت اعضاء نیز برای انعقاد مجمع موافق اساسنامه به عمل آمده باشد دعوی بطلان از تاریخ دعوت مجمع در محکمه پذیرفته نخواهد شد مگر این که مجمع مزبور موجبات بطلان را رفع ننماید.



ماده ۸۷ - هرگاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته واقامه دعوی بطلان و خسارت نشده باشد دیگر دعوی مذکور پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۸۸ - استرداد منافی که بین شرکاء تقسیم شده ممکن نیست مگر این که تقسیم بدون ترتیب صورت دارایی یا مخالف نتیجه حاصله از صورت مزبور به عمل آمده باشد در این صورت نیز فقط تا پنج سال اقامه دعوی استرداد می توان نمود. مبداء مرور زمان روز تقسیم منافع است.

۸ - مقررات جزائی

ماده ۸۹ - هر کسی سهام یا قطعات سهام شرکتی را که در مورد آن یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۴ و ۵۰ این قانون رعایت نشده صادر نماید، به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی علاوه بر خسارات وارده به شرکت یا افراد محکوم خواهد شد. در مواردی که عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی است مرتکب به مجازات مقرر در آن ماده نیز محکوم می شود.

ماده ۹۰ - حکم فوق درباره اشخاصی نیز مقرر است که برخلاف واقع خود را صاحب سهام یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رأی شرکت نمایند و یا سهامی را برای این که به طور تقلب استعمال شود به دیگری بدهند. در مورد این ماده علاوه بر جزای نقدی، متخلف را می توان به یک تا شش ماه حبس تأدیبی نیز محکوم نمود.

ماده ۹۱ - هر کس سهام یا قطعات سهامی را که در مورد آنها مقررات یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۸ و ۳۹ رعایت نشده با علم به عدم رعایت قانون معامله کرده یا شرکت در معامله داشته و یا قیمت آنها را اعلان نموده باشد؛ به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی باشد مرتکب به مجازات حبس مذکور در آن ماده نیز محکوم شود.

ماده ۹۲ - اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می شوند:

۱ - هر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد ابتیاع سهام یا تأدیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تأدیه ای را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل، دیگری را وادار به تعهد خرید سهام یا تأدیه قیمت سهام نماید اعم از این که عملیات مذکور مؤثر شده یا نشده باشد؛

۲ - هر کس به طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام اسم اشخاصی را برخلاف واقع به عنوانی از عناوین جزء شرکت قلمداد نماید؛

۳ - مدیرهایی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزبور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

۹ - در انحلال شرکت

ماده ۹۳ - شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می شود:



۱ - وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد؛

۲ - وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد؛

۳ - در صورتی که شرکت ورشکست شود؛

۴ - در صورت تصمیم مجمع عمومی

